



فصلنامه‌ی پژوهش‌ها و حساب‌های حرفه‌ای

سال اول | شماره دو | بهار ۱۴۰۰



صاحب امتیاز

انتشارات جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

مدیر مسئول

دکتر سید محمد علوی

سر دبیر

دکتر زهرا پورزمانی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مشاور علمی

دکتر فریدون رهنمای رودپشتی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مدیر داخلی

دکتر مژده کدخدایی الیادرائی

هیأت تحریریه

دکتر مهدی صالحی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر احمد خدای پور

استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر حسن یزدی‌فر

استاد حسابداری دانشگاه بورنموث انگلستان

دکتر محمد حسین قائمی

استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

دکتر سعید همایون

دانشیار حسابداری دانشگاه گاول سوئد

دکتر آزیتا جهانشاد

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دکتر زهرا پورزمانی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دکتر سید حسین سجادی

استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر علی رضا فضل‌زاده

دانشیار دانشگاه تبریز

دکتر علی اکبر عرب‌مازار

استاد دانشگاه شهید بهشتی

نشانی: تهران، خیابان سپهبد قرنی، نرسیده به پل کریم‌خان زند

خیابان شهید امانی، پلاک چهار، جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

نمابر: ۸۸۸۰۱۹۱۰

تلفن: ۴۲۹۲۵

سامانه‌ی ارسال مقالات و داوری: article.iacpa.ir

این فصلنامه طبق مجوز شماره ۸۶۷۶۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۲ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

به چاپ می‌رسد.

این فصلنامه با همکاری انجمن علمی حسابداری مدیریت ایران به چاپ می‌رسد.

فهرست داوران دوره دوم

نام	نام خانوادگی	رتبه علمی	سمت / سازمان
رویا	دارایی	دانشیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
سید یوسف	احدی سرکانی	دانشیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه
فرزین	رضایی	دانشیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین
حسین	سجادی	استاد	دانشگاه شهید بهشتی
فریدون	رهنمای رودپشتی	استاد	دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
محمد	محمودی	استادیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه
دکتر محمد	نوروزی	استادیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبد کاووس
زهرا	پورزمانی	استاد	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
آریتا	جهانشاد	دانشیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
علی اکبر	رجبی	استادیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی و ارزیابی نقش حسابرسی داخلی

در مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی بانک کشاورزی

کتایون برخورداری، امین ناظمی، نویدرضا نمازی

۸

رابطه‌ی بین تأخیر عادی گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام

و اثر کارایی عملکرد حسابرسی داخلی بر آن

محمد حسین صفرزاده بندری، حسین رضایی نماور، مژگان حیدری

۳۶

بررسی تأثیرپذیری تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاریشان

احسان رحمانی‌نیا، زهرا پورزمانی، آیدا گلپایگانی

۵۶

تأثیر استرس بر استقلال حرفه‌ای حسابسان

جمال بحری ثالث، سعید جبار زاده کنگرلویی، تورج بهرامی، محسن حق ویردی زاده

۸۴

تأثیر افشائیات گزارش حسابرس بر شکست کسب و کارها

فاطمه دادبه، زینب پرتوی فر

۱۰۶

تبیین رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق الزحمه‌ی حسابرسی

با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای

رویا دارابی، بهرام پسندیده پارسا، محمدرضا حاجی رضا

۱۳۲

نقش فشارهای نزولی بر حسابرس در انحرافات موجود در گزارشگری مالی مبتنی بر نظریه‌ی فشار

حق الزحمه‌ی حسابرسی، نظریه‌ی حسابرسی شونده و حسابرسی کننده‌ی دولتی

وحید بخردی‌نسب

۱۵۶

راهنمای نگارش مقالات

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیأت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقالات به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، فونت عنوان: قلم فارسی متن B Titr با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ فونت متن: قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰٫۳ سانتی‌متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ‌چین)، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و نمودارها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ نقطه (pt) قبل و بعد از نگاره و نمودار و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و مآخذ) و بدون شماره‌گذاری صفحات، حروف‌چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت و داوری مقالات article.iacpa.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار مقاله

۱-۲. صفحه جلد مقاله: این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. صفحه اول مقاله: عنوان و چکیده مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۵۶۱ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه).

۳-۲. صفحه دوم تا انتهای مقاله: این بخش باید دربردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛
- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛
- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛
- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج) (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد) و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛
- فهرست منابع.
- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌های فارسی در متن مقاله از روش APA (ای.پی.ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که :

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.
- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.
- در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای.پی.ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و براساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره‌گذاری می‌شود:

- ۱-۴. کتاب: نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۲-۴. مقاله: نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه) ۳-۴. مقالات برخط: نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت ۳-۴. گزارش‌ها و سایر منابع: در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود. - در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره‌گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۵، ۰ سانتی متر می‌باشد.

۵. نمودارها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان نمودارها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است نمودارها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آن‌ها اشاره شده، درج شوند. برای شماره‌گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و نمودارها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جداولی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا ... شماره‌گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت جدول چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (Border No) ارائه شود. شماره‌گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

۷. سایر نکات

- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دونقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و ... نیازی به فاصله نیست، اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.
- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید.

- معادل‌های انگلیسی عناوین علمی نویسندگان به شرح نگاره زیر می‌باشد:

عناوین	معادل انگلیسی
کارشناس	BSc.
دانشجوی کارشناسی ارشد	MSc. Student
کارشناسی ارشد	MSc.
دانشجوی دکترا	Ph.D. Student
دکتر	Ph.D.
استادیار	Assistant Prof.
دانشیار	Associate Prof.
استاد	Prof.

- * مقاله‌های فرستاده شده نباید به صورت هم‌زمان به مجله‌های فارسی‌زبان دیگری در داخل و یا خارج از کشور ارسال شده باشد.
- * فصلنامه از پذیرش مقاله‌هایی که موارد شکلی و ساختاری یاد شده در راهنما در آن‌ها رعایت نشده باشد، معذور است.
- * فصلنامه در ویرایش مقاله‌ها و حذف برخی بخش‌ها، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است و مقاله‌هایی را که دریافت می‌کند، باز نمی‌گرداند.
- * مسئولیت صحت و سقم مطالب مقاله به عهده نویسنده است.
- * فایل ورد را به زبان انگلیسی نام‌گذاری کنید. این نام باید شامل: نام خانوادگی نویسنده اول و تاریخ ارسال مقاله باشد.
- * به منظور تسریع در فرایند داوری و چاپ مقاله، از استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود قبل از ارسال مقاله از ویرایش فنی و ادبی مقاله و رعایت نکته‌هایی که در این راهنما درج شده است، اطمینان حاصل نمایند.
- * مقاله‌های پژوهشی به مقاله‌هایی گفته می‌شود که از پروژه تحقیقاتی، رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد استخراج شده باشد.
- لطفا حجم فایل ارسالی بیشتر از ۵ مگابایت نباشد.
- نویسندگان محترم ملزم هستند فرم تعهد نامه و فرم تعارض منافع پس از تکمیل، امضا و اسکن به همراه فایل مقاله ارسال فرمایند.



Investigating Factors Influencing the Internal Audit Effectiveness and Evaluating Internal Audit Role in Risk Management and Internal Controls of Keshavarzi Bank

Katayoun Barkhordar¹, Amin Nazemi², Navid Reza Namazi³

Received: 2021/05/21

Approved: 2021/08/07

Research Paper

Abstract

The purpose of this study is investigating factors that influencing the internal auditing effectiveness and then evaluating the role of this department in risk management and internal controls of Keshavarzi bank. This research is applied and a descriptive. Required data were collected from 78 bank experts in different organizational categories including internal auditors and inspectors, senior managers and experts in charge of Keshavarzi bank by questionnaire in 2019. The research hypotheses were analyzed by using SPSS software and the statistical method of Smart PLS software with structural equation modeling. The results showed that the factors of internal auditing independence, internal auditor's competence, management support of internal audit, internal auditing size and the relationship of internal and independent auditors had a significant positive effect on the effectiveness of internal auditing. Also, the effectiveness of internal auditing improves the bank's internal controls but does not have a significant impact on improving bank risk management. Based on the results of this study, it is better to involve internal auditors with risk management in the risk assessment process, setting up an internal auditing program with a risk-based approach to identify the priorities of the internal auditors' activity, to providing a more effective internal audit in Keshavarzi bank.

Key Words: Internal Audit Effectiveness, Internal Auditors Independence, Relationship between Internal and Independent Auditors, Management Support, Internal Controls, Risk Management.

 10.22034/ARJ.2021.245328

1. MSc. of Accounting, Shiraz University, Shiraz, Iran . accountant_shiraz@yahoo.com

2. Assistant Professor of Accounting, Shiraz University, Shiraz, Iran. (Corresponding Author) aminnazemi@gmail.com

3. Assistant Professor of Accounting, Shiraz University, Shiraz, Iran . navidnamazi2003@yahoo.com

<http://article.iacpa.ir>

بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی و ارزیابی نقش حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی بانک کشاورزی

کتابتون برخوردار^۱، امین ناظمی^۲، نویدرضا نمازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی و ارزیابی نقش این واحد در مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی بانک کشاورزی است. این پژوهش از حیث هدف یک پژوهش کاربردی و همچنین از دسته پژوهش‌های پیمایشی و توصیفی است. داده‌های مورد نیاز از ۷۸ نفر از صاحب‌نظران بانکی در رده‌های مختلف سازمانی شامل حساب‌برسان داخلی و بازرسان، مدیران ارشد و کارشناسان مسئول بانک کشاورزی به وسیله پرسشنامه در سال ۱۳۹۸ جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش آماری معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS انجام گردید. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل استقلال حسابرسی داخلی، صلاحیت حساب‌برسان داخلی، حمایت مدیریت از حسابرسی داخلی، اندازه‌ی حسابرسی داخلی و ارتباط حساب‌برسان داخلی و مستقل بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مثبت معناداری دارند. همچنین اثربخش بودن حسابرسی داخلی باعث بهبود کنترل‌های داخلی بانک می‌شوند اما بر بهبود مدیریت ریسک بانک تأثیر معناداری ندارد. بر اساس نتایج پژوهش بهتر است ضمن مشارکت حساب‌برسان داخلی با مدیریت ریسک در فرآیند ارزیابی ریسک، تنظیم برنامه‌ی حسابرسی داخلی با نگرش مبتنی بر ریسک برای شناسایی اولویت‌های فعالیت حساب‌برسان داخلی، زمینه‌ی اثربخشی مؤثرتر حسابرسی داخلی را در بانک کشاورزی فراهم نمود.

واژه‌های کلیدی: اثربخشی حسابرسی داخلی، استقلال حساب‌برسان داخلی، ارتباط بین حساب‌برسان داخلی و مستقل، حمایت مدیریت، کنترل‌های داخلی، مدیریت ریسک

doi 10.22034/ARJ.2021.245328

accountant_shiraz@yahoo.com

aminnazemi@gmail.com

navidnamazi2003@yahoo.com

http://article.iacpa.ir

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شیراز

۲. استادیار حسابداری، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول).

۳. استادیار حسابداری، دانشگاه شیراز

۱- مقدمه

حسابرسی داخلی نقش ارزنده‌ای در ارکان راهبری شرکت، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی به ویژه در بانک‌ها دارد. دامنه‌ی فعالیت حسابرسان داخلی در بانک‌ها (برخلاف بازرسان که تنها قوانین و مقررات را بررسی می‌نمایند)، کارایی، اثربخشی، صرفه‌ی اقتصادی عملیات (اهداف مدیریتی) و گزارشگری صورت‌های مالی (اهداف گزارشگری) را نیز در بر می‌گیرد. با توجه به اهمیت این اهداف، لازم است حسابرسان داخلی از ویژگی‌های حرفه‌ای مانند صلاحیت و استقلال برخوردار باشند و نقش خود در اطمینان‌بخشی نسبت به اطلاعات مالی را با مشاوره در زمینه‌ی امور راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی بانک‌ها به نحو شایسته ایفا نمایند (ایمانی‌برندق، حسینی‌غنچه و جاویدی‌اصل، ۱۳۹۴). علاوه بر این، حسابرسی داخلی به واسطه‌ی تخصصی که از درک ریسک‌های سازمان و کنترل‌های داخلی برای کاهش ریسک‌ها دارد، مدیریت را یاری و توصیه‌هایی برای بهبود ارائه می‌کند. سازمان‌های فاقد نهاد حسابرسی داخلی، نه تنها از خدمات حرفه‌ای حسابرسی داخلی محروم مانده‌اند بلکه در معرض ریسک اتکا بر مدیریت برای کنترل ریسک هستند. در بسیاری موارد مدیریت ارشد فاقد دیدگاه بی‌طرف و مستقل و نیز مهارت کنترل ریسک است. بررسی تاریخی و پیشینه‌ی حرفه‌ی حسابرسی داخلی در ایران (به طور نمونه: کمالی‌زارع، ارباب‌سلیمانی، ۱۳۹۳) نشان می‌دهد که با وجود تغییرات به‌وجود آمده در محیط اقتصادی و حرفه‌ای حسابداری، به دلیل عدم حمایت مدیران سطوح بالا و کارکنان واحد تجاری و عدم هماهنگی لازم بین عملیات حسابرسی داخلی و نیازهای مدیریت واحد تجاری، دگرگونی بنیادی در این حرفه صورت نگرفته است (زمان، ۱۳۹۴). همچنین عدم دانش فنی و حرفه‌ای نزد حسابرسان و بازرسان داخلی، زمینه‌های بی‌اثر بودن حضور و وجود این واحد و اشخاص را در هر سیستمی فراهم می‌کند و در این شرایط امکان بروز مشکلات و انواع ریسک‌ها و سوءاستفاده‌ها تشدید می‌شود. بدیهی است که این موضوع در بروز بحران‌های جدی برای مؤسسات مالی و بانک‌ها که اساساً بر پایه‌ی اعتماد مردم قادر به ادامه‌ی فعالیت هستند، تأثیر بسزایی دارد.

شواهد اندکی نیز در خصوص شرایط مطلوب برای افزایش اثربخشی حسابرسی داخلی در بانک‌ها گزارش شده است (نصراللهی، ۱۳۹۴). همچنین جایگاه حسابرسان داخلی در بهبود کنترل‌های داخلی و به‌خصوص مدیریت ریسک بانک‌ها در مطالعات گذشته به خوبی تبیین نشده است. اهمیت این موضوع در بانک‌های دولتی و تخصصی نظیر بانک کشاورزی با گستره فعالیت‌های متنوع این حوزه بیش‌تر به نظر می‌رسد. با توجه به الزام بازسازی ساختار مالی بانک‌های دولتی که در راستای قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور به بانک‌ها ابلاغ شده است به ساختار مالی بانک‌ها اشاره دارد. لذا در زمینه‌ی ارزیابی اثربخشی حسابرسی داخلی بانکی شواهد اندکی وجود دارد و علی‌رغم اهمیت جایگاه نظام بانکی در تأمین مالی اقتصاد کشور، بررسی جایگاه حسابرسان داخلی در بهبود سازوکارهای مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی در عین اهمیت، به عنوان یک حلقه‌ی مفقوده در پژوهش‌های حسابداری وجود

دارد. این پژوهش از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که به تبیین دیدگاه افراد صاحب‌نظر بانکی در خصوص موضوع عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی و نقش آن‌ها در مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی بانک‌ها می‌پردازد. این مطالعه به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که آیا حمایت مدیریت بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر دارد؟ آیا صلاحیت کارکنان حسابرسی بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر دارد؟ تأثیر استقلال حسابرسی داخلی، اندازه‌ی حسابرسی داخلی و ارتباط حسابرسان داخلی و حسابرسان مستقل بر اثر بخشی حسابرسی داخلی چگونه است؟ افزون بر این آیا اثربخشی حسابرسی داخلی می‌تواند بر بهبود مدیریت ریسک و بهبود کنترل‌های داخلی تأثیر داشته باشد؟ در راستای پاسخ به پرسش‌های ذکر شده، هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی و ارزیابی نقش حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی در بانک‌ها است.

با توجه به مطالب عنوان شده و اهمیت حسابرسی داخلی در بانک‌ها، به نظر می‌رسد به منظور بهینه شدن عملکرد حسابرسی داخلی ابتدا باید عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی حسابرسی داخلی ارزیابی و سپس جایگاه آن در بهبود مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی بررسی شود. بنابراین ابتدا به بیان مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش پرداخته می‌شود. در ادامه پس از تدوین الگوی مفهومی، فرضیه‌ها و تشریح روش‌شناسی مطالعه، یافته‌ها، پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری پژوهش

حسابرسی داخلی: بر اساس نظریه‌ی نمایندگی، شرکت شامل مجموعه‌ای از روابط قراردادی بین سهامداران (مالکان) و مدیران (نمایندگان) است که کار استفاده از منابع آنان را بر عهده دارد (پاینه، پترنکو، ۲۰۱۹). مدیران در سازمان به نمایندگی از مالکانی کار می‌کنند که اجازه و اختیار برخی از تصمیم‌گیری‌ها را به مدیران تفویض کرده‌اند. مدیران می‌توانند از این اختیارات برای برخورداری از منافع شخصی‌شان سوءاستفاده کنند. هیأت مدیره برای آن که بتواند از نزدیک ناظر بر عملکرد مدیران باشد از خدمات حسابرسی داخلی استفاده می‌کند. نظریه‌ی نمایندگی مدعی است که حسابرسی داخلی همانند دیگر سازوکارهای مداخله‌گر هم‌چون گزارشگری مالی و حسابرسی مستقل به حفظ بهینگی قرارداد بین مدیران و سهامداران کمک می‌کند و این سهامدار است که در قبال حفظ منافع خود هزینه‌ی کارکرد حسابرسی داخلی را پرداخت می‌کند (آدامز، ۱۹۹۸).

طبق تعریف انجمن حسابرسان داخلی آمریکا، حسابرسی داخلی نوعی فعالیت اطمینان‌دهی و مشاوره‌ای مستقل و بی‌طرفانه است که با هدف ارزش‌آفرینی و بهبود عملکرد سازمان انجام می‌شود. حسابرسی داخلی با اتخاذ رویکردی منظم و روشمند به سازمان کمک می‌کند تا به هدف‌های خود دست یابد و اثربخشی فرآیندهای مدیریت ریسک، کنترل‌ها و حاکمیت را ارزیابی و بهبود بخشد. بر اساس بند ۳ استاندارد حسابرسی شماره‌ی ۶۱۰ ایران، کمیته‌ی فنی سازمان

حسابرسی نیز در رابطه با حسابرسی داخلی بیان می‌کند که «حسابرسی داخلی یعنی وظیفه‌ی ارزیابی که در داخل واحد مورد رسیدگی و توسط کارکنان آن به منظور ارائه‌ی خدمت به آن واحد به‌وجود می‌آید و یکی از ارکان اصلی محیط کنترلی محسوب می‌شود». افزون بر این ارزیابی و بررسی کفایت و اثربخشی سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی از جمله وظایف اصلی آن است (کمیته‌ی تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۳). تعریف مزبور دلالت بر این دارد که حسابرسی داخلی دستخوش یک تغییر پارادایم از تأکید بر پاسخگویی در مورد گذشته به بهبود نتایج آینده قرار گرفته است تا به صاحبکاران کمک کند و به طور مؤثرتر و کارآمدتر عمل نمایند (میهرت، ایسما، ۲۰۰۷).

حمایت مدیریت از حسابرسی داخلی: انجمن حسابرسان داخلی آمریکا (۲۰۱۱) بیان می‌کند که مدیریت با حمایت از عملیات حسابرسی داخلی در واقع خدمات بیمه‌ای را به واسطه حسابرسی داخلی برای عملیات سازمان به‌خصوص در بحث‌های کنترلی ایجاد می‌کند. در این ارتباط عملیات حسابرسی داخلی می‌تواند ریسک مربوط به کنترل و سایر عملیات سازمان را ارزیابی نماید و به مدیریت در طراحی و به‌کارگیری کنترل‌های مؤثر به‌خصوص در فرآیندهای گزارشگری مشاوره دهد. همچنین قانون ساربنز آکسلی بخش ۳۰۳ نیز بر حمایت مدیریت به‌منظور ارائه خدمات تضمین شده کنترلی توسط حسابرس داخلی تأکید داشته است. چنانچه کنترل‌ها مشکلی داشته باشند حسابرسی داخلی می‌تواند با ارزیابی برنامه‌های مدیریت برای تصحیح و ارتقای برنامه‌ها اقدام نماید (سلیمانی‌امیری، طاهری، ۱۳۹۷).

حمایت مدیران ارشد شامل پاسخگویی آن‌ها نسبت به یافته‌ها و توصیه‌های حسابرسان داخلی همراه با تعهداتشان نسبت به تقویت بخش حسابرسی داخلی می‌باشد. یافته‌ها و توصیه‌های حسابرسی داخلی هنگامی به سازمان در راستای دستیابی به اهداف خود کمک می‌کند که مدیریت متعهد به اجرای آن‌ها شود. اجرای توصیه‌های حسابرسی داخلی اثربخشی حسابرسی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر، مدیریت سازمان به عنوان مشتری دریافت خدمات حسابرسی داخلی به حساب می‌آید و در نتیجه تعهد مدیریت نسبت به استفاده از توصیه‌های حسابرسی و حمایت آن در تقویت حسابرسی داخلی برای اثربخشی حسابرسی بسیار حیاتی است (ساویر، ۱۹۹۵). هایلماویم، (۲۰۱۴)، میهرت و ایسما (۲۰۰۷) در مطالعه‌ی موردی در خصوص اثربخشی در سازمان‌های دولتی نشان دادند که مؤلفه‌ی حمایت مدیریت ارشد شامل واکنش به یافته‌ی حسابرسی و تعهد به تقویت حسابرسی داخلی تأثیر با اهمیتی بر اثربخشی حسابرسی داخلی دارد. با توجه به این موضوع، حسابرس داخلی انتظار دارد مدیریت ارشد سازمان اولین گام‌ها را برای حمایت از فرآیند حسابرسی داخلی بردارد.

واحد حسابرسی داخلی باید دارای منابع کافی از نظر مالی، انسانی و نیروی خیره باشد (ایسیا، اکودا، ۲۰۱۲). مدیر حسابرسی داخلی باید ارزیابی منظم از مهارت‌های مورد نیاز برای انجام کار و کفایت بودجه‌ی واحد حسابرسی داخلی برای استخدام و حفظ اعضای خبره و با تجربه در قبال چالش‌های کل سازمان و اجرای عملیات کافی، داشته باشد و به کمیته‌ی حسابرسی گزارش دهد

(انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۱۳).

طبق یافته احمد و همکاران (۲۰۰۹) کم بودن تعداد حسابرسان داخلی، مانع اصلی موفقیت واحد حسابرسی داخلی در بخش عمومی مالزی است. به عقیده آنان، پشتیبانی قوی مدیریت موجب می‌شود که واحدهای حسابرسی داخلی، کارکنان و منابع کافی داشته باشند و کارکنان بتوانند مسئولیت ایشان را با موفقیت انجام دهند. به نظر علی، گلوپیک، علی، احمی و سهدان (۲۰۰۷)، کمبود پرسنل واجد شرایط یکی از چالش‌های حسابرسی داخلی است. مدیر حسابرسی داخلی باید مراقبت کند که منابع حسابرسی داخلی، کافی و مناسب باشد و آن‌ها را به‌طور مؤثر مورد استفاده قرار دهد. تعداد بیش‌تر کارکنان، نشان‌دهنده‌ی اندازه‌ی بزرگ‌تر واحد حسابرسی داخلی است. با توجه به تأثیر حمایت مدیریت بر اثربخشی کنترل‌های داخلی، فرضیه‌ی اول پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه‌ی ۱: حمایت مدیریت تأثیر مثبت معناداری بر اثربخشی حسابرسی داخلی دارد.

صلاحیت کارکنان حسابرسی داخلی: استاندارد ۱۲۰۰ بخش ویژگی‌های انجمن حسابرسان داخلی، در مورد کارآزمودگی و دقت حرفه‌ای حسابرسان داخلی بیان می‌دارد: اگر حسابرسان داخلی فاقد دانش، توانایی‌ها و ویژگی‌های حرفه‌ای لازم برای انجام تمام یا بخشی از کار حسابرسی باشند، مدیر حسابرسی داخلی باید کمک و مشورت لازم را ارائه دهد. همچنین حسابرسان داخلی باید دانش کافی برای ارزیابی ریسک تقلب و ارزیابی مدیریت آن در سازمان داشته باشند ولی انتظار نمی‌رود که به اندازه‌ی دانش کسانی باشد که مسئولیت اصلی جست وجو و کشف تقلب بر عهده آن‌ها است. از طرف دیگر حسابرسان داخلی باید از دانش کافی در مورد ریسک‌های مهم فن‌آوری اطلاعات و کنترل‌ها و نرم افزارهای حسابرسی داخلی برای اجرای وظایف محول برخوردار باشند. البته انتظار نمی‌رود کلیه‌ی حسابرسان داخلی به اندازه‌ی فردی که مسئولیت اصلی وی حسابرسی فن‌آوری اطلاعات است خبره باشند (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۱۳). علاوه بر این، حسابرسان داخلی به مهارت‌های ارتباطی خوب، ترغیب، همکاری و تفکر انتقادی نیاز دارند تا به طور مؤثر وظایف خود را انجام دهند. مفهوم صلاحیت حرفه‌ای دربرگیرنده‌ی دو جنبه‌ی اساسی زیر است (همان):

الف) کسب صلاحیت حرفه‌ای: این کار نیازمند برخورداری از تحصیلات عالی است که بر اساس ضوابط تشکلهای حرفه‌ای مربوط از طریق آموزش ویژه، کارآموزی، گذراندن امتحانات و کسب تجربیات حرفه‌ای تکمیل می‌شود.

ب) حفظ صلاحیت حرفه‌ای: حفظ این موضوع مستلزم آگاهی مستمر از تغییر و تحولات حرفه، به ویژه به‌کارگیری برنامه‌ای است که در اثر اجرای آن اطمینان حاصل شود که خدمات حرفه‌ای (با استفاده از یک سیستم کنترل کیفی مناسب) با کیفیت مطلوب و در انطباق با اصول و ضوابط حرفه‌ای ارائه می‌شود. مطابق با توضیحات ارائه شده، فرضیه‌ی دوم به این شرح تدوین می‌شود:

فرضیه‌ی ۲: صلاحیت کارکنان حسابرسی داخلی تأثیر مثبت معناداری بر اثربخشی حسابرسی داخلی دارد.

استقلال حسابرسی داخلی: استقلال حسابرس از دیرباز به عنوان محرک کلیدی در نقش حسابرسی داخلی مطرح بوده است. بر اساس بیانیه‌ی مفاهیم استقلال هیأت استانداردهای استقلال که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد، استقلال حسابرس عبارت است از: «رهایی از فشارها و سایر عواملی که توان حسابرس برای تصمیم‌گیری بدون تعصب را می‌فرساید یا انتظار می‌رود که بفرساید». منظور از این تعریف این نیست که حسابرس باید از همه‌ی فشارها و سایر عوامل مؤثر بر توان تصمیم‌گیری وی رها و آزاد باشد اما حسابرس باید از عوامل بااهمیتی که توان او را برای تصمیم‌گیری بدون غرض کاهش می‌دهد، در امان باشد (بزرگ‌اصل، ۱۳۸۰). برای مفهوم استقلال حسابرس سه بعد ارائه شده است (حساس‌یگانه، ۱۳۸۸، به نقل از: متز، شرف، ۱۹۶۱):

- استقلال برنامه‌ریزی حسابرسی: یعنی آزادی از کنترل یا تأثیر بی‌جا در انتخاب روش‌ها و رویه‌های حسابرسی و محدوده‌های کاربرد آن‌ها. در این رابطه، حسابرس لازم است آزادی تدوین برنامه‌ی خود را هم بر اساس مراحل لازم، حجم نمونه و هم دامنه‌ی حسابرسی، داشته باشد.

- استقلال گردآوری و ارزیابی شواهد مناسب: یعنی آزادی از کنترل یا تأثیر بی‌جا در انتخاب زمینه‌ها، فعالیت‌ها، روابط فردی و خط‌مشی‌های مدیریتی که باید مورد بررسی قرار گیرند. در این رابطه لازم است که راه دستیابی به هیچ منبع اطلاعاتی مشروع بر روی حسابرسی مسدود نباشد.

- استقلال گزارشگری: یعنی آزادی از کنترل یا تأثیر بر گزارش یافته‌های حسابرسی.

علاوه بر تأکید بر استقلال حسابرس مستقل، ساختارهای حرفه‌ای و تدوین‌کنندگان استانداردها، استقلال و بی‌طرفی حسابرسان داخلی را نیز تجویز کرده‌اند. بر خلاف چیزی که در واقعیت سازمان‌ها وجود دارد، استقلال و بی‌طرفی حسابرسی داخلی به عنوان عامل کلیدی در اثربخشی آن است (شمشیری‌یگانه، ۱۳۹۴). بیلای (۲۰۰۷) معتقد است استقلال به مفهوم آزاد بودن از هر نوع اثر مدیر در زمان انجام حسابرسی و صدور گزارش است. اگر واحد حسابرسی داخلی بزرگ‌تر باشد، می‌تواند استقلال بیش‌تری داشته باشد. در طول سالیان گذشته، نهادهای حرفه‌ای و استانداردارگذاران بر اهمیت استقلال و بی‌طرفی حسابرسان داخلی برای کیفیت حسابرسی داخلی علی‌رغم وضعیت استخدامی آن‌ها در سازمان تأکید کرده‌اند. استقلال و بی‌طرفی از عناصر کلیدی اثربخشی هستند. مطالعات دیگر بر فقدان استقلال در عملکرد حسابرسی داخلی و افزایش نگرانی‌ها تمرکز کرده‌اند و این که چگونه این عدم استقلال می‌تواند بر عملکرد حسابرسی داخلی تأثیر بگذارد (احمد، عثمان، جوزف، ۲۰۱۲). بر این اساس، فرضیه‌ی سوم و چهارم تدوین می‌گردد:

فرضیه‌ی ۳: استقلال حسابرسی داخلی تأثیر مثبت معناداری بر اثر بخشی حسابرسی داخلی دارد.

فرضیه‌ی ۴: اندازه حسابرسی داخلی تأثیر مثبت معناداری بر اثربخشی حسابرسی داخلی دارد. ارتباط حسابرسان داخلی و مستقل: هر چند هدف اولیه‌ی حسابرسی داخلی از اهداف حسابرسی مستقل متفاوت است ولی علایق و منافع مشترکی دارند که مبنا و اساسی برای

همکاری بین آن‌ها فراهم می‌آورد. در حالی که وظایف حسابرسی داخلی بخش مهمی از سیستم کنترل داخلی است اما اتکای حسابرس مستقل بر کار حسابرس داخلی احتمالاً باعث کاهش مقدار کار انجام شده توسط حسابرس مستقل و کاهش هزینه‌های حسابرسی مستقل می‌شود (عبدالرحمان، بریرلی، جی ویلیام، ۲۰۰۴).

والاس (۱۹۸۴) شیوهی کمک حسابرسان داخلی به حسابرسان مستقل را به شرح ذیل بیان می‌کند:

• **همکاری سازمانی:** این مورد شامل تهیهی جداول کمکی، گردآوری اسناد و مدارک برای بررسی، اصلاح اسناد برای تسهیل امور مختلف و گسترش روش‌های حسابرسی مبتنی بر سیستم‌های رایانه‌ای است.

• **کمک برای مرور و بررسی:** این مورد شامل تجزیه و تحلیل حساب‌ها، بررسی و مستند کردن کنترل‌ها، بررسی دقیق تغییرات و اطلاعات مرکز عملیات و بررسی‌های موقت طرح‌ها و راه‌حل‌ها می‌باشد.

• **تسهیل در انجام آزمون‌ها:** این مورد شامل مشاهدهی موجودی‌ها، تأیید اعتبار مشتریان، آزمون داده‌های حقوق و دستمزد، تجزیه و تحلیل حساب‌های مشکوک‌الوصول، آزمون رعایت مقررات و قوانین و کنترل کارمندان و آزمون‌های تراز حساب‌ها است.

• **کمک در تهیه و ارائه‌ی یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی:** این مورد معمولاً شامل بهره‌گیری از محتوای نامه‌ی مدیریت و هماهنگی دیدگاه‌های مدیریت با حسابرسان مستقل در مورد کنترل‌ها و عملیات است.

• **کمک‌های عمومی:** شامل بازرسی محل‌ها، به‌کارگیری حسابرسی‌های سیستم و حمایت از سیستم‌های موجود است (مشایخی، حسن‌زاده، وحیدی، منتی، ۱۳۹۴).

طبق مبانی نظری ارائه شده، فرضیه‌ی پنجم به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه‌ی ۵: ارتباط حسابرسان داخلی و حسابرسان مستقل تأثیر مثبت معناداری بر اثربخشی حسابرسی داخلی دارد.

اثربخشی حسابرسی داخلی: وجود حسابرسی داخلی در سازمان‌ها، به تنهایی نمی‌تواند متضمن تحقق کامل اهداف سازمانی و مدیریتی باشد بلکه حسابرسی داخلی اثربخش و کارآمد به‌طور خاص به افراد درون سازمانی و به‌طور عام به افراد برون‌سازمانی، خدمات سودمندی ارائه می‌کند (جیکسون، پیتمن، ۲۰۰۶). در مطالعات گذشته، رویکرد و شیوه‌های اندازه‌گیری متنوعی برای اندازه‌گیری اثربخشی ارائه شده است. طبق یافته‌ی فتحی‌عبداللهی، آقایی (۱۳۹۶) منشور رسمی، دسترسی نامحدود، کارکنان شایسته، حمایت مدیریت ارشد و انطباق با استانداردهای حسابرسی حرفه‌ای ارتباط مستقیمی با اثربخشی حسابرسی داخلی دارند. از دیدگاه انصاری و ده‌یادگاری (۱۳۸۹) استفاده‌ی ابزاری از فن‌آوری اطلاعات توسط حسابرسان، مهارت‌های کارکنان حسابرسی داخلی در زمینه فن‌آوری اطلاعات، بر اثربخشی حسابرسی داخلی مؤثر است. نتایج پژوهش موکاتاش (۲۰۱۱) نشان داد که گردش کارکنان، برون‌سپاری فعالیت حسابرسی

داخلی، داشتن کتابچه‌ی راهنمای رسمی، منشور حسابرسی و داشتن واحد کنترل کیفیت، باعث اثربخش‌تر شدن حسابرسی داخلی می‌شود. نتیجه پژوهش موکاتاش (۲۰۱۳) بیانگر آن است که کمیت‌های حسابرسی مؤثر با افزایش عینیت حسابرسان داخلی، جایگاه عملکرد حسابرسی داخلی را تقویت می‌کند.

مدیریت ریسک: منظور از مدیریت ریسک شناسایی، تحلیل و کنترل اقتصادی ریسک‌ها یا احتمال خطرهایی است که می‌تواند دارائی‌ها و درآمدهای بنگاه اقتصادی را تهدید نماید (زندحسامی، ساوجی، ۱۳۹۱). در واقع، مدیریت ریسک همان سامانه‌ای است که جهت نظم‌بخشی به عملیات مقابله با عدم قطعیت یا احتمال انحراف طراحی می‌شود. مدیریت ریسک مانند یک رادار جلوبین عمل کرده و آینده‌ی غیرقطعی را جست‌وجو می‌کند تا چیزهایی را که ممکن است سبب خطری مهم شوند، شناسایی و از آن‌ها اجتناب شود و یا فرصتی مهم کشف شود (دری، حمزه‌ای، ۱۳۸۹). مدیریت ریسک یکی از مهم‌ترین ارکان سیستم‌های مالی و بانکی و در برگیرنده‌ی آن قسمت از فعالیت‌های بانک است که مجموعه ریسک‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعیین، اندازه‌گیری، مشاهده و کنترل ریسک‌ها فرآیند مدیریت ریسک را تشکیل می‌دهند. هدف اصلی مدیریت ریسک در هر سازمان، ارائه‌ی بهترین عملکرد و بهینه‌سازی استفاده از سرمایه و به حداکثر رساندن ارزش دارایی‌های سهامداران است که با استفاده از تدابیر مناسب و راهکارهای به موقع، ریسک‌های اساسی از جمله ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی را پوشش می‌دهند. از این رو هدف مدیریت ریسک، حذف ریسک‌ها از فعالیت بانک نیست بلکه ایجاد تعادل بهینه میان ریسک و بازدهی است (محرابی، ۱۳۸۹). در شرایطی که مدیریت ریسک بخش مهمی از فرآیند راهبردی سازمان را تشکیل می‌دهد، نقش حسابرسان داخلی برای مدیران بااهمیت است (کالوی و کاپریمکان، ۲۰۱۵). حسابرسان داخلی علاوه بر ارزیابی ریسک‌ها در سازمان خود، باید قادر به تحلیل‌های پیچیده‌ی ریسک نیز باشند (آسار، ۲۰۰۹). اگرچه مدیریت ریسک از وظایف هیأت مدیره و مدیران ارشد است اما حسابرسان داخلی در ارائه‌ی مشاوره و حصول اطمینان از مدیریت ریسک نقش بااهمیتی دارند (استوارت، سویرامانیام، ۲۰۱۰). بورنابی و هاس (۲۰۰۹) معتقدند که در آینده بر اهمیت نقش حسابرسان داخلی در ارائه‌ی مشاوره و حصول اطمینان از مدیریت ریسک افزوده خواهد شد. بنابراین شناخت حسابرسان داخلی از نقش خود در فرآیند مدیریت ریسک حائز اهمیت است. بنابراین، فرضیه‌ی ششم به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه‌ی ۶: اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مثبت معناداری بر بهبود مدیریت ریسک دارد. **کنترل‌های داخلی:** به نقل از (سویر، دیتن‌هوفر، چینر، ۲۰۰۳) در گذشته مفهوم کنترل‌های داخلی به بازبینی داخلی محدود می‌شد. در دهه‌ی ۱۹۳۰ سامانه‌ی بازبینی داخلی این چنین تعریف شد: هماهنگی سامانه‌ی حساب‌ها و رویه‌های اداری مربوط به آن‌ها به صورتی که کار یک کارمند که در چارچوب شرح وظایفش به صورت مستقل انجام می‌شود به صورت پیوسته کار کارمند دیگر را به عنوان عنصر مشخص درگیر در تقلب ممکن بازبینی کند. این اولین تعریف شناخته شده برای نشان دادن اهمیت کنترل‌های داخلی در کمک به پیش‌گیری یا کشف تقلب

است. (لمبی، ۱۳۹۰) سپس در سال ۱۹۴۹ انجمن حسابداران رسمی آمریکا تعریف کنترل‌های داخلی را بسط داد. این انجمن کنترل‌های داخلی را به صورت برنامه‌ی سازمان و تمام اقدامات و روش‌های هماهنگ پذیرفته در داخل کسب و کار برای حفاظت از دارایی‌ها، رسیدگی به صحت و اتکاپذیری داده‌های حسابداری، ارتقای کارایی عملیات و رعایت خط‌مشی‌های مدیریتی معین، تعریف کرد. این تعریف از کنترل‌های داخلی وسیع‌تر از مفهومی است که معمولاً به این اصطلاح نسبت داده می‌شود. زیرا این تعریف نشان می‌دهد سامانه‌ی کنترل‌های داخلی فراتر از مواردی است که مستقیماً در حوزه‌ی کارکردهای حسابداری و مالی قرار می‌گیرند.

کمیته‌ی سازمان‌های حامی کمیسیون تردوی، کنترل‌های داخلی را بدین شکل تعریف نموده است: «کنترل‌های داخلی فرآیندی (عملیاتی- مالی) است که متأثر از هیأت‌مدیره، مدیریت و سایر کارکنان واحد تجاری بوده و به منظور کسب اطمینان معقول از دستیابی به اهداف مرتبط با عملکرد، گزارشگری و رعایت قوانین و مقررات طراحی می‌شود» (کوزو، ۲۰۱۳).

بر اساس بند ۴ استاندارد شماره‌ی ۳۱۵ حسابرسی ایران «کنترل‌های داخلی فرآیندی است که توسط ارکان راهبری، مدیران اجرایی و سایر کارکنان به منظور ایجاد اطمینان معقول از دستیابی به اهداف واحد تجاری در خصوص قابل اتکا بودن گزارشگری مالی، کارایی و اثربخشی عملیات، رعایت قوانین و مقررات مربوط، طراحی، اعمال و حفظ شده است» (کمیته‌ی تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۳). با توجه به توضیحات ارائه شده، فرضیه‌ی هفتم به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه‌ی ۷: اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مثبت معناداری بر بهبود کنترل‌های داخلی دارد.

۳- پیشینه‌ی پژوهش

موکاتاش (۲۰۱۱) در پژوهش خود به بررسی اثر عوامل موجود در اداره‌ی حسابرسی داخلی بانک‌های اماراتی بر عینیت کار آن‌ها پرداخت. نتایج نشان داد که بین عوامل درونی حسابرسی داخلی مانند: چرخش کارکنان، فعالیت‌های حسابرسی برون سپاری شده، داشتن کتابچه‌ی راهنمای رسمی، منشور حسابرسی و واحد کنترل کیفیت از یک طرف و عینیت حسابرسان داخلی از طرف دیگر رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین رابطه‌ی مثبت و معناداری بین استقلال فعالیت حسابرسی داخلی و عینیت حسابرسان داخلی وجود دارد.

کریستو (۲۰۱۳) نقش حسابرسان داخلی در سیستم بانکی آلبانی را در یک نظرسنجی ارزیابی کرد. نتایج مطالعه نشان داد که پاسخ دهندگان، حسابرسی داخلی را ضروری و دارای ارزش افزوده می‌دانند. همچنین نتایج نشان داد که کشف تقلب به عنوان اولویت حسابرسی داخلی در نظر گرفته نمی‌شود. زیرا ۳۲ درصد از پاسخ دهندگان بر این باور بودند که حسابرسان داخلی به ندرت به پیشگیری و شناسایی تقلب کمک می‌کنند. حسابرسان داخلی برای اطمینان از ثبات بانک‌ها، محافظت از دارایی‌های بانک‌ها، پیشگیری و کشف تقلب و بهبود سیستم کنترل‌های داخلی با توجه به تخصص، برآورده کردن استانداردهای بین‌المللی و محلی و هماهنگی با نیازهای کمیته‌ی

بازل با چالش روبرو هستند.

برتون، ماتیو، اسکوت و دیوید (۲۰۱۴) در مقاله‌ی خود درصد تمایل حسابرسان مستقل به استفاده از کار حسابرس داخلی و میزان به‌کارگیری کار حسابرس داخلی در حسابرسی مستقل را بررسی نمودند. نتایج نشان داد که چنانچه عملیات حسابرسی داخلی از کیفیت لازم برخوردار باشد، حسابرس مستقل تمایل به استفاده از عملیات حسابرسی داخلی به عنوان منبعی خارج از عملیات حسابرسی مستقل دارد. به خصوص آن‌که عملیات حسابرسی داخلی در حوزه‌ی کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک از کیفیت لازم برخوردار باشد و گزارشات آن توسط حسابرسان داخلی تهیه شود.

محمدصالح، ساکوهارسونو و عبدالغفار (۲۰۱۵) در پژوهش خود به تأثیر تعامل مدیریت ریسک و حسابرسان بر اثربخشی حسابرسی داخلی در بانک‌های تجاری لیبی پرداختند. در این مطالعه رابطه‌ی بین ویژگی‌های حسابرسی داخلی بانک‌های لیبی و مدیریت ریسک بررسی شد. نتایج نشان داد که همبستگی معناداری میان این دو وجود دارد. همچنین توانایی تیم حسابرسی و تعامل حسابرسی داخلی و کمیته‌ی حسابرسی موجب کارایی حسابرسی داخلی می‌شود و ریسک اعتباری بانک را کاهش می‌دهد.

دروگلاس، کاراجورجوس و آرامپاتزیس (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی عوامل مربوط به اثربخشی حسابرسی داخلی کشور یونان پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل اصلی مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی عبارتند از: (۱) کیفیت حسابرسی داخلی، (۲) صلاحیت تیم حسابرسی داخلی، (۳) استقلال حسابرسی داخلی و (۴) حمایت مدیریت. نتایج همچنین نشان داد که استقلال حسابرسی داخلی اساس اثربخشی حسابرسی داخلی است.

اکارو، اکافر، نوانا و ایگبینویا (۲۰۱۷) در پژوهش خود به بررسی توانمندسازی عملکرد حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بانک‌های نیجریه پرداختند. آن‌ها چالش‌های حسابرسان داخلی در بانک‌های کوچک مالی و چگونگی تأثیر آن‌ها بر مدیریت ریسک را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که عدم دسترسی به اطلاعات مربوط، بزرگ‌ترین مانع حسابرسان داخلی در ایفای نقش خود برای مدیریت ریسک تلقی می‌شود. فقدان آموزش کافی به کارکنان حسابرسی نیز یک مانع عمده دیگر محسوب شد.

الکاراله، نورسیاه، احمد، سیامسول‌آذری و دانیبا (۲۰۱۸) در پژوهش خود به تأثیر حسابرسی داخلی بر افشای اطلاعات حسابداری در بانک‌های اردن پرداختند. پاسخ‌دهندگان عقیده داشتند که نقش حسابرسی داخلی در افشای اطلاعات حسابداری بسیار چشمگیر است. نتایج نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری بین افشای اطلاعات حسابداری و مهارت حسابرس وجود دارد. نتایج این پژوهش به ادبیات موجود در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر نقش حسابرس داخلی در افشای حسابداری در کشورهای در حال توسعه مانند اردن کمک می‌کند.

پلتاک، سادارما و پاروانتی (۲۰۱۹) در پژوهش خود به بررسی عوامل تعیین کننده بر اثربخشی حسابرسی داخلی با پشتیبانی مدیریت به عنوان متغیر تعدیلی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد

که رابطه‌ی بین حسابرسان داخلی و مستقل، استقلال سازمانی و ادراک حسابرسان تأثیر مثبتی بر اثربخشی حسابرسی داخلی دارد. با این حال حرفه‌ای بودن حسابرسی تأثیر مثبتی بر اثربخشی حسابرسی داخلی ندارد و پشتیبانی مدیریت نمی‌تواند متغیر تعدیل کننده باشد.

چن، یانگ، ژانگ و ژو (۲۰۲۰) ابعاد کنترل‌های داخلی، مدیریت ریسک و نگهداشت وجه نقد را بررسی کردند. آنان دریافتند که شرکت‌هایی با کیفیت کنترل داخلی بالاتر، دارای پول نقد غیرعادی کمتر هستند و این اثر تحت تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی نیست. افزون بر این، شرکت‌های دارای کیفیت کنترل داخلی بالاتر، سود سهام را افزایش می‌دهند و احتمالاً سرمایه‌گذاری‌های آنان افزایش می‌یابد.

چن، لی، هان و ما (۲۰۲۱) نقش کنترل‌های داخلی در کارایی سرمایه‌گذاری را مورد واکاوی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که کنترل‌های داخلی رابطه‌ی بین توانایی مدیریتی و سرمایه‌گذاری بیش از حد را مهار می‌کند اما رابطه‌ی بین توانایی مدیریتی و سرمایه‌گذاری کم را ارتقا می‌دهد.

گرچی‌فرد (۱۳۹۱) به بررسی تحلیلی اثربخشی حسابرسی داخلی در شرکت نفت مناطق مرکزی ایران و شرکت‌های تابعه پرداخت. نتیجه‌ی پژوهش وی نشان داد که حسابرسی داخلی در شرکت‌های مزبور از اثربخشی قابل قبولی برخوردار نیست. همچنین میزان اهمیت (ضریب) معیارهای مختلف مورد مطالعه جهت ارزیابی اثربخشی حسابرسی مشخص و تأثیر اطلاعات جمعیت شناختی مانند دیدگاه‌های پاسخ‌دهندگان بر اساس میزان تحصیلات، سابقه کار، سمت اداری و رشته‌ی تحصیلی بر اثربخشی مطالعه کرد. در مجموع عوامل عدم اثربخشی حسابرسی داخلی شامل: نبود جایگاه سازمانی مناسب، فقدان کمیته‌ی حسابرسی، نبود ارتباط میان حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی، نبود حمایت مدیریت از حسابرسان داخلی، به موقع نبودن گزارش حسابرسان داخلی، و نبود اهداف مدون برای حسابرسی داخلی شناسایی شد.

مؤمن‌زاده (۱۳۹۳) به بررسی دیدگاه مدیران و حسابرسان داخلی دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران و ایران در مورد نقش حسابرسان داخلی و عوامل مؤثر بر اثربخشی عملکرد حسابرسی داخلی در دانشگاه‌ها پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اثربخشی عملکرد حسابرسی داخلی به ترتیب شامل: گزارش یافته‌های حسابرسی داخلی به بالاترین مقام دانشگاه (هیأت امناء)، افزایش آگاهی و مهارت حسابرسان داخلی از طریق شرکت در دوره‌های آموزشی، تأمین جایگاه سازمانی و استقلال حسابرسان داخلی است.

شمشیری‌یگانه (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی در شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه پرداخت. بر این اساس، پنج عامل درون سازمانی شامل صلاحیت حسابرسان داخلی، اندازه یا تعداد افراد موجود در واحد حسابرسی داخلی، ارتباط بین حسابرسان داخلی و حسابرسان مستقل، میزان حمایت مدیریت سازمان از واحد حسابرسی داخلی و میزان استقلال واحد حسابرسی داخلی بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای مستقل صلاحیت حسابرسان داخلی و میزان حمایت مدیریت ارشد از حسابرسی

داخلی بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مستقیم، و اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر معکوس دارد. همچنین متغیرهای مستقل ارتباط بین حسابرسان داخلی و حسابرسان مستقل و نیز میزان استقلال واحد حسابرسی داخلی بر اثربخشی حسابرسی داخلی مؤثر نیست.

کیان مهر و نصیرزاده (۱۳۹۵) به بررسی عوامل اثرگذار بر اثربخشی حسابرسی داخلی در سازمان آستان قدس رضوی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین صلاحیت کارکنان حسابرسی داخلی، تخصص مالی حسابرسان داخلی، همکاری حسابرسان داخلی و حسابرسان مستقل، حمایت مدیریت ارشد از حسابرسان داخلی و استقلال حسابرسان داخلی و حسابرسان مستقل با اثربخشی حسابرسی داخلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فتحی‌عبداللهی و آقایی (۱۳۹۶) در پژوهشی اثربخشی حسابرسی داخلی در عملکرد مدیریت ریسک و کنترل سازمان‌های دولتی را بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که انطباق با استانداردهای حسابرسی حرفه‌ای، دسترسی نامحدود، منشور رسمی، حمایت مدیریت ارشد و کارکنان ارتباط مستقیمی با اثربخشی حسابرسی دارد. همچنین بین استقلال سازمانی حسابرسان داخلی و درک مدیر سازمان از حسابرسی داخلی با اثربخشی حسابرسی داخلی رابطه‌ای وجود ندارد و متغیر بودجه‌ی کافی با عملکرد مدیریت ریسک حسابرسی داخلی رابطه‌ی معکوس و با عملکرد کنترل حسابرسی داخلی رابطه‌ی مستقیم دارد.

اخروی‌جوقان، رحیمیان و قره‌داغی (۱۳۹۷) به بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی از دیدگاه اعضای کمیته‌ی حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن بود که ارتقای پنج عامل صلاحیت کارکنان حسابرسی داخلی، اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی، ارتباط حسابرسان داخلی و مستقل، پشتیبانی مدیریت از حسابرسی داخلی و استقلال واحد حسابرسی داخلی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به افزایش اثربخشی حسابرسی داخلی منجر می‌شود.

مسکنی و عبدلی (۱۳۹۹) نقاط ضعف کنترل‌های داخلی و موارد متأثر بر آن را واکاوی نمودند. نتیجه‌ی پژوهش آنان نشان داد که انگیزه‌های رقابتی مدیرعامل تأثیر مثبت سوگیری‌های رفتاری ضعف سیستم کنترل‌های داخلی را تعدیل می‌کند.

۴- روش‌شناسی پژوهش

۴-۱- نوع روش

این پژوهش از حیث هدف یک پژوهش کاربردی است. پژوهش کاربردی پژوهشی است که پژوهشگر به دنبال دستیابی به اطلاعاتی است که در موقعیت‌های عملی بتوان از آن‌ها استفاده کرد یا به‌وسیله‌ی آن مشکلی را حل کرد یا راه‌حل مسأله‌ای را به دست آورد. همچنین، پژوهش حاضر از دسته پژوهش‌های پیمایشی و توصیفی است. برای تدوین متون و ادبیات پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده می‌شود که در برگیرنده‌ی کتب، پایان‌نامه‌ها، و نشریات تخصصی

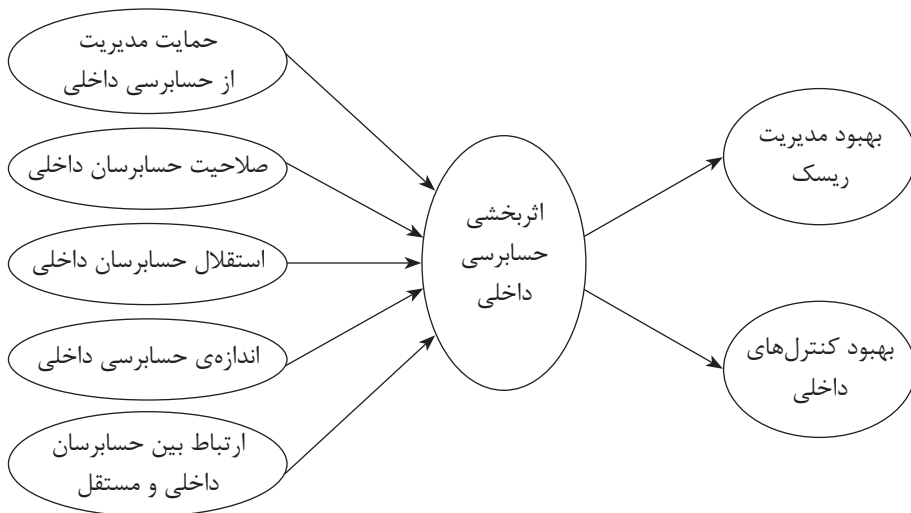
فارسی و انگلیسی و همچنین پایگاه‌های الکترونیکی است.

۴-۲- جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این پژوهش را حسابرسان داخلی و بازرسان، مدیران ارشد ادارات بانک و کارشناسان مسئول بانک کشاورزی، تشکیل می‌دهد. لازم به ذکر است اداره‌ی بازرسی و حسابرسی داخلی بانک کشاورزی زیر نظر مستقیم هیأت مدیره بانک فعالیت می‌کند و مسئولیت حسابرسی ۱۹۱۴ شعبه بانک در سراسر کشور را به عهده دارد و سالانه عملیات حسابرسی نیمی از شعب بانک را از طریق برون‌سپاری به مؤسسه‌ی حسابرسی داخلی وابسته به بانک کشاورزی انجام می‌دهد. نمونه‌ی آماری این پژوهش از میان حسابرسان داخلی و بازرسان، مدیران ارشد ادارات و کارشناسان مسئول بانک کشاورزی در استان‌های تهران و فارس انتخاب شده است. نمونه‌ی جمع‌آوری شده از استان فارس شامل تعداد ۵۲ پرسشنامه بوده که در سطح ۱۰۰ درصد توزیع و دریافت شد و در استان تهران افراد واجد شرایط برای پاسخ‌گویی در اداره‌ی مدیریت ریسک، اداره‌ی حسابرسی و بازرسی و اداره‌ی مالی و اداری جمعاً ۶۸ نفر بودند که تعداد ۲۶ پرسشنامه معادل ۳۸ درصد به عنوان نمونه انتخاب شدند. علت انتخاب این دو استان، دسترسی بهتر به جامعه‌ی آماری پژوهش و توانایی تعمیم نتایج آماری به کل جامعه‌ی مورد مطالعه است. پرسشنامه‌ی پژوهش هم به شکل کاغذی و هم به شکل الکترونیکی تهیه و توزیع شد. پژوهشگر شخصاً اقدام به توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌های کاغذی نمود و به دلیل عدم دسترسی به برخی از حسابرسان داخلی مأمور در شعب مختلف استان فارس، پرسشنامه‌ی الکترونیکی از طریق پست الکترونیکی و به کارگیری فضای مجازی در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت. مجموعاً تعداد ۷۸ پرسشنامه، ۶۴ پرسشنامه به صورت کاغذی و ۱۴ پرسشنامه نیز به صورت الکترونیکی دریافت گردید که قابل استفاده در تحلیل و آزمون‌های آماری بودند. داده‌ها با استفاده از روش معادلات ساختاری و به کمک نرم افزار Smart PLS تحلیل شدند.

۴-۳- مدل و متغیرهای پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش ارائه شده، الگوی مفهومی تدوین شد. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، متغیرهای مورد مطالعه به دو گروه متغیرهای مستقل و وابسته تقسیم می‌شوند. متغیرهای مستقل این پژوهش عبارتند از: حمایت مدیریت از حسابرسان داخلی، صلاحیت حسابرسان داخلی، استقلال حسابرسی داخلی، اندازه‌ی حسابرسی داخلی، ارتباط بین حسابرسان داخلی و مستقل و اثربخشی حسابرسی داخلی. بر طبق نظریه‌های مرتبط با اثربخشی حسابرسی داخلی، پنج مؤلفه برای آن در نظر گرفته شد که برای آن‌ها نقش متغیر وابسته دارد. از طرفی، متغیر اثربخشی حسابرسی داخلی، برای دو متغیر وابسته بهبود مدیریت ریسک و بهبود کنترل‌های داخلی، نقش متغیر مستقل دارد. شکل ۱ الگوی مفهومی پژوهش است که روابط بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل (۱) الگوی مفهومی پژوهش

برای هر یک از مؤلفه‌های الگوی مفهومی، سنجه‌های گوناگونی با استفاده از متون مربوط به مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش در نظر گرفته شد. جدول ۱ این سنجه‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۱: خلاصه سنجه‌های مربوط به مؤلفه‌های الگوی مفهومی

سنجه	مؤلفه
۱. پشتوانه‌ی اجرایی کافی ۲. ارزیابی مستمر عملکرد حسابرسی داخلی ۳. توجیه مدیران رده‌های مختلف ۴. فرهنگ پاسخگویی	حمایت مدیریت از حسابرسی داخلی
۱. برنامه‌ی آموزشی مستمر ۲. دانش و تجربه ۳. مهارت‌های ارتباطی	صلاحیت حسابرسان داخلی
۱. دسترسی نامحدود به اسناد و اطلاعات ۲. جایگاه سازمانی مناسب	استقلال حسابرسان داخلی
۱. تعداد کارکنان ۲. بودجه‌ی کافی ۳. دسترسی به ابزار، فن‌آوری و نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۴. به‌موقع بودن گزارش حسابرسی	اندازه‌ی حسابرسی داخلی
۱. نگرش نسبت به حسابرسان مستقل ۲. هماهنگی بین آنان ۳. افشای برنامه‌ی حسابرسی ۴. اتکا بر کار حسابرسان داخلی ۵. تعداد دفعات برگزاری جلسات مشترک ۶. اشتراک‌گذاری کاربرگ‌ها	ارتباط بین حسابرسان داخلی و مستقل
۱. هدفمند بودن فعالیت حسابرسی داخلی ۲. هماهنگ بودن اهداف حسابرسی داخلی با اهداف و برنامه‌های بانک ۳. جایگاه سازمانی مناسب ۴. توجیه مدیران رده‌های مختلف در مورد فعالیت‌های حسابرسی داخلی ۵. دسترسی نامحدود به اسناد و اطلاعات ۶. اجرای کار طبق چارچوب استانداردهای حرفه‌ای ۷. پشتوانه‌ی اجرایی کافی برای پیگیری گزارشات حسابرسی داخلی ۸. برنامه‌ی آموزشی مستمر برای کارکنان حسابرسی داخلی ۹. دسترسی به ابزار و فن‌آوری‌ها و نرم‌افزارهای حرفه‌ای ۱۰. ارزیابی مستمر عملکرد حسابرسی داخلی.	اثربخشی حسابرسی داخلی

مدیریت ریسک	۱. ارائه‌ی گزارش درباره ریسک‌های بااهمیت ۲. استفاده از یافته‌های حسابرسان داخلی توسط مدیران جهت ارزیابی ریسک‌ها ۳. وجود کنترل‌های مناسب در مواجهه با ریسک‌ها ۴. بهبود فرآیند مدیریت ریسک ۵. خلق سیاست‌های مقابله با بحران‌ها برای مدیریت ریسک.
کنترل‌های داخلی	۱. تهیه‌ی کتابچه یا دستورالعمل مؤثر برای انجام وظایف. ۲. در دسترس بودن دستورالعمل برای افراد مسئول کار ۳. ساختار سازمانی، شرح وظایف و تفویض اختیارات مناسب ۴. رعایت منشور اخلاقی و حرفه‌ای از سوی همه‌ی کارکنان و پایبندی مدیریت به اجرای آن ۵. حفاظت از دارایی‌ها ۶. اجرای مقررات و آیین‌نامه‌های بانک ۷. پیشگیری از جرایم و سوء استفاده‌ها و اشتباهات ۸. برقراری نظام صحیح شایسته سالاری و انتصابات ۹. ارزیابی عملکرد مدیران ارشد اجرایی و میانی و کارکنان ۱۰. اعتبار و درستی اطلاعات ۱۱. شفافیت گزارش‌های مالی ۱۲. اجرای هدف‌ها با استفاده از بودجه‌های مقرر برای عملیات و برنامه‌ها.

این سنجه‌ها در قالب ۶۹ سؤال، به‌وسیله‌ی پرسشنامه از نمونه‌ی آماری شامل حسابرسان داخلی و بازرسان، مدیران ارشد ادارات و کارشناسان مسئول بانک کشاورزی در استان‌های تهران و فارس مورد پرسش قرار گرفت.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- اطلاعات جمعیت‌شناختی پژوهش

اطلاعات جمعیت‌شناختی پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول (۲) اطلاعات جمعیت‌شناختی پژوهش

ردیف	شرح سؤال	فراوانی	درصد فراوانی	درصد جمعی
۱	جنسیت	مرد	۶۹	۸۸,۴۶
		زن	۹	۱۱,۵۴
۲	سن	کم‌تر از ۳۰ سال	۳	۳,۸
		۳۱ تا ۴۰ سال	۱۸	۲۳,۱
		۴۱ تا ۵۰ سال	۳۹	۵۰
		۵۱ و بیش‌تر	۱۸	۲۳,۱
۳	تحصیلات	کاردانی	۳	۳,۸
		کارشناسی	۳۶	۴۶,۲
		کارشناسی ارشد	۳۳	۴۲,۳
		دکترای بالاتر	۶	۷,۷
۴	سمت	مدیر حسابرسی داخلی	۲	۲,۶
		حسابرس داخلی	۴۵	۵۷,۷
		رئیس اداره	۳	۰۳,۸
		کارشناس مسئول	۱۶	۲۰,۵
		معاون اداره	۱۲	۱۵,۴

۳۳,۳	۳۳,۳	۲۶	حسابداری	رشته‌ی تحصیلی	۵
۳۸,۵	۵,۱	۴	اقتصاد		
۳۹,۷	۱,۳	۱	مالی		
۷۵,۶	۳۵,۹	۲۸	مدیریت		
۱۰۰	۲۴,۴	۱۹	سایر رشته		
۰	۰	۰	کم‌تر از ۳ سال	تجربه‌ی شغلی	۶
۲,۶	۲,۶	۲	۳ تا ۵ سال		
۱۰,۳	۷,۷	۶	۶ تا ۱۰ سال		
۲۱,۸	۱۱,۵	۹	۱۱ تا ۱۵ سال		
۱۰۰	۷۸,۲	۶۱	بیش‌تر از ۱۵ سال		
۰	۰	۰	کاملاً ناآشنا	آشنایی با حسابرسی داخلی	۷
۲,۶	۲,۶	۲	نا آشنا		
۱۷,۹	۱۵,۴	۱۲	تا حدی آشنا		
۷۶,۹	۵۹	۴۶	آشنا		
۱۰۰	۲۳,۱	۱۸	کاملاً آشنا		

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل سؤال‌های عمومی پرسشنامه بیانگر آن است که از میان پاسخ‌دهندگان، مردان با ۸۸/۴۶ درصد نسبت به زنان، بیش‌ترین میزان فراوانی را دارند. ۵۰ درصد از اعضای نمونه این پژوهش، در رده‌ی سنی بین ۴۱ تا ۵۰ سال قرار دارند. ۴۲/۳ درصد و ۴۲/۲ درصد از اعضای نمونه به ترتیب دارای مدرک کارشناسی ارشد و کارشناسی هستند. پاسخگویان با سمت شغلی حسابر سر داخلی با ۴۵ نفر معادل ۵۷/۷ درصد از نمونه را تشکیل می‌دهند. پس از پاسخگویان با سمت حسابر سر داخلی بیش‌ترین فراوانی متعلق به پاسخگویان با سمت کارشناس مسئول است. این مورد بیانگر آن است که پاسخ‌دهندگان افراد مناسبی برای این پژوهش بوده‌اند. در بین اعضای نمونه، بیش‌ترین فراوانی را پاسخگویان با رشته‌ی تحصیلی مدیریت با ۲۸ نفر معادل ۳۵/۹ درصد از نمونه دارند. پس از پاسخگویان با رشته‌ی تحصیلی مدیریت بیش‌ترین فراوانی متعلق به پاسخگویان با رشته‌ی تحصیلی حسابداری با ۳۳/۳ درصد از حجم نمونه است. در خصوص تجربه‌ی شغلی، طبقه کم‌تر از سه سال فاقد فراوانی و تمام افراد نمونه تجربه‌ی شغلی بالاتر از سه سال دارند. بیش‌ترین فراوانی در طبقه‌ی تجربه‌ی شغلی بیش‌تر از ۱۵ سال دیده می‌شود. افراد با تجربه‌ی شغلی ۱۵ سال و بیش‌تر ۷۸/۲ درصد از حجم نمونه را تشکیل می‌دهند. آمار به‌دست آمده نشان می‌دهد که تجربه‌ی شغلی نمونه‌ی آماری بالا و مطلوب است و در واقع ۸۹/۷ درصد از حجم نمونه تجربه‌ی شغلی بالای ده سال دارند. همچنین، بر اساس توزیع آماری پاسخگویان بر اساس آشنایی با حسابر سر، نشان می‌دهد ۸۲/۱ درصد از نمونه آماری با حسابر سر داخلی آشنا یا کاملاً آشنا هستند.

۲-۵- آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای به کار برده شده این پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است. با توجه به نتایج بالاترین میانگین در بین متغیرهای پژوهش، مربوط به اثربخشی حسابر سر داخلی و پایین‌ترین میانگین نیز متعلق به ارتباط بین حسابر سران داخلی و مستقل است. از نظر شاخص پراکندگی

بیشترین پراکندگی با انحراف استاندارد ۰/۸۳۴ متعلق به متغیر ارتباط بین حسابرسان داخلی و مستقل و کمترین پراکندگی با انحراف استاندارد ۰/۵۹۲ مربوط به استقلال حسابرسان داخلی است.

جدول (۳) آمار توصیفی پیرامون متغیرهای مستقل و وابسته الگو

متغیرها	نقش	شاخص‌های گرایش مرکزی		شاخص‌های گرایش پراکندگی	
		میانگین	میان‌ه	واریانس	انحراف معیار
بهبود کنترل‌های داخلی	وابسته	۲/۵۰	۲/۶۴	۰/۵۵۳	۰/۷۴۳
بهبود مدیریت ریسک	وابسته	۱/۷۷	۱/۶۸	۰/۶۲۲	۰/۷۸۸
اثربخشی حسابرسی داخلی	مستقل / وابسته	۲/۷۰	۲/۹۲	۰/۴۹۹	۰/۷۰۶
حمایت مدیریت از حسابرسی داخلی	مستقل	۲/۵۵	۲/۶	۰/۴۸۷	۰/۶۹۷
صلاحیت حسابرسان داخلی	مستقل	۲/۶۳	۲/۸	۰/۴۸۹	۰/۶۹۹
استقلال حسابرسان داخلی	مستقل	۲/۱۹	۲/۲۵	۰/۳۵۱	۰/۵۹۲
اندازه‌ی حسابرسی داخلی	مستقل	۲/۲۴	۲/۲۵	۰/۷۲۹	۰/۸۵۳
ارتباط بین حسابرسان داخلی و مستقل	مستقل	۱/۵۲	۱/۵۷	۰/۶۹۶	۰/۸۳۴

۳-۵- آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

در این بخش برای آزمون قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه (طیف لیکرت ۵ تایی)، شاخص ضریب آلفای کرونباخ به کار می‌رود. آلفای کرونباخ در هر یک از متغیرهای پرسشنامه که بالاتر از ۰/۷ باشد قابل قبول است. با توجه به جدول ۴ تمامی متغیرها از آلفای قابل قبولی برخوردار هستند که بیانگر پایایی پرسشنامه مورد استفاده است. از آنجایی که ضریب آلفای کرونباخ یک معیار سنتی برای تعیین پایایی سازه‌ها است، روش PLS معیار مدرن‌تری نسبت به آلفای کرونباخ به نام پایایی ترکیبی را به کار می‌برد. این معیار توسط ورتس، لین و جوریسکوک (۱۹۷۴) معرفی شد و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌شود. در نتیجه برای سنجش بهتر پایایی در روش PLS، هر دوی این معیارها به کار برده می‌شوند. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد و مقدار کمتر از ۰/۶ عدم وجود پایایی را نشان می‌دهد (نونالی، یرنستین، ۱۹۹۴). ذکر این نکته ضروری است که پایایی ترکیبی در مدل‌سازی معادلات ساختاری، معیار بهتری از آلفای کرونباخ به شمار می‌رود (وینزی، ترینچرا، آماتو، ۲۰۱۰). زیرا در محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در مورد هر سازه، تمامی شاخص‌های با اهمیت مساوی در محاسبات وارد می‌شوند. در حالی که برای محاسبه پایایی ترکیبی، شاخص‌ها با بار عاملی بیش‌تر، اهمیت زیادتری دارند. این موضوع موجب این می‌شود که مقادیر پایایی ترکیبی سازه‌ها معیار واقعی‌تر و دقیق‌تری نسبت به آلفای کرونباخ آن‌ها باشد. جدول ۴ نتایج بررسی آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی را نشان می‌دهد.

جدول (۴) ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی

معیارها	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب (CR)
بهبود کنترل‌های داخلی	۰/۸۹۶	۰/۷۴۳
بهبود مدیریت ریسک	۰/۷۲۴	۰/۷۸۱
اثربخشی حسابرسی داخلی	۰/۸۷۶	۰/۸۲۹
حمایت مدیریت از حسابرسان داخلی	۰/۷۵۵	۰/۷۱۱
صلاحیت حسابرسان داخلی	۰/۷۹۵	۰/۸۴۴
استقلال حسابرسان داخلی	۰/۷۰۳	۰/۹۱۸
اندازه‌ی حسابرسی داخلی	۰/۷۵۵	۰/۷۵۸
ارتباط بین حسابرسان داخلی و مستقل	۰/۷۴۵	۰/۸۱۶

طبق این جدول، ضریب آلفای کرونباخ همه‌ی متغیرها از ۰/۷ بیش‌تر است. بنابراین پایداری درونی بالا را نتیجه می‌دهد. همچنین ضریب پایایی ترکیبی همه متغیرها بیش‌تر از ۰/۷ می‌باشد که این نشان از پایداری درونی مناسب برای الگوهای اندازه‌گیری است.

۴-۵- آمار استنباطی

با توجه به مراحل انجام شده در نرم افزار Smart PLS و مؤلفه‌های موجود، نهایتاً زمانی مؤلفه‌ها مورد تأیید قرار خواهند گرفت که ضرایب معناداری آزمون، معنادار و ضریب مسیر مربوط به هر مؤلفه مثبت باشد. در صورتی که عدد آماره معنادار بیش‌تر از ۱/۹۶ باشد، مؤلفه‌ی پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۵ تأیید خواهد شد. در جدول ۵ ضریب مسیر و آماره‌ی معناداری متغیرهای درون‌زا و برون‌زای الگو آورده شده است.

جدول (۵) ضریب مسیر و آماره‌ی معناداری متغیرهای الگو

شماره فرضیه	متغیر		ضریب مسیر	آماره معنادار	نتیجه فرضیه
	برون‌زا (مستقل)	درون‌زا (وابسته)			
اول	حمایت مدیریت از حسابرسی داخلی	اثربخشی حسابرسی داخلی	۰/۲۰۱	۵/۷۸	پذیرفته می‌شود
دوم	صلاحیت حسابرسان داخلی	اثربخشی حسابرسی داخلی	۰/۳۴۶	۲/۴۴	پذیرفته می‌شود
سوم	استقلال حسابرسان داخلی	اثربخشی حسابرسی داخلی	۰/۲۷۴	۳/۵۱	پذیرفته می‌شود
چهارم	اندازه‌ی حسابرسی داخلی	اثربخشی حسابرسی داخلی	۰/۳۱۱	۲/۷۹	پذیرفته می‌شود
پنجم	ارتباط بین حسابرسان داخلی و مستقل	اثربخشی حسابرسی داخلی	۰/۲۸۸	۴/۰۶	پذیرفته می‌شود
ششم	اثربخشی حسابرسی داخلی	بهبود مدیریت ریسک	۰/۱۰۱	۱/۱۹	پذیرفته نمی‌شود
هفتم	اثربخشی حسابرسی داخلی	بهبود کنترل‌های داخلی	۰/۴۳۵	۱۵/۴۲	پذیرفته می‌شود

با توجه به یافته‌های پژوهش که در جدول ۵ نشان داده شده است، نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی اول نشان می‌دهد با توجه به آماره‌ی آزمون به‌دست آمده ۵/۷۸ و بزرگ‌تر بودن آن از ۱/۹۶ فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر «رابطه‌ی معنادار حمایت مدیریت از حسابرسی داخلی با اثربخشی حسابرسی داخلی» پذیرفته می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب به‌دست آمده (۰/۲۰۱) تأثیر مستقیم وجود دارد.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی دوم نشان می‌دهد با توجه به آماره‌ی آزمون به‌دست آمده ۲/۴۴ و بزرگ‌تر بودن آن از ۱/۹۶ فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر «رابطه‌ی معنادار صلاحیت کارکنان حسابرسی داخلی با اثربخشی حسابرسی داخلی» پذیرفته می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب به‌دست آمده (۰/۳۴۶) تأثیر مستقیم وجود دارد.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی سوم نشان می‌دهد با توجه به آماره‌ی آزمون به‌دست آمده ۳/۵۱ و بزرگ‌تر بودن آن از ۱/۹۶ فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر «رابطه‌ی معنادار استقلال حسابرسی داخلی با اثربخشی حسابرسی داخلی» پذیرفته می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب به‌دست آمده (۰/۲۷۴) تأثیر مستقیم وجود دارد.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی چهارم نشان می‌دهد با توجه به آماره‌ی آزمون به‌دست آمده، ۲/۷۹ و بزرگ‌تر بودن آن از ۱/۹۶ فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر «رابطه‌ی معنادار اندازه‌ی حسابرسی داخلی با اثربخشی حسابرسی داخلی» پذیرفته می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب به‌دست آمده (۰/۳۱۱) تأثیر مستقیم وجود دارد.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی پنجم نشان می‌دهد با توجه به آماره‌ی آزمون به‌دست آمده، ۴/۰۶ و بزرگ‌تر بودن آن از ۱/۹۶ فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر «رابطه‌ی معنادار ارتباط حسابرسان داخلی و حسابرسان مستقل با اثربخشی حسابرسی داخلی» پذیرفته می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب به‌دست آمده (۰/۲۸۸) تأثیر مستقیم وجود دارد.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی ششم نشان می‌دهد با توجه به آماره‌ی آزمون به‌دست آمده، ۱/۱۹ و کوچک‌تر بودن آن از ۱/۹۶ فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر «تأثیر معنادار اثربخشی حسابرسی داخلی بر بهبود عملکرد مدیریت ریسک» پذیرفته نمی‌شود.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی هفتم نشان می‌دهد با توجه به آماره‌ی آزمون به‌دست آمده، ۱۵/۴۲ و بزرگ‌تر بودن آن از ۱/۹۶ فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر «رابطه‌ی معنادار اثربخشی حسابرسی داخلی و بهبود کنترل‌های داخلی بانک کشاورزی» پذیرفته می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب به‌دست آمده (۰/۴۳۵) تأثیر مستقیم وجود دارد.

۵-۵- یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌ها

هدف این مقاله بررسی عوامل اثرگذار بر اثربخشی حسابرسی داخلی در بانک کشاورزی و ارزیابی جایگاه آن در مدیریت ریسک و ساختار کنترل‌های داخلی در بانک مذکور بود. در این راستا هفت فرضیه ارائه شد که یافته‌های حاصل از آزمون آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

یافته‌ی این پژوهش در خصوص آزمون فرضیه‌ی اول نشان داد که حمایت مدیریت از حسابرسان

داخلی بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مثبت و معنادار دارد. از این یافته نتیجه می‌شود که حمایت‌های مدیریت از حسابرسی داخلی باعث خواهد شد تا آنان با استقلال بیش‌تر به جنبه‌های مورد نیاز برای بررسی، دسترسی داشته و بتوانند با بررسی مؤثر و به موقع از اتلاف منابع جلوگیری کرده و موجبات افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت‌های سازمان را فراهم آورند (شمشیری‌یگانه، ۱۳۹۴). نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های دروگالاس و همکاران (۲۰۱۵)، چن و همکاران (۲۰۲۰)، اخروی‌جوقان و همکاران (۱۳۹۷)، سلیمانی‌امیری و طاهری (۱۳۹۷)، فتحی‌اللهمی و آقای (۱۳۹۶)، کیان‌مهر و نصیرزاده (۱۳۹۵) و گرجی‌فرد (۱۳۹۱) همسو است.

یافته‌ی این پژوهش در خصوص آزمون فرضیه‌ی دوم نشان داد که صلاحیت حسابرسان داخلی بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مثبت و معنادار دارد. این یافته متأثر از این مورد است که استفاده از حسابرسان با صلاحیت حرفه‌ای باعث می‌شود اثربخشی حسابرسی داخلی افزایش یابد. در این راستا، صلاحیت‌های آموزشی، صلاحیت‌های حرفه‌ای، تجربه کار در زمینه حسابرسی داخلی، توسعه‌ی مداوم و میانگین ساعات آموزش سالیانه باعث افزایش اثربخشی حسابرسی داخلی می‌شود (شمشیری‌یگانه، ۱۳۹۴). نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های مسکنی و عبدلی (۱۳۹۹)، چن و همکاران (۲۰۲۱)، اخروی‌جوقان و همکاران (۱۳۹۷)، سلیمانی‌امیری و طاهری (۱۳۹۷)، کیان‌مهر و نصیرزاده (۱۳۹۵) و دروگالاس و همکاران (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی سوم بیانگر این بود که استقلال حسابرسان داخلی بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مثبت و معنادار دارد. عامل اصلی برای توانمندی حسابرسی داخلی، استقلال آن است. مدیریت باید این عامل را به رسمیت بشناسد و با تأمین جایگاه مناسب حسابرسی داخلی در ساختار سازمانی، نسبت به استقلال واحد حسابرسی داخلی اطمینان دهد. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های اخروی‌جوقان و همکاران (۱۳۹۷)، کیان‌مهر و نصیرزاده (۱۳۹۵)، موکاتاش (۲۰۱۱)، برتون و همکاران (۲۰۱۴) و دروگالاس و همکاران (۲۰۱۵) همسو و با پژوهش‌های فتحی‌اللهمی و آقای (۱۳۹۶) و شمشیری‌یگانه (۱۳۹۴) متفاوت می‌باشد. یکی از دلایل تفاوت این است که از دیدگاه پرسش‌شوندگان استقلال حسابرسان داخلی در سطح شرکت‌ها رعایت نمی‌شود و موضوعی نیست که مورد توجه جدی قرار گرفته باشد و دلیل دیگر، تصویری که برای برخی از پاسخ‌دهندگانی که در بخش حسابرسی یا مالی کار می‌کنند پیش می‌آید این است که به دلیل برون‌سپاری (توسط حسابرسان خارج از سازمان) بخشی از کار، دیگر به کار آن‌ها نیازی نیست.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی چهارم نشان داد که اندازه‌ی حسابرسی داخلی بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مثبت و معنادار دارد. وجود کارکنان و منابع کافی در واحد حسابرسی داخلی، باعث می‌شود کارکنان حسابرسی داخلی بتوانند مسئولیت‌هایشان را با موفقیت انجام دهند. بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که اندازه‌ی بزرگ‌تر حسابرسی داخلی موجب اثربخشی بیش‌تر حسابرسی می‌شود. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های چن و همکاران (۲۰۲۱)، اخروی‌جوقان و همکاران (۱۳۹۷) همسو و با نتیجه‌ی پژوهش شمشیری‌یگانه (۱۳۹۴) که تعداد کم حسابرسان داخلی (اندازه واحد) بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر معکوس دارد، مخالف است.

یافته‌ی این پژوهش در خصوص آزمون فرضیه‌ی پنجم نشان داد که ارتباط حسابرسان داخلی و مستقل بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر مثبت و معنادار دارد. حسابرسان مستقل در جریان برنامه‌ریزی حسابرسی، باید از کار واحد حسابرسی داخلی در زمینه‌های خاصی که ظاهراً به حسابرسی مستقل صورت‌های مالی مربوط می‌شود، یک ارزیابی مقدماتی به عمل آورد. از آنجا که برخی از ابزارهای دستیابی به هدف‌های مورد نظر حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی یکسان است، پاره‌ای از کارهای واحد حسابرسی داخلی می‌تواند در تعیین نوع و ماهیت، زمان‌بندی اجرا و حدود روش‌های حسابرسی حسابرسان مستقل مفید واقع شود. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های مسکنی و عبدلی (۱۳۹۹)، اخروی جوقان و همکاران (۱۳۹۷)، کیان‌مهر و نصیرزاده (۱۳۹۵) و محمدصلاح و همکاران (۲۰۱۵) همسو و با پژوهش شمشیری‌گانه (۱۳۹۴) متفاوت می‌باشد. یکی از دلایل این موضوع از دیدگاه پرسش‌شوندگان این است که حسابرسان مستقل هر اندازه با حسابرسان داخلی ارتباط داشته باشند، در بررسی‌های خود برای جمع‌آوری شواهد به نتایج کار حسابرسان داخلی اتکا نمی‌کنند.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی ششم نشان داد که اثربخشی حسابرسی داخلی بر بهبود مدیریت ریسک در بانک کشاورزی تأثیر معناداری ندارد. باید توجه داشت به دلیل اینکه فعالیت بانک‌ها و ایفای نقش در بازارهای پولی و سرمایه آن‌ها را در معرض مخاطرات و ریسک‌های خاصی قرار داده است که برای ادامه‌ی فعالیت بانک مهم به‌شمار می‌رود. به این منظور باید به شناسایی، ارزیابی و کنترل ریسک‌های مختلف در حوزه‌های بانکی پرداخت. واحد حسابرسی داخلی در بانک باید به ارزیابی فرآیندهای مدیریت ریسک بپردازد. زیرا این امر مهم در فعالیت حسابرسی داخلی بانک کشاورزی مغفول مانده است. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش اکارو و همکاران (۲۰۱۷) همسو و با پژوهش فتحی‌عبداللهی و آقایی (۱۳۹۶) متفاوت است. زیرا این تصور وجود دارد که مدیران بانک تخصص زیادی در زمینه‌ی حسابداری و مالی ندارند و این عدم تخصص باعث می‌شود که آشنایی زیادی با حسابرسی داخلی نداشته باشند.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی هفتم نشان داد که اثربخشی حسابرسی داخلی بر بهبود کنترل‌های داخلی در بانک کشاورزی تأثیر مثبت و معنادار دارد. سازمان‌هایی که از واحد حسابرسی داخلی اثربخش برخوردار باشند، ارزیابی بهتری نسبت به شناسایی خطرهای محیط کسب و کار، فرآیندها و سیستم تجاری خود دارند بنابراین اقدام‌های اصلاحی مناسب را به منظور بهبود مستمر محیط کسب و کار خود به کار می‌بندند. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های موکاتاش (۲۰۱۱) و برتون و همکاران (۲۰۱۴) همسو است.

۶- پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش

۶-۱- پیشنهادهای کاربردی

۱- با توجه به یافته‌ی جدول ۵ و اهمیت عوامل اثربخشی حسابرسی داخلی و صلاحیت کارکنان آن، توصیه می‌شود که شرکت‌ها در راستای جذب نیروهای با صلاحیت علمی و باتجربه

اقدام و به این عوامل توجه ویژه نمایند.

۲- با توجه به یافته فرضیه سوم و نتایج جدول ۵، با فراهم آوردن امکان دسترسی نامحدود کارکنان حسابداری داخلی به اعضای هیأت مدیره بانک، مدیران ارشد و کارکنان بانک و همچنین دسترسی نامحدود به اسناد و مدارک مورد نیاز برای بررسی و صدور گزارش حسابداری بدون اعمال نظر و دخالت دیگران، زمینه استقلال بیش‌تر و اثربخشی حسابداری داخلی ایجاد شود.

۳- برای اثربخشی بیش‌تر حسابداری داخلی با فراهم آوردن امکان استخدام تعداد کافی کارکنان با تجربه در بخش حسابداری داخلی، در نظر گرفتن بودجه‌ی مناسب برای این بخش (از نظر زمان و هزینه) و فراهم آوردن امکانات و تجهیزاتی نظیر دسترسی به ابزار و فن‌آوری‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای، امکان صدور مناسب و به‌موقع گزارش حسابداری و ارسال به شعب برای پیگیری یافته‌ها را فراهم آورند.

۲-۶- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

اینک پس از پایان یافتن پژوهش حاضر و روشن شدن جنبه‌های مختلف موضوع می‌توان برای پژوهش‌های بعدی پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه کرد:

۱- از آن‌جا که این پژوهش مؤلفه‌های اثربخشی حسابداری داخلی را به طور کلی مورد بررسی قرار داد، پیشنهاد می‌شود هر یک از این مؤلفه‌ها به صورت تخصصی و جداگانه در بانک‌ها، مورد مطالعه قرار گیرد.

۲- بررسی تأثیر عملکرد حسابداری داخلی بر کاهش بندهای حسابداری مستقل در بانک‌ها.

۳- بررسی تأثیر برون‌سپاری حسابداری داخلی بر عملکرد حسابداری داخلی بانک‌ها.

۴- بررسی موانع استقرار مدیریت ریسک در بانک‌ها و مؤسسات مالی از دیدگاه خبرگان بانکی.

۳-۶- محدودیت‌های پژوهش

انجام هر پژوهشی محدودیت‌هایی دارد که برخاسته از شرایط محیطی و زمانی است و ممکن است انجام پژوهش را با چالش‌ها و مشکلاتی روبرو کند. این پژوهش هم از این محدودیت‌ها مبرا نبوده و بعضی از آن‌ها به شرح زیر است:

در زمینه‌ی پژوهش فعالیت علمی مشابه که در برگیرنده تمام متغیرهای پژوهش باشد وجود نداشت و بنابراین پژوهشگر برای گردآوری اطلاعات با محدودیت منابع مواجه بوده است.

با توجه به اینکه بخشی از پژوهش مربوط به اثربخشی حسابداری داخلی بر اساس پرسشنامه انجام گرفته و بخش دیگر آن بر اساس روش تحلیل محتوای علی باید انجام می‌گرفت که در این خصوص، نیاز به تعداد ۵۰ درصد از گزارش‌های حسابداری داخلی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شعب درجه‌ی ۱، ۲ و ۳ بانک کشاورزی استان فارس به منظور بررسی موارد رفع شده در خصوص یافته‌های مندرج در گزارش‌ها و مقایسه عدم تکرار موارد مطرح در گزارش‌های سال ۱۳۹۷ پیش‌بینی شده بود که به دلیل عدم همکاری بانک کشاورزی در این رابطه، این امر برای پژوهشگر محقق نگردید.

منابع

- اخروی جوقان، ا.، رحیمیان، ن.، و قره‌داغی، م. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابداری داخلی از دیدگاه اعضاء کمیته حسابداری. بررسی‌های حسابداری و حسابداری، (۳)، ۲۵-۳۱، ۳۲۶.
- انجمن حسابرسان داخلی. (۱۳۹۱). استانداردهای بین‌المللی حسابداری داخلی انجمن حسابرسان داخلی (به انضمام آئین رفتار حرفه‌ای) (احمد عالی‌نژاد، مترجم). تهران.
- اداره مطالعات و کنترل ریسک بانک تجارت. (۱۳۸۶). مدیریت ریسک در بانکداری. تهران: انتشارات جهانگیر، چاپ اول.
- انجمن حسابرسان داخلی. (۲۰۱۳). استانداردهای بین‌المللی حسابداری داخلی (احمد عالی‌نژاد، مترجم). تهران.
- انصاری، ع.، و ده‌یادگاری، س. ی. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی حسابداری داخلی و نقش فن‌آوری اطلاعات در آن: مطالعه موردی شرکت سهامی بیمه ایران. دانش و پژوهش حسابداری، ۲۲، ۸-۱۱.
- ایمانی‌برندقی، ک.، حسینی‌غنچه، ج.، و جاویدی‌اصل، ع. (۱۳۹۴). بررسی نقش حسابرسان داخلی بر شفافیت صورت‌های مالی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات مدیریت و حسابداری، ۱، ۶۵-۷۷.
- بزرگ‌اصل، م. (۱۳۸۰). بیانیه مفاهیم استقلال - چارچوب نظری استقلال حسابرسان. حسابرس، ۱۳، ۷-۱.
- حساس‌یگانه، ی. (۱۳۸۸). فلسفه حسابداری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دری، ب.، و حمزه‌ای، ا. (۱۳۸۹). تعیین استراتژی پاسخ به ریسک در مدیریت ریسک به وسیله تکنیک ANP (مطالعه موردی: پروژه توسعه میدان نفتی آزادگان شمالی). مدیریت صنعتی، (۴)، ۷۵-۹۲.
- زمان، ا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابداری داخلی. (پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری)، دانشگاه تهران، تهران.
- زندحسامی، ح.، و ساوجی، آ. (۱۳۹۱). مدیریت ریسک در مدیریت زنجیره تأمین. مدیریت توسعه و تحول، ۹، ۳۷-۴۴.
- سلیمانی‌امیری، غ.، و طاهری، م. (۱۳۹۷). رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت فعالیت حسابداری داخلی: مدل تحلیل شبکه (ANP). دانش حسابداری، (۷۱)، ۱۴۹-۱۷۴.
- شمشیری‌یگانه، س. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابداری داخلی در شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه. (پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران.
- فتحی‌عبداللهی، ا.، و آقایی، م. ع. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی حسابداری داخلی در عملکرد مدیریت ریسک و کنترل سازمان‌های دولتی. مدیریت سازمان‌های دولتی، (۵)، ۸۱-۹۴.
- کمالی‌زارع، ع.، و ارباب‌سلیمانی، ع. (۱۳۹۳). حسابداری داخلی اثربخش. تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابداری سازمان حسابداری، ۱۳۶، ۱-۲۳۶.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۹۷). استانداردهای حسابداری. تهران: انتشارات سازمان

حسابرسی.

کمیته‌ی تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۹۳). استانداردهای حسابداری، سایر خدمات اطمینان‌بخشی و خدمات مرتبط. تهران، سازمان حسابداری (کمیته‌ی تدوین استانداردهای حسابداری).
 گرجی‌فرد، ا. (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی اثربخشی حسابداری داخلی در شرکت نفت مناطق مرکزی ایران و شرکت‌های تابعه. (پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت. مرودشت.
 لمبی، ن. (۱۳۹۰). کنترل‌های داخلی از گذشته تا امروز (رضا قنبریان، مترجم). حسابدار، ۴۹-۵۳.
 محرابی، ل. (۱۳۸۹). مدیریت ریسک در نظام بانکداری بدون ربا با تأکید بر ریسک اعتباری. تازه‌های اقتصاد، ۱۳۰، ۷۰-۷۷.

محمد، ا. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابداری داخلی در دستگاه‌های دولتی حکومت اقلیم کردستان - عراق. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری)، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین.
 مسکنی، م. و عبدلی، م. ر. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر انگیزه رقابتی مدیرعامل بر ارتباط سوگیری‌های رفتاری مدیران با ضعف سیستم کنترل داخلی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. راهبرد مدیریت مالی، ۲۹ (۸)، ۱۵۵-۱۳۵.

مشایخی، ب.، حسن‌زاده، ش.، امینی، ی.، و منتی، و. (۱۳۹۴). تأثیر همکاری حسابداری داخلی در به‌موقع بودن گزارش حسابداری مستقل. حسابداری: نظریه و عمل، ۲(۳)، ۹۱-۱۰۹.
 نصرالهی، ع. (۱۳۹۴). اثربخشی حسابداری داخلی در بهبود کنترل‌های داخلی با تأکید بر کاهش تقلب در بانک ملی ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران.

Abdulrahman, A., Brierley, J., and Gwilliam, D. (2004). An Examination of the Relationship between Internal and External Audit in the Saudi Arabian Corporate Sector. *Managerial Auditing Journal*, 19(7), 929-944.

Adams, M. B. (1994). Agency Theory and the Internal Audit. *Managerial Auditing Journal*, 9(8), 8-12.

Ahmad, H. N., Othman, R., Othman, R. and Jusoff, K. (2012). The Effectiveness of Internal Audit in Malaysian Public Sector. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 5(9), 53-62.

Ali, A., Gloeck, J., Ali, A., Ahmi, A., and Sahdan, M. (2007). Internal Audit in State and Local Governments of Malaysia. *Southern African Journal of Accountability and Auditing Research*, 7, 25-27.

Alqaraleh, M. H. S., Norsiah, Ahmad. Syamsul Azri, B. A. R., and Thuneibat, M. (2018). The Effect of the Internal Audit on the Accounting Disclosure in Jordanian Banks. *International Journal for Research in Business, Management and Accounting*, 4(5), 1-13.

Ansari, A., & Dehyadegari, S. E. (2010). Investigating the effectiveness of internal auditing and the role of information technology in it: A case study of Iran Insurance Company. *Journal of Accounting Knowledge and Research*, 22, 8-11. (In Persian)

Asare, T. (2009). Internal Auditing in the Public Sector: Promoting Good Governance and Performance Improvement. *International Journal on Governmental Financial*, 1, 15-28.

Association of Internal Auditors. (2012). *International Standards on Internal Auditing. Association of Internal Auditors (including the Code of Professional Conduct)* (Translated by Alinejad, A.), Tehran. (In Persian)

Association of Internal Auditors. (2013). *International Standards on Internal Auditing*

(Translated by Alinejad, A.), Tehran. (In Persian)

Auditing Standards Development Committee. (2014). Auditing standards, other assurance services and related services. Tehran, Auditing Organization (Auditing Standards Development Committee). (In Persian)

Auditing Standards Development Committee. (2018). Auditing standards. Tehran: Audit Organization Publications. (In Persian)

Basel Committee on Banking Supervision. (1997). Core Principles for Effective Banking Supervision. Retrieved January 25, 2019, from www.bis.org

Basel Committee on Banking Supervision. (2002). Internal Audit in Banks and the Supervisor's Relationship with Auditors: A Survey. Retrieved January 25, 2019, from www.bis.org

Basel Committee on Banking Supervision. (2012). The Internal Audit Function in Banks. Bank for International Settlements, Retrieved December 1, 2018, from www.bis.org.

Belay, Z. (2007). Effective Implementation of Internal Audit Function to Promote Good Governance in the Public Sector. Ethiopian Civil Service College Research, Publication Consultancy Coordination Office, Conference Paper, Addis Ababa, Ethiopia. Retrieved December 18, 2018, from www.researchgate.net/publication/256000163.

Bozorg Asl, M. (2001). Statement of Independence Concepts - Theoretical Framework of Auditor Independence. Auditor Journal, 13: 1-7. (In Persian)

Burnaby, P., and Hass, S. (2009). A Summary of the Global Common Body of Knowledge 2006 (CBOK) Study in Internal Auditing, Managerial Auditing Journal, 24(9), 813-34.

Burton, F. G., Matthew, W. S., Scott, L. S., and David, A. W. (2014). Recruiting Internal Auditors: The Effects of Using the Internal Audit Function as a Management Training Ground and Performing Consulting Services. American Accounting Association, 29(1), 115-140.

Calvi, G., and Kirmkan, E. (2015). Risk Management Graduation Model for Microfinance Institutions (MFIs). Risk Management Initiative.

Chartered Institute of Internal Auditors. (2013) Effective Internal Audit in the Financial Services Sector. Retrieved April 8 2019, from www.na.theiia.org/standards-guidance.

Chen, H., Yang, D., Zhang, J. H., & Zhou, H. (2020). Internal controls, risk management, and cash holdings. Journal of Corporate Finance, 64, 101695.

Chen, S., Li, Z., Han, B., & Ma, H. (2021). Managerial ability, internal control and investment efficiency. Journal of Behavioral and Experimental Finance, 100523.

Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission. (2013). Internal Control Integrated Framework. Retrieved January 20, 2019, from <https://www.coso.org/Pages/ic.aspx>.

Dari, B., & Hamzaei, A. (2010). Determining the risk response strategy in risk management by ANP technique (Case study: North Azadegan oil field development project). Journal of Industrial Management, 2(4): 75-92. (In Persian)

Drogas, G., Karagiorgos, T., and Arampatzis, K. (2015). Factors Associated with Internal Audit Effectiveness: Evidence from Greece. Journal of Accounting and Taxation, 7(7), 113-122.

Fathi Abdollahi, A., & Aghaei, M. A. (2017). Investigating the effectiveness of internal auditing in the performance of risk management and control of government organizations. Management of Government Organizations Journal, 3(5): 81-94. (In Persian)

Gorji Fard, A. (2012). Analytical study of the effectiveness of internal audit in the Central

Iranian Oil Company and its subsidiaries. (Master Thesis in Accounting), Islamic Azad University, Marvdasht Branch, Marvdasht. (In Persian)

Hailemariam, S. (2014). Determinants of Internal Audit Effectiveness in the Public Sector, Case Study in Selected Ethiopian Public Sector Offices. Msc Thesis, Jimma University, Ethiopia.

Hasas Yeganeh, Y. (2009). Philosophy of Auditing. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)

Imani Brandagh, K., Hosseini Ghoncheh, J., & Javidi Asl, A. (2015). Investigating the role of internal auditors on the transparency of financial statements of banks listed on the Tehran Stock Exchange. Journal of Management and Accounting Studies, 1, 65-77. (In Persian)

Institute of Internal Auditors (IIA), (2010). International Standards for the Professional Practice of Internal Auditing. Retrieved November, 2018, from <http://www.theiia.org/guidance/standards-and-guidance>.

Institute of Internal Auditors (IIA), (2011). International standards for the Professional Practice of internal auditing. Retrieved November 5, 2018, from <http://www.theiia.org/guidance/standards-and-guidance>.

Institute of Internal Auditors (IIA), (2012). International Standards for the Professional Practice of Internal Auditing, Retrieved November 5, 2018, from <http://www.theiia.org/guidance/standards-and-guidance>.

Jackson, S. B., and Pitman, M. K. (2006). Auditors and Earing Management. The CPA journal, 5(1), 73-87

Kamali Zare, A., & Arbab Soleimani, A. (2014). Effective Internal Auditing. Tehran: Accounting and Auditing Research Center of the Auditing Organization, 136: 1-236. (In Persian)

Krišto, E. (2013). Survey on Bank Internal Audit Function. European Scientific Journal, 9(13), 70-77.

Lambi, N. (2011). Internal controls from the past to the present. (Translated by Ghanbarian, R.), Accountant Journal, 49-53. (In Persian)

Mashayekhi, B., Hassanzadeh, S., Amini, Y. & Mennati, V. (2015). The effect of internal audit cooperation on the timeliness of the independent audit report. Audit: Theory and Practice, 2(3): 91-109. (In Persian)

Maskani, M. & Abdoli, M. R. (2020). Investigating the effect of CEO's competitive motivation on the relationship between managers' behavioral biases and the weakness of the internal control system in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Journal of Financial Management Strategy, 29 (8): 135-155. (In Persian)

Mehrabi, L. (2010). Risk management in the interest-free banking system with emphasis on credit risk. Journal of Economic Innovations, 130: 70-77. (In Persian)

Mohamad Salah, R., Sukoharsono, E. G., and Abdul Ghofar. (2015). The Impact of Competencies, Risk Management and Auditors Interaction on Internal Audit Effectiveness in Libyan Commercial Banks. International Journal of Accounting and Business Society, 23(1), 1-19.

Mohammad, A. (2014). Identifying the effective factors on the effectiveness of internal audit in the government agencies of the Kurdistan-Iraq Regional Government. (Master Thesis in Accounting), Imam Khomeini International University, Qazvin. (In Persian)

Muqattash, R. (2013). Audit Committees Effectiveness and its Impact on the Objectivity of

the Internal Auditors: Evidence from United Arab Emirates. *Journal of Finance and Accounting*, 16(4), 23-31.

Muqattash. R. (2011). The Effect of the Factors in the Internal Audit Department on the Internal Auditors Objectivity in the Banks Operating in the United Arab Emirates: (A Field Study). *Research Journal of Finance and Accounting*, 6(3), 92-100.

Nasrollahi, A. (2015). The effectiveness of internal audit in improving internal controls with emphasis on reducing fraud in Iran Melli Bank. (Master Thesis), Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran. (In Persian)

Okaro, S. C., Okafor, G. O., Nwanna, I. O., and Igbinovia, I. M. (2017), Empowering the Internal Audit Function for Effective Role in Risk Management: A Study of Micro Finance Banks in Anambra State, South East, Nigeria, *International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences*, 7(3), 14-23.

Okhravi Choqan, A., Rahimian, N., Qaradaghi, M. (2018). Effective factors on internal auditing effectiveness from the perspective of audit committee members. *Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 25(3): 311-326. (In Persian)

Payne, G. T. and Petrenko, O. V. (2020). Agency Theory in Business and Management Research. *Business and Management*, 1, 1-20.

Poltak, S., sudarma, M., and Purwanti, L. (2019). The Determinants of the Effectiveness of Internal Audits with Management Support as the Moderating Variable. *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*, 6(1), 33-51.

Retrieved November 3, 2018, from www.microfinancegateway.org/library/risk-management-graduation-model-microfinance-institutions-mfis.

Risk Studies and Control Office of Tejarat Bank. (2005). *Risk Management in Banking*. Tehran: Jahangir Publications, First Edition. (In Persian)

Sawyer, L. B., Dittenhofer, M., and Scheiner, J. (2003). *Sawyer's Internal Auditing*. 5th ed. Altamonte Springs, FL: The Institute of Internal Auditors.

Sawyer, L.B. (1995). An Internal: Audit philosophy. *Internal Auditor*, 52(4), 46-55.

Shamshiri Yeganeh, S. (2005). Factors affecting the effectiveness of internal auditing in the National Iranian Oil Company and its subsidiaries. (Master Thesis in Accounting), Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran. (In Persian)

Soleimani Amiri, G., & Taheri, M. (2018). Ranking of Factors Affecting the Quality of Internal Audit Activities: Network Analysis Model (ANP). *Journal of Accounting Knowledge*, 18(71): 149-174. (In Persian)

Stewart, J., and Subramaniam, N. (2010). Internal Audit Independence and Objectivity: Emerging Research Opportunities. *Managerial Auditing Journal*, 25(4), 328-360.

Zaman, A. (2015). Investigating the effective factors on the effectiveness of internal auditing. (Master Thesis in Accounting), University of Tehran, Tehran. (In Persian)

Zand Hesami, H., & Savoji, A. (2012). Risk management in supply chain management. *Journal of Development and Transformation Management*, 9:37-44. (In Persian)



COPYRIGHTS

This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.

Investigation the Relationship between Audit Report Lag and Future Stock Price Crash Risk and the Effect of Internal Audit Performance on It

Mohammad Hossein Safarzadeh¹, Hossein Rezaei Namavar², Mozhgan Heidari³

Received: 2021/06/30

Approved: 2021/08/07

Research Paper

Abstract:

This study aimed to investigate the relationship between audit report delay and future stock price crash risk. It also aimed to investigate the effect of internal audit performance on the relationship between audit report delay and future stock price crash risk. In order to measure the Internal Auditor Performance, the number of employees of the internal audit unit and the age of the internal audit unit was used. In this regard, data of 167 companies listed on the Tehran Stock Exchange between 2015 to 2020 were collected from Rahavard Novin, their financial statements, and the official website of the Tehran Stock Exchange and then analyzed using the multivariate regression. The results showed that the audit report delay had a significant positive effect on the future stock price crash risk. A significant negative relationship was also observed between the effect of the size of the internal audit unit and the age of the internal audit unit on the relationship between the audit report delay and the future stock price crash risk. An internal auditor can have a decisive role in adjusting the type, nature, and scheduling of the audit procedures and reducing the limitations of the independent audit procedures, and also improving reporting timeliness and reducing the stock crash risk.

Key Words: Abnormal Audit Report Lag, Future Stock Price Crash Risk, Internal Auditor Performance.

 10.22034/ARIJ.2021.245329

1. Assistant Professor of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) hosein470@gmail.com

2. MSc. of Auditing, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Hosseinrezaeinamavar@gmail.com

3. PhD Student in Accounting, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.
heidari_mozhgan@yahoo.com

<http://article.iacpa.ir>

رابطه‌ی بین تأخیر عادی گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام و اثر کارایی عملکرد حسابرسی داخلی بر آن

محمد حسین صفرزاده بندری^۱، حسین رضایی نماور^۲، مژگان حیدری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه‌ی بین تأخیر عادی گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام می‌پردازد. همچنین اثر کارایی عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه‌ی بین تأخیر عادی گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام بررسی می‌شود. به‌منظور سنجش میزان کارایی عملکرد حسابرسی داخلی از تعداد کارکنان واحد حسابرسی داخلی و قدمت واحد حسابرسی داخلی بهره گرفته شده است. در این راستا داده‌های ۱۶۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ بررسی شده است. همچنین از الگوی رگرسیون چند متغیره برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که تأخیر عادی گزارش حسابرسی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام است. همچنین در ادامه نتایج نشان داد اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی و قدمت واحد حسابرسی داخلی ارتباط میان تأخیر عادی گزارش حسابرسی و ریسک آتی سقوط قیمت سهام را به‌صورت معناداری تضعیف می‌کند.

واژه‌های کلیدی: اثربخشی حسابرسی داخلی، عملکرد حسابرسی داخلی، تأخیر عادی گزارش حسابرسی، ریسک سقوط آتی قیمت سهام

doi 10.22034/ARJ.2021.245329

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) hosein470@gmail.com
 ۲. کارشناسی ارشد حسابرسی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. hosseinzaeinamavar@gmail.com
 ۳. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. heidari_mozghan@yahoo.com
- <http://article.iacpa.ir>

۱- مقدمه

گزارش حسابرسی برای سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از اطلاعات مالی مهم است. از آنجاکه گزارش حسابرسی حاوی نظر حسابر در مورد اعتبار صورت‌های مالی است به‌موقع بودن گزارش حسابرسی هشدارهای بالقوه‌ای را برای استفاده‌کنندگان به همراه دارد (حبیب، هانگ، ۲۰۱۹). تأخیر در گزارش حسابرسی اعتبار و کیفیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد؛ در حرفه‌ی حسابداری زمان‌بندی گزارش‌های مالی برای ذی‌نفعان صورت‌های مالی ازجمله موارد بااهمیت محسوب می‌گردد. انتشار به‌موقع اطلاعات به استفاده‌کنندگان کمک خواهد کرد تا تصمیم‌های منطقی اتخاذ کنند (آکین گانولا و همکاران، ۲۰۱۸). بسیاری از رسوایی‌های بازارهای جهانی سرمایه زمانی است که سرمایه‌گذاران به اطلاعات به‌موقع دسترسی ندارند. بنابراین انتشار به‌موقع اطلاعات یک عنصر ضروری برای عملکرد خوب در بازار سرمایه محسوب می‌شود و همچنین فضای اطمینان را برای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه ایجاد می‌کند (لونتیس و همکاران، ۲۰۰۵). تأخیر عادی در ارائه‌ی صورت‌های مالی می‌تواند منجر به اختلاف‌نظر حسابر و صاحبکار در مورد تعدیلات روبه بالا یا رو به پایین گردد. تئوری مبتنی بر تعامل بین حسابر و صاحبکار، نشان می‌دهد که چنین تعاملاتی می‌تواند منجر به پیامدهایی از قبیل کیفیت بالا یا پایین حسابداری، انطباق یا عدم انطباق با مقررات و توافقی‌ها شود. علاوه بر این عواقب چنین تعاملی می‌تواند به‌طور مستقیم بر دوره‌های حسابداری آینده و مذاکرات هزینه و همچنین بر کیفیت رابطه‌ی حسابر با صاحبکار تأثیر بگذارد (بتی و همکاران، ۲۰۱۱). از این‌رو تأخیر عادی در ارائه‌ی گزارش حسابرسی، مشکلات آینده‌ی حسابداری و عدم اطمینان سرمایه‌گذار را افزایش می‌دهد و در نتیجه‌ی آن موجب افزایش ریسک سقوط قیمت سهام می‌گردد. از سوی دیگر پژوهش‌های پیشین در ارتباط با تأخیر گزارش حسابر بیانگر آن هستند که عواملی همچون ویژگی‌های حسابر مستقل، ویژگی‌های شرکت و ریسک‌های سازمانی بر تأخیر گزارش حسابرسی تأثیر دارند (آبرناسی و همکاران، ۲۰۱۷). عملکرد حسابرسی داخلی می‌تواند عاملی بازدارنده در تأخیر گزارش حسابرسی به شمار آید. حسابرسی داخلی به‌عنوان یک سیستم کنترل داخلی کمک مؤثری به پیشگیری از وقوع تقلب و اشتباه یا کشف آن‌ها می‌کند. از این‌رو وجود یک واحد حسابرسی داخلی معمولاً سبب تعدیل نوع، ماهیت و زمان‌بندی اجرای روش‌های حسابرسی و کاهش حدود روش‌های مورد اجرای حسابرسی مستقل می‌شود. تاکنون در ایران تحقیق تجربی که به بررسی تأثیر کارایی عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه‌ی میان تأخیر عادی گزارش حسابر و ریسک آتی سقوط قیمت سهام پرداخته باشد، انجام نگرفته است. پژوهش حاضر به دنبال آن است دریابد آیا کارایی عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه میان تأخیر عادی گزارش حسابر و ریسک آتی سقوط قیمت سهام اثرگذار است؟

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- تأخیر عادی گزارش حسابر و ریسک سقوط آتی قیمت سهام

گزارش‌های مالی ضمن داشتن ارزش‌های کمی، باید از کیفیت بالایی نیز برخوردار باشند.

ویژگی‌های کیفی مربوط بودن، قابلیت اتکا بودن، قابلیت مقایسه و قابل فهم بودن سبب سودمندی اطلاعات برای تصمیم‌گیری ذی‌نفعان مختلف از قبیل سرمایه‌گذاران و سازمان‌های دولتی می‌شوند. یکی از ویژگی‌های مهم اطلاعات حسابداری مربوط بودن است. این ویژگی استفاده‌کنندگان را در اخذ تصمیمات منطقی یاری می‌کند و می‌تواند عاملی برای جلوگیری از ابهام و سردرگمی در بررسی و مطالعه اطلاعات مالی محسوب شود. ویژگی مربوط بودن اطلاعات مالی مبتنی بر مفاهیم مانند به‌موقع بودن، سودمندی در ارزیابی و سودمندی در پیش‌بینی است (فاگیمی، یادیل، ۲۰۱۱). به‌موقع بودن برای اطمینان از مربوط بودن و سودمندی اطلاعات مالی دریافت شده توسط سرمایه‌گذاران و سهامداران بسیار مهم است (هیأت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰). به‌موقع بودن گزارش سالانه حسابرسی نیز یک عامل مهم تأثیرگذار بر سودمندی اطلاعات ارائه‌شده برای استفاده‌کنندگان است (آل جیفری، خاش ارک، ۲۰۱۰).

عوامل ایجادکننده‌ی تأخیر در ارائه‌ی صورت‌های مالی را می‌توان به این موارد طبقه‌بندی کرد: ویژگی‌های حسابرسی و حسابرس شامل وابستگی حسابرِس، تخصص حسابرِس، هزینه‌ی حسابرسی، خدمات غیرحسابرسی، اظهارنظر درباره‌ی تداوم فعالیت، دوره‌ی تصدی حسابرِس، تغییرات حسابرِس، فصل شلوغ حسابرسی و ضعف کنترل داخلی، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی شامل کمیته‌ی حسابرسی و ویژگی‌های هیأت‌مدیره، و تمرکز مالکیت، ویژگی‌های مختص شرکت مانند پیچیدگی حسابرسی به دلیل اندازه‌ی صاحبکار، عملیات خارجی، تعداد شعب، شرایط مالی صاحبکار و خطر سازمانی (آبرناتی و همکاران، ۲۰۱۷).

مطالعات محدودی در مورد پیامدهای تأخیر عادی در ارائه‌ی صورت‌های مالی وجود دارد. بلانکلی و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ی خود دریافتند که رابطه‌ی مستقیمی بین تأخیر عادی در ارائه‌ی صورت‌های مالی با ارائه‌ی مجدد صورت‌های مالی بعدی وجود دارد و این امر تا حد زیادی مربوط به فشار زمانی است که حسابرسان برای انجام کارهای حسابرسی در بازه‌ی زمانی نظارتی دارند. برایان کاتچر و همکاران (۲۰۱۳) و لامبرت و همکاران (۲۰۱۱) نیز دریافتند که تأخیر در ارائه‌ی صورت‌های مالی باعث کاهش کیفیت سود و افزایش ارائه‌ی مجدد صورت‌های مالی می‌شود. این امر نشان می‌دهد تأخیر در ارائه‌ی صورت‌های مالی ممکن است بر توانایی حسابرسان در کشف موارد بااهمیت تأثیر داشته باشد. چان و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که شرکت‌های چینی که تأخیر در ارائه‌ی صورت‌های مالی در آن‌ها طولانی است، در مقایسه با شرکت‌هایی که تأخیر در ارائه‌ی صورت‌های مالی کوتاه‌تری دارند، احتمال دریافت اظهارنظر حسابرِس درباره‌ی تداوم فعالیت در آن‌ها بیش‌تر بوده و تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی در آن‌ها رخ خواهد داد. این مطالعات نشان می‌دهد که تأخیر عادی در ارائه‌ی صورت‌های مالی یک علامت هشداردهنده است، نه نشانه‌ای از انجام حسابرسی باکیفیت خوب.

تأخیر عادی در ارائه‌ی صورت‌های مالی ممکن است ناشی از مذاکرات طولانی‌مدت حسابرِس و صاحبکار برای حل اختلافات مهم بین آن‌ها گردد. چنین عدم توافقی اغلب به دلیل کیفیت سود پایین در نتیجه استفاده از رویه‌های حسابداری نامناسب است (چن و همکاران، ۲۰۱۶). ادبیات مربوط

به ریسک سقوط قیمت سهام این تئوری را مطرح می‌کند که مدیران می‌توانند اخبار بد را با ایجاد اظهارات مالی مبهم پنهان کنند. از آنجا که حسابرسیان مستقل مسئول تأیید اعتبار صورت‌های مالی هستند، انتظار می‌رود حسابرسیان این گونه تحریفات را شناسایی و گزارش دهند. زیرا این ویژگی‌های کیفیت حسابرسی است (هاوتن و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین پیش‌بینی می‌شود که حسابرسیان این کار را به‌موقع انجام دهند تا سرمایه‌گذاران بتوانند برای تصمیم‌گیری به نظرات حسابرس اتکا کنند. با این وجود تشخیص موارد با اهمیت، مستلزم صرف وقت و تلاش قابل توجهی است که ممکن است انتشار گزارش حسابرسی را به تأخیر بیندازد. صرف نظر از این که آیا تأخیر عادی در ارائه‌ی صورت‌های مالی نتیجه‌ی بی‌کفایتی حسابرسیان است یا تقلب صاحبکار، عواقب تعاملات طولانی بین حسابرس و صاحبکار به‌طور مستقیم بر کیفیت حسابداری در آینده تأثیر می‌گذارد (بیتی و همکاران، ۲۰۱۱). تأخیر بیش از حد طولانی به این معنی است که شرکت‌ها دارای احتمال بالایی برای دریافت نظر حسابرسی غیراستاندارد هستند یا اینکه گزارش‌های مالی خود را در دوره‌ی بعدی تغییر داده‌اند در مقایسه با شرکت‌هایی که تأخیر کوتاه گزارش حسابرسی را دارند (چن و همکاران، ۲۰۱۶). از این رو یک تأخیر غیرمعمول در انتشار گزارش حسابرسی باعث افزایش عدم اطمینان سرمایه‌گذاران و افزایش ناهمگنی در باورهای سرمایه‌گذاران درباره‌ی چشم‌انداز آینده‌ی شرکت می‌شود. بنابراین موجب سقوط قیمت سهام می‌شود.

۲-۲- اثر بخشی عملکرد حسابرسی داخلی

حسابرسی داخلی یک فعالیت مستقل و مشاوره‌ای است که برای بهبود عملکرد شرکت و ایجاد ارزش برای آن طراحی شده است و با ایجاد یک رویکرد منظم برای ارزیابی و بهبود اثربخشی مدیریت ریسک، کنترل و فرآیند راهبری به اهداف خود دست می‌یابد. حسابرسی داخلی با نظارت مستمر بر کلیه‌ی اسناد و سوابق حسابداری که در سازمان با هدف بررسی یا کشف تقلب و اصلاح اشتباهات انجام می‌شود، مسئولیت حسابرسی کلیه‌ی معاملات مالی را بر عهده دارد. این کار با بررسی سیستم و رویه‌های موجود برای اطمینان از مطابقت آن‌ها با آیین‌نامه‌ها و همچنین سیستم کنترل داخلی صورت می‌گیرد (کیتوجو، ۲۰۱۴). عملکرد مؤثر حسابرسی داخلی با کمک به مدیریت و اعضای هیأت‌مدیره برای ارزیابی و بهبود کارایی مدیریت ریسک، کنترل داخلی و فرآیندهای راهبری شرکتی ارزش افزوده‌ای را برای یک سازمان ایجاد می‌کند (چانگ و همکاران، ۲۰۱۹).

۲-۳- اثر بخشی عملکرد حسابرسی داخلی، تأخیر عادی گزارش حسابرس و ریسک سقوط آتی قیمت سهام

حسابرسی داخلی به‌عنوان یک سیستم کنترل داخلی کمک مؤثری در پیشگیری از تقلب و اشتباه یا کشف آن‌ها است. حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل دارای نقش‌های متفاوت، اما مکمل یکدیگرند (کوکبی و همکاران، ۱۳۹۴). حسابرسی داخلی به‌عنوان یکی از کلیدهای راهبری شرکتی شناخته می‌شود که نقش آن در طول زمان تکامل یافته است. تحول در محیط اقتصادی ایران به‌ویژه

در سال‌های اخیر باعث شده که راهبری شرکتی به‌عنوان مکانیزمی نظارتی بیش‌تر موردتوجه قرار گیرد که یکی از ارکان آن کمیته‌ی حسابرسی و زیرمجموعه‌ی آن واحد حسابرسی داخلی است و نقشی تعیین‌کننده‌ی در گزارشگری مالی و اعتباربخشی به‌صورت‌های مالی دارد (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۵). باوجود اینکه وظایف حسابرسی داخلی و مستقل از هم مجزا هستند فرصت‌های زیادی برای همکاری آن‌ها در جهت هم‌افزایی نتایج مانند بالا بردن کیفیت حسابرسی و منافع اقتصادی وجود دارد. میزان اتکا بر عملکرد حسابرسان داخلی به عواملی چون، تمایل حسابرسان مستقل به اتکا و توانایی، شایستگی و بی‌طرفی حسابرسان داخلی در عملکرد خود بستگی مستقیم دارد. اتکا بر عملکرد حسابرسی داخلی زمانی امکان‌پذیر است که حسابرسان مستقل بتوانند بی‌طرفی و کیفیت فعالیت‌های حسابرسان داخلی و سایر ویژگی‌های مربوط را ارزیابی کنند (آلبرت، ۲۰۰۱). حسابرسان مستقل می‌توانند از نتایج کار حسابرسی داخلی استفاده کنند تا به کنترل‌های داخلی برای تعیین حدود آزمون‌های خود توجه بیش‌تری داشته باشند و درنتیجه حسابرسی داخلی می‌تواند به مدیریت و حسابرسان مستقل در زمینه‌ی کنترل‌های سطح ماهیتی از راه مشاوره و خدمات اطمینان‌بخش یاری رساند (حاجیه‌ها، رفیعی، ۱۳۹۳). ازاین‌رو با توجه به نقش بازدارندگی و پالایش و زدودن انحرافات حسابرس داخلی که می‌تواند تأثیر بااهمیتی بر اعتباربخشی به اطلاعات داشته باشد، نقش اساسی بر فرآیندهای اجرایی حسابرس مستقل خواهد داشت و درنتیجه، موجب افزایش به‌موقع بودن گزارش حسابرس و همچنین کاهش ریسک سقوط آتی قیمت سهام گردد.

۳- پیشینه‌ی پژوهش

لو و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی بر ریسک سقوط سهام پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی را به‌عنوان هشدار اولیه برای ریسک سقوط قیمت سهام بر اعلام کردند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن بود که تأخیر غیرعادی گزارش حسابرس بر ریسک سقوط قیمت سهام اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین تخصص حسابرس در صنعت به‌صورت بااهمیتی موجب کاهش این ارتباط میان تأخیر گزارش حسابرس و ریسک سقوط سهام شده است.

حبیب و هانگ (۲۰۱۹) به بررسی تأخیر گزارش حسابرسی و ریسک سقوط سهام و اثر محیط کنترل داخلی بر آن پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد تأخیر در گزارش حسابرسی منجر به افزایش ریسک سقوط سهام می‌شود. همچنین نتایج آنان نشان داد که عامل محیط کنترل داخلی ارتباط تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط سهام را به‌صورت معناداری کاهش می‌دهد. چن و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود به بررسی تأثیر کنترل‌های داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند که پنج جزء کنترل‌های داخلی شامل: محیط کنترل، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترل، اطلاعات و ارتباطات و نظارت موردبررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که تأثیر منفی بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد و به‌طور خاص محیط کنترل، اطلاعات و ارتباطات و نظارت به‌طور قابل‌توجهی و منفی با ریسک سقوط قیمت سهام در آینده مواجه است.

علاوه بر این ارتباط منفی بین کنترل‌های داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌هایی با ضعف مدیریت داخلی و خارجی (یعنی حسابرگری شده توسط حسابرسان کوچک، واقع در استان‌هایی که بازارهای کم‌تر توسعه‌یافته و حسابداری با محافظه‌کاری کم‌تر و توانایی کم در کاهش اثرات رویدادهای شدید منفی (به‌عنوان مثال شرکت‌های غیردولتی) وجود دارد.

روبین و ژانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی به مطالعه‌ی ارتباط بین تخصص حسابرس در صنعت و ریزش قیمت سهام پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش آن‌ها بیان می‌کند که بین تخصص حسابرس در صنعت و ریزش قیمت سهام ارتباطی معکوس و معناداری وجود دارد بطوری که با افزایش تخصص حسابرس در صنعت مربوط احتمال ریزش قیمت سهام کاهش می‌یابد و با کاهش تخصص حسابرس در صنعت مربوطه احتمال ریزش قیمت سهام افزایش می‌یابد.

قانم و حجازی (۲۰۱۱) عوامل مؤثر بر تأخیر حسابرگری را در ۱۴۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس کویت بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ بررسی نمودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که تنها اندازه‌ی شرکت و کیفیت کنترل‌های داخلی بر کاهش تأخیر حسابرگری مستقل تأثیر داشتند درحالی‌که طبقه‌بندی صنعت، اهرم، تغییر در سود هر سهم، نوع حسابرس و نقدینگی تأثیر معناداری بر تأخیر حسابرگری نداشت.

فندرسکی و گرایلی (۱۳۹۷) به بررسی اثربخشی کنترل‌های داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که اثربخشی کنترل داخلی، موجب کاهش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها می‌شود.

حاجیه‌ها و همکاران (۱۳۹۶) طی پژوهشی تأثیر کیفیت کنترل‌های داخلی بر تأخیر گزارش حسابرگری شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۶ را مورد آزمون قرار دادند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین ضعف در کنترل‌های داخلی با تأخیر گزارش حسابرگری رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

کوکبی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر کارایی عملکرد حسابرگری داخلی و کمیته‌ی حسابرگری بر تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی پرداختند. نتایج تحقیقات آن‌ها حاکی از آن بود کارایی عملکرد حسابرگری داخلی و کمیته‌ی حسابرگری بر تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی شرکت‌ها تأثیر معکوس دارد.

حاجیه‌ها و رفیعی (۱۳۹۳) به بررسی نقش کیفیت عملکرد حسابرگری داخلی بر به‌هنگام بودن گزارش حسابرگری مستقل پرداختند. آنان در پژوهش خود از داده‌های ۵۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که گزارش‌های حسابرگری داخلی تهیه‌کرده و به کمیته‌ی حسابرگری یا هیأت‌مدیره ارائه می‌کردند، استفاده کردند. برای سنجش کیفیت عملکرد واحد حسابرگری داخلی در شرکت معیارهای بی‌طرفی، قدمت و اندازه‌ی واحد حسابرگری داخلی مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج تحقیق آنان حاکی از آن بود که بی‌طرفی و قدمت با تأخیر حسابرگری مستقل رابطه‌ی معکوس دارد ولی متغیر اندازه‌ی واحد حسابرگری داخلی با این متغیر رابطه معناداری نداشته است.

انصاری و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ی خود به بررسی تأثیر متغیرهای حسابرگری داخلی بر

برنامه‌ی حسابرسی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حساب‌رسان مستقل بر نتایج حاصل از کار حساب‌رسان داخلی اتکا می‌کنند و این اتکا منجر به کاهش بودجه‌های زمانی و ریالی در برنامه‌ی حسابرسی می‌گردد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش و با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌ی مطرح‌شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

فرضیه‌ی ۱: بین تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی ۲: اندازه واحد حسابرسی داخلی، رابطه‌ی میان تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام را تضعیف می‌کند.

فرضیه‌ی ۳: قدمت واحد حسابرسی داخلی، رابطه‌ی میان تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام را تضعیف می‌کند.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر فرآیند اجرا از نوع کمی، از نظر زمان انجام از نوع طولی- گذشته‌نگر و از نظر روش گردآوری داده توصیفی است که با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره و الگوهای اقتصادسنجی انجام‌شده است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ تشکیل می‌دهد و نمونه‌ی انتخابی پژوهش نیز شرکت‌هایی هستند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

۱- نام شرکت تا پایان سال مالی ۱۳۹۲ در فهرست شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس

اوراق بهادار تهران درج‌شده باشد و تا پایان سال مالی ۱۳۹۸ در فهرست باقی‌مانده باشد.

۲- طی دوره‌ی زمانی مورد بررسی، تغییر سال مالی یا فعالیت نداده، حذف نشده و یا توقف فعالیت نداشته باشد.

۳- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و بانک نباشد.

۴- پایان سال مالی آن‌ها آخر اسفندماه هر سال باشد.

به‌این ترتیب، پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۱۶۷ شرکت به‌عنوان نمونه‌ی آماری پژوهش انتخاب گردید.

۶- الگوی پژوهش

به‌منظور آزمون فرضیه‌های اول، دوم و سوم، به ترتیب از مدل رگرسیونی چندمتغیره‌ی ۱ الی ۳ زیر که برگرفته از پژوهش چانگ و همکاران (۲۰۱۹) می‌باشد، استفاده شده است:

مدل (۱)

$$Crash_{it} = \beta_0 + \beta_1 Audit - lag_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 MB_{it} + \beta_6 Audit - Size_{it} + \beta_7 Year_{it} + \beta_8 IND_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$Crash_{it} = \beta_0 + \beta_1 IAS_{it} + \beta_2 Audit - lag_{it} + \beta_3 IAS * Audit - lag_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 MB_{it} + \beta_8 Audit - Size_{it} + \beta_9 Year_{it} + \beta_{10} IND_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۳)

$$Crash_{it} = \beta_0 + \beta_1 DIA_{it} + \beta_2 Audit - lag_{it} + \beta_3 DIA * Audit - lag_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 MB_{it} + \beta_8 Audit - Size_{it} + \beta_9 Year_{it} + \beta_{10} IND_{it} + \varepsilon_{it}$$

۷- متغیرهای پژوهش

۷-۱- متغیر وابسته

ریسک سقوط قیمت سهام (Crash): در این پژوهش برای اندازه‌گیری خطر سقوط قیمت سهام مطابق مطالعات چن و همکاران (۲۰۰۱) و اندرور و همکاران (۲۰۱۳) از معیار ضریب منفی چولگی (NCSKEW) استفاده شده است. هر چه مقدار ضریب منفی چولگی بیش‌تر باشد آن شرک در معرض سقوط قیمت سهام بیش‌تری خواهد بود معیار ضریب منفی چولگی بر مبنای بازده ماهانه‌ی خاص شرک محاسبه می‌شود که با استفاده از رابطه‌ی ۴ محاسبه می‌شود:

رابطه (۴)

$$W_{j,\theta} = \ln(1 + \xi_{j,\theta})$$

$W_{j,\theta}$: بازده ماهانه‌ی خاص شرک j در ماه θ طی سال مالی.

$\xi_{j,\theta}$: بازده باقیمانده‌ی سهام شرک j در ماه θ است و عبارت است از باقیمانده یا پسماند مدل در رابطه ۵:

رابطه (۵)

$$r_{j,\theta} = \beta_0 + \beta_1 r_{m,\theta-2} + \beta_2 r_{m,\theta-1} + \beta_3 r_{m,\theta} + \beta_4 r_{m,\theta+1} + \beta_5 r_{m,\theta+2} + \xi_{jt}$$

$r_{j,\theta}$: بازده سهام شرک j در ماه θ طی سال مالی.

$r_{m,\theta}$: بازده بازار در ماه θ است. برای محاسبه‌ی بازده ماهانه بازار، شاخص ابتدای ماه از شاخص

پایان ماه کسر شده و حاصل بر شاخص ابتدای ماه تقسیم می‌شود.

رابطه‌ی ۵ با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره برآورد شده و باقی‌مانده آن به شرح رابطه (۴) برای محاسبه بازده ماهانه‌ی خاص شرک استفاده می‌شود و در آخر برای محاسبه‌ی خطر سقوط قیمت سهام از طریق معیار چولگی منفی بازده سهام از رابطه‌ی ۶ به شرح زیر استفاده شده است:

رابطه (۶)

$$NCSKEW_{it} = - [r(n-1)^{3/2} \sum W_{i,t}^3] / [(n-1)(n-2) (\sum W_{i,t}^2)^{3/2}]$$

$NCSKEW_{j,t}$: چولگی منفی بازده ماهانه‌ی سهام j طی سال مالی t ; $W_{j,t}$ بازده ماهانه‌ی خاص شرکت j در ماه t و N تعداد ماههایی که بازده آن‌ها محاسبه شده است. در این معادله ارزش‌های بالای $NCSKEW$ نشان‌دهنده‌ی خطر سقوط سهام بالا است.

۲-۷- متغیرهای مستقل

تأخیر گزارش حسابرِس (Audit-lag): تأخیر حسابرسی یا مدت‌زمان اجرای حسابرسی مستقل (مدت‌زمان فاصله‌ی بین تاریخ صورت‌های مالی تا تاریخ گزارش حسابرسی مستقل) (حاجیها و رفیعی، ۱۳۹۳).

کارایی عملکرد حسابرِس داخلی: برای محاسبه‌ی کارایی عملکرد حسابرِس داخلی از دو معیار زیر استفاده می‌گردد:

اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی (IAS): سازگار با برخی تحقیقات (پیزنی و همکاران، ۲۰۱۰) از مجموع تعداد کارکنان در واحد حسابرسی داخلی برای اندازه‌گیری این متغیر استفاده شده است. تعداد بیش‌تر کارکنان واحد نشان‌دهنده‌ی عملکرد بهتر واحد حسابرسی داخلی می‌باشد. قدمت واحد حسابرسی داخلی (DIA): تجربه‌ی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس با تعداد سنوات وجود حسابرسی داخلی در شرکت اندازه‌گیری می‌شود. در صورت بیش‌تر بودن قدمت واحد فرض می‌شود کیفیت عملکرد آن بالاتر باشد (همان منبع).

۳-۷- متغیرهای کنترلی

اندازه‌ی شرکت (Size): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی شرکت (حبيب، هانگ، ۲۰۱۹). اهرم مالی (LEV): برابر است با تقسیم بدهی جاری بر حقوق صاحبان سهام (همان منبع). نرخ بازده دارایی‌ها (ROA): نرخ بازده دارایی‌ها از نسبت سود خالص به جمع کل دارایی‌ها به دست می‌آید (همان منبع).

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (MB): نسبت مذکور، از تقسیم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش سهام آن‌ها به دست می‌آید (همان منبع).

اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی (Audit-Size): اگر سازمان حسابرسی، حسابرسی شرکتی را بر عهده داشته باشد برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود. (همان منبع).

۸- روش‌های آماری

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندمتغیره (پانل دیتا) استفاده شده است. بدین منظور جهت انتخاب روش برآورد مدل به‌صورت ترکیبی یا تلفیقی از آزمون اف لیمر و به‌منظور انتخاب رویکرد اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن بهره گرفته شده است. همچنین در این پژوهش مفروضات رگرسیون نیز بررسی شده است. بر این اساس برای بررسی مفروضات «نرمال بودن توزیع اجزای خطا»، «همخطی»، «ناهمسانی واریانس اجزای خطا» و «خودهمبستگی

سریالی اجزای خطا» به ترتیب از «آماره جارك-برا»، «عامل تورم واریانس (VIF)»، «آزمون وایت» و «آماره‌ی دوربین واتسون» استفاده شده است.

۹- یافته‌های پژوهش

۹-۱- آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش برای شرکت‌های نمونه در جدول ۱ ارائه شده است. میانگین به‌عنوان پرکاربردترین شاخص مرکزی، بسیار بااهمیت است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود میانگین نسبت بدهی برای شرکت‌های نمونه حدود ۶۰ درصد و میانگین بازده دارایی‌ها حدود ۱۰ درصد است. حدود ۲۰ درصد شرکت‌های نمونه توسط سازمان حسابرسی رسیدگی شده‌اند. میانگین فاصله‌ی زمانی بین تاریخ صورت‌های مالی و تاریخ گزارش حسابرسی مستقل حدود ۷۸ روز است. کم‌ترین و بیش‌ترین مقدار برای متغیر تأخیر گزارش حسابرسی نیز به ترتیب ۱۸ و ۱۳۵ روز بوده است. میانگین قدمت واحد حسابرسی داخلی حدود ۳ سال است (لازم به ذکر است شرکت‌های بورسی از سال ۱۳۹۲ ملزم به ایجاد واحد حسابرسی داخلی شده‌اند). میانگین تعداد کارکنان واحد حسابرسی داخلی (که رشته‌ی تحصیلی آن‌ها حسابرسی یا حسابداری بوده است) نیز کم‌تر از ۲ نفر بوده است. بیش‌ترین و کم‌ترین عدد برای این متغیر به ترتیب ۱۱ و صفر بوده است. مطابق نمونه‌ی آماری بالغ بر ۲۰ درصد شرکت‌ها توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده‌اند.

جدول (۱) نتایج آمار توصیفی

متغیر	$\bar{x}$	s^2	s	$\sum x_i$	$\sum x_i^2$
ریسک سقوط قیمت سهام	CRASH	۰.۱۳۳	۰.۱۵۵	۱.۷۹۹	-۲.۲۲۲
اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی	AIS	۱.۸۰۰	۱	۱۱	۰
قدمت واحد حسابرسی داخلی	DIA	۳.۰۲۸	۳	۷	۰
تأخیر در گزارش حسابرسی	AUDIT_LAG	۷۷.۸۲۷	۷۹	۱۳۵	۱۸
اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی*	AIS*AUDIT_LAG	۱۴۶.۴۲۵	۹۰	۱۳۵۳	۰
قدمت واحد حسابرسی داخلی*	DIA*AUDIT_LAG	۲۲۸.۶۱۱	۱۹۸	۹۴۵	۰
اندازه شرکت	SIZE	۱.۶۷۸	۱.۲۲۲	۹.۹۶۱	-۹.۳۲۷
اهرم مالی	LEV	۰.۶۰۲	۰.۶۰۷	۰.۹۹۷	۰.۲۴۱
بازده دارایی	ROA	۰.۱۰۵	۰.۰۸۶	۰.۳۹۱	-۰.۱۰۳
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	۳.۹۲۲	۳.۰۲۴	۱۲.۸۱۷	۰.۳۹۲
اندازه‌ی حسابرسی	AUDIT_SIZE	۰.۲۰۴	۰	۱	۰

۹-۲- تعیین نوع چینش داده‌ها

برای تعیین نوع چینش داده‌ها از آزمون اف لیمر استفاده شد. مقادیر آماره آزمون اف لیمر برای فرضیه‌های اول تا سوم به ترتیب ۱/۰۰۲، ۰/۹۴۴ و ۱/۰۴۳ و سطح معناداری آن‌ها به ترتیب ۰/۴۷۸، ۰/۶۷۲ و ۰/۳۴۹ است. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره‌ی آزمون در هر سه مدل بیش‌تر از ۵ درصد است، می‌توان بیان کرد که الگوی هر سه فرضیه دارای ساختار ترکیبی است.

۹-۳- بررسی مفروضات رگرسیون

به‌منظور تشخیص نرمال بودن توزیع اجزای خطا نیز از آزمون جاک-برا استفاده شد. از آنجاکه سطح معناداری آماره جاک-برا، برای الگوهای پژوهش کم‌تر از ۰/۰۵ است، لذا فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع اجزای خطا رد می‌شود. با وجود این زمانی که نمونه به اندازه‌ی کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن به‌طور معمول بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور، با توجه به قضیه‌ی حد مرکزی می‌توان دریافت که حتی اگر باقیمانده‌ها نرمال نباشند، آماره‌های آزمون به‌طور مجانبی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند، بدون تورش هستند و از کارایی برخوردارند. با توجه به این مطالب می‌توان فرض نرمال بودن جمله خطا را نادیده گرفت (رازقی، امیرحسینی، ۱۳۹۵). به‌منظور بررسی همخطی بین متغیرهای توضیح‌دهنده از معیار عامل تورم واریانس (VIF) استفاده‌شده است. با توجه به جدول ۲ مقادیر VIF برای تمام متغیرهای توضیحی پژوهش کم‌تر از ۵ می‌باشد. از این‌رو هم‌خطی شدید بین متغیرهای مذکور وجود ندارد.

جدول (۲) بررسی همخطی متغیرهای توضیح‌دهنده

عامل تورم واریانس			متغیر
فرضیه ۳	فرضیه ۲	فرضیه ۱	
-	۴/۶۹	-	IAS
۴/۱۲	-	-	DIA
۱/۴۷	۱/۹۱	۱/۱۸	AUDIT_LAG
-	۴/۹۶	-	AUDIT_LAG × IAS
۴/۴۹	-	-	AUDIT_LAG × DIA
۱/۳۳	۱/۴۳	۱/۲۷	SIZE
۱/۷۵	۱/۸۰	۲/۱۰	LEV
۱/۹۴	۱/۶۶	۲/۳۸	ROA
۱/۳۹	۱/۳۷	۱/۳۳	MB
۱/۰۰۸	۱/۱۴	۱/۱۰	AUDIT_SIZE

به‌منظور بررسی ناهمسانی واریانس اجزای خطا از آزمون وایت استفاده‌شده است. مقادیر آماره آزمون وایت برای فرضیه‌های اول تا سوم به ترتیب ۲/۵۲۳، ۲/۸۰۳ و ۲/۲۴۶ و سطح معناداری آن‌ها به ترتیب ۰/۰۰۰، ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ است. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره آزمون در هر سه مدل کم‌تر

از ۵ درصد است، می‌توان بیان کرد که الگوی هر سه فرضیه دارای مشکل ناهمسانی واریانس اجزای خطاست. برای رفع این مشکل از روش رگرسیونی حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده گردید. جهت بررسی خودهمبستگی بین اجزای خطا نیز از آماره‌ی دوربین واتسن استفاده شده است که نتایج آن در حین بررسی آزمون فرضیه‌ها ارائه خواهد شد.

۱۰- نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌ی اول عنوان می‌کند که «بین تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.» برای آزمون این فرضیه، رابطه‌ی ۱ برآورد شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود سطح معناداری آماره‌ی t مربوط به متغیر تأخیر در گزارش حسابرسی کم‌تر از ۰/۰۵ و معنادار است. ضریب متغیر نیز ۰/۰۰۳ مثبت است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل حدود ۹ درصد است که نشان می‌دهد حدود ۹ درصد از تغییرات متغیر «ریسک سقوط آتی قیمت سهام» در نتیجه متغیرهای توضیح‌دهنده است. آماره‌ی F رگرسیون نیز ۱۹/۷۴ (با سطح معناداری ۰/۰۰۰) است که حکایت از معناداری کل مدل رگرسیون دارد. مقدار آماره‌ی دوربین واتسن نیز ۱/۹۹ است که با توجه به نزدیکی آن به عدد ۲، می‌توان گفت که مشکلی از بابت خودهمبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به این توضیحات، می‌توان نتیجه گرفت که بین تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. لذا فرضیه‌ی اول رد نمی‌شود.

جدول (۳) نتایج آزمون فرضیه‌ی اول

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	سطح معناداری
تأخیر در گزارش حسابرسی	AUDIT_LAG	۰.۰۰۳	۸.۷۱۶	۰.۰۰۰۰
اندازه‌ی شرکت	SIZE	-۰.۰۰۱	-۰.۵۷۴	۰.۵۶۵۷
اهرم مالی	LEV	۰.۱۱۴	۱.۹۳۰	۰.۰۵۳۸
بازده دارایی	ROA	-۰.۰۰۷	-۰.۰۷۵	۰.۹۳۹۵
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	-۰.۰۰۴	-۱.۲۵۱	۰.۲۱۱۱
اندازه‌ی حسابرسی	AUDIT_SIZE	۰.۰۳۴	۱.۷۳۲	۰.۰۸۳۵
مقدار ثابت	c	-۰.۱۱۴	-۲.۱۳۳	۰.۰۳۳۱
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۰۸۷		آماره‌ی F : ۱۹/۷۴۱		
دوربین واتسن: ۱/۹۹		سطح معناداری F : ۰/۰۰۰		

فرضیه‌ی دوم عنوان می‌کند که «اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی، شدت رابطه‌ی میان تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام را تضعیف می‌کند.» برای آزمون این

فرضیه، رابطه‌ی ۲ برآورد شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. چنانچه ملاحظه می‌شود سطح معناداری آماره‌ی t مربوط به متغیر «اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی $\times$ تأخیر در گزارش حسابرسی» کمتر از ۰/۰۵ و معنادار است. ضریب متغیر نیز برابر ۰/۰۸۸- است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل حدود ۶ درصد است که نشان می‌دهد حدود ۶ درصد از تغییرات متغیر «ریسک سقوط آتی قیمت سهام» در نتیجه متغیرهای توضیح‌دهنده است. آماره‌ی F رگرسیون نیز ۴/۲۲ (با سطح معناداری ۰/۰۰۰) است که حکایت از معناداری کل مدل رگرسیون دارد. مقدار آماره‌ی دوربین واتسن نیز ۱/۹۸ است که با توجه به نزدیکی آن به عدد ۲، می‌توان گفت که مشکلی از بابت خودهمبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به این توضیحات می‌توان نتیجه گرفت که اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی، شدت رابطه‌ی میان تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام را تضعیف می‌کند. لذا فرضیه‌ی دوم نیز رد نمی‌شود.

جدول (۴) نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	سطح معناداری
اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی	AIS	-۰.۰۷۷	-۲.۲۹۲	۰.۰۲۲۰
تأخیر در گزارش حسابرسی	AUDIT_LAG	۰.۰۰۱	۱.۳۱۹	۰.۱۸۷۲
اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی* تأخیر در گزارش حسابرسی	AIS*AUDIT_LAG	۰.۰۸۸-۰	۲.۳۷۵	۰.۰۱۷۷
اندازه‌ی شرکت	SIZE	-۰.۰۰۱	-۰.۲۱۶	۰.۸۲۸۵
اهرم مالی	LEV	۰.۱۲۱	۱.۰۵۷	۰.۲۹۰۴
بازده دارایی	ROA	-۰.۰۸۳	-۰.۴۷۰	۰.۶۳۸۱
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	-۰.۰۱۲	-۱.۸۷۵	۰.۰۶۱۰
اندازه‌ی حسابرسی	AUDIT_SIZE	۰.۰۳۰	۰.۶۸۳	۰.۴۹۴۶
مقدار ثابت	c	۰.۰۴۳	۰.۳۸۷	۰.۶۹۸۸

ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۰۲۱ آماره‌ی F : ۴/۲۲

دوربین واتسن: ۱/۹۹ سطح معناداری F : ۰/۰۰۰

فرضیه‌ی سوم عنوان می‌کند که «قدمت واحد حسابرسی داخلی، شدت رابطه‌ی میان تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام را تضعیف می‌کند». برای آزمون این فرضیه، رابطه‌ی ۳ برآورد شد که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است. چنانچه مشاهده می‌شود سطح معناداری آماره‌ی t مربوط به متغیر «قدمت واحد حسابرسی داخلی $\times$ تأخیر در گزارش حسابرسی» کمتر از ۰/۰۵ و معنادار است. ضریب متغیر نیز برابر ۰/۰۵۱- است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل حدود ۷ درصد است که نشان می‌دهد حدود ۷ درصد از تغییرات متغیر «ریسک

سقوط آتی قیمت سهام» در نتیجه متغیرهای توضیح‌دهنده است. آماره‌ی F رگرسیون نیز ۱۳/۱۰ (با سطح معناداری ۰/۰۰۰) است که حکایت از معناداری کل مدل رگرسیون دارد. مقدار آماره‌ی دوربین واتسن نیز ۱/۹۷ است که با توجه به نزدیکی آن به عدد ۲، می‌توان گفت که مشکلی از بابت خودهمبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به این توضیحات، می‌توان نتیجه گرفت که قدمت واحد حسابرسی داخلی، شدت رابطه‌ی میان تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام را تضعیف می‌کند. لذا فرضیه‌ی سوم نیز رد نمی‌شود.

جدول (۵) نتایج آزمون فرضیه‌ی سوم

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	سطح معناداری
قدمت واحد حسابرسی داخلی	DIA	-۰.۰۲۱	-۱.۸۴۱	۰.۰۶۵۷
تأخیر در گزارش حسابرسی	AUDIT_LAG	۰.۰۸۲	۳.۸۹۲	۰.۰۰۰۱
قدمت واحد حسابرسی داخلی* تأخیر در گزارش حسابرسی	DIA*AUDIT_LAG	۰.۵۱-۰	۰.۷۴۸	۰.۰۰۴۰
اندازه‌ی شرکت	SIZE	-۰.۰۰۵	-۱.۴۳۱	۰.۱۵۲۵
اهرم مالی	LEV	۰.۱۱۵	۱.۷۹۷	۰.۰۷۲۵
بازده دارایی	ROA	-۰.۰۳۱	-۰.۳۰۲	۰.۷۶۲۵
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	-۰.۰۰۲	-۰.۵۴۵	۰.۵۸۵۷
اندازه‌ی حسابرسی	AUDIT_SIZE	۰.۰۴۱	۱.۸۳۶	۰.۰۶۶۶
مقدار ثابت	c	-۰.۰۳۳	-۰.۴۵۹	۰.۶۴۵۶
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۰۷		آماره‌ی F: ۱۳/۱۰		
دوربین واتسون: ۱/۹۷		سطح معناداری F: ۰/۰۰۰		

۱۱- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تأخیر در گزارش حسابرسی عادی طولانی ممکن است یک پیام هشداردهنده در ارتباط با اختلاف‌نظر حسابر و صاحبکار در مورد تعدیلات حسابداری باشد. به عبارتی به جای این که نشانه‌ای از حسابرسی باکیفیت خوب باشد، در گزارش حسابرسی نشانه‌ای از خبر بد است. عواقب چنین تعاملی می‌تواند به‌طور مستقیم بر دوره‌های حسابداری آینده و مذاکرات حق‌الزحمه و همچنین بر کیفیت رابطه‌ی حسابر با صاحبکار تأثیر بگذارد (بتی و همکاران، ۲۰۱۱). از این‌رو تأخیر عادی در ارائه‌ی گزارش حسابرسی، مشکلات آینده‌ی حسابداری و عدم اطمینان سرمایه‌گذار را افزایش می‌دهد و در نتیجه‌ی آن موجب افزایش ریسک سقوط قیمت سهام گردد. همچنین حسابر داخلی می‌تواند عاملی بازدارنده در تأخیر گزارش حسابرسی و در نتیجه‌ی آن کاهش ریسک سقوط قیمت سهام به‌شمار آید.

در این مقاله اثر تأخیر عادی گزارش حسابرسی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام و اثر کارایی عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه آن مورد آزمون قرار گرفت. هدف پاسخگویی به این سؤال‌ها بود که آیا تأخیر عادی گزارش حسابرسی موجب افزایش ریسک سقوط آتی قیمت سهام می‌گردد؟ آیا کارایی عملکرد حسابرسی داخلی موجب تضعیف ارتباط میان تأخیر گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام می‌گردد؟ به این منظور جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۱۶۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که: (۱) بین تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ (۲) اندازه‌ی واحد حسابرسی داخلی، شدت رابطه‌ی میان تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام را تضعیف می‌کند؛ و (۳) قدمت واحد حسابرسی داخلی، شدت رابطه‌ی میان تأخیر در گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام را تضعیف می‌کند. این نتایج در تطابق با یافته‌های پژوهش‌های لو و همکاران (۲۰۲۰)، حبیب و هانگ (۲۰۱۹)، قانم و حجازی (۲۰۱۱)، و پیزینی و همکاران (۲۰۱۰) می‌باشد.

بر اساس نتیجه‌ی فرضیه‌ی اول پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد که در اتخاذ تصمیمات اقتصادی خود پیرامون خرید و فروش سهام شرکت‌ها، به تفاوت زمان ارائه‌ی گزارش حسابرسی با حد متوسط زمان ارائه گزارش‌ها در چند سال قبل توجه نموده و در صورت وجود اختلاف حائز اهمیت، صورت‌های مالی ارائه‌شده را بیش‌تر بررسی نمایند و به حسابرسان توصیه می‌شود که به دنبال فرآیند حسابرسی مستمر رفته تا فشار زمانی موجب تأخیر غیرعادی در روند انتشار و ارائه‌ی گزارش حسابرسی آن‌ها نشود.

همچنین بر اساس یافته‌های فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش مبنی بر تضعیف رابطه‌ی میان تأخیر گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام توسط متغیرهای کارایی عملکرد حسابرسی داخلی، به مدیران ارشد شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد که در انتخاب حسابرسی داخلی برای ویژگی تجربه و تخصص اهمیت ویژه قائل شوند تا به بهبود کیفیت گزارشگری مالی از منظر به‌موقع بودن کمک نمایند.

پژوهشگران آتی نیز می‌توانند تأثیر سایر ویژگی‌های حسابرسی داخلی همچون دوره تصدی، میزان سوابق کاری و میزان تحصیلات بر رابطه میان تأخیر گزارش حسابرسی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام را مورد بررسی قرار دهند.

در فرآیند انجام پژوهش علمی مجموعه شرایطی وجود دارد که خارج از کنترل محقق است ولی به‌طور بالقوه می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر آن است که مطابق با پژوهش‌ها قبلی، متغیرهای کنترلی متعددی که بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها مؤثر بودند، در نظر گرفته شد و در برآورد مدل لحاظ گردیدند. با این حال همانند سایر پژوهش‌های تجربی در حسابداری، همچنان احتمال وجود متغیرهای مرتبط حذف شده وجود دارد که می‌تواند در تعمیم نتایج تأثیرگذار باشد.

منابع

- انصاری، عبدالمهدی. حسین، شفیع. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر متغیرهای داخلی بر برنامه حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۱۶(۴)، ۲۱-۳۴.
- حاجیه، زهره. رفیعی، آزاده. (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر به هنگام بودن گزارش حسابرسی مستقل. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶(۲۴)، ۱۲۱-۱۳۷.
- حاجیه، زهره. اورادی، جواد و صالح آبادی، مهری. (۱۳۹۶). ضعف در کنترل‌های داخلی و تأخیر گزارش. حسابرسی. فصلنامه حسابداری مالی. ۹(۳۳)، ۷۸-۹۶.
- رازقی، سیده غزاله و امیرحسینی، زهرا. (۵۹۳۱). بررسی رابطه بین بهبود نگهداشت وجه نقد و ارزیابی عملکرد ارزش افزوده اقتصادی. راهبرد مدیریت مالی، ۴(۱)، ۳۲۱-۹۳۱.
- فندرسکی، علی و گرایلی، مهدی. (۱۳۹۷). اثربخشی کنترل‌های داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. ۱۰(۲)، ۱۶۹-۱۸۶.
- کوکبی، صدریه. کردلویی، حمید رضا و میرابی، وحیدرضا. (۱۳۹۴). تأثیر کارایی عملکرد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۴(۱۶)، ۲۷-۳۴.
- مشایخی، بیتا. حسن زاده، شادی. امینی، یاسین و منتی، وحید. (۱۳۹۵). تأثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر حق الزحمه حسابرسی مستقل. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۸(۳۱)، ۴۱-۵۶.

Abernathy, J. L., Barnes, M., Stefaniak, C., and Weisbarth, A. (2017). An international perspective on audit report lag: A synthesis of the literature and opportunities for future research. *International Journal of Auditing*, 21(1), 100-127.

Akingunola, R. O., Soyemi, K. A., & Okunuga, R. (2018). Client Attributes and the Audit Report Lag in Nigeria. *Market Forces*, 13(1).

Aljifri, K., Khasharmeh, H. (2010). The timeliness of annual reports in Bahrain and the United Arab Emirates: An empirical comparative study. *The International Journal of Business and Finance Research*, 4(1), 51-71.

Ansari, A. & Shafiei, H. (2009). Investigating the effect of internal variables on the audit program. *Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 16(4): 21-34. (In Persian)

Ansari, A., Shafiei, H. (2010). An Examination on the Effect of Certain Internal Audit Variables on the Planning of External Audit. *Accounting and Auditing Review*, 16(4), 21-34 [In Persian].

Barber, B. M., & Odean, T. (2013). The behavior of individual investors. In *Handbook of the Economics of Finance*. (2). 1533-1570..

Beattie, V., Fearnley, S., and Brandt, R. (2001). *Behind closed doors*. New York, NY: Palgrave.

Beattie, V.A., Hines, T. and Fearnley, S. (2011), *Reaching Key Financial Reporting Decisions – How Directors and Auditors Interact*, John Wiley & Sons, Chichester.

Blankley, A. I., Hurr, D. N., & MacGregor, J. E. (2014). The relationship between audit report lags and future restatements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(2), 27-57.

Bryant-Kutcher, L., Peng, E. Y., and Weber, D. P. (2013). Regulating the timing of disclosure:

Insights from the acceleration of 10-K filing deadlines. *Journal of Accounting and Public Policy*, 32(6), 475-494.

Carslaw, C. A., & Kaplan, S. E. (1991). An examination of audit delay: Further evidence from New Zealand. *Accounting and business research*, 22(85), 21-32.

Chan, K. H., Luo, V. W., & Mo, P. L. (2016). Determinants and implications of long audit reporting lags: Evidence from China. *Accounting and Business Research*, 46(2), 145-166.

Chen, J., Chan, K. C., Dong, W., & Zhang, F. (2017). Internal control and stock price crash risk: Evidence from China. *European Accounting Review*, 26(1), 125-152.

De Angelo, L. (1981). Auditor Size and Audit Quality, *Journal of Accounting and Economics*.

Fagbemi, T. O., & Uadiale, O. M. (2011). An appraisal of the determinants of timeliness of audit report in Nigeria: Evidence from selected quoted companies. In *The New Orleans International Academic Conference New Orleans, Louisiana USA*.

Felix, Jr, W. L., Gramling, A. A., and Maletta, M. J. (2001). The contribution of internal audit as a determinant of external audit fees and factors influencing this contribution. *Journal of Accounting Research*, 39(3), 513-534.

Fendereski, A., Safari Grailei, M. (2018). The effectiveness of internal controls and Stock Price Crash Risk. *Quarterly financial accounting journal* 10(38), 169-186 [In Persian].

Fenderski, A. & Garayli, M. (2018). The effectiveness of internal controls and the risk of stock price crash. *Journal of Financial Accounting and Auditing Research*, 10 (2): 169-186. (In Persian)

Habib, A., & Huang, H. J. (2019). Abnormally long audit report lags and future stock price crash risk: evidence from China. *International Journal of Managerial Finance*.

Hajiha Z, Oradi J, Saleh Abadi M.(2017). Internal control weaknesses and Audit report lag. *Quarterly financial accounting journal*. 9 (33) :78-96 [In persian].

Hajiha, Z. & Rafiei, A. (2014). The effect of internal audit performance quality on the timeliness of the independent audit report. *Journal of Financial Accounting and Auditing Research*, 6(24): 121-137. (In Persian)

Hajiha, Z., Oradi, J. & Salehabadi, M. (2017). Weaknesses in Internal Controls and Audit Report Delays. *Financial Accounting Quarterly*, 9 (33): 78-96. (In Persian)

Hajiha, Z., Rafiei, A. (2014). The impact on the timeliness of performance quality of internal audit Independent audit reports. *Quarterly financial accounting journal*. 6(24), 121-137 [In Persian].

Hutton, A. P., Marcus, A. J., & Tehranian, H. (2009). Opaque financial reports, R2, and crash risk. *Journal of financial Economics*, 94(1), 67-86.

Kokabi, S., Kordloui, H. R. & Mirabi, V. R. (2015). The Impact of the Efficiency of Internal Audit Performance and the Audit Committee on the Restatement of Financial Statements. *Journal of Knowledge of Management Accounting and Auditing*, 4(16): 27-34. (In Persian)

Kokabi, S., Kordlouie, H., Mirabi, V. (2015). The impact of function efficiency of internal audit and the audit committee on financial restatements of firms. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*. 4(16). 27-34 [In persian].

Lambert, T. A., Jones, K. L., & Brazel, J. F. (2011). Unintended consequences of accelerated filings: Are mandatory reductions in audit delay associated with reductions in earnings quality. Unpublished Paper.

Leventis, S., Weetman, P., & Caramanis, C. (2005). Determinants of audit report lag: Some evidence from the Athens Stock Exchange. *International Journal of Auditing*, 9(1), 45-58.

Lu, S., Xuan, Y., & Zhang, L. (2020). Do Abnormal Audit Report Lags Signal Impending Stock Price Crash?. *China Accounting and Finance Research*, 22(4).

Mashayekhi, B., Hasanzadeh, SH., Amini, Y., Menati, V. (2016). The Impact of Internal Audit Quality on Independent Audit Fee. *Quarterly financial accounting journal*. 8(31), 41-56 [In Persian].

Mashayekhi, B., Hassanzadeh, S., Amini, Y. & Mennati, V. (2016). The Impact of Internal Audit Quality on Independent Audit Fees. *Journal of Financial Accounting and Auditing Research*, 8 (31): 41-56. (In Persian)

Pizzini, M., Shu, L., & Vargus, M. (2010). The Impact of Internal Audit Function Quality on Audit Delays. *University College of Business and Public Administration*: pp, 1-41.

Razeqi, G. & Amir Hosseini, Z. (2016). Investigating the Relationship between Improving Cash Holding and Evaluating Economic Added Value Performance. *Journal of Financial Management Strategy*, 4 (1): 321-931. (In Persian)

Rusmin, R., Aşlami, E. W., & Hartadi, B. (2014). The impact of surplus free cash flow and audit quality on earnings management. *Asian review of accounting*.

Talebnia, G., Rajabdorri, H. (2018). Effect of the Audit Committee on the Stock Prices Crash Risk: Looking at the Ethical Voluntary Disclosure. *Journal of Financial Accounting Research*, 10(1), 95-110 [In Persian].

Vishal, Munsif. (2011). Internal Control Reporting by Non-Accelerated Filers, Ph.D. Dissertation. Florida International University.

Yeung, W. H., & Lento, C. (2018). Ownership structure, audit quality, board structure, and stock price crash risk: Evidence from China. *Global Finance Journal*, 37, 1-24.



COPYRIGHTS

This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.

Investigating the Effect of Personality and Behavioral Traits on the Ethical Decision-Making Process of Professional Accountants

Ehsan Rahmani nia¹, Ayda Golpaygani²

Received: 2021/06/30

Approved: 2021/08/07

Research Paper

Abstract:

The need to pay attention to ethics in the accounting and auditing profession is vital for society; So that the observance of behavior and ethical standards can be the core of the existence of the profession and if the personality traits related to ethics are not considered, the profession faces ethical failure and, ultimately, significant economic consequences. Accordingly, the purpose of this study is to investigate the effect of personality traits on the ethical decision-making process of professional accountants. In this study, a questionnaire was obtained from 226 senior auditors (internal and independent) and senior financial managers of companies listed on the Tehran Stock Exchange by purposive sampling method and the information was analyzed using cross-sectional regression. Findings showed that the personality traits of economic status, education, ethical idealism have a positive and significant effect on the ethical decision-making process and ethical relativism has a negative and significant effect on the ethical decision-making process. Therefore, the first main hypothesis of the study on the effect of personality traits on the ethical decision-making process was confirmed. Behavioral characteristics of “the result of an immoral decision” and “social consensus for an immoral decision” also have a significant positive effect on the ethical decision-making process. The second hypothesis was confirmed. Finally, it was found that the demographic characteristics of economic status, education and age have a positive and significant effect on the ethical decision-making process and gender has a negative and significant effect on the ethical decision-making process. The results of this study can help to develop theoretical foundations in the field of ethical behavior in accountants and increase their level of awareness and ethical development.

Key Words: Personality Traits, Behavioral Traits, Ethical Idealism, Ethical Relativism, Ethical Decision-Making Process, Professional Accountants.



10.22034/ARJ.2021.245326

1. Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University of North Tehran, Tehran, Iran
(Corresponding Author) e.rahmaninia@iau-tnb.ac.ir

2. Msc. Student of Auditing, Islamic Azad University of North Tehran, Tehran, Iran.
a.golpaygani1400@gmail.com

<http://article.iacpa.ir>

بررسی تأثیرپذیری تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاریشان

احسان رحمانی‌نیا^۱، آیدا گلپایگانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

لزوم توجه به اخلاق در حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی امری حیاتی برای جامعه است به‌طوری‌که رعایت رفتار و معیارهای اخلاقی می‌تواند به‌عنوان هسته‌ی علت وجودی حرفه باشد و در صورتی‌که به ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با اخلاق توجه نشود حرفه با شکست اخلاقی و نهایتاً عواقب اقتصادی قابل‌توجهی مواجه می‌گردد. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای است. در این پژوهش از ۲۲۶ حسابرس ارشد (داخلی و مستقل) و مدیر ارشد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش نمونه‌گیری هدفمند پرسشنامه اخذ و اطلاعات حاصل از آن با استفاده از رگرسیون مقطعی بررسی شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که از ویژگی‌های شخصیتی وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش و آرمان‌گرایی اخلاقی تأثیر مثبت و معنادار و نسبیت‌گرایی اخلاقی تأثیر منفی و معناداری بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی دارند. لذا فرضیه‌ی اصلی اول پژوهش مبنی بر تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی تأیید شد. همچنین نتایج بررسی فرضیه‌ی اصلی دوم حاکی از آن بود که ویژگی‌های رفتاری نیز بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی تأثیر مثبت معناداری دارند و فرضیه‌ی دوم نیز تأیید شد. در نهایت، مشخص شد از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش و سن بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی تأثیر مثبت و معنادار و جنسیت بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی تأثیر منفی و معنادار دارد. نتایج این پژوهش می‌تواند به توسعه و بسط مبانی نظری در حوزه‌ی رفتار اخلاقی در حسابداری و افزایش سطح آگاهی و توسعه‌ی اخلاقی آن‌ها کمک کند.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های رفتاری، آرمان‌گرایی اخلاقی، نسبیت‌گرایی اخلاقی، فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی، حسابداران حرفه‌ای

۱- مقدمه

توسعه و تنوع روزافزون فعالیت‌های اقتصادی نیاز به اعمال نظارت بر بازار سرمایه و شرکت‌های سهامی در جهت حفظ منافع عموم و صاحبان سرمایه را تشدید نموده است (محمد ساعت و همکاران، ۲۰۱۲). رفع این نیاز مستلزم فراهم‌سازی اطلاعات مالی قابل اعتماد، مربوط و قابل مقایسه توسط این شرکت‌ها با استفاده از خدمات حسابداری حرفه‌ای در واحدها و خدمات حسابداران حرفه‌ای مستقل در بررسی اطلاعات و حسابرسی مستقل صورت‌های مالی است (کوپر، مورگان، ۲۰۱۳).

یکی از اهداف مهم تشکیل هر حرفه خدمت به جامعه است و حرفه‌ی حسابداری نیز از این قاعده مستثنی نیست (مرادیف، زکی زاده‌فر، ۱۳۹۳). لذا نقش، وظیفه و مسئولیت حسابداران حرفه‌ای به عنوان یک حرفه (الازبال، آلمر، ۲۰۰۱) در قبال جامعه و صاحبان سرمایه ایجاب می‌کند که آنان به آیین رفتار حرفه‌ای مدون و منسجمی پایبند باشند تا پذیرش، اعتبار، اعتماد و احترام اجتماعی را که لازمه‌ی فعالیت در هر حرفه‌ی تخصصی است به دست آورند (تورنر، ۲۰۰۶؛ صیادی تورانلو، عزیزی، ۱۳۹۶).

بدون شک اعتماد به عنوان یک سرمایه‌ی اجتماعی، از مهم‌ترین دارایی‌های حرفه‌ی حسابداری است (صیادی تورانلو و عزیزی، ۱۳۹۶). اعتبار و مشروعیت حرفه‌ی حسابداری، به اعتماد بستگی دارد که خود نیز به‌طور مستقیم از ظرفیت این حرفه در پاسخگویی به مسئولیت‌ها که شامل جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و محیطی است، به وجود می‌آید (کاسا، پارتس، ۲۰۱۳). جایگاه اخلاق هر حرفه، امری حیاتی برای پذیرش آن در جامعه است (مینتز، ۱۹۹۵). آرمسترانگ (۱۹۹۳) معتقد است که رفتار و رعایت معیارهای اخلاقی را می‌توان به عنوان هسته‌ی علت وجودی هر حرفه در نظر گرفت. این امر برای حرفه‌ی حسابرسی نیز مصداق خواهد داشت؛ درجایی که شکست اخلاقی می‌تواند عواقب اقتصادی قابل توجهی داشته باشد و موجب درماندگی مالی گسترده‌ای گردد. لذا اخلاق حرفه‌ای قصد ارائه‌ی اصولی حرفه‌ای و ضروری برای مقابله با چنین موقعیتی دارد که فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی یکی از این اصول است (گراسیا مارزا، ۲۰۰۵).

فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای از مهم‌ترین و پررنگ‌ترین عواملی است که باعث حفظ کین و کرامت حرفه‌ی حسابداری می‌شود (گراسیا مارزا، ۲۰۰۵). امروزه انتظارات جامعه از حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی افزایش یافته است. افزایش این انتظارات، حسابداران رسمی را ملزم می‌نماید که خدمات حرفه‌ای خود را در قالب فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی ارائه دهند. فرآیندهایی نظیر انتشار آیین رفتار حرفه‌ای برای حسابداران حرفه‌ای (هیأت استانداردهای اخلاقی و حسابداری حرفه‌ای، ۲۰۰۶)، برپایی کمیته‌های انضباطی برای حسابداران رسمی و اعمال تحریم‌های حرفه‌ای گام‌هایی است که حرفه به منظور تشویق اعضا به اعمال آیین رفتار حرفه‌ای و این که در جامعه این طور به نظر برسند که به این آیین عمل می‌شود، برداشته است (شوارتز، ۲۰۱۶).

از این رو اخلاق به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، بایدها و نبایدها می‌تواند نقش مهمی را در مدیریت اثربخش امور و سازمان‌ها ایفا کند و جهت تحقق آن‌ها تدوین منشور اخلاقی و عملی ساختن آن در

سازمان‌ها ضروری است (رحمانی‌نیا، یعقوب‌نژاد، ۱۳۹۶؛ صیادی‌تورانلو، عزیزی، ۱۳۹۶). همان‌طور که در نظریه‌ی توسعه رشد اخلاقی بیان شده است، حسابداران حرفه‌ای ممکن است علاوه بر حقوق اساسی، ارزش‌ها و قراردادهای قانونی جامعه تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری و اخلاقی نیز قرار گیرند (کرافت، ۲۰۱۳). از این رو پژوهش بیش‌تر درباره‌ی نحوه‌ی تأثیرگذاری این ویژگی‌ها بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. بر همین اساس با توجه به اهمیت فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای و تحت تأثیر قرار گرفتن آن‌ها از ارزش‌ها، بایدها و نبایدها، این تحقیق به دنبال بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری حسابداران حرفه‌ای بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی آن‌ها است. به‌طور کلی هدف از این پژوهش پاسخگویی به این سؤال است که «آیا وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش، آرمان‌گرایی اخلاقی و نسبیت‌گرایی اخلاقی به‌عنوان ویژگی‌های مهم شخصیتی و نتیجه تصمیم‌گیری اخلاقی، اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی به‌عنوان ویژگی‌های مهم رفتاری بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای (شامل شناخت، قضاوت نیت و رفتار اخلاقی) مؤثر است؟».

نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند نقش ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری را بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای به‌خوبی روشن سازد. بنابراین دستاورد و نوآوری پژوهش حاضر افزایش دانش مخاطبین در حوزه‌ی ارتباط بین این ویژگی‌ها و تصمیم‌گیری اخلاقی و بسط مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در این حوزه، همراه با یافته‌های مستند از موضوع، در جامعه حسابداران ایران خواهد بود.

۲- مبانی نظری

یکی از بهترین تعریف‌ها از اخلاق از دیدگاه اسلامی، تعریفی است که استاد مطهری در این زمینه بیان داشته است؛ به عقیده‌ی وی علم اخلاق، علم زیستن یا علم به این است که چگونه باید زیست تا زندگی سراسر ارزشمند و مقدس و متعالی باشد (رحمانی‌نیا، یعقوب‌نژاد، ۱۳۹۶). اخلاق به‌عنوان ارزش ذاتی افراد که به‌طور بالقوه می‌تواند بر مقاصد و تصمیمات رفتاری آن‌ها اثر بگذارد، تعریف می‌شود (غزالی، ۲۰۱۵). رفتار اخلاقی به‌عنوان یک رفتار خوب تعریف می‌شود که از نظر اخلاقی «درست» را مقابل «بد» یا «غلط» در مجموعه‌ای خاص قرار می‌دهد (حشی، ۲۰۱۱). اخلاق یک زیربنای ضروری برای هر حرفه فراهم می‌کند که می‌توان از آن به‌عنوان اخلاق حرفه‌ای یاد کرد (چرینگتون، چرینگتون، ۱۹۹۵).

اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان یک دارایی نامشهود، مفهومی حساس در تمامی مشاغل اجتماعی است؛ به‌ویژه مشاغل هم‌چون حسابداری و حسابرسی که به فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازند (شفر- لاندائو، ۲۰۱۲؛ صیادی‌تورانلو، عزیزی، ۱۳۹۶). از آنجاکه حسابداری عرصه‌ای است که به‌شدت بر اعتماد و انجام مسئولیت‌های اعتباری استوار است، اهمیت گنجاندن قضاوت اخلاقی در حوزه‌ی حسابداری روشن است (پترینا، ۲۰۰۸). اگر اخلاق حرفه‌ای وجود نداشته باشد، کیفیت خدمات حسابداری ارائه‌شده به جامعه ارزش کاربردی آن را تضمین نخواهد نمود. اگر کارکنان مطابق با استانداردهای

اخلاق شغلی کار کنند، عموم جامعه از آن بهره می‌برند (قاسم و همکاران، ۲۰۱۳). همان‌طور که در ادبیات تحقیق اثبات شده برخی از عوامل شخصیتی شامل سن، جنس، تربیت، ارزش‌های شخصی، ترس از مجازات، وجدان و دین بر استدلال‌شناختی افراد، رشد اخلاقی، رفتار اخلاقی و تصمیم‌گیری مؤثر هستند (موسباح و همکاران، ۲۰۱۶؛ اوبو آجیبولاد، ۲۰۱۸؛ اوبو، ۲۰۱۹). با توجه به این‌که ایدئولوژی اخلاقی افراد متأثر از فرهنگ، دین و شخصیت آن‌ها است (پانزا، پتانست، ۲۰۱۰)، بنابراین ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند در شکل‌گیری قضاوت اخلاقی و فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی هر فرد نقش مهمی ایفا نماید (کالر و همکاران، ۲۰۰۷؛ مارکز، آزودو-پریرا، ۲۰۰۹؛ گایوت و همکاران، ۲۰۱۱؛ موسباح و همکاران، ۲۰۱۶). بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که تصمیمات اخلاقی حسابداران نیز تحت تأثیر فرهنگ سازمانی، فرهنگ اخلاقی و ویژگی‌های شخصیتی قرار می‌گیرد (سوئینی و همکاران، ۲۰۱۰). اوگونلیه (۲۰۱۵) و موسباح و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که عوامل مختلف شخصیتی و جمعیتی از جمله سن، جنس، فرهنگ و دین‌داری به‌طور معناداری بر درک اخلاقی و تمایل حسابداران تأثیر می‌گذارد. ویژگی‌های شخصیتی عبارت است از مجموعه‌ای از رفتار و شیوه‌های تفکر شخص در زندگی روزمره که با ویژگی‌های بی‌همتا بودن، ثبات (پایداری) و قابلیت پیش‌بینی مشخص می‌شود. به‌طور کلی شخصیت، سازمان‌بندی پویایی در درون فرد است و شامل آن دسته از نظام‌های روانی-فیزیکی که رفتار و تفکر او را تعیین می‌کند (کالینز، ۲۰۱۹). طبق پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه‌ی پژوهش حاضر، وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش، آرمان‌گرایی اخلاقی و نسبیت‌گرایی اخلاقی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی به‌شمار می‌روند (لمی، ۲۰۱۱؛ چود هری و همکاران، ۲۰۱۲؛ اوگونلیه، ۲۰۱۵؛ موسباح و همکاران، ۲۰۱۶؛ وبو، ۲۰۱۹). در این پژوهش از تحقیقات آنان استفاده شده است. چود هری و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند که آموزش و پرورش و تربیت از متغیرهایی است که روند قابل‌توجهی در اخلاقیات و رفتار دانشجویان رشته‌های کسب‌وکار دارد. آرمان‌گرایی اخلاقی فارغ از موقعیت‌ها، شرایط و یا هرگونه تأثیرگذاری اخلاقی، یک اعتقادی فلسفی است. همچنین نسبیت‌گرایی اخلاقی نیز همان اعتقاد فلسفی است که معتقد است ارزش‌های اخلاقی و اصول اخلاقی با افراد، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی نسبت داده شده است (فورسیت، ۱۹۸۰؛ سینگپاکدی و همکاران، ۲۰۰۰؛ مینتز، موریس، ۲۰۰۸؛ کرافت، ۲۰۱۳؛ مصباح و همکاران، ۲۰۱۶). تصمیم‌گیری معمولاً شامل فرآیندی است که در بهترین حالت نیز برای افراد چالش دارد. زیرا بسیاری از تصمیماتی که یک فرد در کار خود با آن‌ها روبه‌رو است دارای پیامدهای اخلاقی هستند (موسباح و همکاران، ۲۰۱۶). طبق مدل نظری تصمیم‌گیری اخلاقی جیمز (۱۹۷۹) پردازش‌های اخلاقی افراد هنگام مواجهه با معضلات اخلاقی شامل چهار مورد روان‌شناختی است که عبارت‌اند از: شناخت اخلاقی، قضاوت اخلاقی، نیت اخلاقی و رفتار اخلاقی. در پژوهش حاضر نیز طبق این مدل معروف، فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای نیز توالی این چهار مورد در نظر گرفته شده است. هرچند مدل تصمیم‌گیری اخلاقی از یک ترتیب متوالی پیروی می‌کند اما جیمز (۱۹۷۹) استدلال می‌کند که هر مرحله از نظر مفهومی متفاوت است.

شناخت اخلاقی اولین مرحله در مدل است. تصمیم‌گیری یا اقدام احتمالی می‌تواند بر رفاه، منافع و انتظارات شخص دیگری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر بگذارد، به‌گونه‌ای که ممکن است با یک یا چند اصول اخلاقی در تعارض باشد (رست، ۱۹۸۶). مرحله بعدی قضاوت اخلاقی، یعنی تعیین مسیر اخلاقی مناسب برای عمل در بین گزینه‌های بالقوه است (شوارتز، ۲۰۱۶). مرحله‌ی سوم که مرحله‌ی نیت اخلاقی است احتمال ذهنی است که یک جایگزین رفتاری معین انجام شود (موسباح و همکاران، ۲۰۱۶). درنهایت رفتار اخلاقی مرحله‌ی چهارم و آخر، جایی است که فرد در یک عمل صحیح به دلیل اهداف خود درگیر می‌شود (رست، ۱۹۸۶).

۳- پیشینه‌ی پژوهش

در رابطه با موضوع اصلی پژوهش، مطالعات چندانی صورت نگرفته است. بنابراین در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که تا حدی با موضوع پژوهش حاضر ارتباط دارند، اشاره می‌شود. زیگنفس و سینکپکدی (۱۹۹۴) در پژوهشی فلسفه‌ی اخلاقی شخصی حسابرسان داخلی و حسابداران مدیریت را مقایسه کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که فلسفه‌ی اخلاقی شخصی حسابرسان داخلی و حسابداران مدیریت متفاوت از یکدیگر است، به‌طوری‌که حسابداران مدیریت مطلق‌گراتر از حسابرسان داخلی هستند و حسابرسان داخلی ذهنی‌گراتر از حسابداران مدیریت هستند. همچنین، فلسفه‌ی اخلاقی شخصی حسابداران مدیریت بستگی به موقعیت شغلی و محیط اخلاقی سازمان دارد که این همبستگی در مورد محیط اخلاقی سازمان نسبت به موقعیت شغلی بیش‌تر است. لارکین (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «توانایی حسابرسان داخلی در تعیین مسائل اخلاقی» به بررسی عوامل مؤثر بر این توانایی پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که سن حسابرسان داخلی تأثیر اندکی بر رفتار آنان دارد و حسابرسان دارای تجربه بیش‌تر در تفسیر مسائل اخلاقی محافظه‌کارتر هستند. همچنین، توانایی زنان در تعیین مسائل اخلاقی بیش‌تر از مردان است. افزون بر این، افراد در بیش‌تر موارد خود را از نظر اخلاقی برتر از همکاران خود می‌پندارند. کانالی و رب (۲۰۰۸) به بررسی نقش عوامل مؤثر در فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی افراد و به‌طور هم‌زمان به کشف توجیهات مهم تلقی شده در حل مشکلات اخلاقی پرداختند. آنان بر اساس باور اتریزیونی، مبنی بر اینکه احساسات عاملی مهم در انتخاب بین گزینه‌ها است، به ارزیابی سه احساس پشیمانی، آسودگی و رضایتمندی پرداختند. آنان مشخص نمودند که چه‌طور باید به حل مشکلات اخلاقی پرداخت و آن‌ها را حل نمود.

لی (۲۰۱۱) به بررسی رابطه‌ی سطح استدلال اخلاقی با سطح مهارت حسابرسان پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد حسابرسانی که در سطح بالایی از استدلال اخلاقی هستند، سوگیری کم‌تری نسبت به منافع صاحبکاران خود دارند و در هنگام رسیدگی‌ها منافع همه‌ی افراد را موردتوجه قرار می‌دهند. اورت و ترمبلی (۲۰۱۳) به پژوهشی تحت عنوان «اخلاق و حسابرسی داخلی: اراده‌ی اخلاقی و مهارت اخلاقی در زمینه‌ی ناهمگون» پرداختند. این پژوهش در زمینه‌ی جامعه‌شناسی اقتصادی و ایده‌های ادبی میلان کاندرا کار کرده که نشان می‌دهد چگونه حسابرسان داخلی به‌طور فعال

بازارها را اخلاقی کرده و اراده‌ی اخلاقی که مبهم است را در صورت عدم مشکل درک می‌کنند. همچنین این پژوهش سؤالاتی در مورد پیشنهاد فعلی انجمن حسابرسان داخلی از منابع مربوط به اخلاق و توانایی آن برای توسعه‌ی مؤثر مهارت اخلاقی در این زمینه مطرح نمود.

اوباح و آجیبولاد (۲۰۱۸) فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداری حرفه‌ای در نیجریه را بر اساس ویژگی‌های شخصی آن‌ها بررسی کردند. با استفاده از طرح بررسی مقطعی، داده‌ها از ۳۲۹ متخصص حسابداری با کمک پرسشنامه ساختاری حاوی چهار تصویر مختلف از مشکلات اخلاقی به دست آمد. در این پژوهش توانایی‌های حسابداران حرفه‌ای برای شناخت مشکلات اخلاقی، قضاوت اخلاقی و همچنین نشان دادن اهداف در تصمیم‌گیری‌های غیر اخلاقی بررسی شده است. نتایج نشان داد که به‌غیر از جنسیت و سن، تفاوت در شناخت اخلاقی، قضاوت اخلاقی و نیت اخلاقی حسابداران حرفه‌ای تحت تأثیر پیشرفت تحصیلی، وضعیت اقتصادی، تخصص حسابداری، وابستگی فرهنگی، وجدان و تأثیر همسالان قرار دارد. یکی از پیامدهای این مطالعه این است که شواهدی را ارائه می‌کند که نشان می‌دهد فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای در نیجریه با مداخلات از طریق عضویت حرفه‌ای قابل افزایش است.

اسماعیل و یوهنیس (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان «عوامل مؤثر بر رفتار اخلاقی کار حسابرسان بخش دولتی مالزی» انجام دادند. پاسخ‌دهندگان این مطالعه حسابرسان بخش دولتی اداره‌ی ملی حسابداری در مالزی بودند. نتایج نشان داد که رفتار اخلاقی بین حسابرسان دولتی در مالزی تحت تأثیر جو اخلاقی، تعهد حرفه‌ای، ارزش‌های اخلاقی شرکت‌ها و هم‌ایدئولوژی اخلاقی آرمان‌گرا و نسبیت‌گرا است.

کالینز (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و رفتاری بر تصمیم‌گیری اخلاقی پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان داد که سن، وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش، مطلق‌گرایی و نسبی‌گرایی رفتاری، اجماع اجتماعی و شدت پیامد بر فرآیند تصمیم‌گیری حسابداران حرفه‌ای تأثیر معناداری دارد. این پژوهش یک خط سیر و یا راهنمایی را برای حسابداران در مسیر تقویت قدرت تشخیص آن‌ها فراهم نمود که مطمئن باشند با کدهای اخلاقی در میان حسابداران حرفه‌ای در نیجریه به یک اجابت (قبول) اکید (تصمیم درست) خواهند رسید. همچنین این تحقیق یک حمایتی برای دلیل شناختی کلبرگ و تئوری توسعه اخلاقی و مدل تئوریک تصمیم‌گیری اخلاقی بود که به توسعه‌ی برنامه‌ی پیشین دستورالعمل اخلاقی حسابداران نیجریه کمک خواهد کرد.

آدکویا و همکاران (۲۰۲۰)، به بررسی نگرش حسابداران (رسمی و غیررسمی) نسبت به عوامل شخصی مؤثر بر رفتارهای اخلاقی حسابرسان در نیجریه پرداختند. داده‌ها از ۱۵۲ حسابدار (۸۰ حسابدار رسمی و ۷۲ حسابدار غیررسمی) در ایالت لاگوس نیجریه با استفاده از یک پرسشنامه‌ی ساختاریافته‌ی استاندارد به دست آمد. نتایج نشان داد که به‌جز سن حسابرسان، در برداشت حسابداران مجاز و غیرمجاز از عوامل شخصی تأثیرگذار بر رفتارهای اخلاقی حسابرسان، اجماع وجود دارد. درحالی‌که دیدگاه‌های واگرایی قابل‌توجهی در مورد اینکه آیا سن بر رفتارهای اخلاقی حسابرسان تأثیر می‌گذارد، وجود دارد؛ ترس از مجازات، مذهب، تربیت، وجدان، جنسیت و

ارزش‌های شخصی تأثیرگذار بر رفتارهای اخلاقی حسابرسان بوده است. اونوما، سیمپسون و وارتنگ (۲۰۲۱) تأثیر آموزش اخلاق در برنامه‌های حسابداری و نقش تعدیل‌کننده‌ی عوامل جمعیت‌شناختی بر نگرش‌های اخلاقی حسابداران را در غنا بررسی نمودند. نتایج نشان داد که گنجاندن دوره‌های مرتبط با اخلاق، روش‌های آموزش اخلاق، روش‌های ارزیابی اخلاق و روش‌های اخلاقی تأثیرات مثبت و معناداری بر اخلاق حسابداران حرفه‌ای دارد. افزون بر این عوامل جمعیت‌شناختی مانند تجربه و سن رابطه‌ی مثبت بین آموزش اخلاق و نگرش اخلاقی را تعدیل می‌کنند.

در ایران نیز مهرانی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم‌های اخلاقی حسابداران رسمی پرداخته‌اند که نتایج این بررسی نشان داد ویژگی‌های فردی حسابرسی، ویژگی‌های سازمان حسابرسی‌کننده و ویژگی‌های کار حسابرسی از عواملی هستند که بر تصمیمات اخلاقی حسابرسان تأثیرگذارند.

حساس یگانه و کاظم پور (۱۳۹۲) به بررسی رابطه‌ی سطح مهارت حسابرسان با حساسیت و قضاوت اخلاقی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که حسابرسان ماهر حساسیت بیش‌تری نسبت به منافع افراد ذی‌نفع به‌ویژه مدیران دارند و آگاهی از پیامد تصمیم فقط بر حساسیت اخلاقی و نحوه تعیین تنبیه‌های انتظامی حسابرسان نیمه‌ماهر تأثیر دارد.

رحیمی کاکلکی و همکاران (۱۳۹۶) عوامل مؤثر بر رعایت اخلاق حرفه‌ای حسابداران را بین جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران سنجیدند. نتایج نشان داد سازه‌ی اجتماعی سطح تحصیلات بر ارزیابی بی‌طرفانه تأثیر ندارد اما سازه‌های فردی سن و جنسیت اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی بر رعایت مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای شامل بی‌طرفانه بودن، رفتار حرفه‌ای، صلاحیت و مراقبت حرفه‌ای، انسجام وحدت رویه و رازداری تأثیر دارند.

امینی و شاهین (۱۳۹۹) به شناسایی و سطح‌بندی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری اخلاقی در سازمان پرداختند. شناسایی عوامل موردنظر با روش فراترکیب و تعیین روابط میان آن‌ها به کمک مدل‌سازی ساختاری تفسیری انجام شد. نتایج نشان داد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری اخلاقی شامل ۱۵ عامل فردی، سازمانی، اجتماعی و محیطی بوده است که روابط آن‌ها در قالب شش سطح تأثیرگذاری ارائه شده است. ترویج تصمیم‌گیری اخلاقی در میان مدیران نیازمند تقویت پیشایندهای آن است و در اولویت قرار دادن عوامل دارای بیش‌ترین اثرگذاری به ارتقای اثربخشی این تلاش‌ها کمک خواهد کرد. شایسته شجاعی، پورزمانی و یعقوب نژاد (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر معیارهای رفتار اخلاقی بر عملکرد حسابرسان پرداختند. نتایج نشان داد تمام متغیرهای زیر مجموعه‌ی محیط اخلاقی (شامل محیط ابزاری، محیط دلخواه، محیط مستقل، محیط ضوابط، محیط کارایی محور و محیط قانون و مقررات) بر عملکرد حسابرس تأثیر مثبت و معنادار دارد. از متغیرهای زیر مجموعه‌ی ایدئولوژی اخلاقی، ایده‌آل‌گرایی بر عملکرد حسابرسان تأثیر مثبت و معنادار داشته اما نسبی‌گرایی بر عملکرد حسابرسان دارای تأثیر منفی و معنادار است. همچنین نتایج نشان داد متغیرهای اصلی پژوهش شامل محیط اخلاقی، تعهد حرفه‌ای، ارزش‌های اخلاقی و ایدئولوژی

اخلاقی بر عملکرد شغلی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارند. دیباکیا، شکری چشمه سبزی و مرادزاده فرد (۱۴۰۰) با استفاده از مدل تصمیم‌گیری اخلاقی «اقتضایی مسأله»، به تبیین تمایل حسابداران به گزارش تخلفات مالی با تأکید بر نقش تعدیل‌گر شدت اخلاقی درک شده، پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی نشان داد که آگاهی اخلاقی تأثیر مثبت و معناداری بر قضاوت اخلاقی حسابداران دارد و شدت اخلاقی درک شده در این رابطه نقش تعدیل‌گر ایفا می‌کند. همچنین نتایج نشان داد که قضاوت اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معناداری بر تمایل آنان به گزارش تخلفات مالی به مراجع داخل و خارج سازمان دارد و این رابطه به واسطه‌ی متغیر شدت اخلاقی درک شده تعدیل نمی‌گردد. به‌طور کلی مشخص شد که لزوم توجه به اخلاقیات در حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی امری حیاتی برای جامعه می‌باشد. به‌طوری‌که رعایت رفتار و معیارهای اخلاقی می‌تواند به‌عنوان هسته‌ی علت وجودی حرفه باشد و در صورتی که به ویژگی‌های شخصیتی از جمله وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش، آرمان‌گرایی اخلاقی و نسبیت‌گرایی اخلاقی و ویژگی‌های رفتاری از جمله نتیجه‌ی تصمیم‌گیری اخلاقی، اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی توجه نشود، ممکن است فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای (شناخت اخلاقی، قضاوت اخلاقی، نیت اخلاقی و رفتار اخلاقی) با چالش اساسی روبرو شود و حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی نیز با شکست اخلاقی و نهایتاً عواقب اقتصادی قابل‌توجهی مواجه گردد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش و بر مبنای پیشینه‌های نظری و تجربی ارائه‌شده، دو فرضیه‌ی اصلی و هشت فرضیه‌ی فرعی به‌صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه‌ی اصلی ۱: ویژگی‌های شخصیتی حسابداران حرفه‌ای، روند تصمیم‌گیری اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی ۱-۱: ویژگی‌های شخصیتی حسابداران حرفه‌ای، شناخت اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی ۲-۱: ویژگی‌های شخصیتی حسابداران حرفه‌ای، قضاوت اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی ۳-۱: ویژگی‌های شخصیتی حسابداران حرفه‌ای، نیت اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی ۴-۱: ویژگی‌های شخصیتی حسابداران حرفه‌ای، رفتار اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی اصلی ۲: ویژگی‌های رفتاری حسابداران حرفه‌ای، روند تصمیم‌گیری اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی ۱-۲: ویژگی‌های رفتاری حسابداران حرفه‌ای، شناخت اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی ۲-۲: ویژگی‌های رفتاری حسابداران حرفه‌ای، قضاوت اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی ۳-۲: ویژگی‌های رفتاری حسابداران حرفه‌ای، نیت اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه‌ی ۴-۲: ویژگی‌های رفتاری حسابداران حرفه‌ای، رفتار اخلاقی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر طبقه‌بندی بر مبنای هدف، از نوع کاربردی است و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی-همبستگی است. در پژوهش حاضر ابتدا از روش کتابخانه‌ای برای مطالعه‌ی مبانی نظری و بررسی پیشینه‌ی تحقیق استفاده و سپس با استفاده از پرسشنامه‌ی دارای طیف لیکرت پنج‌تایی، اطلاعات لازم جهت برآزش مدل پژوهش گردآوری شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش تخمین رگرسیون استفاده شده است. اطلاعات گردآوری‌شده از طریق نرم‌افزار اکسل نسخه ۲۰۱۶ آماده‌ی تجزیه و تحلیل و سپس با استفاده از نرم‌افزار Eviews نسخه ۹ و SPSS، فرضیه‌های پژوهش برآزش شدند. قلمرو زمانی تحقیق بهار و تابستان ۱۳۹۹ است. جامعه‌ی پژوهش حاضر حساب‌رسان ارشد (داخلی، مستقل) و مدیران ارشد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند بود که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد. با توجه به محاسبات انجام شده، حجم نمونه از طریق فرمول کوکران به شرح رابطه (۱) ۲۲۶/۴۲ نفر (حدوداً ۲۲۶ نفر) است. البته لازم به ذکر است که حجم جامعه ۵۵۰ نفر بوده است.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

در این فرمول N حجم جامعه است.

آماره‌ی p درصد توزیع صفت در جامعه یعنی نسبت افرادی است که دارای صفت مورد مطالعه هستند.

آماره‌ی q نیز درصد افرادی است که فاقد صفت مورد مطالعه هستند.

اگر میزان p و q مشخص نباشد از حداکثر مقدار آن‌ها یعنی ۰/۵ استفاده می‌شود.

آماره Z=t است و اگر به جای Z از t استفاده شود نیز ایرادی ندارد. در سطح خطای ۵ درصد مقدار Z برابر ۱/۹۶ و Z^۲ برابر ۳/۸۴۱۶ است.

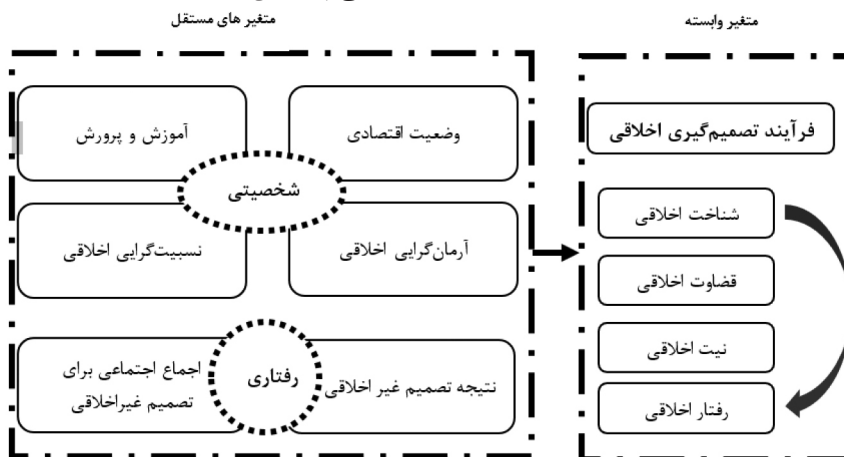
مقدار d نیز تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین پژوهشگر برای وجود آن صفت در جامعه است. دقت نمونه‌گیری به این عامل بستگی دارد. در این پژوهش از حداکثر مقدار d برابر $0/05$ استفاده شده است.

در پرسشنامه به کار گرفته شده از آنجایی که در ابتدا از خبرگان حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی درباره‌ی شاخص‌ها و سؤال‌های مرتبط با ویژگی‌های شخصیتی و فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی استفاده شد و آن‌ها نظرهای خود را اعلام کردند، سؤال‌های نهایی شده مورد تأیید قرار گرفته است که این خود روایی محتوایی را نشان می‌دهد. همچنین برای حفظ شکل بودن پرسشنامه‌ها (روایی صوری) از اساتید دانشگاهی کمک گرفته شد و نظرات ایشان برای بهتر شدن اعتبار پرسشنامه‌ها، اعمال گشت و سپس پرسشنامه‌ها توزیع شدند. در این پژوهش، برای محاسبه‌ی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. برآورد آلفای کرونباخ نشان می‌دهد که ارتباط درونی سؤال‌های پرسشنامه تا چه حدی است (خاکی، ۱۳۸۳). مقدار آلفای کرونباخ در این پژوهش پس از گردآوری پرسشنامه $0/892$ به دست آمده است که حاکی از پایایی لازم می‌باشد.

۶- متغیرها و مدل‌های پژوهش

در پژوهش حاضر فرآیند بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای به شرح شکل ۱ است.

شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش



ویژگی‌های شخصیتی حسابداران حرفه‌ای شامل وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش، آرام‌گرایی اخلاقی و نسبیت‌گرایی اخلاقی و ویژگی‌های رفتاری شامل نتیجه تصمیم غیر اخلاقی و اجماع اجتماعی برای تصمیم غیر اخلاقی به عنوان متغیر مستقل و فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی شامل شناخت، قضاوت، نیت و رفتار اخلاقی متغیر وابسته پژوهش است.

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه و همچنین متغیرهای مستقل وابسته این پژوهش در جدول‌های ۱ و ۲ ارائه شده است. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۱ مشخص است که ۴۲ درصد پاسخ‌دهندگان زن و ۵۲ درصد مرد بوده‌اند. بیش‌ترین فراوانی از لحاظ سن بین ۳۰ تا ۳۹ سال و با درصد فراوانی ۵۲ درصد است. بیش‌ترین سطح تحصیلات کارشناسی با ۴۸ درصد می‌باشد. نیمی از پاسخ‌دهندگان تخصص یا رشته‌ی تحصیلی حسابداری داشته‌اند. همچنین، ۳۰ درصد پاسخ‌دهندگان سابقه‌ی کاری با ۵ سال یا کم‌تر داشته‌اند. جدول ۲ نیز نتایج آمار توصیفی اطلاعات متغیرهایی را که از طریق پرسشنامه دارای طیف لیکرت پنج‌تایی جمع‌آوری شد، نشان می‌دهد.

جدول (۱) نتایج آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

متغیر	شاخص	تعداد	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۹۵	۰.۴۲
	مرد	۱۳۱	۰.۵۸
سن	۲۰ الی ۲۹	۳۷	۰.۱۶
	۳۰ الی ۳۹	۱۱۸	۰.۵۲
	۴۰ الی ۴۹	۴۱	۰.۱۸
	۵۰ الی ۵۹	۳۰	۰.۱۳
سطح تحصیلات	دیپلم	۴	۰.۰۲
	کاردانی	۳	۰.۰۱
	کارشناسی	۱۰۹	۰.۴۸
	کارشناسی ارشد	۹۰	۰.۴۰
	دکتری تخصصی	۲۰	۰.۰۹
تخصص یا رشته‌ی تحصیلی	حسابداری	۱۱۴	۰.۵۰
	حسابرسی	۲۸	۰.۱۲
	مدیریت مالی	۲۱	۰.۰۹
	سایر گرایش‌ها	۳۳	۰.۱۵
	۵ سال و کم‌تر	۶۷	۰.۳۰
سابقه‌ی کار	۶ الی ۱۰	۳۴	۰.۱۵
	۱۱ الی ۱۵	۵۳	۰.۲۳
	۱۶ الی ۲۰	۲۴	۰.۱۱
	۲۱ و بالاتر	۴۸	۰.۲۱
مجموع	-	۲۲۶	٪۱۰۰

جدول (۲) نتایج آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
وضعیت اقتصادی	۲.۸۵	۳	۰.۶۲۶	۴	۱
آموزش و پرورش	۳.۱۰۵	۳	۰.۷۳۲	۵	۱
آرمان‌گرایی اخلاقی	۳.۷۸	۴	۰.۷۲	۵	۲
نسبیت‌گرایی اخلاقی	۳.۵۲۵	۴	۰.۷۴۳	۵	۱
نتیجه‌ی تصمیم غیراخلاقی	۲.۳۵۵	۲	۱.۱۷۷	۵	۱
اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی	۲.۱۷۵	۲	۱.۱۲۲	۵	۱
شناخت اخلاقی	۳.۵۷	۴	۰.۹۱۷	۵	۱
قضاوت اخلاقی	۳.۵۴	۴	۰.۸۶۹	۵	۱
نیت اخلاقی	۳.۵۸۵	۴	۰.۹۳	۵	۱
رفتار اخلاقی	۳.۷۳۵	۴	۰.۸۹۵	۵	۱

۷-۲- آمار استنباطی

۷-۲-۱- آزمون فروض کلاسیک رگرسیون

از آنجایی که در انجام این پژوهش به منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می‌گردد و این روش بر این فرض استوار است که متغیر وابسته پژوهش دارای توزیع نرمال باشد و توزیع غیرنرمال آن منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها می‌شود، لذا لازم است نرمال بودن توزیع متغیرها مورد آزمون قرار گیرد. این موضوع از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنف (KS) بررسی شده است. نتایج آزمون حاکی از این است که متغیر وابسته تحقیق از توزیع نرمال پیروی می‌کند. نتایج بررسی نرمال بودن توزیع متغیر وابسته پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول (۳) نتایج بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مثبت	منفی	آماره k-z	سطح معناداری
شناخت اخلاقی	۳.۵۷	۰.۹۱۷	۵	۱	۰.۰۶۴	۰.۱۰۲
قضاوت اخلاقی	۳.۵۴	۰.۸۶۹	۵	۱	۰.۰۴۸	۰.۱۲۵
نیت اخلاقی	۳.۵۸۵	۰.۹۳۰	۵	۱	۰.۰۵۹	۰.۱۱۴
رفتار اخلاقی	۳.۷۳۵	۰.۸۹۵	۵	۱	۰.۰۳۳	۰.۱۳۸

در این پژوهش از آزمون لوین، لین و چو جهت بررسی پایایی متغیرهای پژوهش استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که کلیه‌ی متغیرهای مستقل وابسته به واسطه‌ی سطح معناداری کوچک‌تر از ۵ درصد پایا هستند و استفاده از این متغیرها در مدل‌ها باعث

به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. همچنین برای بررسی عدم وجود همبستگی خطی بین متغیرهای توضیحی از آزمون عامل تورم واریانس استفاده شده است. بر اساس نتایج این آزمون عامل واریانس‌های مدل‌های پژوهش کم‌تر از ۵ درصد می‌باشند و مشکل هم‌خطی وجود ندارد. به‌منظور بررسی نرمال بودن توزیع باقیمانده‌های مدل‌ها از آزمون جاک-برا استفاده شد. از آنجا که سطح معناداری این آزمون برای مدل‌های پژوهش کم‌تر از ۰/۰۵ است، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع اجزای اخلال مدل‌های پژوهش رد می‌شود. اما طبق قضیه حد مرکزی، چنانچه تعداد مشاهدات در نمونه مورد بررسی به میزان کافی زیاد باشد، توزیع داده‌ها به نرمال نزدیک است و حتی اگر جامعه نرمال نباشد، می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. همچنین به‌منظور بررسی ناهمسانی واریانس باقیمانده‌های مدل‌ها از آزمون وایت استفاده شده است. نتایج آزمون وایت برای بررسی فرض همسانی واریانس در اجزای اخلال مدل‌ها نیز حاکی از وجود ناهمسانی واریانس در همه مدل‌ها است که برای رفع این مشکل از روش حداقل مجذورات تعدیل‌شده استفاده شد.

۸- انتخاب نوع الگوی برآورد

از آنجا که داده‌های پژوهش حاضر صرفاً به‌صورت مقطعی است نه مقطعی-زمانی، نیازی نیست که تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها با استفاده از آزمون چاو (F لیمر) سنجیده شود. از این رو از الگوی مقید (داده‌های تلفیقی) استفاده شد.

۹- نتایج آزمون فرضیه‌ها

۹-۱- آزمون فرضیه‌ها

۹-۱-۱- فرضیه‌های فرعی گروه اول

نتایج برآورد الگوی رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش الگوی مقید برای فرضیه فرعی (۱-۱) مبنی بر تأثیر ویژگی‌های شخصیتی حسابداران حرفه‌ای، بر شناخت اخلاقی آن‌ها در جدول ۴ ارائه شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره White، که ۰/۰۰۰ بوده، رگرسیون دارای ناهمسانی واریانس هست. بنابراین پس از رفع مشکل ناهمسانی واریانس به روش حداقل مجذورات تعدیل‌شده، در مرحله بعد آماره Godfrey نیز مورد آزمون واقع شد. لذا سطح معناداری آماره Godfrey بیش‌تر از سطح خطای موردپذیرش (۵ درصد) بوده، این موضوع بیانگر این است که رگرسیون دارای مشکل خودهمبستگی سریالی نیست. در ادامه با توجه به اینکه آماره F (۰/۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) هست، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۲۷/۵ درصد از تغییرات متغیر شناخت اخلاقی، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون KS گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند به‌طوری که سطح

معناداری مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است (۰/۱۰۲). همچنین با توجه به این که مقدار آماره‌ی دوربین- واتسون مدل مابین ۱/۵ و ۲/۵ است (۱/۸۹۷) لذا می‌توان گفت در مدل، مشکل خودهمبستگی باقیمانده‌ها وجود ندارد. درنهایت سطح معناداری متغیرهای وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش، آرمان‌گرایی اخلاقی و نسبیت‌گرایی اخلاقی (متغیرهای مستقل) که زیر ۰/۰۵ است. لذا وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش، آرمان‌گرایی اخلاقی بر شناخت اخلاقی تأثیر مثبت و معنادار و نسبیت‌گرایی اخلاقی بر شناخت اخلاقی تأثیر منفی و معنادار دارد.

جدول (۴) نتایج مدل اول

متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معناداری	آماره VIF
وضعیت اقتصادی	۰/۲۲۱	۲/۳۱۸	۰/۰۱۲	۱/۴۳۴
آموزش و پرورش	۰/۲۰۶	۲/۲۱۰	۰/۰۲۴	۱/۶۱۵
آرمان‌گرایی اخلاقی	۰/۱۵۴	۲/۲۲۸	۰/۰۲۲	۱/۴۴۶
نسبیت‌گرایی اخلاقی	-۰/۱۷۵	-۱/۹۹۲	۰/۰۴۷	۱/۵۵۲
مقدار ثابت	۲/۰۵۲	۵/۲۱۹	۰/۰۰۰	-
آماره‌ی F (سطح معناداری)	۷/۱۶۰ (۰/۰۰۰)		آماره‌ی دوربین واتسون	۱/۸۹۷
(ضریب تعیین)	۰/۲۷۵		آماره‌ی کولموگروف- اسمیرنف (سطح معناداری)	۰/۰۶۴ (۰/۱۰۲)
آماره‌ی Godfrey	۰/۱۲۱		Prob. ۰/۸۸۵	
آماره‌ی White	۲/۴۰۷		Prob. ۰/۰۰۰	

نتایج آزمون فرضیه فرعی (۱-۲) مبنی بر تأثیر ویژگی‌های شخصیتی حسابداران حرفه‌ای بر قضاوت اخلاقی آن‌ها در جدول ۵ ارائه شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره‌ی White، که ۰/۰۵۸ بوده، لذا رگرسیون دارای ناهمسانی واریانس نیست. در مرحله بعد آماره‌ی Godfrey نیز مورد آزمون واقع شد. سطح معناداری آماره‌ی Godfrey بیش‌تر از سطح خطای موردپذیرش (۵ درصد) بوده و این موضوع بیانگر این است که رگرسیون دارای مشکل خودهمبستگی سریالی نیست. در ادامه با توجه به اینکه آماره‌ی F (۰/۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) هست، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۳۱/۳ درصد از تغییرات متغیر قضاوت اخلاقی، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون KS گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند به‌طوری‌که سطح معناداری مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است (۰/۱۲۵). همچنین با توجه به این که مقدار آماره‌ی دوربین واتسون مدل مابین ۱/۵ و ۲/۵ است (۱/۹۹۷)، لذا می‌توان گفت در مدل، مشکل خودهمبستگی باقیمانده‌ها وجود ندارد. درنهایت با توجه به سطح معناداری متغیرهای وضعیت

اقتصادی، آموزش و پرورش، آرمان‌گرایی اخلاقی و نسبیت‌گرایی اخلاقی (متغیرهای مستقل) که زیر ۰/۰۵ است، وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش و آرمان‌گرایی اخلاقی بر قضاوت اخلاقی تأثیر مثبت معنادار و نسبیت‌گرایی اخلاقی بر قضاوت اخلاقی تأثیر منفی معنادار دارد.

جدول (۵) نتایج مدل دوم

متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معناداری	آماره VIF
وضعیت اقتصادی	۰/۱۶۵	۲/۵۹۱	۰/۰۰۸	۱/۴۳۴
آموزش و پرورش	۰/۱۹۰	۲/۲۷۲	۰/۰۱۱	۱/۶۱۵
آرمان‌گرایی اخلاقی	۰/۳۵۸	۴/۳۸۳	۰/۰۰۰	۱/۴۴۶
نسبیت‌گرایی اخلاقی	-۰/۲۰	-۲/۷۲۲	۰/۰۰۷	۱/۵۵۲
مقدار ثابت	۱/۲۸۲	۳/۲۳۵	۰/۰۰۱	-
آماره F (سطح معناداری)	۹/۹۲۷ (۰/۰۰۰)	آماره دوربین واتسون	۱/۹۹۷	
(ضریب تعیین)	۰/۳۱۳	آماره‌ی کولموگروف-اسمیرنف (سطح معناداری)	۰/۰۴۸ (۰/۱۲۵)	
آماره‌ی Godfrey	۰/۶۳۱	Prob. ۰/۵۳۲		
آماره‌ی White	۱/۶۰۳	Prob. ۰/۰۵۸		

نتایج آزمون فرضیه‌ی فرعی (۱-۳) مبنی بر تأثیر ویژگی‌های شخصیتی حسابداران حرفه‌ای بر نیت اخلاقی آن‌ها در جدول ۶ ارائه شده است، با توجه به اینکه سطح معناداری آماره White، که ۰/۱۱۱ بوده، لذا رگرسیون دارای ناهمسانی واریانس نیست. در مرحله‌ی بعد آماره‌ی Godfrey نیز مورد آزمون واقع شد. سطح معناداری آماره‌ی Godfrey بیش‌تر از سطح خطای موردپذیرش (۵ درصد) است. این موضوع بیانگر این است که رگرسیون دارای مشکل خودهمبستگی سریالی نیست. در ادامه با توجه به اینکه آماره‌ی F (۰/۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) هست، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۲۸ درصد از تغییرات متغیر نیت اخلاقی، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون KS گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند به‌طوری‌که سطح معناداری مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است (۰/۱۱۴). همچنین با توجه به این‌که مقدار آماره‌ی دوربین واتسون مدل مابین ۱/۵ و ۲/۵ است (۱/۹۰۳)، لذا می‌توان گفت در مدل، مشکل خودهمبستگی باقیمانده‌ها وجود ندارد. درنهایت با توجه به سطح معناداری متغیرهای وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش، آرمان‌گرایی اخلاقی و نسبیت‌گرایی اخلاقی (متغیرهای مستقل) که زیر ۰/۰۵ است، وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش و آرمان‌گرایی اخلاقی بر نیت اخلاقی تأثیر مثبت معنادار و نسبیت‌گرایی اخلاقی بر نیت اخلاقی تأثیر منفی معنادار دارد.

جدول (۶) نتایج مدل سوم

متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معناداری	آماره VIF
وضعیت اقتصادی	۰/۲۴۵	۲/۲۹۲	۰/۰۱۲	۱/۴۳۴
آموزش و پرورش	۰/۱۷۹	۲/۰۸۹	۰/۰۲۸	۱/۶۱۵
آرمان‌گرایی اخلاقی	۰/۲۴۳	۲/۵۹۸	۰/۰۱۰	۱/۴۴۶
نسبیت‌گرایی اخلاقی	-۰/۲۱۳	-۲/۴۲۶	۰/۰۱۶	۱/۵۵۲
مقدار ثابت	۱/۷۸۲	۳/۹۳۱	۰/۰۰۰	-
آماره‌ی F (سطح معناداری)	۸/۰۸۳ (۰/۰۰۰)	آماره‌ی دوربین واتسون	۱/۹۰۳	
(ضریب تعیین)	۰/۲۸۰	آماره‌ی کولموگروف-اسمیرنف (سطح معناداری)	۰/۰۵۹ (۰/۱۱۴)	
آماره‌ی Godfrey	۰/۱۰۶	Prob. ۰/۸۹۹		
آماره‌ی White	۱/۳۸۴	Prob. ۰/۱۱۱		

نتایج آزمون فرضیه‌ی فرعی (۱-۴) مبنی بر تأثیر ویژگی‌های شخصیتی حسابداران حرفه‌ای بر رفتار اخلاقی آن‌ها در جدول ۷ ارائه شده است، با توجه به اینکه سطح معناداری آماره‌ی White، که ۰/۰۰۰ بوده، لذا رگرسیون دارای ناهمسانی واریانس است. بنابراین پس از رفع مشکل ناهمسانی واریانس به روش حداقل مجذورات تعدیل شده، در مرحله‌ی بعد آماره‌ی Godfrey نیز مورد آزمون واقع شد. سطح معناداری آماره‌ی Godfrey بیش‌تر از سطح خطای موردپذیرش (۵ درصد) می‌باشد. این موضوع بیانگر این است که رگرسیون دارای مشکل خودهمبستگی سریالی نیست. در ادامه با توجه به اینکه آماره‌ی F (۰/۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) است، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۲۹/۶ درصد از تغییرات متغیر رفتار اخلاقی، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون KS گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند به‌طوری‌که سطح معناداری مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است (۰/۱۳۸). همچنین با توجه به این‌که مقدار آماره‌ی دوربین واتسون مدل مابین ۱/۵ و ۲/۵ است (۲/۱۰۵)، لذا می‌توان گفت در مدل، مشکل خودهمبستگی باقیمانده‌ها وجود ندارد. درنهایت با توجه به سطح معناداری متغیرهای وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش، آرمان‌گرایی اخلاقی و نسبیت‌گرایی اخلاقی (متغیرهای مستقل) که زیر ۰/۰۵ است، وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش و آرمان‌گرایی اخلاقی بر رفتار اخلاقی تأثیر مثبت معنادار و نسبیت‌گرایی اخلاقی بر رفتار اخلاقی تأثیر منفی معنادار دارد.

جدول (۷) نتایج مدل چهارم

متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معناداری	آماره VIF
وضعیت اقتصادی	۰/۲۳۰	۲/۲۶۵	۰/۰۱۴	۱/۴۳۴
آموزش و پرورش	۰/۲۵۶	۲/۵۳۰	۰/۰۰۵	۱/۶۱۵
آرمان‌گرایی اخلاقی	۰/۳۰۱	۲/۷۲۶	۰/۰۰۶	۱/۴۴۶
نسبیت‌گرایی اخلاقی	-۰/۲۳۸	-۲/۸۳۴	۰/۰۰۵	۱/۵۵۲
مقدار ثابت	۱/۷۰۳	۳/۵۴۴	۰/۰۰۰	-
آماره F (سطح معناداری)	۸/۷۵۵ (۰/۰۰۰)	آماره‌ی دوربین واتسون	۲/۱۰۵	
(ضریب تعیین)	۰/۲۹۶	آماره‌ی کولموگروف-اسمیرنوف (سطح معناداری)	۰/۰۳۳ (۰/۱۳۸)	
آماره‌ی Godfrey	۲/۳۵۲	Prob. ۰/۰۹۷		
آماره‌ی White	۲/۲۹۸	Prob. ۰/۰۰۰		

۲-۱-۹- فرضیه‌های فرعی گروه دوم

نتایج برآورد الگوی رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش الگوی مقید برای فرضیه‌ی فرعی (۲-۱) مبنی بر تأثیر ویژگی‌های رفتاری حسابداران حرفه‌ای بر شناخت اخلاقی آن‌ها در جدول ۸ ارائه شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره‌ی White، که ۰/۰۱۱ بوده، رگرسیون دارای ناهمسانی واریانس است. بنابراین پس از رفع مشکل ناهمسانی واریانس به روش حداقل مجذورات تعدیل‌شده، در مرحله بعد آماره‌ی Godfrey نیز مورد آزمون واقع شد. لذا سطح معناداری آماره Godfrey بیش‌تر از سطح خطای موردپذیرش (۵ درصد) بوده، این موضوع بیانگر این است که رگرسیون دارای مشکل خودهمبستگی سریالی نیست. در ادامه با توجه به اینکه آماره‌ی F (۰/۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) است، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۶۸/۹ درصد از تغییرات متغیر شناخت اخلاقی، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون KS گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند به‌طوری‌که سطح معناداری مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است (۰/۱۰۲). همچنین با توجه به این‌که مقدار آماره‌ی دوربین واتسون مدل مابین ۱/۵ و ۲/۵ است (۱/۸۶۳) لذا می‌توان گفت در مدل، مشکل خودهمبستگی باقیمانده‌ها وجود ندارد. در نهایت با توجه به سطح معناداری متغیرهای نتیجه تصمیم غیراخلاقی و اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی (متغیرهای مستقل) که زیر ۰/۰۵ است، نتیجه تصمیم غیراخلاقی و اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی بر شناخت اخلاقی تأثیر مثبت معنادار دارد.

جدول (۸) نتایج مدل پنجم

نام و نماد متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معناداری	آماره VIF
نتیجه تصمیم غیراخلاقی	۰/۱۶۵	۲/۲۳۷	۰/۰۱۸	۱/۳۸۵
اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی	۰/۱۴۵	۲/۵۰۰	۰/۰۰۳	۱/۳۸۵
مقدار ثابت	۳/۵۵۳	۲۱/۸۱۷	۰/۰۰۰	-
آماره‌ی F (سطح معناداری)	۷/۷۹۷ (۰/۰۰۰)	آماره‌ی دوربین واتسون		۱/۸۶۳
(ضریب تعیین)	۰/۲۳۴	آماره‌ی کولموگروف-اسمیرنف (سطح معناداری)		۰/۰۶۴ (۰/۱۰۲)
آماره‌ی Godfrey	۰/۶۸۹		Prob. ۰/۵۰۲	
آماره‌ی White	۳/۰۳۲		Prob. ۰/۰۱۱	

نتایج آزمون فرضیه فرعی (۲-۲) مبنی بر تأثیر ویژگی‌های رفتاری حسابداران حرفه‌ای بر قضاوت اخلاقی آن‌ها در جدول ۹ ارائه شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره‌ی White، که ۰/۰۲۱ بوده، لذا رگرسیون دارای ناهمسانی واریانس نیست، در مرحله بعد آماره‌ی Godfrey نیز مورد آزمون واقع شد. سطح معناداری آماره‌ی Godfrey بیش‌تر از سطح خطای موردپذیرش (۵ درصد) بوده و این موضوع بیانگر این است که رگرسیون دارای مشکل خودهمبستگی سریالی نیست. در ادامه با توجه به اینکه آماره‌ی F (۰/۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) است، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۲۸/۴ درصد از تغییرات متغیر قضاوت اخلاقی، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون KS گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند به‌طوری‌که سطح معناداری مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است (۰/۱۲۵). با توجه به این‌که مقدار آماره‌ی دوربین واتسون مدل مابین ۱/۵ و ۲/۵ است (۲/۰۶۰)، لذا می‌توان گفت در مدل، مشکل خودهمبستگی باقیمانده‌ها وجود ندارد. در نهایت با توجه به سطح معناداری متغیرهای نتیجه تصمیم غیراخلاقی و اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی (متغیرهای مستقل) که زیر ۰/۰۵ است، نتیجه تصمیم غیراخلاقی و اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی بر قضاوت اخلاقی تأثیر مثبت معنادار دارد.

جدول (۹) نتایج مدل ششم

نام و نماد متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معناداری	آماره VIF
نتیجه تصمیم غیراخلاقی	۰/۲۱۴	۲/۹۳۴	۰/۰۰۰	۱/۳۸۵
اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی	۰/۱۸۷	۲/۴۷۴	۰/۰۰۲	۱/۳۸۵
مقدار ثابت	۳/۷۱۶	۲۶/۰۴۲	۰/۰۰۰	-
آماره F (سطح معناداری)	۹/۲۶۸ (۰/۰۰۰)	آماره‌ی دوربین واتسون	۲/۰۶۰	
(ضریب تعیین)	۰/۲۸۴	آماره‌ی کولموگروف-اسمیرنف (سطح معناداری)	۰/۰۴۸ (۰/۱۲۵)	
آماره‌ی Godfrey	۰/۶۱۹	Prob. ۰/۵۳۹		
آماره‌ی White	۲/۶۹۷	Prob. ۰/۰۲۱		

نتایج آزمون فرضیه‌ی فرعی (۲-۳) مبنی بر تأثیر ویژگی‌های رفتاری حسابداران حرفه‌ای بر نیت اخلاقی آن‌ها در جدول ۱۰ ارائه شده است، با توجه به اینکه سطح معناداری آماره‌ی White، که ۰/۱۱۱ بوده، لذا رگرسیون دارای ناهمسانی واریانس نیست. در مرحله بعد آماره‌ی Godfrey نیز مورد آزمون واقع شد. سطح معناداری آماره‌ی Godfrey بیش‌تر از سطح خطای موردپذیرش (۵ درصد) است. این موضوع بیانگر این است که رگرسیون دارای مشکل خودهمبستگی سریالی نیست. در ادامه با توجه به اینکه آماره‌ی F (۰/۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) هست، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۲۷/۱ درصد از تغییرات متغیر نیت اخلاقی، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون KS گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند به‌طوری‌که سطح معناداری مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است (۰/۱۱۴). با توجه به این‌که مقدار آماره‌ی دوربین-واتسون مدل مابین ۱/۵ و ۲/۵ است (۲/۰۰۳) لذا می‌توان گفت در مدل، مشکل خودهمبستگی باقیمانده‌ها وجود ندارد. در نهایت با توجه به سطح معناداری متغیرهای نتیجه تصمیم غیراخلاقی و اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی (متغیرهای مستقل) که زیر ۰/۰۵ است، نتیجه تصمیم غیراخلاقی و اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی بر نیت اخلاقی تأثیر مثبت معنادار دارد.

جدول (۱۰) نتایج مدل هفتم

نام و نماد متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معناداری	آماره VIF
نتیجه تصمیم غیراخلاقی	۰/۲۲۱	۲/۲۴۳	۰/۰۰۹	۱/۳۸۵
اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی	۰/۲۴۴	۲/۵۵۲	۰/۰۰۲	۱/۳۸۵
مقدار ثابت	۳/۴۳۳	۲۲/۴۶۳	۰/۰۰۰	-
آماره‌ی F (سطح معناداری)	۸/۲۳۲ (۰/۰۰۰)	آماره‌ی دوربین واتسون	۲/۰۰۳	
(ضریب تعیین)	۰/۲۷۱	آماره‌ی کولموگروف-اسمیرنوف (سطح معناداری)	۰/۰۵۹ (۰/۱۱۴)	
آماره‌ی Godfrey	۰/۶۶۴	Prob. ۰/۵۱۵		
آماره‌ی White	۷/۰۵۳	Prob. ۰/۰۰۰		

نتایج آزمون فرضیه‌ی فرعی (۲-۴) مبنی بر تأثیر ویژگی‌های رفتاری حسابداران حرفه‌ای بر رفتار اخلاقی آن‌ها در جدول ۱۱ ارائه شده است با توجه به اینکه سطح معناداری آماره‌ی White، که ۰/۰۰۰ بوده، لذا رگرسیون دارای ناهمسانی واریانس است. بنابراین پس از رفع مشکل ناهمسانی واریانس به روش حداقل مجذورات تعدیل شده، در مرحله بعد آماره‌ی Godfrey نیز مورد آزمون واقع شد. سطح معناداری آماره‌ی Godfrey بیش‌تر از سطح خطای موردپذیرش (۵ درصد) می‌باشد. این موضوع بیانگر این است که رگرسیون دارای مشکل خودهمبستگی سریالی نیست. در ادامه با توجه به اینکه آماره‌ی F (۰/۰۰۰) دارای سطح معناداری زیر (۵ درصد) است، بنابراین رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۳۱/۳ درصد از تغییرات متغیر رفتار اخلاقی، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون KS گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند به‌طوری‌که سطح معناداری مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است (۰/۱۳۸). با توجه به این‌که مقدار آماره‌ی دوربین واتسون مدل مابین ۱/۵ و ۲/۵ است (۲/۰۸۹)، می‌توان گفت: در مدل، مشکل خودهمبستگی باقیمانده‌ها وجود ندارد. درنهایت با توجه به سطح معناداری متغیرهای نتیجه تصمیم غیراخلاقی و اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی (متغیرهای مستقل) که زیر ۰/۰۵ است، نتیجه تصمیم غیراخلاقی و اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی بر رفتار اخلاقی تأثیر مثبت معنادار دارد.

جدول (۱۱) نتایج مدل هشتم

نام و نماد متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معناداری	آماره VIF
نتیجه تصمیم غیر اخلاقی	۰/۱۹۶	۳/۰۶۴	۰/۰۰۰	۱/۳۸۵
اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیر اخلاقی	۰/۱۱۱	۲/۳۵۴	۰/۰۰۹	۱/۳۸۵
مقدار ثابت	۳/۷۷۱	۲۶/۰۱۱	۰/۰۰۰	-
آماره F (سطح معناداری)	۱۰/۴۱۷ (۰/۰۰۰)	آماره ی دوربین واتسون	۲/۰۸۹	
(ضریب تعیین)	۰/۳۱۳	آماره ی کولموگروف-اسمیرنف (سطح معناداری)	۰/۰۳۳ (۰/۱۳۸)	
آماره ی Godfrey	۱/۷۳۲	Prob. ۰/۲۰۳		
آماره ی White	۱/۹۳۱	Prob. ۰/۰۹۰		

یافته‌های پژوهش در جدول ۱۲ خلاصه شده است.

جدول (۱۲) خلاصه یافته‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش					نتیجه
وضعیت اقتصادی	آموزش و پرورش	آرمان گرایی اخلاقی	نسبیت گرایی اخلاقی	نتیجه‌ی نهایی	
تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر منفی	تأیید فرضیه	فرضیه ی ۱-۱: ویژگی‌های شخصیتی شناخت اخلاقی حسابداران حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند.
تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر منفی	تأیید فرضیه	فرضیه ی ۲-۱: ویژگی‌های شخصیتی قضاوت اخلاقی حسابداران حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند.
تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر منفی	تأیید فرضیه	فرضیه ی ۳-۱: ویژگی‌های شخصیتی نیت اخلاقی حسابداران حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند.
تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	تأثیر منفی	تأیید فرضیه	فرضیه ی ۴-۱: ویژگی‌های شخصیتی رفتار اخلاقی حسابداران حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند.
فرضیه ی ۱-۲: ویژگی‌های رفتاری شناخت اخلاقی حسابداران حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند.					نتیجه تصمیم غیر اخلاقی
					اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیر اخلاقی
فرضیه ی ۲-۲: ویژگی‌های رفتاری قضاوت اخلاقی حسابداران حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند.					تأثیر مثبت
					تأثیر مثبت

نتیجه			فرضیه‌های پژوهش
تأیید فرضیه	تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	فرضیه‌ی ۳-۲: ویژگی‌های رفتاری نیت اخلاقی حسابداران حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند.
تأیید فرضیه	تأثیر مثبت	تأثیر مثبت	فرضیه‌ی ۴-۲: ویژگی‌های رفتاری رفتار اخلاقی حسابداران حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۱۰- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

لزوم توجه به اخلاق در حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی امری حیاتی برای جامعه است به‌طوری‌که رعایت رفتار و معیارهای اخلاقی می‌تواند به‌عنوان هسته‌ی علت وجودی حرفه باشد و در صورتی که به ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با اخلاق توجه نشود، حرفه با شکست اخلاقی و نهایتاً عواقب اقتصادی قابل توجهی مواجه می‌گردد. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای بود. در این پژوهش از ۲۲۶ حسابرس ارشد (داخلی و مستقل) و مدیر ارشد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش نمونه‌گیری هدفمند پرسشنامه اخذ شد و اطلاعات حاصل از آن با استفاده از رگرسیون مقطعی بررسی شد.

نتایج بررسی فرضیه‌ی اصلی اول و فرضیه‌های فرعی آن نشان داد که از ویژگی‌های شخصیتی، وضعیت اقتصادی، آموزش و پرورش و آرمان‌گرایی اخلاقی بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی تأثیر مثبت و معنادار و نسبیت‌گرایی اخلاقی بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی تأثیر منفی و معنادار دارد. بنابراین فرضیه اصلی اول و فرضیه‌های فرعی آن در پژوهش حاضر تأیید شد. این شواهد حاکی از آن است که تصمیم‌گیری‌های اخلاقی حسابداران حرفه‌ای تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها قرار می‌گیرد. این نتایج تا حدودی با یافته‌های پژوهش‌های تانگ و چپو (۲۰۰۳)، سینگاپاکدی و همکاران (۲۰۰۰)، اوفالون و باترفیلد (۲۰۰۵)، کرافت (۲۰۱۳)، مصباح و همکاران (۲۰۱۶) و کالینز (۲۰۱۹) همسو است.

یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه‌ی اصلی دوم و فرضیه‌های فرعی آن، حاکی از آن بود که از ویژگی‌های رفتاری، نتیجه‌ی تصمیم غیراخلاقی و اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی تأثیر مثبت و معناداری دارد. لذا فرضیه‌ی اصلی دوم و فرضیه‌های فرعی آن تأیید شد. بر همین اساس مشخص می‌شود که ویژگی‌های رفتاری از جمله سهیم دانستن افراد در تصمیم غیراخلاقی و اجماع اجتماعی برای یک تصمیم غیراخلاقی نیز از جمله مؤلفه‌هایی است که فرد در صورت مواجه شدن با آن پشیمان شده و سعی می‌کند دیگر در فرآیندهای تصمیم‌گیری اخلاقی دقت بیشتری داشته باشد و به دنبال چارچوب تصمیم‌گیری مثبت باشد. این نتایج تا حدودی با یافته‌های پژوهش‌های تانگ و چپو (۲۰۰۳)، سینگاپاکدی و همکاران (۲۰۰۰)، اوفالون و باترفیلد (۲۰۰۵)، کرافت (۲۰۱۳)، مصباح و همکاران

(۲۰۱۶) و کالینز (۲۰۱۹) همسو است.

در مورد تفسیر حاصل از نتایج بررسی فرضیه‌های پژوهش می‌توان ادعا نمود: با توجه به اینکه وضعیت اقتصادی مناسب منجر به رشد درآمد شخص می‌شود، لذا این مهم نیز می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی را بهبود بخشد. همان‌طور که تانگ و چيو (۲۰۰۳) دریافتند کارمندان پردرآمد در هنگ‌کنگ دارای سطح بالایی از رضایتمندی از دستمزد هستند و کم‌تر در رفتارهای غیراخلاقی سازمان درگیر می‌شوند. آموزش نیز یکی از متغیرهایی است که منجر به پرورش انسان شده و با توجه به رشدی که در مقاطع مختلف عمر دارد منجر به فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی مثبت می‌شود. کالینز (۲۰۱۹) معتقد است آموزش و پرورش و تربیت از متغیرهایی است که روند مثبت و قابل‌توجهی در اخلاقیات و رفتار افراد در رشته تجارت دارد. لذا این مهم نیز می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی را بهبود بخشد. همچنین با توجه به اینکه آرمان‌گرایی اخلاقی و نسبیت‌گرایی اخلاقی نیز منجر به ایجاد ایدئولوژی می‌شود، ارزش‌هایی را برای افراد ایجاد می‌کند که این مهم نیز چارچوب تصمیم‌گیری اخلاقی افراد را بهبود می‌بخشد (لو تال، ۲۰۰۰؛ کاردستی، ۲۰۱۳).

طبق نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

- ۱- بر اساس مشخص شدن اهمیت ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری حسابداران حرفه‌ای در تصمیم‌گیری آن‌ها، به مدیران توصیه می‌شود با توجه به اینکه هدف آن‌ها، این است که اعتماد مالکان شرکت را فراهم کنند، پس بایستی به دنبال این باشند که در انتخاب حسابرسان داخلی و مدیران ارشد مالی دقت نمایند تا آن‌ها از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری مطلوب برخوردار باشند که منجر به تأثیر مثبت بر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی شود.
- ۲- به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود برای مشخص شدن ارزش واقعی شرکت‌ها، شفاف‌سازی اطلاعات و درک بهتر عملکردشان، قوانین و مقرراتی را اتخاذ کنند و تدابیری بیندیشند که تا حد امکان حسابرسان داخلی، مستقل و مدیران ارشد مالی استخدام شوند که از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری مطلوب برخوردار باشند. همچنین به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی پیشنهاد می‌شود در هنگام بازبینی و تدوین استانداردهای جدید به مؤلفه‌های شخصیتی و رفتاری حسابداران حرفه‌ای توجه نموده و کدهای اخلاقی را بر اساس این مؤلفه‌ها تعدیل کنند تا تصمیم‌گیری‌های اخلاقی بهتری توسط حسابداران حرفه‌ای اتخاذ شود.
- ۳- با توجه به تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری حسابداران حرفه‌ای در تصمیم‌گیری آن‌ها، به مدیران مؤسسه‌های حسابرسی پیشنهاد می‌شود که با دقت بیش‌تری مبانی اخلاقی و شخصیتی حسابرسان و حسابداران حرفه‌ای را در فرآیند ارزیابی و کنترل کیفیت گزارش‌های مالی در نظر بگیرند.
- ۴- ایجاد چارچوبی برای فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان داخلی مدیران ارشد مالی مبتنی بر انتظارات سهامداران.

منابع

- امینی، علیرضا وحیده، شاهین. (۱۳۹۹). شناسایی و سطح‌بندی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری اخلاقی در سازمان با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری، فصلنامه مطالعات منابع انسانی ۱۰ (۱)، ص ۳۶-۱۰.
- حساس یگانه، یحیی و مقصودی، امید. (۱۳۹۰). ارزش‌های اخلاقی در قضاوت حرفه‌ای حسابرس. مجله اخلاق در علوم و فناوری، سال ششم، شماره یک، ص ۶۲-۷۳.
- دیباکیا، پریا، شکری چشمه سبزی، اعظم، مرادزاده فرد. مهدی. (۱۴۰۰). تأثیر آگاهی و قضاوت اخلاقی حسابداران در تمایل به گزارش تخلفات مالی با تأکید بر نقش تعدیل‌گر شدت اخلاقی درک شده. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، در حال انتشار.
- رحمانی نیا، احسان و یعقوب نژاد، احمد. (۱۳۹۶). «عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان داخلی». فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۶ (۴۲)، ص ۳۹-۲۰.
- رحیمی کاکلکی، مینا؛ بنی طالبی دهکردی، بهاره؛ پیک فلک، جمشید. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر رعایت اخلاق حرفه‌ای حسابداران. اخلاق در علوم و فناوری. ۱۲ (۱)، ص ۷۵-۸۷.
- شایسته شجاعی، پرویز، پورزمانی، زهرا، یعقوب، نژاد احمد. (۱۳۹۹). تأثیر معیارهای رفتار اخلاقی (محیط اخلاقی، تعهد حرفه‌ای، ارزش‌های اخلاقی و ایدئولوژی اخلاقی) بر عملکرد حسابرسان. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۵ (۱۰) ۲۸۱-۳۱۸.
- سیادی تورانلو، حسین و عزیزی، پدram. (۱۳۹۶). شناسایی و رتبه‌بندی ارزش‌های اخلاقی در حسابرسی از دیدگاه اسلام با رویکرد TOPSIS فازی. نشریه اخلاق، ۷ (۲۶)، ۱۷۹-۲۰۸.
- مرادیف جواد و زکی زاده‌ف، زهره. (۱۳۹۳). بررسی نقش مدیریت اخلاقی، عملکرد حسابرسی داخلی و گرایش‌های اخلاقی بر عملکرد حسابداری و گزارشگری مالی مجله دانش حسابرسی، ۱۸ (۳)، ص ۱۶۳-۱۴۱.
- مهرانی، ساسان. ثقفی، علی موسی خانی، محمد. و سیاسی، سحر. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران رسمی ایران نشریه اخلاق در علوم و فناوری، دوره ششم، شماره سوم، ص ۶-۱۲.

Amini, A. & Shahin, V. (2020). Identifying and leveling the factors affecting ethical decision making in the organization using interpretive structural modeling. *Journal of Human Resources Studies*, 10 (1): 10-36. (In Persian)

Belgasem-Hussain, A.A. and Hussaien, Y.I. (2020), "Earnings management as an ethical issue in view of Kohlberg's theory of moral reasoning", *Journal of Financial Crime*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JFC-11-2019-0138>

Cherrington, J., & Cherrington, D. (1995). *Ethical Decision Making*. MicroMash, Englewood, CO.

Cooper, D. J., & Morgan, W. (2013). Meeting the evolving corporate reporting needs of government and society: arguments for a deliberative approach to accounting rule making. *Accounting and Business Research*, 43(4), 418-441.

Craft, J. L. (2013). A review of the empirical ethical decision-making literature: 2004–2011. *Journal of Business Ethics*, 117(2), 221–259.

- Dawson, L.M., 1995. Women and men, morality and ethics. *Bus. Horiz.* 61–68. July/August.
- Diba Kia, P., Shokri Cheshmeh Sabzi, A. & Moradzadehfard, M. (2021). The effect of accountants' knowledge and ethical judgment on the tendency to report financial misconduct with emphasis on the mediating role of perceived moral intensity. *Bi-quarterly of Value and Behavioral Accounting*, Under Press. (In Persian)
- Everett J, Tremblay M-S. (2013). Ethics and internal audit: Moral will and moral skill in a heteronomous field. *Crit Perspect Account*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.cpa.2013.10.002>
- García-Marzá, D. (2005). Trust and dialogue: Theoretical approaches to ethics auditing. *Journal of Business Ethics*, 57(3), 209-219.
- Hasas Yeganeh, Y. & Maghsoodi, O. (2011). Ethical values in the professional judgment of the auditor. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 1(6): 62-73. (In Persian)
- Hashi, A. A. (2011). Islamic ethics: An outline of its principles and scope. *Revelation and Science*, 1(03). pp. 28-42
- Ismail, N Yuhanis, (2018). "Determinants of Ethical Work Behaviour of Malaysian Public Sector Auditors", *Asia-Pacific Journal of Business Administration*, <https://doi.org/10.1108/APJBA-07-2017-0068>.
- Kaasa, A., & Parts, E. (2013). Honesty and Trust: Integrating the Values of Individuals, Organizations, and the Society (Dis) Honesty in Management (pp. 37-58): Emerald Group Publishing Limited.
- Keller, A. C., Smith, K. T., & Smith, L. M. (2007). Do gender, educational level, religiosity, and work experience affect the ethical decision-making of US accountants? *Critical Perspectives on Accounting*, 18(3), 299-314.
- Marques, P. and Azevedo-Pereira, J., 2009, "Ethical Ideology and Ethical Judgments in the Portuguese Accounting Profession", *Journal of Business Ethics* 2009, vol 86, pp 227–242.
- Mehrani, S., Saghafi, A. M., Khani, M. & Siyasi, S. (2011). Factors Affecting the Ethical Decision Making of Certified Public Accountants in Iran. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 3(6): 6-12. (In Persian)
- Mintz, S.M. and Morris, R.E. (2008), *Ethical Obligations and Decision Making in Accounting: Text and Cases*, McGraw-Hill Companies, New York, NY
- Mohamed Saat, M., Porter, S., & Woodbine, G. (2012). A longitudinal study of accounting students' ethical judgement making ability. *Accounting Education*, 21(3), 215-229.
- Mohd Ghazali, N. A. (2015). The influence of a business ethics course on ethical judgments of Malaysian accountants. *Journal of Asia Business Studies*, 9(2), 147-161.
- Moradif, J. & Zakizadhof, Z. (2014). Investigating the role of ethical management, internal audit performance and ethical trends on the performance of accounting and financial reporting. *Journal of Auditing Knowledge*, 18(3):141-163. (In Persian)
- Musbah, A., Cowton, C.J. and Tyfa, D. (2016), "The role of individual variables, organizational variables, and moral intensity dimensions in Libyan management accountants' ethical decisionmaking", *Journal of Business Ethics*, Vol. 134 No. 3, pp. 335-358.
- Oboh C S, (2019) "Personal and moral intensity determinants of ethical decision-making: A study of accounting professionals in Nigeria", *Journal of Accounting in Emerging Economies*, Vol. 9 Issue: 1, pp.148-180,
- Oboh, C.S. and Ajibolade, S.O. (2018), "Personal characteristics and ethical decision-making process of professional accountants in Nigeria", *Crawford Journal of Business and Social Sciences*, Vol. 8 No. 1, pp. 1-23.

- Ogunleye, O. J. (2015). Accounting ethics and financial practices of accountants in Nigeria. (Doctoral thesis). Obafemi Awolowo University, Ile-Ife, Osun.
- Olazabal, A. M., & Almer, E. D. (2001). Independence and public perception: Why we need to care. *Journal of Accountancy*, 191(4), 69-70.
- Onumah, R. M., Simpson, S. N. Y., & Kwarteng, A. (2021). The effects of ethics education interventions on ethical attitudes of professional accountants: evidence from Ghana. *Accounting Education*, 1-25.
- Panza, C., & Potthast, A. (2010). *Ethics for dummies*. New Jersey, US: John Wiley & Sons Inc.
- Petrina, 2008, "An empirical study of CPA's moral development, ethical evaluation and ethical intention: a selected group of Taiwanese CPAs", A Dissertation of doctor of philosophy, pp1-179.
- Rahimi Kakalki, M., Bani Talebi Dehkordi, B., Peykefalak, J. (2017). Factors affecting the observance of professional ethics of accountants. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 12 (1): 75-87. (In Persian)
- Rahmaninia, E. & Yaqubnejad, A. (2017). Factors Affecting the Ethical Decision Making of Internal Auditors. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 6 (42): 20-39. (In Persian)
- Rest, J. R. (1986). *Moral development: Advances in research and theory*. New York: Praeger
- Sayadi Turanlu, H. & Azizi, P. (2017). Identifying and ranking ethical values in auditing from an Islamic perspective with the fuzzy TOPSIS approach. *Journal of Ethics*, 7 (26): 179-208. (In Persian)
- Schwartz, M.S. (2016), "Ethical decision-making theory: an integrated approach", *Journal of Business Ethics*, Vol. 139 No. 4, pp. 755-776.
- Shafer-Landau, R. (2012). *The fundamentals of ethics* (2nd ed.). New York, USA: Oxford University Press, Inc.
- Shayesteh Shojaei, P., Pourzamani, Z., Yaghoubnejad, A. (2020). The Impact of Ethical Behavior Criteria (Ethical Environment, Professional Commitment, Ethical Values, and Ethical Ideology) on Auditors' Performance. *Bi-quarterly of Value and Behavioral Accounting*, 5 (10): 281-318. (In Persian)
- Sweeney, B., Arnold, D., & Pierce, B. (2010). The impact of perceived ethical culture of the firm and demographic variables on auditors' ethical evaluation and intention to act decisions. *Journal of Business Ethics*, 93(4), 531-551.
- Turner, L. E. (2006). Learning from accounting history: Will we get it right this time? *Issues in Accounting Education*, 21(4), 383-407.



COPYRIGHTS

This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.

The Effect of Stress on the Audits' Professional Independence

J. bahri sales¹, S. Jabbarzadeh Kangar Louie², T.bahrami³, M.Haghvardi Zadeh⁴

Received: 2021/06/12

Approved: 2021/07/06

Research Paper

Abstract

The expectations at clients' workplace poses pressure and stress on auditing process. Furthermore, it seems that the mentioned stress affects the audits' professional independence. The present study purports to investigate the effect of stress on the audits' professional independence. We used questionnaire to collect our data. The population included the society of certified audits and the employees of the auditing companies in Uromieh city. 175 people were randomly selected. Data description methods were used to describe the data and observations. In order to test the study hypotheses, two methods of factor analysis and structure equations were employed. Our findings show that five important factors of stress have negative effect on the audits' independence in appearance and independence of mind. The expertise and experience of the audits affects the relationship between the stress and independence of mind, but it does not mediate the stress and independence in appearance.

Key Words: audit, audit stress, audit independence, independence in appearance, independence of mind.

 10.22034/ARJ.2021.245327

1. Assistant Professor, Department of Accounting, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran, bahrsls.j@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran, jabbarzadeh.s@gmail.com

3. PhD Student in Accounting, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran, (Corresponding Author), t.bahramic@chmail.ir

4. PhD Student in Accounting, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran, mohsen_haghverdizadeh@yahoo.com

<http://article.iacpa.ir>

تأثیر استرس بر استقلال حرفه‌ای حساب‌رسان

جمال بحری ثالث^۱، سعید جبار زاده کنگرلوئی^۲، تورج بهرامی^۳، محسن حق ویردی زاده^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

انتظارات در محیط کار صاحبکاران، موجب ایجاد فشار و استرس در کار حسابرسی می‌گردد و به نظر می‌رسد استقلال حسابرس را تحت تأثیر قرار دهد. هدف پژوهش حاضر جهت بررسی تأثیر استرس بر استقلال حرفه‌ای حساب‌رسان صورت گرفته است. در این پژوهش داده‌های موردنظر با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه‌ی آماری شامل جامعه‌ی حسابداران رسمی و کارمندان مؤسسات حسابرسی در سطح شهر ارومیه به تعداد ۱۷۵ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای توصیف داده‌ها و مشاهدات از شیوه‌های توصیف آماری و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل عاملی و معادلات ساختار بهره‌گیری شد. نتایج پژوهش دلالت بر تأثیر منفی پنج عامل مهم استرس بر استقلال ظاهری و باطنی حساب‌رسان دارد. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که تخصص در صنعت و تجربه حساب‌رسان باعث تأثیر بر رابطه‌ی بین استرس و استقلال باطنی می‌شوند و بر رابطه‌ی بین استرس و استقلال ظاهری تأثیری ندارند.

واژه‌های کلیدی: حسابرس، استرس حسابرس، استقلال حسابرس، استقلال ظاهری، استقلال باطنی

doi: 10.22034/ARJ.2021.245327

bahrsls.j@gmail.com

jabbarzadeh.s@gmail.com

t.bahramie@chmail.ir

mohsen_haghverdizadeh@yahoo.com

http://article.iacpa.ir

۱. دانشیار گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

۳. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران، (نویسنده مسئول)

۴. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

۱- مقدمه

درواقع حسابرسی از طریق بررسی حرفه‌ای گزارش‌های مالی تهیه‌شده توسط مدیریت اطمینان بخشی لازم را جهت استفاده از گزارش‌های مالی در اختیار مدیران قرار می‌دهد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲). از این رو استقلال بالای خدمات حسابرسی مستلزم عملکرد شغلی بالای حسابرسان است که به‌عنوان سازه‌ی بسیار مهمی در استرس کاری و سازمانی مطرح‌شده است (مرویان حسینی، لاری دشت بیاض، ۱۳۹۴).

در حسابرسی وجود استرس شغلی فرد به علت تأثیری که بر استقلال حسابرسی می‌گذارد بسیار حائز اهمیت است و تأخیر در ارائه‌ی گزارش حسابرسی به‌طور مستقیم بر کارایی و عملکرد حسابرسی تأثیرگذار است (کالبرس، کنکر، ۲۰۰۸). از این رو عملکرد شغلی ضعیف، ممکن است استقلال حسابرسی را کاهش داده در نتیجه مؤسسات حسابرسی را در معرض مسئولیت قانونی و از دست دادن اعتبار خود قرار دهد (فیشر، ۲۰۰۱). آنچه در این پژوهش به‌عنوان موضوع مورد توجه قرار دارد، بررسی تأثیر استرس کار حسابرسی بر استقلال حسابرسی به‌عنوان مهم‌ترین بعد بر عملکرد شغلی حسابرسان است.

در مورد کار حسابرسی موارد استرس‌زا در کار حسابرسی شامل جنبه‌های گوناگون مربوط به فشار ناشی از حجم و زمان کار، کنترل هزینه و ارزیابی عملکرد جهت ارزیابی ریسک قانونی و پاسخگویی می‌باشد. از دیدگاه متقاضی کار، کنترل کار یک حسابرس معمولاً شامل زمان برنامه‌ریزی، ارزیابی منابع انسانی و مادی، اصلاحات برنامه‌ی حسابرسی و غیره است. بنابراین آثار مشترک مربوط به اثربخشی کنترل کار حسابرسی در محیط استرس‌زا و ناهمگنی توانایی کنترل کار حسابرس منجر به واکنش‌های متفاوت خواهد شد. لذا با مکانیسم‌های کیفیت کار یک شرکت حسابرسی، چگونه استرس کار حسابرس بر رفتار حسابرس و استقلال حسابرسی تأثیر می‌گذارد؟ (یان، اکس، ۲۰۱۶) در این پژوهش در نظر است که این موضوع از نظر تعارض نقش، ابهام نقش، فشار روانی، مسئولیت و عملکرد شغلی در بازار سرمایه ایران مورد بررسی قرار گیرد.

در پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم آیا ممکن است وجود و استمرار استرس شغلی در بین حسابرسان و در صورت افزایش استرس در بین اعضای حرفه، بر عملکرد شغلی حسابرسان تأثیر بگذارد یا خیر؟ و سرانجام به این سؤال پرداخته می‌شود که کار اولیه‌ی حسابرس (تجربه) به‌عنوان اولین متغیر میانجی و تخصص در صنعت به‌عنوان دومین متغیر میانجی در بین عوامل استرس‌زا و عملکرد شغلی می‌تواند عاملی اثرگذار باشد یا خیر؟ از آنجاکه در پژوهش‌های داخلی عوامل اثرگذاری که به‌طور غیرمستقیم استقلال حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اشتغال در محیطی سالم و متناسب با ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای که لازمه عملکرد بالای حسابرسان است، چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ بنابراین هرچه قدر استقلال حسابرسی بالاتر باشد مشخصاً استرس شغلی از طریق فعالیت‌های واقعی نیز کاهش می‌یابد و انتظار می‌رود حسابرسی با استقلال بالاتر را افزایش دهد. لذا در این پژوهش درصدد هستیم به این سؤال پاسخ دهیم که: آیا استرس کار حسابرسی می‌تواند بر استقلال حسابرس تأثیر داشته باشد؟

ضرورت انجام این پژوهش از دو بعد حائز اهمیت است: اول اینکه استقلال حسابرسی برای کلیه ی‌ذی‌نفعان شرکت به‌خصوص سرمایه‌گذاران همیشه از اهمیت خاصی برخوردار بوده و می‌تواند به‌عنوان عامل مؤثری در اطمینان بخشی به اعتبار صورت‌های مالی مورد استفاده قرار گیرد. دوم، در این پژوهش تأثیر استرس بر استقلال حسابرسی با استفاده از مدل ارائه‌شده یان و اکس (۲۰۱۶) و به‌ویژه بر حسابرسی اولیه با یک صاحبکار جدید بررسی خواهد شد که به‌عنوان یک پژوهش جدید می‌تواند اطلاعات سودمندتری در اختیار فعالان بازار سرمایه کشور قرار دهد. علاوه بر این برآوردن نیازهای اطلاعاتی مؤسسات حسابرسی، شرکت‌ها، مدیران و ارائه‌ی نتایج کاربردی در خصوص موضوع تحقیق به‌منظور یاری این گروه‌ها در اتخاذ تصمیم‌های مالی صحیح و معقول است که عبارت‌اند از:

اول این که نتایج این پژوهش می‌تواند موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با مبحث حسابرسی و کیفیت آن گردد. دوم نتایج پژوهش به‌عنوان یک دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار مؤسسات حسابرسی، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و مدیران جهت رسیدن به اهداف خود قرار دهد. سوم این که نتایج این پژوهش می‌تواند ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های بعدی در خصوص موضوع تحقیق پیشنهاد نماید.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱- استقلال حسابرسی

استقلال درواقع، مفهومی انتزاعی است که به‌طور مستقیم مشاهده شدنی نیست و اغلب آن را به‌عنوان حالتی ذهنی توصیف کرده‌اند که به مفاهیمی همچون بی‌طرفی، صداقت، امانت و شخصیت ارتباط دارد. در بیش‌تر تعریف‌های موجود، دو بعد برای استقلال وجود دارد (دان، ۲۰۱۰): یکی استقلال واقعی و دیگری استقلال ظاهری، به‌طوری‌که بارتلت (۱۹۹۳) استقلال واقعی را نبود «گرایش ذهنی در اجرای عملیات حسابرسی» می‌داند و استقلال ظاهری را «پرهیز از شرایطی که حسابرس را در تضاد منافع آشکار با صاحبکار نشان دهد». بنابراین استقلال واقعی با بی‌طرفی و استقلال ظاهری به‌طور معمول با تصور استفاده‌کنندگان از وجود تضاد منافع حسابرس در یک وضعیت معین ارتباط دارد (هویتاش، ۲۰۰۷).

استقلال حسابرسی معمولاً به‌عنوان یک استقلال حرفه‌ای توصیف و مطرح‌شده است؛ یعنی برحسب عینیتی که حسابرس از موفقیت در کار حسابرسی به‌عنوان یک فرد حرفه‌ای به دست می‌آورد و روشی که او برای گردآوری، ارزیابی و گزارشگری به کار می‌گیرد. همچنین حسابرسی بر اساس روش بی‌طرفانه صورت می‌پذیرد و این موضوع به‌طور سنتی به‌عنوان حالتی از ذهن که به مفهوم نگرش حسابرسی به روابط موجود با مدیریت صاحبکار، سهامداران و سایر ذی‌نفعان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی است، تصور شده است (ایمان زاده، ۱۳۸۵). بدین ترتیب در هر موقعیت برای انجام حسابرسی، این سؤال وجود دارد که آیا حسابرسی از نظر ذهنی مستقل از مدیریت صاحبکار و فشارهای وارد به او هنگام تصمیم‌گیری‌های حسابرسی عمل کرده

است یا خیر؟ فلینت (۱۹۸۸) با این نگرش در مورد این موقعیت حسابرسان موافق است که استقلال حسابرس یک نگرش ذهنی است و آن را به ویژگی‌های فردی یعنی درستکاری و قدرت شخصیت وی پیوند می‌دهد. با این همه نسبت دادن مفهوم استقلال حسابرس به یک ویژگی ذهنی نامحسوس، آن را تبدیل به عبارت به نسبت گنگی می‌کند که در رابطه با کار حسابرسی، تفسیر آن پیچیده و مشکل است اما دست کم یک توافق عمومی وجود دارد که استقلال، نگرشی از ذهن است که اجازه نمی‌دهد نقطه نظرها و نتیجه‌گیری‌های حسابرسی، اثرها و فشارهای ناشی از تضاد منافع افراد را در برگردد و همواره حسابرس باید آیین رفتار حرفه‌ای را در نظر داشته باشد (ایمان زاده، ۱۳۸۵).

۲-۲- استرس کار حسابرس

مؤسسه‌ی ملی امنیت و سلامت شغلی، استرس شغلی را ناشی از مشکلات فراوان موجود در محیط کار، تغییرات مداوم خارج از کنترل، جابه‌جایی مداوم، اضافه‌کار، ساعت کار زیاد و بی‌نظمی ساعت کار می‌داند (ادواردز و همکاران، ۲۰۰۰). کاظمی و همکاران (۲۰۰۸) نیز استرس شغلی را به‌عنوان تغییری در وضعیت فیزیکی یا ذهنی تعریف می‌کنند که ممکن است اثر مثبت یا منفی بر عملکرد شغلی کارکنان داشته باشد که در آن، استرس به خاطر رویدادهای استرس‌زا در محیط کار ایجاد شده است.

شغل حسابرسی به‌طور معمول با حجم بالای کاری، ضرب‌الاجل‌های زیاد و فشار زمانی بیش‌ازحد توصیف می‌شود. افزون بر این، حسابرسان، به دلیل تضاد منافع‌ی که ممکن است در انجام حسابرسی‌هایشان وجود داشته باشد و نیز قرار گرفتن در بین مدیریت به‌عنوان مسئول تهیه‌ی صورت‌های مالی و نتایج حاصل از عملیات شرکت سرمایه‌گذاران و یا سایر اشخاص ذی‌نفع به‌عنوان استفاده‌کنندگان از گزارش حسابرسی برای تصمیم‌گیری و رسیدن به هدف‌های شخصی مدنظر همواره به نحوی نقش واسطه یا رابط را ایفا می‌کنند. از این‌رو، آن‌ها با تعداد زیادی از افراد درون سازمانی و برون‌سازمانی رو به رو هستند که خواهان طیف وسیعی از نیازها و انتظارات هستند که به تبع برآورده کردن این انتظارات و تقاضاهای متنوع از سوی صاحبکاران، آن‌هم در محیط کاری که خود صاحبکار مشخص می‌کند، برای حسابرسان موقعیت‌های استرس‌زایی را ایجاد می‌کند که در صورت شناسایی نشدن به‌موقع، کنترل نکردن و برخورد نامناسب این استرس‌های شغلی می‌تواند تأثیر بسزایی در کیفیت کار حسابرسی داشته باشد (مرویان حسینی، لاری دشت بیاض، ۱۳۹۴).

ابهام نقش به وضعیت شغلی معینی گفته می‌شود که در آن پاره‌ای از اطلاعات لازم برای انجام شغل به‌طور نامطلوب، نارسا یا گمراه‌کننده‌اند (استورا، ۱۳۷۷). ابهام نقش زمانی پیش می‌آید که روشن نباشد نقش فرد چیست یا حدود مسئولیت‌های وی کدام است (راس، آلتمایر، ۱۳۷۷). بر اساس مدل نظری کاهن و همکاران (۱۹۶۴) تجربه ابهام نقش می‌تواند به واکنش‌های متناقض، احساسات تنش، کاهش اعتماد به نفس و نارضایتی در فرد منجر می‌شود. تعارض نقش، تداخل در فعالیت‌های یک نقش با دیگر است و معمولاً به مشکلات زیادی نظیر استرس، اضطراب، خستگی

و غیره منجر می‌شود. اگر انتظارات مربوط به یک نقش برای افراد خوب تعریف نشود، تعارض روی می‌دهد و فرد ناسازگاری بین وظایف را تجربه می‌کند. گاجندران و هریسون (۲۰۰۷) نیز بیان می‌دارند تعارض نقش هنگامی رخ می‌دهد که تن دادن به مجموعه‌ای از الزام‌های شغلی با پذیرش مجموعه دیگری از الزام‌های شغلی، مغایر و یا به کلی ناممکن است. تحقیقات نشان می‌دهد که ابهام شغلی و تعارض نقش از جمله مهم‌ترین عوامل ایجادکننده‌ی استرس شغلی و کاهش دلبستگی و خشنودی شغلی به شمار می‌آیند که علاوه بر ایجاد نارضایتی شغلی، عملکرد شغلی فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند.

سوبروین و چنگابروی (۲۰۰۶) و آگولیا و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که استرس ناشی از کار یا برنامه زمان‌بندی حسابرسی ممکن است به کارایی و کیفیت حسابرسی آسیب وارد کند. لئو (۲۰۰۸) بیان کرد که فشار ناشی از زمان حسابرسی می‌تواند مانع از اجرای خوب روش‌های حسابرسی گردد و در نتیجه کیفیت حسابرسی را مخدوش نماید. لویز و پیتز (۲۰۱۲) نشان دادند که بالا رفتن فشار ناشی از حجم کار می‌تواند به کیفیت حسابرسی در شرکت حسابرسی لطمه وارد کند. پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که استرس کار رابطه مثبتی با شدت موارد استرس‌زا در محیط کار و رابطه‌ی منفی با کنترل کاردارند (لندسبریگز، ۱۹۹۸، فلچر، جونز، ۱۹۳۰). علاوه بر این کنترل کار به بهبود رضایت شغلی و عملکرد شغل کمک می‌کند (گرین برگ و همکاران ۱۹۸۹؛ دیر، گانستر، ۱۹۹۱).

۳-۲- ارتباط نظری متغیرها و مروری بر پیشینه‌ی پژوهش

هرچند زندگی مدرن امروز موجبات رفاه و آسایش انسان را فراهم نموده اما جسم و ذهن انسان را با انتظاراتی که منجر به استرس می‌شوند روبه‌رو می‌سازد (نگرا-ارورا، ۲۰۱۳). وجود تضاد منافع بین مدیران و مالکان در بسیاری از مواقع باعث می‌شود تا مدیریت از اختیارات خود جهت ارائه اطلاعات مالی دستکاری شده استفاده کند. این امر باعث به وجود آمدن حسابرسی شد. از طرفی، موفقیت و شکست یک سازمان به عملکرد کارکنان آن بستگی دارد و تقریباً اهم تلاش مدیران و روان‌شناسان صنعتی و سازمانی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در جهت بهبود عملکرد شغلی کارکنان است (رو گلببرگ، ریتز-پالمون، ۲۰۰۷). محیط شغلی می‌تواند به‌عنوان یک منبع استرس اجتماعی و روانی در نظر گرفته شود که اثرات زیان‌آوری بر رفاه و سلامتی کارکنان دارد و می‌تواند بر رفتار کارکنان اثری منفی گذاشته و در نهایت منجر به عدم کارایی کارکنان و سازمان شود (جیربج، ۲۰۱۳). در حسابرسی نیز وجود استرس شغلی فرد به علت تأثیری که بر استقلال حسابرسی می‌گذارد بسیار حائز اهمیت است و تأخیر در ارائه‌ی گزارش حسابرسی به‌طور مستقیم بر کارایی و عملکرد حسابرسی تأثیرگذار است (کالبرس، کنکر، ۲۰۰۸).

گلسبای را می‌توان نخستین کسی دانست که در سال ۱۹۹۲ میلادی فشار روانی استرس را به‌عنوان مفهوم تازه‌ای شرح داد. وی فشار روانی را پاسخی می‌داند که بدن در برابر خواسته‌هایی نشان می‌دهد که بر آن وارد می‌شود. منشأ معمول استرس که کارکنان در محیط کار یا سازمان با

آن مواجه هستند، عوامل استرس‌زای شغلی نامیده می‌شود (فیشر، ۲۰۰۱). این عوامل استرس‌زا شامل ابهام نقش، تعارض نقش و گران باری نقش است (مونتگموری و همکاران، ۱۹۹۶). این عوامل پیامدهای شغلی و نگرش‌های مربوط به کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ربلی، میکایل، ۱۹۹۰). مهم‌ترین استاندارد حسابرسی که حسابرسان را از اظهارنظر نسبت به صورت‌های مالی منع می‌کند مگر آنکه مستقل از واحد موردحسابرسی باشد، استقلال است. بدین معنی که استقلال با داشتن منافع مالی بااهمیت، در استخدام بودن، به واحد وام دادن و یا از آن وام گرفتن و روابط مختلف دیگر، از بین می‌رود (باربارا، ۲۰۰۸).

ابهام نقش، زمانی رخ می‌دهد که یک کارمند اطلاعات ناکافی، سیاست‌ها و دستورالعمل‌های مبهم دریافت می‌کند. بنابراین، ابهام نقش به علت فشار حاصل از شفاف نبودن یا درک نکردن دقیق فرد از نقش خود در سازمان ایجاد می‌شود (دیزورت، لرد، ۱۹۹۷). هنگامی که حسابرسان باهدف‌های متضادی مواجه می‌شوند که با کم‌ترین هزینه کار کنند درحالی که استقلال کار حسابرسی با کاهش برخی از روش‌های ضروری حسابرسی، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و یا تمام روش‌های حسابرسی را برای حفظ استقلال حسابرسی در سطح بالا انجام دهند که ممکن است سودآوری با افزایش هزینه‌های حسابرسی به خطر بیفتد (وال و همکاران، ۲۰۱۳) از این رو حسابداری و به‌ویژه حسابرسی از دیرباز به‌عنوان حرفه‌ای با سطوح بالای استرس شناخته‌شده است (کمپبل و همکاران، ۱۹۹۸) و تلاش‌های طاق‌فرسا محدودیت زمانی برای زندگی شخصی و گذراندن آزمون حسابداران رسمی از دیگر چالش‌های معمول و همیشگی حسابرسان بوده است (ربلی، میکایل، ۱۹۹۰).

وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل‌اتکا از عوامل اصلی ارزیابی وضع موجود و عملکرد یک شرکت در فعالیت‌های خود و همچنین تصمیم‌گیری در مورد دادوستد اوراق بهادار آن شرکت است. در محیط اقتصادی امروز با حضور فعالان اقتصادی متنوع و ساختار پیچیده روابط اقتصادی میان آن‌ها، اطلاعاتی قابل‌اتکا تلقی می‌شوند که توسط گروهی حرفه‌ای و مستقل و به‌دوراز هرگونه استرس و جانب‌داری و فشار مدیران بر فرآیند تهیه و ارائه آن‌ها نظارت و اظهارنظر شده باشد. نمونه‌ی بارز گروه‌های حرفه‌ای مستقل، مؤسسات حسابرسی می‌باشند که عمدتاً ساختار کنترل داخلی واحد گزارشگر و محصول نهایی آن یعنی صورت‌های مالی را مورد بررسی و نظارت قرار داده و در این مورد اظهارنظر می‌نمایند.

جویبی و هیچری (۲۰۲۱) در پژوهشی تأثیر ویژگی‌های رفتاری و فردی حسابرس بر کیفیت گزارشگری یکپارچه، شواهدی از شرکت‌های اروپایی را مورد مطالعه قرار دادند. آنان ۱۳۰ شرکت اروپایی را با استفاده از داده‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ مورد مطالعه قرار دادند. نتایج به‌دست‌آمده به‌خوبی نشان می‌دهد که هم تخصص حسابرس و هم عوامل اخلاقی حسابرس تأثیر مثبتی بر کیفیت گزارش تلفیقی دارند. نکته‌ی قابل‌توجه، این واقعیت است که اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و رفتار حسابرس تأثیر مثبت و ناچیزی بر کیفیت مرتبط با گزارشگری یکپارچه دارد.

یان واکس (۲۰۱۶) در تحقیقی به تأثیر استرس کار حسابرس بر حسابرسی با استفاده از یک نمونه از شرکت‌های چینی در فاصله‌ی زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که:

۱) به‌طور کلی کاهش آن‌چنانی در کیفیت حسابرسی ناشی از استرس کار حسابرس وجود ندارد؛
 ۲) در حسابرسی اولیه با صاحبکار جدید، بین استرس کار و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی معنادار منفی وجود دارد؛ ۳) درک ترس کار به ویژگی‌های فردی حسابرسان بستگی دارد. همچنین حسابرسان مؤسسات حسابرسی بین‌المللی و کسانی که در نقش شرکای آن‌ها هستند نسبت به متخصصین صنعت حسابرسی، واکنش بیش‌تری به استرس کار حسابرسی دارند.

چونگ و مانرو (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر پیامدهای فرسودگی شغلی بر تمایل به جابجایی حسابداران پرداختند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ی تکمیل‌شده به‌وسیله‌ی ۳۶۸ حسابدار که جدیداً در مؤسسات حسابرسی استخدام‌شده بودند، جمع‌آوری شد. نتایج حاصل از به‌کارگیری روش معادلات ساختاری نشان داد که ابهام نقش، تعارض نقش و تنش‌های مربوط به شغل عوامل ایجاد فرسودگی شغلی است. به این صورت که ابهام و تعارض نقش، سطوح درک شده کارکنان از تنش‌های مربوط به شغل را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تنش‌های مربوط به شغل با فرسودگی شغلی رابطه دارد که این امر به‌نوبه خود باعث کاهش سطح رضایت شغلی و تعهد سازمانی می‌شود. همچنین رضایت نداشتن کارکنان بیش‌تر می‌تواند ناشی از این باشد که آن‌ها به دنبال یک شغل جایگزین هستند.

ویارسی و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر عوامل استرس‌زای شغلی شامل ابهام نقش، تعارض نقش و ازدیاد نقش بر کارایی شغلی حسابرسان از طریق متغیر مداخله‌گر هوش هیجانی پرداختند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ای جمع‌آوری شد که به‌وسیله‌ی ۱۰۵ حسابرس در تمام مؤسسات حسابرسی اندونزیایی تکمیل‌شده بود. به این نتیجه دست یافتند که رابطه‌ی منفی میان استرس شغلی و کارایی حسابرس وجود دارد.

لارسون و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان مفاهیم و پیامدهای استرس شغلی در حسابرسان داخلی بررسی چگونگی تأثیرگذاری استرس شغلی بر فرسودگی شغلی و رضایت شغلی حسابرسان داخلی پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که عوامل استرس‌زای سازمانی (پاداش، ساختار سازمانی و سبک نظارت) نسبت به عوامل استرس‌زای فردی فشار زمانی، ابهام نقش، تعارض نقش و گران باری نقش برای حسابرسان داخلی منبع استرس بیش‌تری است. افزون بر این در این پژوهش متغیرهای استرس در الگوی رگرسیون شامل دو عامل محیط و حجم کار معرفی شد و نتیجه‌ی آن نشان داد که عامل محیط با هر دو عامل فرسودگی شغلی و نارضایتی شغلی رابطه‌ی مثبت دارد. همچنین حجم کار به‌عنوان عامل استرس‌زای دیگر با افزایش در کیفیت کار حسابرسی رابطه‌ی مثبت و با نارضایتی شغلی رابطه منفی دارد.

نقش‌بندی و دادرس در سال ۱۳۹۹ در پژوهشی اقدام به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی بر استرس کاری حسابرسان نمودند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استقلال کمیته‌ی حسابرسی بر استرس کاری حسابرسان تأثیر معناداری دارد. اندازه‌ی کمیته‌ی حسابرسی بر استرس کاری حسابرسان تأثیر معناداری دارد. تخصص مالی اعضای کمیته‌ی حسابرسی بر استرس کاری حسابرسان تأثیر معناداری دارد.

خوشکار و همکاران در سال ۱۳۹۹ در پژوهشی اقدام به بررسی تأثیر استقلال حسابر بر رابطه‌ی بین چرخش مؤسسه‌ی حسابرسی و پایداری سود نمودند. نتایج نشان داد که بین چرخش حسابر بر سطح مؤسسه‌ی حسابرسی و پایداری سود رابطه‌ی معناداری وجود ندارد اما استقلال حسابر بر رابطه‌ی بین چرخش حسابر بر سطح مؤسسه‌ی حسابرسی و پایداری سود تأثیر معنادار و مثبتی دارد.

سلیمانی و همکاران در سال ۱۳۹۷ در پژوهشی اقدام به بررسی تأثیر تهدیدها بر استقلال حسابرسان نمودند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها برای توصیف داده‌ها و مشاهدات از شیوه‌های توصیف آماری از قبیل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، استفاده و همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل عاملی و معادلات ساختاری از نرم‌افزارهای SPSS و Smart Pls بهره‌گیری شد. نتایج پژوهش دلالت بر تأثیر منفی پنج عامل مهم تهدید بر استقلال ظاهری و باطنی حسابرسان دارد و تخصص و تجربه‌ی حسابرسان باعث تأثیر بر رابطه‌ی بین تهدیدها و استقلال باطنی می‌شوند و بر رابطه‌ی بین تهدیدها و استقلال ظاهری تأثیری ندارند.

فلاخ و طاهری در سال ۱۳۹۷ اقدام به بررسی تأثیر استرس شغلی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی نمودند. جهت بررسی فرضیات تحقیق از دو مدل رگرسیونی استفاده گردیده است. نتایج ایشان بیانگر بین استرس کاری حسابرسان و کیفیت حسابرسی از یک‌سو و همچنین بین استرس کاری حسابرسان و کیفیت حسابرسی در حسابرسی نخستین از طرف دیگر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

مرویان حسینی و لاری دشت بیاض (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی نقش فرسودگی شغلی در رابطه‌ی بین استرس و عملکرد شغلی حسابرسان پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه‌ی بین استرس شغلی، فرسودگی شغلی و عملکرد شغلی است. به عبارت دیگر نتایج حاکی از تأیید ارتباطی مثبت و معنادار میان استرس شغلی با فرسودگی شغلی و تأیید رابطه‌ی منفی و معنادار میان فرسودگی شغلی با عملکرد شغلی حسابرسان است. همچنین رابطه‌ی منفی استرس شغلی با عملکرد شغلی از طریق متغیر میانجی فرسودگی شغلی مورد تأیید قرار گرفت.

سلطانی و برآری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی اثر حمایت سرپرست و حمایت همکار در حرفه‌ی حسابرسی بر تضاد نقش و ابهام نقش که از اجزای استرس نقش می‌باشند و متعاقب آن تأثیر تضاد نقش و ابهام نقش بر افزایش تمایل به ترک خدمت و کاهش رضایت شغلی حسابرسان پرداختند. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه‌ی حسابرسان از رده‌ی کمک حسابر تا حسابر ارشد بود که در مؤسسات عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی کشور تا پایان شش ماه اول سال ۱۳۹۲ مشغول به فعالیت بوده‌اند. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدل روابط ساختاری خطی - لیزرل استفاده شد. تحلیل‌های آماری صورت گرفته نشان داد که بین متغیرهای مدل علی پژوهش به استثنای رابطه‌ی بین تضاد نقش و تمایل به ترک خدمت، روابط معناداری در جهت‌های تعیین شده وجود دارد.

حاجیه‌ها و زارعی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی عوامل استرس‌زا بر رضایت شغلی و عملکرد

شغلی در بین حسابداران بخش عمومی پرداختند. پژوهش آنان شامل کارکنان اداره‌ی کل امور مالیاتی استان سیستان و بلوچستان بود. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه‌ی منفی و معناداری بین ابهام نقش، تعارض نقش و گران باری نقش با رضایت شغلی و عملکرد شغلی وجود دارد. محمدی‌پور و غلامی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان فشارهای روانی و فرسودگی شغلی حساب‌رسان مستقل به این نتیجه رسیدند که اظهارنظر تحت استرس بالا و فرسودگی شغلی باعث اختلال در عملکرد حساب‌رسان می‌شود و اظهارنظر حرفه‌ای آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به ادبیات و مبانی نظری پژوهش و پژوهش‌های پیشین، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه‌ی اول: استرس بر استقلال باطنی تأثیر دارد.

فرضیه‌ی دوم: استرس بر استقلال ظاهری تأثیر دارد.

فرضیه‌ی سوم: تجربه‌ی حساب‌رسان تأثیر استرس بر استقلال باطنی را تعدیل می‌کند.

فرضیه‌ی چهارم: تجربه‌ی حساب‌رسان تأثیر استرس بر استقلال ظاهری را تعدیل می‌کند.

فرضیه‌ی پنجم: تخصص حساب‌رسان تأثیر استرس بر استقلال باطنی را تعدیل می‌کند.

فرضیه‌ی ششم: تخصص حساب‌رسان تأثیر استرس بر استقلال ظاهری را تعدیل می‌کند.

۴- روش‌شناسی پژوهش

۴-۱- نوع و روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی با رویکرد کاربردی است. در این پژوهش استفاده از ابزار پرسشنامه رتبه‌بندی شده برای بررسی نظر پاسخ‌دهندگان استفاده شده است. پژوهش حاضر به دلیل آزمودن کارایی نظریه‌های علمی در حوزه‌ی استقلال حساب‌رسان و توسعه‌ی دانش کاربردی در مورد ابعاد استقلال حساب‌رسان و تأثیر استرس موجود بر آن از نظر هدف، پژوهش کاربردی است و از نظر شیوه‌ی گردآوری و تحلیل اطلاعات، توصیفی و از نوع پیمایشی است. این پژوهش توصیفی است چراکه به توصیف وضعیت متغیرها و نیز روابط میان آن‌ها می‌پردازد. از نوع پیمایشی است چراکه به تحلیل نظرات پاسخ‌دهندگان نمونه‌ی مورد مطالعه که به پرسش‌هایی در مورد موضوع مورد مطالعه و ابعاد پژوهش (متغیرها و سؤال‌های مربوط) پاسخ داده‌اند، می‌پردازد. این کار از طریق پرسش‌نامه (ابزار پژوهش) که در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار داده شده است، انجام می‌گیرد.

در پژوهش حاضر به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه حاوی دو قسمت بود. بخش نخست پرسشنامه به ویژگی‌های حساب‌رسان (تخصص در صنعت) و تجربه می‌پردازد. بخش دوم پرسشنامه شامل ۲۷ سؤال جهت اندازه‌گیری داده‌های تحلیل استرس هست که سؤالات ۱-۵ به تعارض نقش، سؤالات ۶-۹ به خطر ابهام نقش، سؤالات

۱۰-۱۱ به مسئولیت، سؤالات ۱۲-۱۵ به فشار روانی، سؤالات ۱۶-۲۰ به محیط شغلی می‌پردازد. به ترتیب برای پاسخ به کاملاً مخالف امتیاز ۱، مخالف امتیاز ۲، نه موافق و نه مخالف امتیاز ۳، موافق امتیاز ۴، به کاملاً موافق امتیاز ۵، بر اساس مقیاس لیکرت در نظر گرفته می‌شود. همچنین، سؤالات ۲۱-۲۴ به استقلال ظاهری و سؤالات ۲۵-۲۷ به استقلال واقعی می‌پردازد. برای پاسخ به ترتیب تقریباً همیشه، اغلب اوقات، معمولاً، گاهی اوقات و هرگز در نظر گرفته شده است.

به منظور سنجش روایی پرسشنامه از روایی صوری و محتوایی استفاده شده است. بدین منظور سؤالات پژوهش پس از تدوین در اختیار استادان و نیز صاحب‌نظران قرار گرفت تا نسبت به روایی سؤالات اظهار نظر و تأیید نمایند. همچنین برای پایایی پرسشنامه از مقیاس آلفای کرونباخ استفاده شده است؛ نتایج آلفای کرونباخ در ارتباط با کل پرسشنامه مقدار ۰/۷۵۹ را نشان داده است و در ارتباط با متغیرهای اصلی پژوهش شامل استقلال واقعی، استقلال ظاهری و استرس، به ترتیب ۰/۷۳۹، ۰/۷۳۶، ۰/۸۷۳ بوده است که بیانگر پایایی مناسب پرسشنامه هست.

در تجزیه تحلیل داده‌ها برای توصیف داده‌ها و مشاهدات از شیوه‌های توصیف آماری از قبیل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، استفاده و همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل عاملی و معادلات ساختاری بهره‌گیری شد.

۲-۴- جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش کارکنان ۱۵ مؤسسه‌ی حسابرسی (مؤسسات حسابرسی: مؤسسه‌ی ادیب محاسب، آریان محاسب پویا، مؤسسه‌ی حسابرسی آرمان اندیش آگاه، روشنگران حساب کارآمد، اقتصاد قرن، برتر حساب، آریامهر ارقام، ارمغان امین، طوس محاسب، دانشگر محاسب، رایمند امین، آگاهان تراز توس، تراز اندیشان شکبیا) می‌باشد. با توجه به اطلاعات گردآوری شده از سطح شهر ارومیه تعداد کل کارکنان تقریباً ۳۷۰ نفر تعیین شد.

برای تعیین حجم نمونه نیز با توجه به معلوم بودن تعداد جامعه‌ی آماری از فرمول حجم نمونه‌ی کوکران استفاده شده است. با توجه به حجم جامعه‌ی در دسترس (۳۷۰ نفر) و فرمول کوکران، حداقل حجم نمونه انتخابی تعداد ۱۷۵ نفر شد.

در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده در مؤسسات حسابرسی در سطح شهر ارومیه استفاده گردید. به این صورت که بر اساس فهرست کارکنان در مؤسسات حسابرسی که در اختیار پژوهشگر قرار گرفته بود، کارکنان مورد نظر به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت افزایش اعتبار پژوهش، تعداد ۲۴۰ پرسشنامه توزیع شد که از این میان، تعداد ۱۷۵ پرسشنامه به شرح جدول ۱ دریافت و مبنای تحلیل آماری واقع گردید. از میان پرسشنامه‌های توزیع شده تعداد ۴۰ پرسشنامه بازگردانده نشد و همچنین تعداد ۲۳ پرسشنامه به علت نقص در تکمیل کنار گذاشته شد. نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها در حدود ۷۵/۶۵ درصد تعیین شد. همچنین جهت دریافت پرسشنامه‌های تکمیل شده سه فقره پیگیری از طریق تماس تلفنی و در صورت عدم پاسخگویی و پیگیری‌های لازم، مراجعه حضوری صورت گرفت.

جدول (۱) توزیع و نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها

تعداد کل کارکنان	حداقل نمونه آماری	پرسشنامه توزیع شده	پرسشنامه دریافت شده	پرسشنامه قابل تجزیه و تحلیل	نرخ بازگشت (درصد)
۳۷۰	۱۷۵	۲۴۰	۲۰۰	۱۷۷	۷۵/۶۵

۳-۴- متغیرهای پژوهش

۱-۳-۴- متغیر وابسته

حسابرسان مستقل مکلفاند استقلال رأی خود را در طول تمام مراحل حسابرسی رعایت کنند. رعایت استقلال از دو جنبه قابل بررسی است: الف) استقلال فکری و ذهنی، بدین معنی است که حسابرسان نباید تحت تأثیر اظهارات و القائات دیگران قرار گیرند؛ ب) استقلال رفتاری، به معنای آن است که همواره بایست از دید اشخاص ثالث کاملاً مستقل به نظر برسند، یعنی هیچ‌گونه ارتباط سازمانی و وابستگی شغلی با صاحبکار نداشته باشند (آقایی و فهیم نژاد، ۱۳۸۵). طبق تعریف فوق استقلال دو بعد دارد: استقلال فکری و ذهنی و استقلال رفتاری. استقلال فکری و ذهنی یک خصوصیت فردی است که نمی‌تواند مستقیماً توسط سرمایه‌گذاران و سایرین ارزیابی شود. بنابراین در این تعریف استقلال رفتاری هم منظور شده است که عبارت است از فقدان فعالیت‌ها، روابط و شرایطی که سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده‌کنندگان آگاه منطقاً به این نتیجه می‌رسند که ریسک غیرقابل قبولی در مورد بی‌طرفی حسابرس وجود دارد. با توجه به فرضیه‌های پژوهش متغیرهای وابسته، استقلال باطنی و استقلال ظاهری حسابرسان هست.

۲-۳-۴- متغیر مستقل

عوامل خطرزایی استقلال حسابرس شرایط و عواملی هستند که استقلال حسابرس را از بین می‌برد یا انتظار می‌رود که باعث تخریب استقلال حسابرس شود. از این‌رو شناسایی و ارزیابی اثر آن‌ها بر استقلال حسابرس بسیار ضروری است (مدرس و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به عوامل ایجادکننده استرس شغلی مطرح‌شده توسط عبداللطیف و همکاران (۲۰۱۵) که در مقدمه به آن‌ها پرداخته‌شده است؛ پنج استرس شناخته‌شده که می‌تواند استقلال حسابرس رو تحت تأثیر قرار دهد، شامل: تعارض نقش، ابهام نقش، مسئولیت، فشار روانی، محیط شغلی به‌عنوان متغیرهای مستقل این پژوهش موردبررسی قرار گرفته‌اند.

پرسشنامه‌ی پژوهش شامل دو بخش است. بخش اول پرسشنامه شامل سؤالات جمعیت‌شناسی در مورد مخاطب (به‌عنوان مثال، میزان تجربه، سن، جنسیت و ...) است. در بخش دوم گویه‌های مربوط به متغیرهای پژوهش به پاسخ‌دهندگان ارائه‌شده است. از پاسخ‌دهندگان خواسته‌شده نشان دهند تا چه حد موافق یا مخالف هر یک از گویه‌های مطرح‌شده می‌باشند. پاسخ‌های پرسشنامه در یک طیف پنج امتیازی لیکرت قسمت‌بندی شده است تا پاسخگو، میزان موافقت خود را در مقیاس لیکرت که از یک تا پنج درجه‌بندی شده، مشخص کند. در این مقیاس اندازه‌گیری، پاسخ‌ها به‌صورت کیفی بوده که برای تبدیل آن‌ها به پاسخ‌های کمی، برای هر کدام از گزینه‌ها در جدول ۲، وزن خاصی ذکر شده است:

جدول (۲) تبدیل وزنی پرسشنامه

میزان اهمیت					ابعاد مورد مطالعه
کاملاً مخالف	مخالف	نه موافق و نه مخالف	موافق	کاملاً موافق	استرس
هرگز	گاهی اوقات	معمولاً	اغلب اوقات	تقریباً همیشه	استقلال ظاهری و واقعی
بیشتر از ۲۰ سال	۲۰ سال مدیریت یا	معمولاً ۱۱ تا ۱۵	۶ تا ۱۰ سال	کمتر از ۵ سال	ویژگی حسابرِس (تجربه)
سایر رشته‌ها	مدیریت یا اقتصاد	حسابداری	حسابرِس	حسابدار رسمی	ویژگی حسابرِس (تخصص در صنعت)

جدول (۳) دسته‌بندی سؤال‌ها در پرسشنامه بر اساس ابعاد مورد مطالعه

ردیف	ابعاد	کد سؤال	سؤال‌ها
۱	تعارض نقش	SI۱	به دلیل اعمال روش‌های ضدونقیض دچار ناکامی می‌شوم.
۲		SI۲	مسئولان سازمان غالباً از من انتظار دارند تا برای برخی کارهای مهم‌تر کارم را نیمه‌تمام رها کنم.
۳		SI۳	سرپرستانم در حین کار از من تقاضاهای ضدونقیض می‌کنند.
۴		SI۴	نیازهای شخصی من با نیازهای سازمان در تعارض است
۵		SI۵	تخصص حرفه‌ای من با کار سازمانی در تناقض است
۶	ابهام نقش	SR۱	انتظار دارند چند کار را به‌طور هم‌زمان انجام دهم.
۷		SR۲	دیگران خیلی از ماهیت شغل من اطلاع ندارند.
۸		SR۳	روسای من فقط از من عیب‌جویی می‌کنند.
۹		SR۴	تصمیمات یا تغییرات شغلی که مقامات مافوق در مورد من می‌گیرند بدون اطلاع و مشورت با من است.
۱۰	مسئولیت	A۱	اظهار نظر منفی درباره همکارانم برایم دشوار است.
۱۱		A۲	من لیاقت کاری بالاتر از شغل فعلی خود را دارم.
۱۲	فشار روانی	F۱	به دلیل ساعات طولانی کار و کار در روزهای تعطیل از جانب خانواده‌ام تحت فشار هستم.
۱۳		F۲	برای انجام کارها طبق برنامه، خودم را تحت فشار قرار می‌دهم.
۱۴		F۳	چون کارم بسیار زیاد است در انجام وظایفم همیشه وقت کم می‌آورم.
۱۵		F۴	با کارکنان واحدهای دیگر اختلاف‌های حل‌نشده دارم.
۱۶	محیط شغلی	I۱	وظایف اداری‌ام با آموزش‌ها و تحصیلاتم در تضاد هستند.
۱۷		I۲	بیش‌تر وقتم به‌جای آنکه صرف کار شود به بحث و مجادله می‌گذرد.
۱۸		I۳	من از کمک و حمایت همکارانم برخوردارم.
۱۹		I۴	در سازمان ما از امکانات به‌درستی استفاده نمی‌شود.
۲۰		I۵	شیوه‌های اداری مانع از انجام کار می‌شود.
۲۱	استقلال ظاهری	IA۱	بدون در نظر گرفتن منافع مشتری، حسابرسی را با تردید حرفه‌ای انجام می‌دهم.
۲۲		IA۲	آیین رفتار حرفه‌ای را در عملیات حسابرسی رعایت می‌نمایم.
۲۳		IA۳	در کلیه تعاملات خود از استقلال برخوردار هستم.
۲۴		IA۴	هیچ‌گونه خدمات مشاوره‌ای را به شرکت طرف قرارداد خود ارائه نمی‌دهم.
۲۵	استقلال واقعی	IM۱	از جانب‌داری در قضاوت‌های حرفه‌ای پرهیز می‌کنم.
۲۶		IM۲	از شرایط ایجاد تضاد منافع در قضاوت‌های حرفه‌ای پرهیز می‌کنم.
۲۷		IM۳	از نفوذ نابه‌جای دیگران در قضاوت‌های حرفه‌ای خود پرهیز می‌کنم.

با توجه به سؤال‌های پرسشنامه هر سؤال مربوط با توجه به جدول فوق و بیان آن جهت سنجش متغیر مورد هدف بیان شده، در مقابل هر یک از عوامل درج گردیده است.

جدول (۴) نحوه اندازه‌گیری متغیرهای به کار گرفته شده در مدل پژوهش

نوع متغیر	متغیر	ابعاد متغیر	نماد متغیر	نحوه محاسبه	داده‌ها	منبع
وابسته	استقلال	استقلال ظاهری	Independence- in appearance (IA)	طیف ۵ نقطه‌ای لیکرت	۲۱ الی ۲۳	بخش دوم پرسشنامه
		استقلال واقعی	Independence of mind (IM)		۲۴ الی ۲۷	
مستقل	استرس	تعارض نقش	Role conflict (RC)		۱ الی ۷	
		ابهام نقش	Role ambiguity (RA)		۸ الی ۱۱	
		مسئولیت	Responsibility (R)		۱۲ الی ۱۳	
		فشار روانی	Mental pressure (MP)		۱۴ الی ۱۷	
تعدیل کننده	ویژگی‌های حسابرس	محیط شغلی	Occupational environment (OE)		۱۸ الی ۲۰	بخش اول پرسشنامه
		تجربه	Experience (E)		سؤال عمومی	
		تخصص	Speciality (S)		به شرح الف، در ادامه جدول اندازه‌گیری شده است.	

الف) تخصص حسابرس در صنعت

در صورتی که حسابرس متخصص در صنعت باشد برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر است؛ به عبارت دیگر، در این پژوهش برای اندازه‌گیری تخصص حسابرس در صنعت از رویکرد سهم بازار استفاده می‌شود. به این معنی که هر چه سهم بازار حسابرس بیش‌تر باشد، تخصص حسابرس در آن صنعت و تجربه‌ی او نسبت به سایر رقبا بالاتر است. سهم بازار حسابرسان به صورت زیر محاسبه می‌شود (مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران یک مؤسسه‌ی حسابرسی خاص در یک صنعت خاص، تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحبکاران در این صنعت).

$$MS_{ik} = \frac{\sum_{j=1}^{J_{ik}} TA_{ijk}}{\sum_{i=1}^{I_k} \sum_{j=1}^{J_{ik}} TA_{ijk}}$$

MS_{ik} = سهم بازار مؤسسه‌ی حسابرسی i در صنعت k

TA = مجموع دارایی‌های صاحبکاران

I = نماد مؤسسه‌ی حسابرسی است

K = نماد صنعت موردنظر است

J_{ik} = نماد تعداد صاحبکاران مؤسسه‌ی حسابرسی i در صنعت k

I_k = نماد تعداد مؤسسه‌های حسابرسی در صنعت k

مؤسساتی به‌عنوان متخصص در صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان بر اساس رابطه زیر برقرار باشد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸):

$$MS_{ik} > \frac{1}{N_K} \times 1.2$$

در رابطه فوق، N_k بیانگر تعداد شرکت‌های موجود در صنعت k است. بنابراین اگر شرکت از سوی مؤسسه‌ی حسابرسی متخصص صنعت حسابرسی شده باشد، متغیر SPEC برابر با یک و گرنه برابر با صفر خواهد بود.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمارهای توصیفی پژوهش

برای تبیین و شرح داده‌های جمع‌آوری‌شده در پژوهش از آمار توصیفی استفاده می‌شود. در اینجا از جدول‌ها و نمودارها، برای نشان دادن بعضی ویژگی‌های جمعیت شناختی و سازمانی حسابرسان در مؤسسات حسابرسی واقع در شهر ارومیه که در ابتدای پرسشنامه توسط محقق مورد سؤال قرار گرفته، استفاده می‌شود. در این بخش از تجزیه و تحلیل آماری به بررسی چگونگی توزیع آماری از حیث متغیرهایی چون جنسیت، میزان تحصیلات، سن و سابقه کار، سمت (پاسخ‌دهندگان) پرداخته می‌شود.

اطلاعات توصیف جمعیت‌شناسی نشان داد که ۷۷/۹۶ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۱۹/۲۱ درصد باقیمانده زن بوده‌اند. همچنین ۲/۸۳ درصد پاسخی به این مورد نداده بودند. ۵۹/۳۲ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، ۲۸/۸۱ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۷/۳۴ درصد دارای تحصیلات دکتری بودند. همچنین ۴/۵۳ درصد پاسخی به این مورد نداده‌اند.

۱۰/۷۳ درصد کمک حسابر، ۲۴/۸۵ متصدی حسابر، ۱۱/۳۰ حسابر ارشد، ۱۰/۷۳ سرپرست، ۱۲/۹۹ درصد سرپرست ارشد، ۲۵/۴۲ درصد حسابدار رسمی و همچنین ۳/۹۸ درصد پاسخی به این مورد نداده‌اند. لازم به ذکر است که به عقیده‌ی نگارنده، از آنجایی که در غالب موارد، فرآیند جمع‌آوری شواهد حسابرسی برای حمایت از گزارش حسابرسی به‌صورت سلسله مراتبی از سمت‌های پایین به بالا صورت و مورد بررسی قرار می‌گیرد کلیه‌ی سمت‌های مؤسسات حسابرسی مورد پرسش قرار گرفته‌اند.

۲۵/۴۲ درصد دارای تخصص حسابدار رسمی، ۱۴/۱۲ درصد رشته‌ی حسابرسی، ۵۷/۰۶ درصد دارای رشته‌ی حسابداری و همچنین ۳/۴۰ درصد پاسخی به این مورد نداده‌اند.

۵-۲- آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه‌ها به شرح جدول ۵ است:

جدول (۵) نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه	معناداری	شرح
تأیید فرضیه	$p < 0/05$	فرضیه‌ی اول: استرس بر استقلال باطنی تأثیر دارد.
تأیید فرضیه	$p < 0/05$	فرضیه‌ی دوم: استرس بر استقلال ظاهری تأثیر دارد.
پذیرش فرضیه	$p < 0/05$	فرضیه‌ی سوم: تجربه‌ی حساب‌رسان تأثیر استرس بر استقلال باطنی را تعدیل می‌کند.
عدم پذیرش فرضیه	$p > 0/05$	فرضیه‌ی چهارم: تجربه‌ی حساب‌رسان تأثیر استرس بر استقلال ظاهری را تعدیل می‌کند.
پذیرش فرضیه	$p < 0/05$	فرضیه‌ی پنجم: تخصص حساب‌رسان تأثیر استرس بر استقلال باطنی را تعدیل می‌کند.
عدم پذیرش فرضیه	$p > 0/05$	فرضیه‌ی ششم: تخصص حساب‌رسان تأثیر استرس بر استقلال ظاهری را تعدیل می‌کند.

مأخذ: نتایج پژوهش

در بررسی آثار متغیر استرس بر استقلال باطنی همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۵ ملاحظه می‌گردد، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای $0/05$ معنادار است، یعنی بین استرس و استقلال باطنی رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول تأیید شده است. در بررسی آثار متغیر استرس بر استقلال ظاهری می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای $0/05$ معنادار است، یعنی بین استرس و استقلال ظاهری رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد. لذا فرضیه‌ی دوم مورد پذیرش قرار گرفته است. در بررسی اثر تعدیل‌کننده متغیر تجربه حساب‌رسان در رابطه‌ی بین استرس و استقلال باطنی، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای $0/05$ معنادار هست، یعنی تجربه‌ی حساب‌رسان تأثیر استرس بر استقلال باطنی را تعدیل نموده است. بنابراین فرضیه سوم تأیید شده است. در بررسی اثر تعدیل‌کننده متغیر تجربه حساب‌رسان در رابطه‌ی بین استرس و استقلال ظاهری، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای $0/05$ معنادار نیست. یعنی تجربه‌ی حساب‌رسان، تأثیر استرس بر استقلال ظاهری را تعدیل نموده است. بنابراین فرضیه‌ی چهارم تأیید نشده است. در بررسی اثر تعدیل‌کننده متغیر تخصص حساب‌رسان در رابطه‌ی بین استرس و استقلال باطنی، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای $0/05$ معنادار است. یعنی تخصص حساب‌رسان تأثیر استرس بر استقلال باطنی را تعدیل نموده است؛ بنابراین فرضیه‌ی پنجم تأیید شده است. در بررسی اثر تعدیل‌کننده متغیر تخصص حساب‌رسان در رابطه‌ی بین استرس و استقلال ظاهری، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای $0/05$ معنادار نیست. یعنی تخصص حساب‌رسان تأثیر استرس بر استقلال ظاهری را تعدیل نکرده است بنابراین فرضیه‌ی ششم تأیید نشده است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

ممکن است حساب‌رسان با استرس و فشار کاری بیش‌تری که استقلال آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، مواجه شوند. اگر استقلال حساب‌رس تحت تأثیر قرار گیرد وی قادر به صدور گزارش بی‌طرفانه برای نشان دادن میزان صحت صورت‌های مالی مطابق با الزامات استانداردهای حسابداری نخواهد

بود. از سوی دیگر شغل او نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت به‌طوری‌که با کاهش پذیرش توسط مشتریان در آینده و سلب اعتماد از صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط وی در نزد استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی مواجه خواهد شد.

هدف از این مطالعه شناسایی میزان تأثیر استرس حسابرس بر استقلال حسابرس بوده است. اهمیت این مطالعه در این موضوع بود که تلاش نمود تا با تمرکز بر نقش استرس در تضعیف استقلال حسابرس به بررسی اثرات آن بپردازد؛ چراکه در صورت وجود استرس بسیاری که بر استقلال حسابرس تأثیر می‌گذارد، امکان صدور قضاوت عادلانه برای حسابرس وجود ندارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که استرس منافع شخصی، خود بررسی، حمایت، ارباب، آشنایی بر استقلال ظاهری و باطنی حسابرسان اثر معکوس (منفی) بر استقلال حسابرس دارند. به‌علاوه، مشخص گردید تجربه و تخصص حسابرسان رابطه‌ی بین استرس و استقلال باطنی آن‌ها را تضعیف می‌کند و تجربه و تخصص حسابرسان رابطه بین استرس و استقلال ظاهری آن‌ها را تعدیل ننموده است.

نتایج این پژوهش با مبانی نظری پژوهش سازگاری دارد به‌طوری‌که مشابه با نتایج بخشی از پژوهش عبداللطیف و همکاران (۲۰۱۵)، تیتوس و همکاران (۲۰۱۴)، آدام و علی (۲۰۱۴)، چیا و کارلسون (۲۰۱۲) و شورورزی و همکاران (۱۳۹۱) است. نتیجه‌ی فرضیه‌ی اول و دوم مشابه با نتایج بخشی از تیتوس و همکاران (۲۰۱۴)، آدام و علی (۲۰۱۴) و شورورزی و همکاران (۱۳۹۱) مبنی بر تأثیر منفی روابط و فعالیت‌ها که استرس مؤثر بر استقلال حسابرسان می‌باشند و نتایج فرضیه‌های سوم و چهارم و پنجم و ششم با نتایج پژوهش عبداللطیف و همکاران (۲۰۱۵) مشابه است با این تفاوت که در پژوهش وی تجربه و تخصص تأثیر بین استرس و استقلال باطنی و ظاهری را تعدیل نمی‌کند و مؤثر نیست. لذا همان‌طور که اشاره شد، رعایت آئین رفتار حرفه‌ای به‌عنوان حفاظت‌های مؤثر علیه استرس می‌تواند موجب افزایش استقلال حسابرسان شود. در نتیجه حسابرسان و مؤسسات حسابرسی باید به این مهم توجه جدی داشته باشند که استرس به‌طور منفی بر استقلال ظاهری و باطنی آن‌ها اثرگذار است. همچنین به این مهم توجه شود که تجارب حسابرسان می‌تواند به‌طور منفی رابطه‌ی بین استرس و استقلال باطنی را تحت تأثیر قرار دهد. به‌علاوه تخصص حسابرس می‌تواند به‌طور منفی رابطه‌ی بین استرس و استقلال باطنی را تحت تأثیر قرار دهد. لذا این موارد را در تصمیم‌گیری‌های خود مدنظر قرار دهند.

در راستای جلب اعتماد عمومی نسبت به گزارش‌های صادرشده توسط حسابرسان، به حسابرسان پیشنهاد می‌شود اهتمام جدی نسبت به حفظ هر دو جنبه‌ی استقلال داشته باشند. به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود با توجه به تأثیر استقلال حسابرس در افزایش قابلیت اعتماد صورت‌های مالی و اعتباربخشی به بازار سرمایه، نظارت هر چه بهتر در کیفیت حسابرسی مؤسسات معتمد خود انجام دهد. برای پژوهش‌های آتی، بررسی نقش تعدیل‌کننده ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی بر رابطه‌ی بین استرس حسابرسی و استقلال حسابرس، بررسی نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین استقلال حسابرس و مدیریت سود واقعی و

همچنین بررسی نقش اندازه‌ی حسابرس بر رابطه‌ی میان استرس حسابرسی و استقلال حسابرس به محققان پیشنهاد می‌شود.

۷- محدودیت پژوهش

هر پژوهش و مطالعه با محدودیت‌هایی همراه است که بیان آن‌ها باعث جلوگیری از برداشت‌های غلط و قضاوت‌های نادرست می‌شود. این پژوهش همانند سایر پژوهش‌های پرسشنامه‌ای مشمول محدودیت‌های ابزار پژوهش است. مهم‌ترین محدودیت این پژوهش را می‌توان این مورد بیان کرد که پرسشنامه متکی به حافظه‌ی افراد پاسخ‌دهنده است و فقط آنچه را که وی گزارش می‌دهد می‌توان مورد بررسی قرار داد. درحالی‌که آنچه را پاسخ‌دهنده در عمل انجام می‌دهد ممکن است متفاوت با مواردی باشد که ذکر می‌کند.

منابع

- ایمان زاده، پیمان (۱۳۸۵) «بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- حاجی‌ها، زهره و زارعی، محمد عارف (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر سبک زندگی سالم بر استرس شغلی در حسابداران بخش عمومی (مطالعه موردی: کارکنان اداره کل امور مالیاتی استان سیستان و بلوچستان)، دو فصلنامه حسابداری دولتی، سال اول، شماره ۱، صص ۷۱-۸۰.
- سلطانی سید احمد خلیفه و سمانه براری (۱۳۹۴). بررسی علل و پیامدهای استرس نقش حسابرس، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۵۵-۳۲.
- شورورزی، محمدرضا؛ زنده‌دل، احمد؛ قاسم پور انارکی، سینا. (۱۳۹۱) تأثیر تصدی طولانی بر استقلال حسابرس. پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، ۲(۴): ۱۳۴-۱۶۲.
- صالحی، مهدی، موسوی شیرین، محمود و سدیر نوغانی، حجت (۱۳۹۲). بررسی رابطه حق‌الزحمه حسابرس و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۲۱-۱.
- محمدی‌پور، رحمت‌اله و غلامی، صفورا (۱۳۹۱). اثر فشارهای روانی و فرسودگی شغلی حسابرسان مستقل بر کیفیت گزارش‌های حسابرسی، کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری، گرگان، دانشگاه جامع علمی کاربردی استان گلستان.
- مدرس، احمد؛ حسین ابراهیمی و محسن عزیز خانی. (۱۳۹۲). حفاظت‌های مؤثر بر استقلال حسابرس در برابر تهدید صاحبکار به جایگزینی وی. پژوهش‌های تجربی حسابداری ۵(۳): ۱۸۰-۱۵۵.
- مرویان حسینی، زهرا، لاری دشت بیاض، محمود، (۱۳۹۴). بررسی نقش فرسودگی شغلی در رابطه بین استرس و عملکرد شغلی حسابرسان، فصلنامه حسابداری سلامت، سال چهارم، شماره اول، شماره پیاپی (۱۱)، صص ۵۷-۸۰.
- نظری پور، محمد (۱۳۹۶). ضرورت استقرار حسابرسی عملکرد از دیدگاه حسابرسان بخش عمومی، دو

فصلنامه حسابداری دولتی، ۳(۲): ۷۹-۹۲

ولیان، حسن؛ صفری گرایلی، مهدی؛ رضایی پینه نوئی یاسر، (۱۳۹۸). واکاوی نقش تئوری‌های تعارض شغلی حسابرسان براساس تحلیل فراترکیب و فازی (مطالعه موردی: دیوان محاسبات کشور). دو فصلنامه حسابداری دولتی، ۵(۲)، ۴۷-۶۸.

Abdel Latif Al N. Mahmoud A. Watson, e. (2015). The Effects of the Threats on the Auditor's Independence. *International Business Research*; 8(8): 1912-1913.

Adam, S. H. Ali. m. (2014). Evaluating the reflections of advisory services on the external auditors' independence in the environment of Sudan business. *Journal of the Faculty of Economy Scientific*, 1(4): 263-286.

Agoglia, C.P. Brazel, J.F. Hatfield, R.C. Jackson, S.B. (2010). How do audit workpaper reviewers cope with the conflicting pressures of detecting misstatements and balancing client workloads? *Auditing: J. Practice Theory* 29 (2): 27-43.

Barbara Arel, Richard G. Brody and Kurt Pany (2008), "Audit Firm Rotation & Audit Quality", *journal of CPA*.

Bartlett, R.W. (1993). A Scale of Perceived Independence: New Evidence on an Old Concept. *Journal of the Faculty of Economy Scientific*, 1(6): 215-237.

Campbell, M. C. Sheridan, J. B. and K. Q. Campbell (1988). How do Accountants Cope With Stress? *The Woman CPA*, Vol. 50, No. 3, pp. 4-7.

Chong, V. K. and G. S. Monroe (2015). The Impact of the Antecedents and Consequences of Job Burnout on Junior Accountants' Turnover Intentions: A Structural Equation Modelling Approach", *Accounting and Finance*, Vol. 55, No.1:105-132.

Chouaibi, J. and Hichri, A. (2021), "Effect of the auditor's behavioral and individual characteristics on integrated reporting quality: evidence from European companies", *International Journal of Law and Management*, Vol. 63 No. 2, pp. 195-218. <https://doi.org/10.1108/IJLMA-04-2020-0109>.

Dan li. (2010). Does auditor tenure affect accounting conservatism? Further evidence. *J. Accounting. Public policy* 29, 226-241

DeZoort, F. T. and A. T. Lord (1997). "A Review and Synthesis of Pressure Effects Research in Accounting", *Journal of Accounting Literature*, Vol. 16, No.1, pp. 28-86.

Dwyer, D.J. Ganster, D.W. (1991). The effects of job demands and control on employee attendance and satisfaction. *J. Org. Behav.* 12(7):595-608.

Edwards, D. Bumard, P. Coyle, D. Fothergill, A. and B. Hannigan (2000). "Stress and Burnout in Community Mental Health Nursing: A Review of the Literature", *Journal Psychiatr Ment Health Nurs*, Vol. 7, No.1, pp. 7-14

Fisher, R. T. (2001). "Role Stress, the Type A Behavior Pattern, and External Auditor Job satisfaction and Performance", *Behavioral Research in Accounting*, Vol. 13, No. 1, pp.143-170.

Fletcher, B.C. Jones, F. (1993). A refutation of Karasek's demand-discretion model of occupational stress with a range of dependent measures. *J. Org. Behav.* 14 (4): 319-330.

Greenberger, D.B. Strasser, S. Cummings, L.L. Dunham, R.B. (1989). The impact of personal control on performance and satisfaction. *Org. Behav. Hum. Decis. Process.* 43 (1):29-51.

Hajiha, Z. & Zarei, M. A. (2014). Investigating the effect of a healthy lifestyle on job stress in public sector accountants (Case study: Employees of the General Department of Taxation of

- Sistan and Baluchestan Province). Bi-quarterly of Public Accounting, 1(1): 71-80. (In Persian)
- Hoitash, Rani & Ariel Markelevich & Charles A. Barragato (2007), "Auditor Fees and Audit Quality", Journal of Managerial Auditing, Vol. 22, No. 8
- Imanzadeh, P. (2006). Investigating the reasons for changing auditors in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Master Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. (In Persian)
- Kazmi, R. Amjad, S. and D. Khan (2008). "Occupational Stress and its Effect on Job Performance: A Case Study of Medical House Officers of District Abbotabad", Journal of Ayub Medical College, Vol. 20, No. 3, pp.135-13
- Landsbergis, P.L. (1988). Occupational stress among health care workers: a test of the job demand-control model. J. Org. Behav. 9 (3): 217-239.
- Larson, L. Meier, H; and P.Poznanski (2004). Concepts and Consequences of Internal Auditor Job Stress", Journal of Accounting and Finance Research, Vol. 12, No. 16, pp. 35-46.
- Liu, C. (2008). CPA behavior under time pressure: evidence from a large firm. Auditing Res. 2: 79-85.
- Lo'pez, D.M. Peters, G.F. (2012). The effect of workload compression on audit quality. Auditing: J. Practice Theory 31 (4): 139-165.
- Marviyan Hosseini, Z. & Lari Dasht Bayaz, M. (2015). Investigating the role of burnout in the relationship between stress and auditors' job performance. Health Accounting Quarterly, Serial Issue (11), 4(1): 57-80. (In Persian)
- Mayangsari, S. (2007). The auditor tenure and the quality of earnings: is mandatory auditor rotation useful?, Unhas Makassar, pp.1-25.
- Modares, Ahmad; Hossein Ebrahimi and Mohsen Azizkhani. (2012). Safeguards affecting the auditor's independence from the employer threatening to replace him. Empirical Accounting Research 5 (3): 180-155.
- Modarres, A., Ebrahimi, H. & Azizkhani, M. (2013). Safeguards affecting the auditor's independence from the employer threatening to replace him / her. Journal of Empirical Accounting Research, 5 (3): 155-180. (In Persian)
- Mohammadipour, R. & Gholami, S. (2012). The Effect of Stress and Job Burnout of Independent Auditors on the Quality of Audit Reports. National Conference on Accounting, Financial Management and Investment, Gorgan, Golestan University of Applied Sciences. (In Persian)
- Montgomery, D. C. Blodgett, J. G; and J. H. Barnes (1996). A Model of Financial Securities Salespersons' Job Stress, The Journal of Services Marketing, Vol. 10, No. 3, pp. 21-38.
- Nazaripour, M. (2017). The need to establish performance auditing from the perspective of public sector auditors. Bi-quarterly of Public Accounting, 3(2):79-92. (In Persian)
- Rebele, J. E. and R. E. Michaels (1990). Independent Auditors' Role Stress: Antecedent, Outcome, and Moderating Variables, Behavioral Research in Accounting, Vol. 2, No. 1, pp. 124-153.
- Rogelberg, S. G. and R. Reiter-Palmon (2007). The Encyclopedia of Industrial and Organizational Psychology", Available at:http://works.bepress.com/roni_reiter.
- Salehi, M., Mousavi Shiri, M. & Sadir Noghani, H. (2013). Investigating the relationship between the auditor's fee and the performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange. Financial Accounting Quarterly, 5(20):1-21. (In Persian)
- Shoorvarzi, M. R., Zandedel, A. & Ghasempour Anaraki, S. (2012). The effect of long tenure

on auditor independence. *Journal of Empirical Research in Financial Accounting*, (4): 134-162. (In Persian)

Soltani, A. & Barari, S. (2015). Investigating the causes and consequences of stress in the role of the auditor. *Financial Accounting Quarterly*, 7(28): 32-55. (In Persian)

Soobaroyen, T. Chengabroyan, C. (2006). Auditors' perceptions of time budget pressure, premature sign offs and under-reporting of chargeable time: evidence from a developing country. *Int. J. Auditing* 10 (3): 201-218.

Titus, M. Muturl, W. Kabiru, J. (2014). Factors affecting external auditors' independence in discharging their responsibilities: A study of medium level auditing firms in Nairobi. *International Journal of Business & Law Research*, 2(4): 22-35.

Valian, H., Safari Garayli, M. & Rezaei Pine Noei, Y. (2019). Analysis of the role of auditors' occupational conflict theories based on meta-composition and fuzzy analysis (Case study: Court of Audit). *Bi-quarterly of Public Accounting*, 5 (2): 47-68. (In Persian)

Wal, C. K. May, T. G. Ye, T. S. Yuan, T. S. and Y. Y. Mun (2013). The Relationship between Work Stress and Auditors' Job Performance, M. A. Thesis in Accounting, University Tunku Abdul Rahman.

Yan Huanmin, Xie Shengwen (2016). How does auditors' work stress affect audit quality? Empirical evidence from the Chinese stock market, *China Journal of Accounting Research*: 305-310.



COPYRIGHTS

This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.



The effect of audit report disclosure on business failure

Fatemeh Dadbeh¹, Zeinab Partovifar²

Received: 2021/04/03

Approved: 2021/05/04

Research Paper

Abstract:

One of the ways that can be to achieve better utilization of investment opportunities and better allocation of resources is financial distress prediction. Therefore, audit reports and its disclosures play an important role in corporate financial distress and bankruptcy prediction. Assessing the effectiveness of audit report disclosures in identifying bankrupt companies and comparing them with bankruptcy prediction ability can be useful. In this study, the effect of auditor's report disclosures on the failure of businesses in the firms accepted in Tehran Stock Exchange (TSE) from year 1393 to 1398 has been investigated. To examine this issue, the effect of auditor's report disclosures as the independent variable and failure of business as the dependent variable is considered. Although in this study, the results show that the auditor's report disclosures content has a significant impact on business failure. Furthermore, internal and external factors related to audit report disclosure is also, affected on business failure.

Key Words: Auditor report disclosures, business failures, internal and external factors

 10.22034/ARJ.2021.246466

1. Assistant Professor, department of management, Basir institute of higher education, Abyek, Iran
f.dadbeh65@gmail.com

2. Msc.Student of Accounting, department of management, Basir institute of higher education, Abyek, Iran,
parto1987.zeinab@gmail.com

تأثیر افشائیات گزارش حسابرس بر شکست کسب و کارها

فاطمه دادبه^۱، زینب پرتوی فر^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

یکی از راه‌هایی که می‌توان با استفاده از آن به بهره‌گیری مناسب از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تخصیص بهتر منابع کمک کرد، پیش‌بینی درماندگی مالی است. از این‌رو گزارش‌های حسابرسی و افشائیات آن‌ها نقش مهمی در پیش‌بینی ورشکستگی و درماندگی مالی شرکت‌ها ایفا می‌نمایند. ارزیابی اثربخشی گزارش‌های حسابرسی در شناسایی شرکت‌های ورشکسته و مقایسه‌ی آن با توان پیش‌بینی ورشکستگی توسط متغیرهای مالی می‌تواند مفید باشد. در این پژوهش به بررسی اثر افشائیات گزارش حسابرس بر شکست کسب و کارها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ پرداخته شده است. برای بررسی این موضوع، افشائیات گزارش حسابرس، متغیر مستقل و شکست کسب و کار متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد محتوای افشائیات گزارش حسابرس بر شکست کسب و کار تأثیرگذار است. به علاوه فاکتورهای داخلی و خارجی مرتبط با افشائیات گزارش حسابرس بر پیش‌بینی شکست کسب و کار تأثیر می‌گذارند.

کلید واژه: افشائیات گزارش حسابرس، شکست کسب و کارها، فاکتورهای داخلی و خارجی

۱- مقدمه

کیفیت حسابرسی برای اطمینان از قابلیت اطمینان اطلاعات مالی ارائه شده به ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری ضروری است. به این معنا، حسابرسان موظفند بندی را در گزارش خود در مورد هرگونه عدم اطمینان با اهمیت مربوط به شرایطی که ممکن است باعث شک و تردید قابل ملاحظه در مورد توانایی شرکت برای ادامه‌ی فعالیت آن در آینده قابل پیش‌بینی شود، منتشر کنند. اگر احتمال عدم موفقیت در طی یک سال پس از انتشار گزارش زیاد باشد، ممکن است حسابرسان اظهارنظر خود را به صورت مشروط ارائه نمایند. پژوهش نظری به توانایی حرفه‌ی حسابرسی در هشدار دادن به سرمایه‌گذاران در مورد شکست کسب و کار شرکت در آینده اشاره می‌کند و نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران گزارش‌های حسابرسی را به عنوان یک منبع آموزنده تلقی می‌کنند. به همین ترتیب مطالعات دیگر در مورد عدم موفقیت کسب و کار تأکید می‌کنند که نظرات حسابرسی قدرت توضیحی را برای پیش‌بینی شکست کسب و کار فراهم می‌کند. در واقع در طول بحران مالی جهانی، شواهدی وجود دارد که این واقعیت را تأیید می‌کند که حسابرسان هنگام صدور نظرات مشروط برای شرکت‌های دچار شکست کسب و کار، تصمیمات درستی گرفته‌اند. با این حال عدم موفقیت در شناسایی کسب و کارهای پیچیده و متنوع به وضوح به چشم می‌خورد. علت برخی شکست‌ها این مسأله می‌باشد که حسابرسان در مورد برخی از شکست‌های کسب و کار در گزارش‌های خود هشدار ندادند (نورا و همکاران، ۲۰۱۹، ۳).

۱-۱- بیان مسأله

گروه کثیری از استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری به اطلاعاتی اتکا می‌کنند که به شکل صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی توسط مدیران تهیه و ارائه می‌شوند. در بسیاری از موارد هدف تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی با استفاده‌کنندگان از آن‌ها یکسان نیست و این موضوع ناشی از تضاد منافع بین گروه‌های ذی‌نفع در شرکت‌ها است. بنابراین جهت کاهش تضاد منافع گروه‌های مذکور استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری به خدمات افراد صاحب نظر با صلاحیت و مستقل برای اعتباردهی به اطلاعات حسابداری نیاز دارند، به نحوی که اطلاعات مذکور را باور کنند. نیاز به خدمات حسابرسان مستقل در این استدلال نهفته است و فلسفه‌ی وجودی حسابرسان مستقل ایفای وظیفه‌ی اعتباردهی است. اعتباردهی به صورت‌های مالی به مفهوم ایجاد اطمینان از منصفانه بودن اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی و قابلیت اطمینان به آن‌ها است. با توجه به نقش مذکور چنانچه حسابرسان در کشف و گزارش اطلاعات مالی گمراه‌کننده و تحریفات با اهمیت قصور نمایند، این موضوع در بلند مدت ارزش اقتصادی حسابرسی را کاهش داده و با سلب اعتماد استفاده‌کنندگان نسبت به گزارشگری مالی و کیفیت و اثربخشی حسابرسی، به ثبات و استحکام بازار سرمایه جدی وارد خواهد نمود. کشف تقلب‌های بزرگ مدیران در سال‌های اخیر، نقش بزرگ‌تری را به حسابرسی متحول کرده است. این آخرین تغییر هدف حسابرسی، نتیجه‌ی افزایش چشمگیر تعدادی از دعاوی حقوقی بوده است که در آن حسابرسان مستقل به عدم کشف تقلب‌های مدیریت متهم شده‌اند. افزایش شمار تقلب، تحریف‌ها و ارائه‌های مجدد که

اغلب با ورشکستگی شرکت‌های بزرگ درهم آمیخته، نگرانی‌هایی را درباره‌ی کیفیت صورت‌های مالی به همراه داشته است. به همین جهت پیشگیری یا کشف اشتباهات و تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی همواره کانون توجه سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران، مدیران و حسابرسان بوده است و بر همین اساس استانداردها و دستورالعمل‌های متعددی در زمینه‌ی کشف تقلب وضع گردیده است. بدون تردید حسابرسی فرآیند اطمینان بخشی درباره‌ی قابلیت اتکا و مربوط بودن اطلاعات صورت‌های مالی است. هدف از حسابرسی صورت‌های مالی این است که حسابرس درباره‌ی درستی تهیه و ارائه‌ی صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های با اهمیت در انطباق با اصول عمومی حسابداری اظهارنظر کند. اظهارنظر حسابرس با این نوع تأمین اطمینان در شکل غیرمطلق، اعتبار صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد. اظهارنظر حسابرس را مجموع قضاوت‌های حرفه‌ای، تصمیم‌گیری‌ها و توجه‌های حسابرس به صورت فشرده به عنوان نظر کارشناسی و حرفه‌ای تعریف می‌کنند. حسابرس در اظهارنظر نسبت به صورت‌های مالی باید از نبود تحریف با اهمیت اطمینان معقول کسب کند (جلالی، ۱۳۹۸).

طی دهه‌های گذشته، محققان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی از جمله حسابداری، امور مالی، استراتژی و مطالعات سازمانی، موضوع شکست کسب و کار و همچنین علل و پیامدهای آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. علی‌رغم تعداد مطالعات انجام شده، دانستن علل عدم موفقیت کسب‌وکار نیاز به بهبود و یکپارچه‌سازی این جریان از طریق تحقیقات در رشته‌های علوم اجتماعی دارد. به عنوان مثال تا امروز ظاهراً دانشمندان از تقاطع بین علل عدم موفقیت تجارت و رشته‌ی حسابرسی چشم پوشی کرده‌اند. این مقاله به این سؤال می‌پردازد که آیا علل عدم موفقیت کسب‌وکار در افشای گزارش حسابرس توضیح داده شده است یا خیر؟ آیا حسابرسان مستقل می‌توانند دلایل عدم موفقیت کسب‌وکار را قبل از وقوع پیش‌بینی کنند؟ از آنجا که روند شکست ممکن است ۵ تا ۶ سال طول بکشد، بنابراین، این مسأله یک پدیده‌ی ناگهانی نیست و حسابرسان می‌توانند علائم هشداردهنده‌ی اولیه‌ی بحران یک شرکت را تشخیص دهند و کاربران گزارش حسابرس می‌توانند در مراحل بعدی واکنش نشان دهند. حسابرسان در نامه‌ای به سهامداران شرکت، نتایج فرآیند حسابرسی را در گزارشی ارائه می‌دهند. گزارش حسابرس به صورت کتبی بوده و شرکتی را که صورت‌های مالی سالیانه در آن تجزیه و تحلیل می‌شود و چارچوب گزارشگری مالی اعمال شده و دوره تحت پوشش در آن صورت‌ها را نیز مشخص می‌کند. این سند شامل یک حسابرسی است که می‌تواند مقبول، مشروط و مردود باشد و اظهارنظر حسابرسی را به وضوح بیان می‌کند که آیا صورت‌های مالی سالانه یک دیدگاه واقعی و منصفانه را مطابق با چارچوب مربوط ارائه می‌دهد و این که آیا صورت‌های مالی سالانه با الزامات قانونی مطابقت دارد یا خیر؟

حسابرسان موظفند هرگونه شواهدی را که طی فرآیندهای حسابرسی در رابطه با خطر ورشکستگی شرکت وجود دارد ذکر کرده و اگر خطر حسابرسی بالا باشد، گزارش‌های حسابرسی خود را به صورت مشروط ارائه نمایند. بنابراین، گزارش حسابرس می‌تواند به عنوان هشدار اولیه در خصوص عدم موفقیت قریب الوقوع کسب‌وکار مورد استفاده قرار گیرد. از آنجا که ذی‌نفعان

شرکت‌های شکست خورده باید هنگام تصمیم‌گیری از خطرات مربوط به تداوم فعالیت آگاه باشند، منطقی به نظر می‌رسد که حسابرسان، مشاوران مالی و حتی مطبوعات تجاری باید مکلف به گزارش خطرات عدم موفقیت برای ذی‌نفعان باشند. با این حال برخی از کاربران از توانایی حرفه‌ی حسابرسی برای هشدار دادن به مردم در مورد نارسایی‌های قریب الوقوع ناراضی هستند. این احساس به ویژه در زمان بحران مالی جهانی قابل مشاهده بوده است و کاربران شکایت کردند که حسابرسان در گزارش‌های مربوط به ورشکستگی‌های قریب الوقوع احتیاط کافی نداشته‌اند. با این وجود در اکثر موارد، حسابرسان گزارش‌هایی در زمان وجود خطر ورشکستگی صادر می‌کردند که از نقش حسابرسان و مسئولیت آن‌ها در هنگام بحران حمایت می‌نمود. انتظار می‌رود که حسابرسان در گزارش‌های خود، مواردی را ارائه دهند که شکست را توضیح می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر، محتوای گزارش حسابرس ممکن است قدرت توضیحی قابل توجهی در نشان دادن دلایل عدم موفقیت کسب و کار فراهم کند. محتوای صریح گزارش حسابرس هنوز برای توضیح دلایل عدم موفقیت کسب و کار مورد استفاده قرار نگرفته است (نورا و همکاران، ۲۰۱۹، ۲).

طرفداران نظریه‌ی جبرگرایی موافقند که این دلایل عمدتاً خارجی هستند؛ از جمله فاکتورهای خاص صنعت و عوامل محیطی. محققانی که نظریه‌ی داوطلبانه را پیشنهاد می‌دهند برای توضیح شکست‌ها دلایلی از قبیل واقعیت‌های مربوط به مهارت‌های مدیریت عمومی یا کنترل مدیریت مالی ارائه نموده و به واقعیت‌های داخلی اشاره می‌کنند. برای روشن شدن این بحث، پژوهش حاضر دلایل عدم موفقیت کسب و کار را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. زیرا حسابرسان هم به شرایط داخلی و هم خارجی توجه می‌کنند. مطالعه حاضر به ادبیات پژوهش در زمینه‌ی عدم موفقیت کسب و کار شواهدی اضافه می‌نماید و ترکیبی از دلایل برون‌زا و درون‌زا را برای توضیح قوی‌تر بررسی می‌نماید. این مطالعه از افشای گزارش حسابرس برای توضیح علل عدم موفقیت کسب و کار استفاده می‌کند. برای مدیران ارشد، شواهدی ارائه می‌دهد تا بدانند گزارش حسابرس را می‌توان ابزاری مفید، در دسترس و آسان برای تجزیه و تحلیل در توضیح علل عدم موفقیت در کسب و کار در نظر گرفت و تنظیم‌کنندگان ممکن است از این مطالعه نیز بهره‌مند شوند. زیرا در محیط حسابرسی بین‌المللی فعلی، که در آن تغییرات نظارتی در سراسر جهان رخ می‌دهد، به موقع و مرتبط هستند، شفافیت حسابرسان را از طریق گزارش‌های حسابرسی افزایش می‌دهند. بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده در مقدمه، سؤال اصلی پژوهش این گونه مطرح می‌گردد که تأثیر افشائیات در گزارش حسابرس بر شکست کسب و کار چگونه است؟

۲-۱- اهمیت پژوهش

وجود ریسک مربوط به امکان شکست کسب و کار محرک مثبتی برای شرکت‌ها است تا انگیزه بالاتری برای کارآمدی در تولید داشته باشند. در مقابل باید خاطر نشان کرد که مسائلی چون اشتغال و پتانسیل یک بنگاه با شکست کسب و کار در بازسازی خود، توجیه‌کننده‌ی طراحی مکانیزمی برای تجدید ساختار بدهی‌های یک شرکت دارای بحران مالی است. زیرا شکست

کسب و کار، هزینه‌های معاملاتی بالایی را به طرفین وارد می‌آورد. بنابراین از آنجایی که وجود رقابت سالم اقتصادی منجر به خارج شدن بنگاه‌های غیر کارآمد از چرخه فعالیت اقتصادی شده و متوسط کارایی بنگاه‌های باقیمانده را ارتقا می‌دهد، بنابراین فرآیند شکست کسب و کار نقش مهمی را در رونق‌بخشی به اقتصاد هر کشور ایفا کرده و به علاوه موجب افزایش رفاه مصرف‌کنندگان می‌شود. زیرا بنگاه‌های کارآمد کالاها و خدمات را با هزینه‌ی کم‌تری تولید می‌کنند و با قیمت کم‌تری می‌فروشند. در نتیجه قانون‌گذاران، با علم به این موضوع اقدام به وضع قواعدی می‌کنند تا به فرآیند شکست کسب و کار صورتی نظام‌مند دهند. گاهی اوقات شکست کسب و کار علامتی است مبنی بر این که مدیران یک بنگاه صلاحیت مدیریت منابع را در جهتی درست ندارند و بنابراین تغییر مدیران می‌تواند بنگاه را از خطر شکست کسب و کار نجات دهد. در طول دهه‌های گذشته محققان رشته‌های علوم اجتماعی، از جمله حسابداری، مالی، استراتژی و مطالعات سازمانی، به بررسی موضوع شکست کسب و کار و علل و نتایج آن پرداختند. باوجود تعدادی از مطالعات در زمینه‌ی علل شکست کسب و کار، یکپارچگی این جریان از پژوهش در رشته‌های علوم اجتماعی باید بهبود یابد. پژوهش حاضر به بررسی اطلاعات افشا شده در گزارش حسابرس بر احتمال شکست کسب و کار می‌پردازد. با توجه به اهمیت موضوع بر تصمیمات آتی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی خصوصاً سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نپذیرفته است. لذا اجرای این پژوهش می‌تواند مفید باشد.

۳-۱- هدف پژوهش

هدف از انجام این پژوهش به صورت کلی بررسی تأثیر محتوای افشائیات گزارش حسابرس بر شکست کسب‌وکارها و بررسی تأثیر فاکتورهای داخلی و خارجی مرتبط با افشائیات گزارش حسابرس بر پیش‌بینی شکست کسب‌وکار در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

۳-۲- پیشینه‌ی پژوهش

گسترش روزافزون شرکت‌های سهامی و متنوع شدن ساختار سرمایه آن‌ها از یک سو و پدیدار شدن بحران‌های مالی شدید در ابعاد کلان و خرد اقتصادی از سوی دیگر، مالکان و ذی‌نفعان مختلف بنگاه‌ها به دنبال ایجاد پوشش و سپری برای مصون کردن خود در مقابل این‌گونه مخاطرات بوده‌اند. پیش‌بینی ورشکستگی یکی از موضوعات اصلی طبقه‌بندی شرکت‌ها است. مالکان، مدیران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، شرکای تجاری و همچنین مؤسسات دولتی نظیر بانک‌ها و... علاقمند به ارزیابی وضعیت مالی شرکت هستند. زیرا در صورت ورشکستگی هزینه‌های زیادی به آن‌ها تحمیل می‌شود. ورشکستگی‌های اخیر شرکت‌های بزرگ در سطح بین‌المللی و نوسان‌های بورس اوراق بهادار در ایران نیاز به وجود ابزارهایی برای ارزیابی توان مالی شرکت‌ها را نشان می‌دهد (ابراهیم پور میبیدی، محمدی، ۱۳۹۸).

ورشکستگی وضعیتی است که در آن شرکت برای کسب منابع مالی کافی برای ادامه‌ی

عملیاتش ناتوان است. پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌ی پیش‌بینی ورشکستگی نشان می‌دهد که بیش‌تر پژوهشگران، معیارهای ورشکستگی را به عنوان درماندگی در نظر گرفته و با نشان دادن مدل‌های متفاوت به پیش‌بینی آن پرداخته‌اند. حال آنکه در ادبیات مالی، تأکید بر این است که شرکت‌ها سال‌ها قبل از بروز ورشکستگی وارد چرخه‌ی ورشکستگی می‌شوند و رویدادهای اقتصادی مختلفی در دوره‌ی قبل از ورشکستگی اتفاق می‌افتد. شرکت‌ها ممکن است کسب زیان و کاهش ارزش اوراق را یک سال و یا سال‌ها قبل از ورشکستگی تجربه کنند. بنابراین پیش‌بینی ورشکستگی ممکن است برای ارزیابی عملکرد شرکت به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران به موقع و مفید نباشد. به علاوه استفاده از واژه ورشکستگی به عنوان معیار ورشکستگی ممکن است معتبر نباشد. زیرا شرکت‌هایی که از نظر مالی دچار درماندگی نیستند به دلایل استراتژیک و به صورت اختیاری می‌توانند اعلام ورشکستگی نمایند. حتی اگر شرکت ورشکست نشود، باز هم عدم پرداخت بدهی‌ها در سررسید باعث خواهد شد که شرکت در قرارداد وام و ادعای سهامداران تجدید نظر کند که در نتیجه سهامداران و بستانکاران هر دو زیان خواهند دید. مدیران شرکت‌ها در شرایط ورشکستگی مایل به دادن اطلاعات و اخبار خوب به بازار سرمایه هستند تا بدین وسیله از کاهش ارزش شرکت جلوگیری نمایند. بنابراین دست‌کاری صورت‌های مالی، به هدف فلسفه‌ی وجودی آن خدشه وارد می‌کند (ایزدی نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

یکی از راه‌هایی که می‌توان با استفاده از آن به بهره‌گیری مناسب از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تخصیص بهتر منابع کمک کرد، پیش‌بینی درماندگی مالی است. از این‌رو ارزیابی اثربخشی گزارش‌های حسابرسی در شناسایی شرکت‌های ورشکسته و مقایسه‌ی آن با توان پیش‌بینی ورشکستگی توسط متغیرهای مالی می‌تواند مفید باشد (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۰). هنگامی که هر شرکتی گزارش حسابرسی خود را منتشر می‌کند، این سند یک نظر حرفه‌ای در خصوص قابلیت اطمینان و کامل بودن اطلاعات و افشای مالی شرکت نشان می‌دهد (لنوکس، ۱۹۹۹). بسیاری از نویسندگان ادعا کرده‌اند که نظر حسابرسی از ارزش اطلاعاتی در خصوص ارزیابی عدم موفقیت کسب و کار برخوردار است (فلدمن، رد، ۲۰۱۳؛ هاپ وود و همکاران، ۱۹۸۹). از آنجا که مسئولیت حسابرسان این است که اطمینان حاصل کنند تا صورت‌های مالی دید واقعی و منصفانه‌ای نسبت به عملکرد مالی بنگاه ارائه می‌دهند یا خیر (لیتینن، لیتینن، ۲۰۰۹)، حسابرسان باید در صورت عدم فراهم شدن این دیدگاه، اظهارنظر حسابرسی مشروط ارائه نمایند و دلایل آن را توضیح دهند. ادبیات پیشین نشان می‌دهد که اظهارنظر حسابرسی مشروط به طور قابل توجهی در پیش‌بینی ورشکستگی مؤثر است (مک کی، ۲۰۰۳؛ ون پیرسم، چان، ۲۰۱۴). حسابرسان برای صدور اظهارنظر خود، وظیفه دارند تا ارزیابی وضعیت درماندگی مالی هر شرکت را به عنوان بخشی از حسابرسی خود ارزیابی کنند و باید تصمیم بگیرند که آیا این شرکت در طول سال آینده در کسب‌وکار مربوط باقی خواهد ماند یا خیر؟ در چنین مواردی که در مورد بقای شرکت شک و تردید قابل توجهی وجود دارد، حسابرسان می‌توانند از این ریسک برای اظهارنظر در خصوص نگرانی از تداوم فعالیت شرکت استفاده کنند (بلی و همکاران، ۲۰۱۱). به نظر می‌رسد

که این اظهارنظر یک بعد اساسی در توضیح دلایل شکست کسب و کار باشد (آلتن و همکاران، ۲۰۱۰). در کنار موارد فوق، اگر گزارش حسابرسی تنها ساز و کاری برای حسابرسان باشد که بتوانند خطرات مربوط به عدم موفقیت کسب و کار را به کلیه ذی‌نفعان ابلاغ کند، ممکن است دلایلی که باعث عدم موفقیت کسب و کار شده است در این گزارش افشا شود که شامل عدم قطعیت نگرانی‌های مربوط به عدم موفقیت کسب و کار است و دلایل دیگر مندرج در گزارش‌های با اظهارنظر مشروط نیز سیگنالی از نگرانی‌های مربوط به بقای شرکت را نشان می‌دهد.

در نتیجه اگر بین علل عدم موفقیت کسب و کار و افشای اطلاعات موجود در گزارش حسابرسی رابطه وجود داشته باشد، گنجاندن این افشاگری‌ها به عنوان متغیرهای توضیحی در مدل‌های مورد استفاده برای ارزیابی عدم موفقیت کسب و کار می‌تواند قدرت توضیحی و صحت این مدل‌ها را بهبود بخشد و نشان دهنده دلایلی باشد که باعث شکست کسب و کار می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود برخی از تحقیقات در مورد چگونگی و نوع اظهارنظر حسابرسی، یعنی عقاید اظهارنظر حسابرسی مقبول و اظهارنظر حسابرسی مشروط، وجود نارسایی را توضیح می‌دهد. با این حال محتوای نظرات یا دلایل این اظهارنظرهای حسابرسی که حسابرسان برای توضیح دلایل و توجیه عقاید خود درج می‌کنند، هنوز مورد کاوش قرار نگرفته است. بنابراین، هنوز ناشناخته است که آیا افشاگری‌های گزارش حسابرسی ممکن است به خوبی دلایل عدم موفقیت کسب و کار را روشن کند یا خیر؟ مطالعه‌ی حاضر پژوهش‌های اولیه در این زمینه را با ارزیابی توانایی افشای اطلاعات در گزارش حسابرسی گسترش می‌دهد تا دلایل احتمالی عدم موفقیت کسب و کار را توضیح دهد.

کاسترلا و همکاران (۱۹۹۹) این نظریه را تصدیق کردند که حسابرسان برای شرکت‌های ورشکسته و شرکت‌هایی که از نظر مالی رنج می‌برند، اظهارنظر مشروط صادر می‌کنند و دلایل زیادی را برای درماندگی مالی به نمایش می‌گذارند.

قدرتی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین رفع بند(های) تعدیل گزارش حسابرس با عملکرد مالی شرکت» به این موضوع پرداخته است. هدف اصلی پژوهش، بررسی ارتباط بین رفع بندهای تعدیلی گزارش حسابرسان با عملکرد مالی شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون خطی چندگانه براساس داده‌های تابلویی و تلفیقی استفاده گردیده است. نتیجه‌ی بررسی ۱۲۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (۸۹۶ مشاهده سال-شرکت) طی بازه‌ی زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ حاکی از آن است که بین رفع بندهای تعدیل گزارش حسابرسی و نرخ بازده دارایی‌ها رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی، در سال‌هایی که بندهای تعدیل در گزارش حسابرسان نسبت به سال قبل برطرف شده است، عملکرد مالی و سودآوری شرکت بالاتر بوده است.

نونهال نهر و لیثی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «پیامدهای ناخواسته نحوه‌ی افشای موارد ابهام شرکت‌ها در گزارش‌های حسابرسان مستقل بر قضاوت‌های سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای» به

این موضوع پرداختند. در پژوهش آنان به بررسی پیامدهای ناخواسته چگونگی افشای موارد ابهام در امور شرکت‌ها در گزارش‌های مدیران و نحوه افشای آن‌ها توسط حسابرسان در گزارش‌های حسابرسی و تأثیر آن‌ها بر قضاوت‌های سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای پرداخته شده است. بدین منظور تعداد ۱۹۵ نفر به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب و مورد آزمون قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که بند تأکید بر مطلب خاص به‌طور ناخواسته بر ادراک سرمایه‌گذاران از قابلیت اعتماد مدیریت تأثیر دارد. همچنین، در صورتی که مدیریت ابهامی را به‌صورت گسترده و شفاف افشا نماید و به‌طور هم‌زمان حسابرس نیز در بند تأکید بر مطلب خاص، آن موضوع را مورد تأیید قرار دهد منجر به ایجاد درک مثبت از این افشای مدیریت برای سرمایه‌گذاران می‌شود. البته اگر مدیریت میزان زیان احتمالی را بصورت نقطه‌ای یا با دامنه‌ای محدود افشا نماید تأثیری مثبت و مناسب برای درک قضاوت‌های سرمایه‌گذاران درباره قابلیت اعتماد آن‌ها نخواهد داشت.

عدالی و سپهوند (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی، شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ورشکستگی بانک‌ها» به این موضوع پرداختند. این مقاله با هدف بررسی، شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ورشکستگی بانک‌ها، طراحی و اجرا شده است. از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با کمک تحلیل سلسله مراتبی می‌باشد. جامعه‌ی آماری این مقاله کارکنان بانک ملی استان لرستان است که پرسشنامه بین ۳۰ نفر از کارمندان این بانک به‌طور تصادفی توزیع شد (انتخاب ۳۰ نفر بدین منظور بود که میانگین معیارها دارای توزیع نرمال باشد). یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که شش معیار دارای بیش‌ترین وزن و تأثیر در ورشکستگی بانک‌های لرستان می‌باشد که از بین آن‌ها، سه معیار ویژگی مشتریان، ساختار اقتصاد دولتی و تصمیم‌گیری‌های اجرایی دولت و مجلس با وزن‌های ۶/۶، ۲۸/۶ و ۹۴/۵ بیش‌ترین عامل تأثیرگذار و گزارش سودهای واهی و بی‌کیفیت، تمایل بانک‌ها به شرکتداری و بنگاه داری و در نهایت رشد قارچ گونه مؤسسات غیرمجاز، کم‌ترین عامل مؤثر در ورشکستگی بانک‌ها، محسوب می‌گردند. نتایج مقاله نشان می‌دهد که ویژگی‌های مشتریان و رفتار آن‌ها مهم‌ترین عامل در ورشکستگی بانک‌ها است و از طرفی دولتی بودن اقتصاد نیز عامل مهم دیگر در ورشکستگی بانک‌های ملی لرستان است.

پورطبرستانی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «محتوای اطلاعاتی گزارش حسابرس در پیش‌بینی ورشکستگی» به این موضوع پرداختند. هدف پژوهش بررسی محتوای اطلاعاتی گزارش‌های حسابرسی در پیش‌بینی ورشکستگی است. بدین منظور از داده‌های ۱۹۲ شرکت طی دوره‌ی زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ و رگرسیون لاجیت ترکیبی استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که بین نوع گزارش حسابرس سال قبل و بندهای مربوط به مشکل تداوم فعالیت و دعوی حقوقی موجود در آن با شاخص ورشکستگی در سال جاری ارتباط معناداری وجود ندارد. لذا می‌توان بیان نمود که گزارش حسابرس سال قبل و بندهای تداوم فعالیت موجود در آن جهت پیش‌بینی ورشکستگی فاقد محتوای اطلاعاتی است. از میان اطلاعات مالی عمومی، بین بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه‌ی سود عملیاتی سال قبل با شاخص ورشکستگی رابطه‌ی منفی و بین اهرم مالی

سال قبل با شاخص ورشکستگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

پور رضایی و عسگرزاده (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «واکنش سرمایه‌گذاران بازار سهام به اعلام گزارش حسابرس تداوم فعالیت و ورشکستگی» به این موضوع پرداختند. در این پژوهش بیان شده است که به دلیل توانایی حسابرسی در افزایش اعتبار و منصفانه بودن اطلاعات، انتشار گزارش‌های حسابرسی می‌تواند منجر به مخابره‌ی اخبار و اطلاعات درباره‌ی شرکت به بازار سرمایه شود. موارد مطروحه در گزارش‌های حسابرسان مستقل و به ویژه بندهای شرط مندرج در آن‌ها، جهت تصمیم‌گیری اقشار مختلف جامعه از جمله سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی مورد استفاده قرار گرفته و در نتیجه واکنش بازار سرمایه را در پی داشته باشد. واکنش بازار سرمایه به محتوای اطلاعاتی گزارش‌های حسابرسی، موجب تغییر در ارزش بازار شرکت‌ها در بازار سرمایه می‌شود. در بازار سهام، انواع مختلفی از اطلاعات (مرتبط و یا غیرمرتبط) و شایعات وجود دارد که منبع این اطلاعات می‌تواند گزارشات حسابرسی شرکت‌ها، سهامداران، تحلیل گران (بنیادی و تکنیکی) و ... باشند که با توجه به اهمیت این اطلاعات، افراد مختلف با ادراکات متفاوت ممکن است واکنش‌ها و رفتارهای متفاوتی از خود نشان دهند. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که سرمایه‌گذاران باید از تأثیرات اخبار منتشره نسبت به تغییرات قیمت نیز آگاهی کافی داشته باشند تا بتوانند به موقع و صحیح در بازار بورس عمل نمایند. در این مقاله تأثیر وجود (یا عدم وجود) بند تداوم فعالیت در گزارشات حسابرسی شرکت‌ها که باعث واکنش بازار می‌شود مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن می‌تواند باعث آگاهی سرمایه‌گذاران از حساسیت وجود تداوم فعالیت شرکت‌ها در گزارشات حسابرسی شود و راهنمای خوبی برای سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار باشد.

پورطبرستانی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «کمّی‌سازی گزارش حسابرسان مستقل با رویکرد فازی و بررسی توان پیش‌بینی ورشکستگی گزارشات کمّی شده در مقایسه با نوع گزارش حسابرس» به این موضوع پرداختند. در این پژوهش برای اولین بار گزارشات حسابرسی کیفی با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی (FAHP)، به حالت کمّی قابل تجزیه و تحلیل تبدیل گردیده و اثرات قابل توجه این تغییر مورد بحث قرار گرفته است. هدف پژوهش کمّی‌سازی گزارش حسابرسان مستقل با رویکرد فازی و بررسی توان پیش‌بینی ورشکستگی گزارشات کمّی شده در مقایسه با نوع گزارش حسابرس است. بدین منظور پس از تحلیل محتوای بندهای ۱۱۴۰ گزارش حسابرس در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ اقدام به کمّی‌سازی اظهارنظر کیفی حسابرسان نموده و در ادامه با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات و لاجیت ترکیبی، تأثیر امتیازات کمّی و اظهارنظر کیفی بر ورشکستگی مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که امتیاز گزارش حسابرس سال قبل بر شاخص ورشکستگی تأثیر منفی و معناداری دارد لکن نوع گزارش حسابرس سال قبل و بندهای مربوط به مشکل تداوم فعالیت و دعوی حقوقی موجود در آن بر شاخص ورشکستگی در سال جاری تأثیر معناداری ندارد. لذا می‌توان بیان نمود که نوع گزارش حسابرس سال قبل و بندهای تداوم فعالیت موجود در آن جهت پیش‌بینی ورشکستگی

در مقایسه با امتیاز گزارش حسابرس فاقد محتوای اطلاعاتی است.

منصورفر و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی درماندگی مالی با توجه به اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل» به این موضوع پرداختند. در این پژوهش رابطه‌ی پیش‌بینی درماندگی مالی و اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. برهمین اساس فرضیه‌های پژوهش به وسیله‌ی رگرسیون لجستیک باینری برای دوره‌ی زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۵ مورد آزمون قرار گرفته است. از میان آن‌ها در مجموع ۹۴ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین پیش‌بینی درماندگی مالی و اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

سلیمی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی گزارش حسابرس مبنی بر تداوم فعالیت بین سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی» به این موضوع پرداخته است. هدف از این پژوهش، ارزیابی گزارش حسابرس مبنی بر تداوم فعالیت بین سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای آزمون فرضیه‌ها ۱۸۵ شرکت به عنوان نمونه (۲۰۳۵ سال شرکت) که در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند، به روش نمونه‌گیری سیستماتیک حذفی انتخاب شده‌اند. روش آماری برای فرضیه‌ی اصلی مطرح شده در این پژوهش، برازش مدل داده‌های پانل به روش رگرسیون لجستیک است. یافته‌های ما نشان می‌دهد که بین ریسک ورشکستگی و اندازه شرکت و تداوم فعالیت ارتباط معنادار معکوس، همچنین بین اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و فاصله‌ی تاریخ مجمع و ترازنامه با بند تداوم فعالیت رابطه‌ی معنادار و مستقیم وجود دارد به‌طوری‌که افزایش بند تداوم فعالیت در دراز مدت از ورشکستگی شرکت‌ها جلوگیری می‌کند.

اکبری وحاجیه‌ها (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «رابطه‌ی ریسک ورشکستگی مالی و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت» به این موضوع پرداختند. در این مطالعه تلاش شد تا با استفاده از داده‌های ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ و رگرسیون لجستیک، به بررسی رابطه‌ی ریسک ورشکستگی مالی و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت پرداخته شود. نتایج بررسی‌ها نشان داد که بین ریسک ورشکستگی مالی و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت ارتباط مستقیم و معنادار وجود دارد. بختیاری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «مقایسه‌ی اظهارنظر حسابرسان مستقل و متغیرهای مالی در پیش‌بینی ورشکستگی» به این موضوع پرداختند. در این پژوهش بیان شده است که یکی از راه‌هایی که می‌توان با استفاده از آن به بهره‌گیری مناسب از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تخصیص بهتر منابع کمک کرد، پیش‌بینی درماندگی مالی است. از این‌رو ارزیابی اثربخشی گزارش‌های حسابرسی در شناسایی شرکت‌های ورشکسته و مقایسه‌ی آن با توان پیش‌بینی ورشکستگی توسط متغیرهای مالی می‌تواند مفید باشد. فرضیه‌ی زیربنایی به این شرح است که اظهارنظر حسابرس مستقل در شرایط ابهام در مورد تداوم فعالیت (گزارش تعدیل شده)

می‌تواند ورشکستگی در دوره مالی بعد را بهتر از متغیرهای مالی به‌صورت توأم پیش‌بینی کند. شورورزی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «مقایسه‌ی اظهارنظر حسابرسان مستقل و متغیرهای مالی در پیش‌بینی ورشکستگی» به این موضوع پرداختند. با استفاده از یک نمونه شامل ۶۰ شرکت تولیدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۷ (۷ سال) توسط مدل آماری لجستیک و آزمون مک نمار مورد آزمون قرار گرفت. نتیجه‌ی پژوهش بیانگر این بود که متغیرهای مالی به صورت توأم و اظهارنظر حسابرس مستقل، هر دو توانایی پیش‌بینی ورشکستگی در دوره مالی آتی را دارند اما اظهارنظر حسابرس مستقل دارای برتری معناداری نسبت به متغیرهای مالی بود.

۴- فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش جهت روشن شدن چگونگی اثر افشائیات گزارش حسابرس بر شکست کسب و کارها و با توجه به مبانی نظری پژوهش فرضیه‌هایی به شرح زیر مطرح می‌گردد:

فرضیه ۱: محتوای افشائیات گزارش حسابرس بر شکست کسب و کار تأثیرگذار است.

فرضیه ۲: فاکتورهای داخلی و خارجی مرتبط با افشائیات گزارش حسابرس بر پیش‌بینی شکست کسب و کار تأثیرگذار است.

۵- روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تأکید بر روابط همبستگی است. زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر، رابطه‌ی بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون تعیین می‌نماید. علاوه بر این در حوزه‌ی مطالعات پس رویدادی (استفاده از اطلاعات گذشته) قرار می‌گیرد و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اطلاعات واقعی است که با روش استقرایی به کل جامعه‌ی آماری قابل تعمیم خواهد بود.

۵-۱- روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آماره‌های توصیفی و آماره‌های استنباطی می‌باشد. در این پژوهش پس از بررسی آمار توصیفی متغیرهای پژوهش، برای بررسی فرضیه‌ی اول پژوهش مدل رگرسیونی زیر براساس تحقیقات نورا و همکاران (۲۰۱۹) تخمین زده می‌شود:

$$\text{FAILED}_{it} = \alpha + \beta_1 \text{ASSETS}_{it} + \beta_2 \text{LIABIL_CONTING}_{it} + \beta_3 \text{RESULT_PERIOD}_{it} + \beta_4 \text{ACCUM_LOSSES}_{it} + \beta_5 \text{INFO_OMISSION}_{it} + \beta_6 \text{NEGAT_WC}_{it} + \beta_7 \text{SUBSEQ_EVENTS}_{it} + \beta_8 \text{REGUL_ENVIRON}_{it} + \beta_9 \text{MGMT_PLAN}_{it} + \beta_{10} \text{GC}_{it} + \beta_{11} \text{INSOLV_PROCEED}_{it} + \epsilon_{it}$$

در فرضیه‌ی دوم این موضوع مطرح می‌شود که فاکتورهای داخلی و خارجی مرتبط با افشائیات گزارش حسابرس بر پیش‌بینی شکست کسب و کار تأثیرگذار است.

جهت بررسی این فرضیه و جهت پیش‌بینی صحت پیش‌بینی مدل پژوهش (مدل فرضیه‌ی ۱) از دو آزمون «درصد صحت پیش‌بینی» و آزمون «هاسمر و لمشو» استفاده می‌گردد، به گونه‌ای که یک بار متغیر وابسته براساس مدل آلتمن و یک بار بر اساس دسته‌بندی واقعی شرکت‌ها، دسته‌بندی می‌شود و در نهایت نتایج و توان مدل مذکور با واقعیت مقایسه و نسبت به توانایی مدل در پیش‌بینی شکست در کسب و کار اظهارنظر می‌شود.

در این پژوهش شرکت‌های دچار شکست در کسب و کار از بین آن دسته از شرکت‌های نمونه که حداقل یک‌بار مشمول ماده‌ی ۱۴۱ قانون تجارت گردیده‌اند و نیز دو سال متوالی پس از سال مبنا زیان‌ده بوده و زیان انباشته‌ی آن‌ها در این دو سال افزایش یافته باشد، انتخاب گردیده‌اند. سال مبنا برای این شرکت‌ها سالی است که در آن سال شرکت برای اولین بار مشمول ماده‌ی ۱۴۱ شده است.

۲-۵- متغیرهای پژوهش

۱-۲-۵- متغیر وابسته

FAILED: شکست کسب و کار

در صورتی که شرکت دچار شکست در کسب و کار (ورشکستگی) شده باشد، برابر با عدد یک و در غیر این صورت برابر با عدد صفر می‌باشد (نورا و همکاران، ۲۰۱۹).

در این پژوهش مطابق پژوهش خواجهی و فرج پور بندری (۱۳۹۱) از امتیاز آلتمن برای اندازه‌گیری شکست کسب و کار (احتمال ورشکستگی) استفاده می‌نماییم.

انتخاب مدل آلتمن به عنوان شاخص مناسب برای اندازه‌گیری ورشکستگی بر اساس پژوهش‌های انجام شده پیشین صورت پذیرفت، نتایج پژوهش‌های پیشین حاکی از توان بالای مدل آلتمن نسبت به سایر مدل‌های پیش‌بینی نظیر زاوگین، اسپرینگیت و... می‌باشد. به عنوان نمونه: الخطیب (۲۰۱۱) نشان داد که مدل آلتمن تا میزان ۹۳/۸٪ توانایی پیش‌بینی درست در پیش‌بینی ورشکستگی مالی را دارا می‌باشد. کیاک (۲۰۱۲) نیز نشان داد مدل چندمتغیره آلتمن در مقایسه با مدل‌های شیراتا وزاوگین توان بسیار بالاتری دارا است. در ایران یعقوب نژاد (۱۳۸۸)، کارمزی و همکاران (۱۳۹۳) نیز به نتایج مشابهی دست یافتند.

نحوه‌ی محاسبه‌ی امتیاز آلتمن به شرح زیر است:

$$Z = 0.717X_1 + 0.847X_2 + 3.107X_3 + 0.420X_4 + 0.998X_5$$

Z: امتیاز آلتمن

X_۱: نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها

X_۲: نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها

X_۳: نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها

X_۴: نسبت ارزش دفتری سهام شرکت به ارزش دفتری کل بدهی‌ها

X_۵: نسبت فروش به کل دارایی‌ها

در این مدل هر چه Z کم‌تر باشد، درجه‌ی بحران مالی شرکت بیش‌تر است. به طوری که

شرکت‌های با Z بالاتر از ۲/۹ سالم و کم‌تر از ۱/۲۳ ورشکسته محسوب می‌شوند. فاصله‌ی بین این دو محدوده تردید است و باید با احتیاط تفسیر شود (آلتمن، ۱۹۶۸).

۲-۵- متغیر مستقل

افشائیات در گزارش حسابرس (فاکتورهای داخلی و خارجی) مشتمل بر:

ASSETS: افشای دارایی

متغیر مجازی که برابر با مقدار ۱ خواهد بود اگر گزارش حسابرس شامل ۱ افشا در مورد دارایی‌ها باشد و اگر اطلاعاتی در مورد دارایی‌ها در گزارش افشا نشده باشد این مقدار صفر است. افشاهای مرتبط با دارایی شامل نظرات مربوط به دارایی‌های غیر جاری (دارایی‌های مشهود و نامشهود، سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مالی و دارایی‌های مالیات معوقه) و دارایی‌های جاری (دارایی‌ها، سرمایه‌های مالی کوتاه مدت و پول نقد) است (نورا و همکاران، ۲۰۱۹).

LIABIL_CONTING: افشای بدهی

متغیر مجازی که برابر با مقدار یک است اگر گزارش حسابرس شامل یک افشای مربوط به بدهی‌های بلند مدت و کوتاه مدت و یا بدهی‌های احتمالی باشد و در صورت عدم وجود اطلاعاتی مربوط به بدهی‌ها در گزارش، برابر صفر خواهد بود (همان).

RESULT_PERIOD: افشای درآمد و هزینه

متغیر مجازی که برابر با مقدار یک است اگر گزارش حسابرس شامل هر گونه تفسیری مربوط به مولفه‌های درآمد‌ها و هزینه‌ها باشد و در غیر این صورت صفر است (همان).

ACCUM_LOSSES: افشای زیان انباشته

متغیر مجازی که برابر با مقدار یک است اگر گزارش حسابرس در مورد زیان انباشته‌ی شرکت سال‌های گذشته اطلاعاتی داده باشد و در غیر این صورت صفر است (همان).

INFO_OMISSION: تفسیر اطلاعات ارائه شده

متغیر مجازی که برابر با مقدار یک است اگر گزارش حسابرس حاوی تفسیری در مورد اطلاعات ارائه شده در تأیید تمام حساب‌ها در صورت‌های مالی باشد و در غیر این صورت صفر است (همان منبع).

NEGAT_WC: تفسیر سرمایه در گردش

متغیر مجازی که برابر با مقدار یک است اگر گزارش حسابرس شامل هر گونه تفسیری در مورد سرمایه در گردش منفی شرکت باشد و در غیر این صورت صفر است (همان).

SUBSEQ_EVENTS: تفسیر وضعیت آینده‌ی شرکت

متغیر مجازی که برابر با مقدار یک است اگر گزارش حسابرس شامل هر گونه تفسیری در مورد وضعیت آینده‌ی شرکت باشد و در غیر این صورت صفر است (همان).

REGUL_ENVIRON: اظهارنظر در رابطه با فاکتورهای محیط قانونی و اقتصادی

متغیر مجازی که برابر با مقدار یک است اگر گزارش حسابرس شامل اظهارنظری در رابطه با فاکتورهای محیط قانونی و اقتصادی باشد که بر شرکت تأثیر می‌گذارد و اگر در مورد مقررات و یا بازار اطلاعاتی ارائه نشده باشد این متغیر برابر با صفر است (همان).

MGMT_PLAN: تفسیر درباره‌ی مدیریت یا برنامه‌های رفاهی
متغیر مجازی که برابر با مقدار یک است اگر گزارش حسابرس شامل هرگونه تفسیری درباره مدیریت
یا برنامه‌های رفاهی باشد که توسط شرکت اجرا می‌شود و در غیر این صورت صفر است (همان).
GC: گزارش تداوم فعالیت فعالیت
متغیر مجازی است که در صورتی که حسابرس گزارش تداوم فعالیت فعالیت اعلام کند برابر
است با یک و در غیر این صورت برابر است با صفر (همان).
INSOLV_PROCEED: پیگیری‌های شرکت برای دادرسی اعلام ورشکستگی
متغیر مجازی که برابر با مقدار یک است اگر گزارش حسابرس در مورد پیگیری‌های شرکت برای
دادرسی اعلام ورشکستگی، اطلاعاتی ارائه داده باشد و در غیر این صورت صفر است (همان).

۳-۵- جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش از کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
طی دوره‌ی زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ (دوره ۶ ساله) تشکیل شده است.

۴-۵- حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش جهت تعیین نمونه‌ی آماری از جامعه‌ی مورد نظر و انتخاب شرکت‌های مناسب،
از روش حذف سیستماتیک با در نظر گرفتن معیارهای زیر برای هر شرکت استفاده شده است:
۱- قبل از سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

۲- اطلاعات مورد نیاز آن در دسترس باشد.

۳- به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

۴- بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸، تغییر فعالیت یا سال مالی نداده و وقفه معاملاتی بیش از
سه ماه نداشته باشد.

۵- جزء بانک‌ها، شرکت‌های بیمه‌ای و شرکت‌های واسطه سرمایه‌گذاری مالی نباشد.

جدول (۱) انتخاب نمونه‌ی آماری با اعمال محدودیت‌ها و شرایط جامعه

تعداد شرکت‌ها در بورس تا پایان سال ۱۳۹۸	۵۳۶ شرکت
تعداد شرکت‌های که قبل از سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته نشده باشد	(۱۲۳) شرکت
تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات مورد نیاز آن در دسترس نباشد	(۲۴) شرکت
تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آن منتهی به پایان اسفند ماه نباشد	(۷۲) شرکت
تعداد شرکت‌هایی که بین سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۸، تغییر فعالیت یا سال مالی داده و وقفه معاملاتی بیش از سه ماه داشته باشد.	(۵۵) شرکت
بانک‌ها، شرکت‌های بیمه‌ای و شرکت‌های واسطه‌ی سرمایه‌گذاری مالی	(۱۰۸) شرکت
جمع	(۳۸۲) شرکت
تعداد شرکت‌هایی که داده‌های آن‌ها جمع‌آوری شده است (نمونه نهایی)	۱۵۴ شرکت

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آزمون فرضیه اول

محتوای افشائیات گزارش حسابرس بر شکست کسب و کار تأثیرگذار است.
جهت بررسی فرضیه‌ی اول پژوهش مدل رگرسیونی زیر بر اساس تحقیقات نورا و همکاران (۲۰۱۹) تخمین زده می‌شود:

$$\text{FAILED}_{it} = \alpha + \beta_1 \text{ASSETS}_{it} + \beta_2 \text{LIABIL_CONTING}_{it} + \beta_3 \text{RESULT_PERIOD}_{it} + \beta_4 \text{ACCUM_LOSSES}_{it} + \beta_5 \text{INFO_OMISSION}_{it} + \beta_6 \text{NEGAT_WC}_{it} + \beta_7 \text{SUBSEQ_EVENTS}_{it} + \beta_8 \text{REGUL_ENVIRON}_{it} + \beta_9 \text{MGMT_PLAN}_{it} + \beta_{10} \text{GC}_{it} + \beta_{11} \text{INSOLV_PROCEED}_{it} + e_{it}$$

جدول (۲) خلاصه نتایج الگوی پژوهش با استفاده از روش لجستیک طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸

شرح	متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره - z	سطح معناداری	نتیجه
عرض از مبدأ	α_0	-۰/۷۷۶۱۶۴	۰/۱۳۸۶۷۸	-۵/۵۹۶۸۶۷	۰/۰۰۰۰	منفی
افشای دارایی	ASSETS	۰/۲۵۱۲۳۷	۰/۱۱۵۷۲۹	۲/۱۷۰۸۹۸	۰/۰۲۹۹	مثبت
افشای بدهی	LIABIL_CONTING	۰/۲۸۸۵۰۷	۰/۱۰۶۹۵۵	۲/۶۹۷۴۶۶	۰/۰۰۷۰	مثبت
افشای درآمد و هزینه	RESULT_PERIOD	-۰/۲۵۵۶۶۶	۰/۱۲۴۹۳۳	-۲/۰۴۶۴۱۵	۰/۰۴۰۷	منفی
افشای زیان انباشته	ACCUM_LOSSES	-۰/۲۳۷۲۵۲	۰/۱۰۸۳۸۷	-۲/۱۸۸۹۴۲	۰/۰۲۸۶	منفی
تفسیر اطلاعات ارائه شده	INFO_OMISSION	۰/۳۷۸۱۳۱	۰/۱۲۵۶۳۹	۳/۰۰۹۶۶۴	۰/۰۰۲۶	مثبت
تفسیر سرمایه در گردش	NEGAT_WC	-۰/۲۸۱۰۰۹	۰/۱۳۸۳۵۰	-۲/۰۳۱۱۴۱	۰/۰۴۲۲	منفی
تفسیر وضعیت آینده‌ی شرکت	SUBSEQ_EVENTS	-۰/۲۶۶۶۲۶	۰/۱۲۶۴۵۷	-۲/۱۰۸۴۳۲	۰/۰۳۵۰	منفی
اظهارنظر در رابطه با فاکتورهای محیط قانونی و اقتصادی	REGUL_ENVIRON	۰/۳۰۰۳۶۷	۰/۱۲۴۶۵۰	۲/۴۰۹۶۸۷	۰/۰۱۶۰	مثبت
تفسیر درباره‌ی مدیریت یا برنامه‌های رفاهی	MGMT_PLAN	-۰/۲۱۳۴۳۸	۰/۱۰۷۶۴۴	-۱/۹۸۲۸۱۴	۰/۰۴۷۴	منفی
گزارش تداوم فعالیت	GC	۲/۲۵۹۹۹۲	۰/۶۳۲۳۶۶	۳/۵۷۳۸۶۶	۰/۰۰۰۴	مثبت
پیگیری‌های شرکت برای دادرسی اعلام ورشکستگی	INSOLV_PROCEED	-۱/۴۳۵۲۹۴	۰/۶۸۳۵۵۸	-۲/۰۹۹۷۴۱	۰/۰۳۵۸	منفی
ضریب تعیین مک فادن		۰/۶۶۸۰۹۰				
احتمال هاسمرلمشو		۰/۸۴۳۰				
آماره‌ی LR		۶۶/۵۹۵۹۱				
سطح معناداری LR		۰/۰۰۰۰۰۰				

نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد که احتمال آماره‌ی Z برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای افشای دارایی، افشای بدهی، افشای درآمد و هزینه، افشای زیان انباشته، تفسیر اطلاعات ارائه شده، تفسیر سرمایه در گردش، تفسیر وضعیت آینده‌ی شرکت، اظهارنظر در رابطه با فاکتورهای محیط قانونی و اقتصادی، تفسیر درباره‌ی مدیریت یا برنامه‌های رفاهی، گزارش تداوم فعالیت و پیگیری‌های شرکت برای دادرسی اعلام ورشکستگی بر شکست کسب و کار کم‌تر از ۵٪ است. لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد و ضریب برآورد شده توسط نرم افزار برای متغیرهای افشای دارایی، افشای بدهی، تفسیر اطلاعات ارائه شده، اظهارنظر در رابطه با فاکتورهای محیط قانونی و اقتصادی و گزارش تداوم فعالیت بر شکست کسب و کار مثبت و معنادار و متغیرهای افشای درآمد و هزینه، افشای زیان انباشته، تفسیر سرمایه در گردش، تفسیر وضعیت آینده‌ی شرکت، تفسیر درباره‌ی مدیریت یا برنامه‌های رفاهی و پیگیری‌های شرکت برای دادرسی اعلام ورشکستگی بر شکست کسب و کار منفی و معنادار می‌باشد. احتمال آماره‌ی Z برای ضریب ثابت متغیر درجه ثبات سیاسی بر فرار مالیاتی بیش‌تر از ۵٪ است. لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیر در مدل بی معنی می‌باشد. ضریب تعیین مک فادن، قدرت توضیح‌دهندگی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که قادر است به میزان ۶۶٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد. برای چنین مدل‌هایی مقدار قابل قبولی می‌باشد. از یکی از آزمون‌هایی که برای خوبی برازش مدل‌های انتخاب باینری استفاده می‌شود، آزمون هاسمر-لمشو است. در این آزمون معناداری کلی ضرایب رگرسیون از طریق مقایسه مقدار پیش‌بینی شده و واقعی متغیر وابسته در گروه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر اختلاف بین مقادیر واقعی و پیش‌بینی شده متغیر وابسته زیاد باشد نشانگر برازش ضعیف مدل است. برای اجرای آزمون هاسمر-لمشو در نرم افزار ایویوز پس از تخمین مدل‌های انتخاب گسسته به روش لاجیت برای بررسی خوبی برازش در اختیار قرار می‌دهد. این آزمون بر اساس تفاوت مقدار واقعی و پیش‌بینی شده متغیر وابسته در گروه‌های مختلف هستند و تنها در نحوه‌ی تعیین گروه‌ها تفاوت دارند. در اینجا مقدار احتمال هاسمر و لمشو بیش‌تر از ۵٪ است و نشان می‌دهد مدل این آماره انطباق بیشتری با مشاهدات واقعی دارد. بنابراین نتیجه‌ی هاسمر-لمشو نشان می‌دهد که فاکتورهای داخلی و خارجی مرتبط با افشائیات گزارش حسابرس بر پیش‌بینی شکست کسب و کار تأثیرگذار است. احتمال آماره‌ی LR بیانگر این است که کل الگو از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد و مقدار بالای آماره‌ی (LR) بیانگر این مطلب است که رابطه‌ی قوی میان متغیرها در این الگو وجود دارد. با توجه به فرضیه، از آنجایی که ضریب برآوردی متغیرهای افشای دارایی، افشای بدهی، تفسیر اطلاعات ارائه شده، اظهارنظر در رابطه با فاکتورهای محیط قانونی و اقتصادی و گزارش تداوم فعالیت بر شکست کسب و کار مثبت و معنادار و متغیرهای افشای درآمد و هزینه، افشای زیان انباشته، تفسیر سرمایه‌ی در گردش، تفسیر وضعیت آینده‌ی شرکت، تفسیر درباره‌ی مدیریت یا برنامه‌های رفاهی و پیگیری‌های شرکت برای دادرسی اعلام ورشکستگی بر شکست کسب و کار منفی و معنادار می‌باشد. بنابراین فرض H_۳ رد می‌شود. یعنی محتوای افشائیات گزارش حسابرس

بر شکست کسب و کار تأثیرگذار است. فاکتورهای داخلی و خارجی مرتبط با افشائیات گزارش حسابرس بر پیش‌بینی شکست کسب و کار تأثیرگذار است.

۲-۶- آزمون فرضیه‌ی دوم

فاکتورهای داخلی و خارجی مرتبط با افشائیات گزارش حسابرس بر پیش‌بینی شکست کسب و کار تأثیرگذار است.

مدل آلتمن

در این قسمت مدل ارائه شده‌ی Z آلتمن که پیش‌تر در پیشینه‌ی تحقیق توضیح داده شد، بدون تغییر روش تحلیلی رگرسیون چندگانه و متغیرهای مستقل در مدل ارائه شده توسط آلتمن به شرح زیر و با استفاده از اطلاعات مالی شرکت‌ها برای سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ مورد آزمون و تحلیل قرار گرفت:

$$Z' = 0.717X_1 + 0.847X_2 + 3.107X_3 + 0.420X_4 + 0.998X_5$$

Z' : شاخص کل

متغیرهای مستقل تحقیق:

X_1 : سرمایه در گردش به کل دارایی

X_2 : سود انباشته به کل دارایی

X_3 : درآمد قبل از بهره و مالیات به کل دارایی

X_4 : ارزش دفتری سهام به ارزش دفتری بدهی

X_5 : کل فروش به کل دارایی

در صورتی که با وارد نمودن مقادیر متغیرهای مستقل فوق برای هریک از نمونه‌های ورشکسته و سال، مقدار شاخص کلی به دست آمده بزرگ‌تر از $2/9$ باشد، آن شرکت به عنوان سالم و در صورتی که کم‌تر از $1/23$ باشد، به عنوان ورشکسته و بینابین دو عدد منطقه‌ی بحرانی تلقی می‌گردد. خلاصه نتیجه‌ی آزمون فوق بشرح جدول زیر است:

جدول (۳) نتایج آزمون مدل اولیه آلتمن با داده‌های سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸

تعداد نمونه‌های آزمون بر حسب سال شرکت		نتایج طبقه‌بندی نمونه‌ها براساس مدل Z' آلتمن			دقت پیش‌بینی	
سالم	ورشکسته	مجموع	سالم	ورشکسته	منطقه بحرانی	تعداد
۲۰۵	۷۱۹	۹۲۴	۲۶۴	۱۸۲	۴۷۸	۴۲۶
						درصد
						۴۶/۱۰

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است مدل Z' آلتمن ارائه شده در سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ بدون تغییر ضرایب، نسبت‌های مالی و متغیرهای مستقل استفاده شده در پژوهش اولیه‌ی وی، می‌تواند ورشکستگی شرکت‌ها را با دقت ۴۶/۱۰ پیش‌بینی نماید. لازم به توضیح است که عدم تصمیم‌گیری نمونه‌های مورد بررسی، به دلیل نبود اطلاعات

بیش‌تر درمورد وضعیت آتی شرکت‌ها و همبستگی نسبی پایین موضوع ورشکستگی شرکت‌ها با انحلال و خروج آن‌ها از فهرست شرکت‌های بورسی، تفسیر نشده و نتیجه‌گیری فوق‌صراً براساس پیش‌بینی‌های صریح به‌دست آمده در مورد سالم یا ورشکسته بودن نمونه مورد بررسی و مطابقت آن با واقعیت بوده است.

جدول (۴) خلاصه یافته‌های حاصل از بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش

نتیجه آزمون	سطح معناداری	آماره Z	میزان احتمال	مقدار تعیین کننده	آزمون روابط بین متغیرها	
تأیید فرضیه	۰/۰۲۹۹	۲/۱۷۰۸	۰/۲۵۱۲	۰/۶۶	۰/۸۴	محتوای افشائیات گزارش حسابرس بر شکست کسب و کار تأثیرگذار است
	۰/۰۰۷۰	۲/۶۹۷۴	۰/۲۸۸۵			
	۰/۰۴۰۷	-۲/۰۴۶۴	-۰/۲۵۵۶			
	۰/۰۲۸۶	-۲/۱۸۸۹	-۰/۲۳۷۲			
	۰/۰۰۲۶	۳/۰۰۹۶	۰/۳۷۸۱			
	۰/۰۴۲۲	-۲/۰۳۱۱	-۰/۲۸۱۰			
	۰/۰۳۵۰	-۲/۱۰۸۴	-۰/۲۶۶۶			
	۰/۰۱۶۰	۲/۴۰۹۶	۰/۳۰۰۳			
	۰/۰۴۷۴	-۱/۹۸۲۸	-۰/۲۱۳۴			
	۰/۰۰۰۴	۳/۵۷۳۸	۲/۲۵۹۹			
	۰/۰۳۵۸	-۲/۰۹۹۷	-۱/۴۳۵۲			
تأیید فرضیه	۴۶/۱۰	۴۲۶	دقت پیش‌بینی		فاکتورهای داخلی و خارجی مرتبط با افشائیات گزارش حسابرس بر پیش‌بینی شکست کسب و کار تأثیرگذار است	فرضیه ۲

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در آزمون فرضیه‌ی اول، با توجه به آزمون‌ها و تحلیل‌هایی که از راه رگرسیون و همبستگی انجام شد، نتایج نشان داد که محتوای افشائیات گزارش حسابرس مشتمل بر افشای دارایی، افشای بدهی، افشای درآمد و هزینه، افشای زیان انباشته، تفسیر اطلاعات ارائه شده، تفسیر سرمایه در گردش، تفسیر وضعیت آینده‌ی شرکت، اظهارنظر در رابطه با فاکتورهای محیط قانونی و اقتصادی، تفسیر درباره‌ی مدیریت یا برنامه‌های رفاهی، گزارش تداوم فعالیت و پیگیری‌های شرکت برای دادرسی اعلام ورشکستگی بر شکست کسب و کار تأثیر معنادار دارند و با توجه به ضرایب معنادار محتوای افشائیات گزارش حسابرس، وجود رابطه‌ی معنادار بین محتوای افشائیات گزارش حسابرس با شکست کسب و کار استنتاج می‌شود. به نظر می‌رسد مسائل مطرح شده در گزارش‌های حسابرس، یک بعد کلیدی در توضیح علل شکست شرکت‌ها باشد. بنابراین گزارش حسابرسی به عنوان یک مکانیزم برای حسابرسان برای بیان ریسک‌ها خطرات مرتبط با شکست یک کسب و کار به تمام

طرف‌های خارجی قلمداد می‌شود. لذا دلایل ناشی از شکست و تقلب شرکت‌ها را می‌توان در این گونه گزارشات جست‌وجو کرد. کاسترلا و همکاران (۱۹۹۹) این نظریه را مطرح کرده‌اند که حسابرسان نظرات معتبر و قابل اعتمادی برای شرکت‌های در معرض ورشکستگی زودهنگام منتشر می‌کنند که از لحاظ مالی دچار بحرانند و نشانه‌های بحران زادی نشان می‌دهند. به دنبال این استدلال، منطقی است باور داشت که شاخص‌های علل شکست کسب و کارها و احتمال تقلب بیش‌تر باید در گزارشات حسابرسی شرکت‌های شکست خورده و یا نزدیک به ورشکستگی که هزینه زیاد و سودآوری کمی دارند، دیده شود. در این راستا نورا و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که افشائیات در گزارش حسابرس بر شکست کسب و کار تأثیرگذار است. در ایران نیز شورورزی و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که متغیرهای مالی به صورت توأم و اظهارنظر حسابرس مستقل، هر دو توانایی پیش‌بینی ورشکستگی در دوره‌ی مالی آتی را دارند اما اظهارنظر حسابرس مستقل دارای برتری معناداری نسبت به متغیرهای مالی بود. بختیاری و همکاران (۱۳۹۰)، عباسی (۱۳۹۵) و پورطبرستانی و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که اظهارنظر حسابرسان مستقل و متغیرهای مالی قادر به پیش‌بینی ورشکستگی می‌باشند که با نتایج پژوهش حاضر در یک راستا می‌باشد. البته این نکته نیز گفتنی است که مقایسه‌ی نتایج پژوهش‌های انجام شده در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، از سوی افراد مختلف، هر چند ممکن است از جنبه‌ی علمی چندان مناسب به نظر نرسد اما از جنبه‌ی بیان سیر تکامل تدریجی پژوهش‌های انجام گرفته در حیطه‌ی موضوعی خاص حائز اهمیت است. نتایج پژوهش‌های انجام شده در مکان‌ها و زمان‌های مختلف به دست افراد مختلف، ناگزیر متأثر از شرایط مختلفی است و همخوانی یا ناهمخوانی نتایج پژوهش‌های با موضوع مشابه نمی‌تواند این شرایط متفاوت را نادیده انگارد.

در آزمون فرضیه‌ی دوم، با توجه به آزمون‌ها و تحلیل‌هایی که از راه رگرسیون و همبستگی انجام شد، به این نتیجه رسیدیم که می‌توان با استفاده از فاکتورهای داخلی و خارجی مرتبط با افشائیات گزارش حسابرس، مدل مناسبی برای پیش‌بینی شکست کسب و کار شرکت‌های ورشکسته در بورس اوراق بهادار تهران تعریف نمود. لذا با استفاده از مدل مزبور، وضعیت مالی شرکت‌ها و همچنین موضوع تداوم فعالیت آن‌ها را می‌توان بررسی نمود و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از آن‌ها استفاده کرد. بنابراین فاکتورهای داخلی و خارجی مرتبط با افشائیات گزارش حسابرس می‌تواند فرصتی برای شناسایی شرکت‌های با احتمال بالای شکست کسب و کار باشد. این گونه استدلال می‌شود که گزارش فاکتورهای مالی شرکت بستگی به قضاوت‌های ذهنی در برآورد دارند. بنابراین به این دلیل که قضاوت‌های ذهنی در تعیین ارزش این حساب‌ها دخیل است، مدیریت می‌تواند آن‌ها را به عنوان ابزاری برای دستکاری صورت‌های مالی استفاده کند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، فرض می‌شود که حسابرسان باید در هنگام اظهارنظر در مورد یک موضوع، خطرات مربوط به قابلیت حیات و بقای شرکت و هرگونه عدم اطمینان دیگر که در صورت‌های مالی شرکت‌ها کشف شده است را افشا کنند. بنابراین همه‌ی انواع علل شکست کسب و کارها باید در گزارشات ذکر شود، صرف نظر از این که آیا آن‌ها مربوط به عوامل خارجی

هستند، مانند اثرات قانونی، رویدادهای اقتصادی محیطی یا برنامه‌های انسانی یا شرایط داخلی مانند پرداخت بدهی‌های شرکت‌ها یا وجود زیان‌های تکراری از دوره‌های گذشته در شرکت و ... بنابراین در محتوای گزارشات حسابرسی باید احتمال شکست کسب و کارها و علل این وضعیت ذکر شود. در این راستا کاسریو و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که اظهارنظر حسابرسی در پیش‌بینی ورشکستگی قابلیت اتکا می‌باشد. نتایج پژوهش مانز ایزکوردو و همکاران (۲۰۱۷) نیز حاکی از مفید بودن گزارش حسابرس در پیش‌بینی خطر گرفتاری مالی است که در راستای نتایج پژوهش حاضر می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ی اول، محتوای افشائیات گزارش حسابرس بر شکست کسب و کار تأثیرگذار است. با توجه به اهمیت موضوع و یافته‌های پژوهش که به آن‌ها اشاره شد، پیشنهاد می‌گردد استفاده‌کنندگان صورتهای مالی و نهادهای ناظر بر آن‌ها همانند حسابرسان داخلی و مستقل و بازرسان، این مسأله را مد نظر قرار دهند که فاکتورهای مالی نظیر افشای دارایی، افشای بدهی، افشای درآمد و هزینه؛ افشای زیان انباشته تفسیر اطلاعات ارائه شده تفسیر سرمایه در گردش تفسیر وضعیت آینده‌ی شرکت اظهارنظر در رابطه با فاکتورهای محیط قانونی و اقتصادی تفسیر درباره‌ی مدیریت یا برنامه‌های رفاهی گزارش تداوم فعالیت و پیگیری‌های شرکت برای دادرسی اعلام ورشکستگی، می‌توانند به عنوان هشدار برای وجود احتمال افزایش ورشکستگی شرکت باشند. بر این اساس، مدل نهایی این پژوهش می‌تواند از طریق قابلیت ارزیابی و سنجش خطر صورتهای مالی تحریف شده به پیش‌بینی احتمال شکست کسب و کار بپردازد و به گروه‌های ناظر، تأییدکننده و استفاده‌کننده‌ی صورتهای مالی ارائه خدمت کند اما نظرات تمامی گروه‌های ذی‌نفع را به این موضوع معطوف می‌دارد که اظهارنظر بر مبنای استناد به این مدل صرفاً یک هشدار برای مخاطرات محتمل است و لزوماً به معنای وقوع ورشکستگی قطعی نمی‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ی دوم، فاکتورهای داخلی و خارجی مرتبط با افشائیات گزارش حسابرس بر پیش‌بینی شکست کسب و کار تأثیرگذار است. نتایج این پژوهش، مشوقی هستند برای اینکه بتوان به پژوهش‌های بیش‌تری جهت طراحی مدلی قابل اعتماد برای ارزیابی احتمال شکست کسب و کار واحدهای اقتصادی در ایران اقدام نمود. استفاده از نتایج این پژوهش می‌تواند به حسابرسان اعم از حسابداران رسمی و حسابرسان داخلی و دولت و نهادهای ذی‌ربط دولتی، سرمایه‌گذاران نهادی و اقلیت، بورس اوراق بهادار، تحلیلگران اقتصادی، مؤسسات مالی و بانک‌ها کمک نماید. بر این اساس به سرمایه‌گذاران، حسابرسان، برنامه‌ریزان و سایر گروه‌های ذی‌نفع پیشنهاد می‌شود برای ارزیابی به موقع مخاطرات و پیش‌بینی شکست کسب و کار بهتر است از اطلاعات افشا شده در گزارش حسابرس معرفی شده در این پژوهش کمک بگیرند.

منابع

ابراهیم پورمبیدی، محمدکاظم؛ محمدی، پیمان. (۱۳۹۸). مفهوم ورشکستگی و روش‌های پیش‌بینی آن، دومین کنفرانس اقتصاد، مدیریت و حسابداری، شیروان، مؤسسه پژوهشی رهجویان پایا شهر اترک.

اکبری، سپیده؛ حاجیه، زهره. (۱۳۹۵). رابطه ریسک ورشکستگی مالی و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت، ششمین کنفرانس ملی و چهارمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت، تهران، شرکت خدمات برتر.

امانی، علی؛ دوانی، غلامحسین. (۱۳۸۹). خدمات حسابرسی، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و رتبه بندی حسابرسان، حسابدار رسمی، ۴(۱)، ۳۲-۴۱.

ایزدی نیا، ناصر؛ منصور فر، غلامرضا؛ رشیدی خزایی، موسی. (۱۳۹۴). درماندگی مالی به عنوان عاملی برای وقوع مدیریت سود، راهبرد مدیریت مالی، مقاله ۲، ۱(۳)، ۲۵-۴۷.

آذری، واحد؛ مرادزاده فر، مهدی؛ روحی، علی. (۱۳۹۲). تأثیر درماندگی مالی بر کیفیت اقلام تعهدی، فصلنامه حسابداری مالی، ۱۸(۵)، ۱۰۳-۱۲۹.

آزموده، مصطفی. (۱۳۹۴). برآورد مدل آلتمن در ایران و محاسبه ضریب ورشکستگی شرکت‌های حاضر در بورس، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

آقای علی؛ سهرابی محمد. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین اتکای حسابرسان مستقل و عملکرد حسابرسان داخلی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

بختیاری، مسعود؛ زنده دل، احمد؛ اسماعیل‌زاده باغ سیاهی، مهدی. (۱۳۹۰). مقایسه‌ی اظهارنظر حسابرسان مستقل و متغیرهای مالی درپیش‌بینی ورشکستگی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۸(۶۵)، ۶۳-۷۸.

پور طبرستانی، علی؛ داداشی، ایمان؛ زارع بهنمیری، محمد جواد. (۱۳۹۸). محتوی اطلاعاتی گزارش حسابرسی در پیش‌بینی ورشکستگی. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۱(۴۴)، ۱۷۵-۱۹۴.

پوررضایی، نوشین؛ عسکرزاده، غلامرضا. (۱۳۹۸). واکنش سرمایه‌گذاران بازار سهام به اعلام گزارش حسابرسی تداوم فعالیت و ورشکستگی، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تجارت جهانی، اقتصاد، دارایی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت همایش آروین البرز.

پورطبرستانی، علی؛ داداشی، ایمان؛ زارع بهنمیری، محمدجواد. (۱۳۹۸). کمی سازی گزارش حسابرسان مستقل با رویکرد فازی و بررسی توان پیش‌بینی ورشکستگی گزارشات کمی شده در مقایسه با نوع گزارش حسابرسی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸(۳۱)، ۱۶۹-۱۸۴.

جلالی، زهرا. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر اطلاعات افشا شده در گزارش حسابرس بر احتمال گزارش مالی متقلبانه، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابرسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دولت آباد.

حاجیه، زهره؛ ابراهیمی، محمدرضا. (۱۳۹۵). بهبود در اظهارنظر حسابرس و اثرات آن بر تغییرات قیمت و حجم معاملات سهام، مقاله ۴، ۹(۸)، ۶۱-۸۲.

سلیمی، سمیه. (۱۳۹۵). ارزیابی گزارش حسابرسی مبنی بر تداوم فعالیت بین سازمان حسابرسی ومؤسسات حسابرسی، کنفرانس جامع علوم مدیریت و حسابداری، تهران، دبیرخانه کنفرانس جامع علوم مدیریت و حسابداری.

شورورزی، محمدرضا؛ زنده دل، احمد؛ اسماعیل‌زاده باغ سیاهی، مهدی. (۱۳۹۰). مقایسه اظهارنظر حسابرسان مستقل و متغیرهای مالی در پیش‌بینی ورشکستگی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی،

پاییز، ۱۳۹۱، از صفحه ۶۳ تا صفحه ۷۸.

عادل، امیدعلی؛ سپهوند، زهرا. (۱۳۹۸). بررسی شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ورشکستگی بانک‌ها، چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد با تأکید بر بازاریابی منطقه ای و جهانی، تهران - دانشگاه شهید بهشتی، دبیرخانه دائمی کنفرانس.

عباسی، علیرضا. (۱۳۹۵). نقش قابلیت اتکاء گزارش حسابداری در پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های مشمول ماده ۱۴۱ (اصلاحیه قانون تجارت) در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری، دانشکده مدیریت و حسابداری.

قدرتی، امیررضا. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین رفع بند(های) تعدیل گزارش حسابداری با عملکرد مالی شرکت، کنفرانس پژوهش‌های کاربردی در مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری، کرج، شرکت علم پویان سرمد.

منصورفر، غلامرضا؛ پیری، پرویز؛ علیخانی، زهرا؛ اسدی، مریم. (۱۳۹۷). پیش‌بینی درماندگی مالی با توجه به اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابداری مستقل، شانزدهمین همایش ملی حسابداری ایران، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

نون‌نهاد نهر؛ علی اکبر؛ لیثی، علیرضا. (۱۳۹۹). پیامدهای ناخواسته‌ی نحوه افشای موارد ابهام شرکت‌ها در گزارش‌های مدیران و حسابرسان مستقل بر قضاوت‌های سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت امور مالی، تجارت، بانک، اقتصاد و حسابداری، مونیخ-آلمان، شرکت همایش آروین البرز.

Abbasi, A. R. (2016). The role of the reliability of the audit report in predicting the bankruptcy of companies covered by Article 141 (Amendment of the Commercial Code) in the Tehran Stock Exchange. Master Thesis, Ministry of Science, Research and Technology, School of Management and Accounting. (In Persian)

Adeli, O. A. & Sepahvand, Z. (2019). Investigating the identification and prioritization of factors affecting the bankruptcy of banks. Fourth National Conference on Management, Accounting and Economics with Emphasis on Regional and Global Marketing, Tehran, Shahid Beheshti University, Permanent Secretariat of the Conference. (In Persian)

Aghaei, A. & Sohrabi, M. (2011). A study of the relationship between the reliance of independent auditors and the performance of internal auditors. Master Thesis, Islamic Azad University, Arak Branch. (In Persian)

Akbari, S. & Hajiha, Z. (2016). Relationship between Financial Bankruptcy Risk and Auditor's Opinion on Ambiguity in Continuity of Activity. Sixth National Conference and Fourth International Conference on Accounting and Management, Tehran, Khadamate Bartar Company. (In Persian)

Altman, E. I., Iwanicz-Drozowska, M., Laitinen, E. K. Suvas, A. (2017). *Financial distress prediction in an international context: A review and empirical analysis of Altman's Z-Score model*. Journal of International Financial Management and Accounting, 28(2), 131-171.

Amani, A. & Davani, G. H. (2010). Auditing services, auditing fees and auditor ratings. Journal of Certified Public Accountant, 4(1): 32-41. (In Persian)

Asquith, P., Gertner, R. Scharfstein, D. (1994). *Anatomy of financial distress: An examination*

of junk-bond issuers. Quarterly Journal of Economics, 109(3), 1189-1222.

Azari, V., Moradzadehfard, M. & Roohi, A. (2013). The effect of financial distress on the quality of accruals. *Financial Advocacy Quarterly*, 18 (5): 103-129. (In Persian)

Azmoudeh, M. (2015). Estimation of Altman model in Iran and calculation of bankruptcy ratio of companies listed on the stock exchange. Master Thesis, Islamic Azad University, Arak Branch. (In Persian)

Bakhtiari, M., Zendedel, A. & Ismailzadeh Bagh Siyahi, M. (2011). Comparison of independent auditors' comments and financial variables in bankruptcy forecasting. *Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 18(65): 63-78. (In Persian)

Barker, C. (2018). *Audit Effectiveness Prior to Bankruptcy*. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 4(3), 1-15.

Blay, A. D. (2005). *Independence threats, litigation risk, and the auditor's decision process*. *Contemporary Accounting Research*, 22(4), 759-789.

Carson, E. Fargher, N.L., Zhang, Y.(2016). *Trends in Auditor Reporting in Australia: A Synthesis and Opportunities for Research*. *Australian Accounting Review*, 26(3), 226 -242.

Carter, R, Van Auken, H. (2006). *Small firm bankruptcy*. *Journal of Small Business Management*, 44(4), 493-512.

Caserio, C., Panaro, D. Trucco, S. (2014). *A Statistical Analysis of Reliability of Audit Opinions as Bankruptcy Predictors*. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 10(9), 917- 931.

Casterella, J. R., Lewis, B. L. Walker, P. L. (1999). *Why do bankrupt companies receive unmodified opinions?* *Research in Accounting Regulation*, 13, 169-177.

Ebrahim Pourmeibodi, M. K. & Mohammadi, P. (2019). The concept of bankruptcy and its prediction methods. The Second Conference on Economics, Management and Accounting, Shirvan, Rahjooyane Paya Research Institute, Atrak. (In Persian)

Feldmann, D. A, Read, W. J. (2013). *Going concern audit opinions for bankrupt companies – impact of credit rating*. *Managerial Auditing Journal*, 28(4), 345-363.

Gallizo, J. L., Saladrighes, R. (2016) *An analysis of determinants of going concern audit opinion: Evidence from Spain stock exchange*. *Intangible Capital*, 12(1), 1-16.

Ghodrati, A. R. (2020). Investigating the relationship between removing the paragraph (s) of the auditor's report and the financial performance of the company. Conference on Applied Research in Industrial Engineering, Management and Accounting, Karaj, Elam Pouyan Sarmad Company. (In Persian)

Gilbert, L.R., Menon, K., Schwartz, K.B. (1990). *Predicting bankruptcy for firms in financial distress*. *Journal of Business Finance and Accounting*, 17(1), 161-171.

Hajiha, Z. & Ebrahimi, M. R. (2016). Improvements in the auditor's comments and their effects on changes in stock price and trading volume. *Article 4*, 9(8): 61-82. (In Persian)

Hopwood, W. McKeown, J, Mutchler, J. (1989). *A test of the incremental explanatory power of opinions qualified for consistency and uncertainty*. *The Accounting Review*, 64(1), 28-48.

Hopwood, W. McKeown, J, Mutchler, J. (1994). *A reexamination of auditor versus model accuracy within the context of the going-concern opinion decision*. *Contemporary Accounting Research*, 10(2), 409-431.

International Auditing Assurance Standards Board. (2018). *Handbook of International Quality Control, Auditing, Review, Other Assurance, and Related Services Pronouncements*. New York, NY: IAASB.

Izadinia, N., Mansourfar, G. & Rashidi Khazaei, M. (2015). Financial distress as a factor

for the occurrence of profit management. *Journal of Financial Management Strategy*, Article 2, 1(3): 25-47. (In Persian)

Jalali, Z. (2019). Investigating the effect of the information disclosed in the auditor's report on the likelihood of fraudulent financial reporting. Master Thesis in Auditing, Islamic Azad University, Dolatabad Branch. (In Persian)

Kevin C. K. Lam, K. S. Kwong, Victor K. L. Leung. (2001). *a stress test of the effects of bankruptcy risk, accounting quality and corporate governance on audit fees: evidence from hong kong during the asian financial crisis*. The Chinese University of Hong Kong.

Kingsley Opoku Appiah, Chizema Amon, (2017) *Board audit committee and corporate insolvency*, *Journal of Applied Accounting Research*, Vol. 18 Issue: 3, pp.298-316.

Laitinen, E. K. Laitinen, T. (2009). *Effect of accruals on financial, non-financial, and audit information in payment default prediction*. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 5(4), 353–383.

Laitinen, E. K. Lukason, O. (2014). *Do firm failure processes differ across countries: Evidence from Finland and Estonia*. *Journal of Business Economics and Management*, 15(5), 810–832.

Lennox, C. S. (1999). *The accuracy and incremental information content of audit reports in predicting bankruptcy*. *Journal of Business Finance and Accounting*, 26(5), 757–778.

Lukason, O. (2016). *Characteristics of firm failure processes in an international context*. PhD dissertation Estonia: Tartu University.

Mansourfar, G. R., Piri, P., Alikhani, Z. & Asadi, M. (2018). Predicting financial distress according to the effects of the independent auditor's report adjustment clauses. 16th National Accounting Conference of Iran, Isfahan, University of Isfahan. (In Persian)

McKee, T. E. (2003). *Rough sets bankruptcy prediction models versus auditor signaling rates*. *Journal of Forecasting*, 22(8), 569–586

Mellahi, K. Wilkinson, A. (2004). *Organizational failure: A critique of recent research and a proposed integrative framework*. *International Journal of Management Reviews*, 5(1), 21–41.

Muñoz-Izquierdo N., Camacho-Miñano M. M, Pascual-Ezama D. (2017). *The content of the audit report in the year prior to bankruptcy filing. Empirical evidence from Spain*. *Spanish Journal of Finance and Accounting*, 46(1), 92–126.

Nora Muñoz-Izquierdo, María Jesús Segovia-Vargas, María-del-Mar Camacho-Miñano. (2019). *Explaining the causes of business failure using audit report disclosures*. *Journal of Business Research*, Volume 98, May 2019, Pages 403-414.

Nunahalnahr, A. A. & Leisi, A. R. (2020). Unintended consequences of how companies' ambiguities are disclosed in the reports of managers and independent auditors on the judgments of non-professional investors. 2nd International Conference on Financial Management, Trade, Banking, Economics and Accounting, Munich, Germany, Arvin Alborz Conference Company. (In Persian)

Opler, T. Titman, S. (1994). *Financial distress and corporate performance*. *The Journal of Finance*, 49(3), 1015-1040.

Pedrosa, M. A, López-Corrales, F. (2018). *Auditors' response to the global financial crisis: Evidence from Spanish non-listed companies*. *Spanish Journal of Finance and Accounting*, 1–32.

Poor Tabarestani, A., Dadashi, I. & Zare Bahnemiri, M. J. (2019). Information Content of

audit report in bankruptcy forecast. Journal of Accounting and Auditing Research, 11 (44): 175-194. (In Persian)

Poor Tabarestani, A., Dadashi, I. & Zare Bahnemiri, M. J. (2019). Quantifying the reports of independent auditors with a fuzzy approach and examining the ability to predict the bankruptcy of quantified reports compared to the type of audit report. Journal of Knowledge of Management Accounting and Auditing, 8(31): 169-184. (In Persian)

Pourrezaei, N. & Askarzadeh, G. (2019). The reaction of stock market investors to the announcement of the audit report on the continuation of activity and bankruptcy. The First International Conference on Management, World Trade, Economics, Finance and Social Sciences, Tehran, Arvin Alborz Conference Company. (In Persian)

Salimi, S. (2016). Evaluating the audit report on the continuity of activities between the audit organization and the audit firms. Comprehensive Conference on Management and Accounting Sciences, Tehran, Secretariat of the Comprehensive Conference on Management and Accounting Sciences. (In Persian)

Shilo, L, A, Jacobi, (2010). *Predicting Bankruptcy : Evidence from Israel* ,International Journal of business and Management. Vol 5 , No 4 , pp 131-141.

Shoorvarzi, M. R., Zendedel, A. & Ismailzadeh Bagh Siyahi, M. (2011). Comparison of independent auditors' comments and financial variables in bankruptcy forecasting. Journal of Accounting and Auditing Reviews, Fall, 1 (1): 63-78. (In Persian)

Van Peursem, K. Chan, Y. C. (2014). *Forecasting New Zealand corporate failures 2001- 10: Opportunity lost?* Australian Accounting Review, 24(3), 276-288.

Yuliyani, N.M.A .Erawati, N.M.A . (2017). *Pengaruh financial distress, profitabilitas, leverage dan likuiditas pada opini audit going concern*. E-Jurnal Akuntansi Universitas Udayana, 19(2), 1490 -1520.

Zhehao Jia, Yukun Shi, Cheng Yan , Meryem Duygun (2020) *Bankruptcy prediction with financial systemic risk*, The European Journal of Finance, 26:7-8.



COPYRIGHTS

This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.

“Explaining the Relationship between Audit Quality, Auditor Independence, Audit Fee, and Financial Reporting Quality in Insurance Companies”

Roya Darabi¹, Bahram Pasandideh Parsa² and Mohammadreza Hajireza³

Received: 2021/04/19

Approved: 2021/05/04

Research Paper

Abstract

Given the usefulness of the quality of financial reporting in making informed decisions by users (stakeholders) about investing in businesses, Audit fees, maintaining auditor independence, and increasing audit quality can reduce unreasonable management reporting decisions regarding profit quality and ultimately increase the quality of the business's financial reporting, on the other hand, it can cause economic dependence between the auditor and the client and provide for fundamental doubts about the auditor's independence and the decline in audit quality and change in audit fees. This will reduce public confidence (stakeholders) in the quality of financial reporting. Therefore, the purpose of this study is to explain the relationship between audit quality, auditor independence and audit fees with the quality of financial reporting in insurance companies. The method of the present study was correlational in nature and content and hypothesis testing based on multivariate regression was used and in terms of the type of purpose, it has been part of applied research and the research has been done in the framework of inductive reasoning. Its statistical population includes all insurance companies in Iran. In order to achieve the research goal, the period between 1392 to 1398, has been selected as a sample. The results of the test of research hypotheses indicate a significant and direct (positive) relationship between audit quality, auditor independence and audit fees with the quality of financial reporting in insurance companies in Iran.

Key Words: Audit Quality, Auditor Independence, Audit Fee and Financial Reporting Quality.

JEL Classification: M41, M49



10.22034/ARJ.2021.245325

1. Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran
Royadarabi110@yahoo.com (Corresponding Author)

2. Ph.D student in Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.
pasandideh_p@yahoo.com

3. Ph.D student in Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.
mahdi.gharib@yahoo.com

<http://article.iacpa.ir>

تبیین رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای

رؤیا دارابی^۱، بهرام پسندیده پارسا^۲، محمدرضا حاجی رضا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

باتوجه به سودمندی که کیفیت گزارشگری مالی در اتخاذ تصمیم آگاهانه توسط استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) درباره‌ی سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های تجاری دارد، میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، حفظ استقلال حسابرس و افزایش کیفیت حسابرسی می‌تواند منجر به کاهش تصمیم‌های گزارشگری نامعقول مدیریت در رابطه با کیفیت سود و درنهایت افزایش کیفیت گزارشگری مالی بنگاه تجاری شود، و از طرفی می‌تواند سبب ایجاد وابستگی اقتصادی میان حسابرس و صاحبکار و فراهم آوردن موجبات بروز تردیدی اساسی درباره‌ی استقلال حسابرس و پایین آمدن کیفیت حسابرسی و تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شود که این امر موجب کاهش اعتماد عمومی (ذی‌نفعان) نسبت به کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. هدف پژوهش حاضر، تبیین وجود رابطه بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه می‌باشد. روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی همبستگی بوده و از آزمون فرضیه‌ها بر اساس رگرسیون چند متغیره استفاده شده و از نظر نوع هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی و انجام پژوهش در چارچوب استدلال استقرایی صورت پذیرفته است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای در ایران می‌باشد که به منظور دستیابی به هدف پژوهش، دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش، بیان‌کننده‌ی وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم (مثبت) بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران می‌باشد.

کلید واژه‌ها: کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی

doi: 10.22034/ARJ.2021.245325

royadarabi110@yahoo.com

pasandideh_p@yahoo.com

mohammadrezahajireza@gmail.com

http://article.iacpa.ir

۱. دانشیار گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱- مقدمه

صورت‌های مالی به عنوان هسته اصلی گزارشگری مالی حاوی اطلاعاتی درباره‌ی وضعیت مالی و عملکرد مالی بنگاه‌های اقتصادی است که به منظور استفاده طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) نظیر سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دولت تهیه و ارایه می‌شود. از آنجایی که اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی یکی از پایه‌های مهم اتخاذ تصمیمات منطقی به شمار می‌رود، لذا استفاده‌کنندگان باید در فرآیند تصمیم‌گیری، پیش از به کارگیری گزارشگری مالی، کیفیت آن را ارزیابی کنند (بزرگ اصل، ۱۳۸۰). در این راستا، بالا بردن مستمر کیفیت گزارشگری مالی و اطلاعات ارائه شده از سوی حرفه، جزء ضروریات دنیای تجاری و حرفه‌ای امروز به شمار می‌رود (رحمانی و ایمنی، ۱۳۹۰). اگر هدف حسابرسی را ارتقای سودمندی اطلاعات صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان فرض کنیم، و حسابرسان نتوانند نقش خود را در اعتبار بخشی به صورت‌های مالی به درستی ایفا نمایند، در آن صورت حسابرسان وظیفه‌ی خود را در رفع تضاد میان منافع استفاده‌کنندگان اطلاعات (ذی‌نفعان) به ویژه سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه و تهیه‌کنندگان اطلاعات ایفا ننموده است (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین وجود تضاد منافع میان سهامداران و مدیران، اهمیت ویژه‌ای به حسابرسی برای رفع این تضاد می‌دهد. پس حسابرسی به عنوان سازوکاری کارآمد، به سهامداران این اطمینان را می‌دهد که مدیران در اداره‌ی شرکت در راستای منافع سهامداران عمل نموده‌اند یا خیر؟

کار حسابرسی اطمینان بخشی به سهامداران و سایر اشخاص ذی‌نفعی است که با شرکت طرف قرارداد هستند (والکر، ۲۰۰۳) و در بیان مسأله‌ی انجام این پژوهش می‌توان ابراز نمود که در بیانیه‌ی مفهومی شماره‌ی ۲ هیأت تدوین استانداردهای حسابداری (۱۹۸۰)، ویژگی کیفی اطلاعات حسابداری و به تبع آن کیفیت اطلاعات و کیفیت گزارشگری مالی پس از اهداف گزارشگری مالی در درجه‌ی دوم اهمیت قرار گرفته بود که این هیأت با انتشار بیانیه‌ی مفهومی شماره‌ی ۸ در سال ۲۰۱۰ و تعدیل و تغییر ویژگی‌های اطلاعات با کیفیت، بار دیگر نشان داد که کیفیت اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها در صدر مهم‌ترین موضوعات حسابداری قرار دارد (ملا امینی، مرفوع، ۱۳۹۴). و از سوی دیگر، حسابرسان در خصوص مربوط بودن و قابل اعتماد بودن صورت‌های مالی گزارش شده، با استفاده از شواهد موجود اظهارنظر می‌کنند و با توجه به این مهم که قابلیت اعتماد و مربوط بودن از اجزای خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات می‌باشند، کار حسابرسان با کیفیت اطلاعات مالی و به تعبیری دیگر، کیفیت گزارشگری مالی گره خورده است. همچنین حسابرسان به عنوان بررسی‌کنندگان کیفیت اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها، وظیفه‌ی تطبیق اطلاعات با مستندات و وقایع، شناسایی انحرافات و گزارش به ذی‌نفعان و در نهایت افزایش قابلیت اتکای اطلاعات را بر عهده دارند (حساس یگانه، ۱۳۹۱) درحالی که در پی رسوایی‌های مالی مؤسسه‌هایی نظیر انرون، ورلدکام، پارمالات و اهلد، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم‌های گزارشگری مالی ضعیف شده و کیفیت گزارشگری مالی به عنوان یک عامل مهم در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده مطرح گردیده است. در نتیجه تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری

منتج از سیستم‌های گزارشگری مالی و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها قرار گرفته است (سجادی، محمدی، ۱۳۸۹). علی‌رغم آن که مسئولیت تهیه‌ی صورت‌های مالی بر عهده‌ی مدیریت است اما در پی این وقایع مهم، انگشت اتهام به سوی حسابرسان نیز نشانه رفته است. تا جایی که عموماً از این وقایع به عنوان «شکست حسابرسی» یاد می‌شود. تلقی عموم این است که فقدان استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی موجب وقوع چنین وقایعی شده است. البته در پی این رخداد، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی سعی در تدوین مقرراتی داشته‌اند تا استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند (لی و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین با توجه به جایگاه و نقش مؤسسه‌های حسابرسی با اعتبار بخشی به گزارشات مالی در راستای افزایش سودمندی در تصمیمات استفاده‌کنندگان، استقلال واقعی حسابرِس و کیفیت کار مؤسسه‌های حسابرسی به عنوان عوامل کلیدی در تهیه‌ی گزارش‌های حسابرسی قلمداد می‌شوند و سرلوحه‌ی توجه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قرار گرفته است که در همین رابطه، هویتاش و همکاران (۲۰۰۷) نیز به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسان پرداختند که طبق دیدگاهی حق‌الزحمه‌های بالا می‌تواند از طریق افزایش تلاش‌های حسابرسان منجر به افزایش کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرِس) شده و طبق دیدگاهی دیگر می‌تواند (در بلند مدت) باعث افزایش وابستگی مالی به صاحبکاران و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی (و تردید اساسی در حفظ استقلال حسابرِس) شود. چنین تصور می‌شود که کیفیت حسابرسی و حفظ استقلال حسابرِس از جمله عواملی است که از دید استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان)، موجب ارتقای سطح کیفیت گزارشگری مالی می‌شود که این دو عامل نیز خود تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله رابطه‌ی حسابرِس با صاحبکار و میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسی می‌باشند. درواقع حق‌الزحمه‌ی حسابرسی همانند یک شمشیر دولبه است که از یک طرف می‌تواند منجر به بهبود کیفیت حسابرسی و حفظ استقلال حسابرِس شود و از طرف دیگر ممکن است، سبب پایین آمدن کیفیت حسابرسی شده و حتی استقلال حسابرِس را خدشه دار کند. بنابراین از آنجایی که گزارش حسابرِس در فرآیند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به عنوان یکی از اطلاعات سودمند در نظر گرفته می‌شود، از این رو پرسش اصلی این پژوهش آن است که کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرِس و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های بیمه‌ای چه تأثیری می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی در این شرکت‌ها داشته باشد؟

بنابراین ضرورت انجام این پژوهش با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های قبلی که همگی در رابطه با شرکت‌های بورسی و خصوصی در بازار سرمایه انجام پذیرفته شده است و همچنین با توجه به قوانین و مقرراتی که در این صنعت خاص حاکم و از طرف بیمه‌ی مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر شرکت‌های بیمه الزام شده است، پژوهش حاضر در نوع خود نسبت به پژوهش‌های دیگر که عمدتاً شرکت‌های دیگر پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و با ساختار مدیریت خصوصی را مورد بررسی قرار داده‌اند، بی‌بدیل می‌باشد. تاکنون در این حوزه و صنعت خاص، پژوهشی در این سطح انجام نشده است. لذا استفاده از نتایج دیگر پژوهش‌های انجام شده قبلی ذکر شده، می‌تواند با توجه

به دولبه بودن بازتاب نتایج این پژوهش‌ها، و مشخص نبودن تبعات آن بر این صنعت خاص، منتسب نمودن هر یک از نتایج قبلی به این صنعت خاص موجب ایجاد اثرات منفی، تحمیل هزینه‌ی اضافی و یا کاهش کیفیت گزارشگری مالی در این حوزه گردد. بنابراین هدف از این پژوهش در پی یافتن پاسخی مناسب برای سؤال مطرح شده‌ی پژوهش در این حوزه بوده و در این راستا، این پژوهش دارای اهداف کاربردی بوده که نتایج آن می‌تواند در شرکت‌هایی در حوزه‌ی فعالیت و صنعت خاص و مشابه با نحوه‌ی فعالیت و ساختار سازمانی با شرکت‌های بیمه نیز مورد توجه قرار گیرند در واقع هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

کیفیت گزارشگری مالی در بازارهای مالی یکی از موضوعات مورد علاقه مشارکت‌کنندگان (ذی‌نفعان) در بازار می‌باشد که به موجب آن اطلاعات تهیه، منتشر و برای اهداف تخصیص سرمایه (تصمیم‌های سرمایه‌گذاری که آینده‌نگر هستند) مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین اطلاعات برای ارزیابی نتایج گذشته (اهداف قراردادی از قبیل عملکرد مدیریت و قراردادهای پاداش مدیریت) نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد در این رابطه فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴) اعتقاد دارند که استفاده از اطلاعات در تخصیص منابع، شالوده‌ای برای استفاده (ذی‌نفعان) از آن در ارزیابی نتایج است زیرا هدف اولیه‌ی بازارهای مالی تخصیص بهینه‌ی منابع است و با افزایش کیفیت گزارشگری مالی، سودمندی آن برای تصمیم‌های تخصیص سرمایه افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، هدف اولیه‌ی ارایه‌ی اطلاعات حسابداری و گزارشگری مالی در بازار سرمایه، کمک به تصمیم‌گیری و قضاوت مطمئن‌تر ذی‌نفعان است. زیرا گزارش‌های باکیفیت‌تر منجر به تصمیمات و قضاوت‌های با کیفیت و مفیدتر برای استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) می‌شود. هدف ثانویه کیفیت اطلاعات گزارش شده، پیام دهی به مشارکت‌کنندگان در تولید و انتشار اطلاعات است که با چه کیفیتی به ایفای وظایف خود می‌پردازند. البته حسابرسان به دلیل ارائه‌ی خدمات حسابرسی، نقش مهمی در جهت حفظ منافع عمومی در بازارهای سرمایه ایفا می‌کنند زیرا گزارش‌های حسابرسی یکی از مواردی است که به عنوان راهنمای سرمایه‌گذاران در هنگام تصمیم‌گیری استفاده می‌شود و کیفیت پایین این گزارش‌ها می‌تواند به تخصیص نامناسب منابع در جامعه منجر شود و از طرفی ایفای نقش به عنوان حافظ منافع جامعه (ذی‌نفعان) مستلزم این است که حسابرس در مقابل صاحبکار، (استقلال داشته و) مستقل باقی بماند. در حقیقت کیفیت و اعتبار گزارش حسابرسی به میزان استقلال حسابرس از صاحبکار خود نیز بستگی دارد؛ اما در عمل نفوذ صاحبکار بر مسائل مربوط به انتخاب و ارائه‌ی اطلاعات به حسابرس، به همراه انگیزه‌های بالای مدیریت برای دستیابی به اهداف تعیین شده یا عبور از آن‌ها، موانع مهمی بر سر راه (حفظ استقلال و) مستقل باقی ماندن حسابرسان محسوب می‌شوند (ونس تراثلن، ۲۰۰۰). از سوی دیگر، ورشکستگی شرکت‌های بزرگ در ابتدای قرن حاضر، موجب شد تا موضوع قابلیت اتکای

گزارشگری مالی مورد توجه افکار عمومی (ذی‌نفعان) واقع شود و با این که مسئولیت تهیه‌ی صورت‌های مالی دقیق و عاری از خطا و اشتباه به عهده‌ی هیأت‌مدیره‌ی شرکت‌ها است اما این ورشکستگی‌ها سؤال‌های زیادی درباره‌ی کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرسان به وجود آورده است. قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی در تلاش هستند تا از طریق وضع قوانین مؤثر (برای مثال، قانون ساربینز آکسلی، ۲۰۰۲) سبب حفظ استقلال حسابرسان و بالابردن کیفیت حسابرسی شده و متعاقباً کیفیت گزارشگری مالی را افزایش دهند. در رابطه با بررسی پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام شده خارجی میترا، جگی و الحیال (۲۰۱۹) دریافتند که در شرکت‌های با مدیران بیش اطمینان، وجود هیأت‌مدیره اثربخش، سبب تقاضای بیش‌تر برای حسابرسی با کیفیت شده و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در این شرکت‌ها افزایش می‌یابد. لاراسیتی و همکاران (۲۰۱۹) نیز طی پژوهشی به تحلیل نقش کمیته‌ی حسابرسی مستقل و کمیته‌ی مدیریت ریسک و هزینه‌ی حسابرسی پرداخته و در این رابطه بین کمیته‌ی حسابرسی و کمیته‌ی مدیریت ریسک و هزینه‌های حسابرسی در کشور اندونزی پژوهشی را انجام داده‌اند که نتایج به‌دست آمده از این پژوهش حاکی از آن است که با مشارکت یک کمیساریای مستقل به عنوان یک عضو کمیته‌ی حسابرسی، رابطه بین کاهش ریسک کمیته‌ی حسابرسی و هزینه‌ی حسابرسی معنادار می‌باشد. بدین صورت که پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که وجود کمیته‌ای مستقل و مدیریت ریسک و یک کمیته مستقل‌تر توسط کمیساریای مأمور در کمیته‌ی حسابرسی، خواستار پوشش بیش‌تر حسابرسی بوده و در نتیجه هزینه‌ی حسابرسی را افزایش می‌دهد و این مهم زمانی شدت می‌یابد که کمیته‌های مدیریت ریسک و حسابرسی مستقل بتوانند به طور عینی ریسک موجود را ارزیابی کنند. زیرا با افزایش تقاضا برای حسابرسی و جهت پاسخ به آن و برای حفظ کیفیت حسابرسی بالاتر، سبب پرداخت هزینه‌هایی به مأمور کمیساریا و در نهایت افزایش هزینه‌های حسابرسی می‌شود. سلیم و الزوبی (۲۰۱۸) نیز طی پژوهش انجام شده، بیان می‌نمایند که کیفیت حسابرسی و صلاحیت حسابرسی، اندازه، تخصص و استقلال حسابرِس و تأمین مالی بدهی (بدهی کم) پتانسیل مدیریت درآمد را کاهش می‌دهد و به نوبه خود کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. زیرا به طور دائمی بدهی‌های بالا باعث افزایش ریسک مدیریت درآمد می‌شود. آجی منساه (۲۰۱۸) هم طی پژوهشی دریافتند که اثر جایگزینی و مکملی بین حضور مؤسسه‌ی حسابرسی بزرگ (کیفیت حسابرسی بالاتر) و کمیته‌ی حسابرسی اثربخش در افزایش کیفیت افشای اطلاعات مالی (کیفیت گزارشگری مالی) وجود دارد. همچنین گاینور و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از چارچوب محیطی به انجام پژوهش‌هایی پرداختند که در دو حوزه‌ی کیفیت گزار شگری مالی و کیفیت حسابرسی انجام شده بود. به اعتقاد ایشان این دو حوزه همواره مورد علاقه‌ی پژوهشگران بوده و در تحقیقات قبلی، ویژگی‌های مختلفی برای اندازه‌گیری آن‌ها ارایه شده است. آن‌ها با ارائه‌ی مطالب تئوری و با استناد به پژوهش‌های قبلی، وجود رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی را مورد اثبات قرار دادند. راسمین و همکاران، (۲۰۱۴) نیز طی پژوهشی بیان نموده‌اند که نگرانی‌هایی درباره‌ی وجود تمرکز در بازار حسابرسی منجر

شده که بعضی از کشورها بازار حسابرسی بسیار رقابتی و متشکل از مؤسسه‌های کوچک داشته باشد، و وجود این مؤسسه‌های کوچک به حسابرسان انگیزه می‌دهد که برای رقابت به صاحبکاران تخفیف‌های بیش‌تری در حق‌الزحمه‌ی حسابرسی را پیشنهاد بدهند که کاهش کیفیت حسابرسی پیامد چنین فضایی است. بنابراین، حسابرسان برای کسب و یا حفظ شهرت و اعتبار خود برآن هستند که رسیدگی‌های دقیق‌تری انجام داده و از دعاوی حقوقی و محرومیت‌ها اجتناب کنند و کیفیت اطلاعات مالی و گزارشگری مالی را افزایش دهند که در نتیجه آن، شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها افزایش می‌یابد. زیرا حسابرسی با کیفیت‌تر صحت اطلاعات ارایه شده را بهبود می‌بخشد و به سرمایه‌گذاران (ذی‌نفعان) اجازه می‌دهد تا برآورد دقیق‌تری از ارزش شرکت به دست آورند. با افزایش کیفیت حسابرسی این انتظار وجود دارد که احتمال جلوگیری از گزارشگری نتایج متقلبانه افزایش یابد و کیفیت گزارشات مالی بهبود یابد و از طرفی نیوتن و همکاران (۲۰۱۳) طی پژوهشی بیان نمودند که افزایش تمرکز در بازار فعالیت حرفه‌ی حسابرسی باعث کاهش ریسک حسابرسان از نبود صاحبکار می‌شود و به حسابرسان این اطمینان را می‌دهد که فعالیت حسابرسی را با کیفیت بیش‌تری انجام دهند که همین نکته افزایش استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسی را در پی خواهد داشت. سوسانتی سوسنو (۲۰۱۳) به بررسی و تحلیل تجربی استقلال حسابرسان و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداخت که نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که استقلال حسابرسان و هزینه‌ی حسابرسی تأثیر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی دارند و می‌توان با تغییر نگرش‌ها و تعیین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی کافی جهت افزایش کیفیت حسابرسی گام برداشت. فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تنها چند مؤسسه‌ی بزرگ توانایی حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ را دارند. این موضوع به افزایش حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرسان) منتهی می‌شود. چمبرز و پاین (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری به این نتیجه رسیدند که مقدار بازده عملیاتی مربوط به اقلام تعهدی اختیاری رابطه‌ی منفی با کیفیت حسابرسی دارد. آنان در پژوهش خود در خصوص کیفیت حسابرسی و قابلیت اتکای اقلام تعهدی به این نتیجه رسیدند که بالا بودن کیفیت حسابرسی و همچنین به کارگیری قانون ساربینز آکسلی موجب افزایش قابلیت اتکای اقلام تعهدی می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود با افزایش کیفیت حسابرسی، احتمال استفاده از روش‌های قابل تردید حسابداری و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران کاهش یابد که این موضوع افزایش کیفیت گزارشگری مالی را به دنبال خواهد داشت. هتفیلد و همکاران (۲۰۰۷) عقیده دارند که حسابرسان برای جذب و حفظ مشتری، حق‌الزحمه‌ی کمی را دریافت می‌کنند و انتظار دارند تا در سال‌های بعد از طریق افزایش این حق‌الزحمه، زیان‌های سال‌های اول حسابرسی را جبران کنند. بر این اساس، حسابرسان با دوره‌ی تصدی کوتاه ممکن است در سال‌های اول حسابرسی سهل‌انگارتر (دارای کیفیت حسابرسی پایین‌تری) باشند که این امر موجب کاهش کیفیت حسابرسی (و ایجاد تردید در استقلال حسابرسان) و کیفیت کم‌تر سود گزارش شده (و در نهایت منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی) می‌شود. میرز و همکاران (۲۰۰۳) طی پژوهشی کیفیت بالای حسابرسی را در

محدود کردن تصمیم‌های گزارشگری غیرمتعارف مدیریت دانسته‌اند و معتقدند که برای نشان دادن این تصمیم‌های غیرمتعارف، می‌توان از اقلام تعهدی اختیاری استفاده کرد. طرخورانی و همکاران (۱۳۹۹) طی پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت‌گذاری اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده حاکی از این است که کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت‌گذاری اقلام تعهدی تأثیر معناداری دارد. بهبهانی‌نیا و ولی‌زاده لاریجانی (۱۳۹۹) طی پژوهشی به بررسی تأثیر طبقه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی معتمد (کیفیت حسابرسی) بر گزارشگری مالی صاحبکاران پرداخته‌اند که نتایج به‌دست آمده حاکی از این است که بین طبقه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی (کیفیت حسابرسی) و امتیاز افشا و اطلاع رسانی صاحبکار آن رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین براساس نتایج به دست آمده، طبقه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی بر ضریب واکنش به سود تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، این متغیر تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. تحریری و پیری سقرلو (۱۳۹۹) به بررسی عوامل تأثیرگذار بر استقلال حسابرس با توجه به برداشت حسابرسان و مدیران مالی ایرانی از مفهوم زیربنایی استقلال حسابرس در کار حسابرسی پرداختند که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود توافق کلی در مورد شاخص‌های تأثیرگذار بر استقلال حسابرس بین دو گروه حسابرسان و مدیران مالی، تفاوت معنادار بین شدت و میزان تأثیر شاخص‌های مورد بررسی بر استقلال حسابرس و بین دو گروه وجود دارد، به طوری که در مورد تمامی شاخص‌های هفت‌گانه بر آمده از تحلیل عاملی حسابرسان شدت بیش‌تری را قائل بودند. فتحی، (۱۳۹۷)، به بررسی تأثیر مؤلفه‌های استقلال حسابرس بر کیفیت حسابرسی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های حسابرسی صاحبکار، خدمات غیرحسابرسی، وابستگی اقتصادی حسابرس، نقش مدیریت در اقتصاد حسابرس و تعیین حق‌الزحمه‌ی حسابرس از استقلال حسابرس با کیفیت حسابرسی همبستگی مشاهده گردید و با توجه به آزمون رگرسیون بین مؤلفه‌های حسابرسی صاحبکار، خدمات غیرحسابرسی، وابستگی اقتصادی حسابرس و تعیین حق‌الزحمه‌ی حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی خطی وجود دارد ولی رابطه خطی بین کیفیت حسابرسی و مؤلفه‌ی نقش مدیریت در اقتصاد حسابرس مشاهده نگردید. همچنین گرجی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) طی پژوهشی به بررسی تأثیر اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی پژوهش، حاکی از این است که اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرس بر کیفیت حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و در این زمینه نیز اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی بر رابطه‌ی بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با این حال، به گفته حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۵) هر قدر حسابرس از کیفیت، شهرت و نفوذ در بازار حسابرسی و قدرت چانه زنی بیش‌تری برای تعیین حق‌الزحمه برخوردار باشد، بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی او افزوده خواهد شد. براساس یافته‌های فوق، رویکردهای متفاوتی درباره‌ی تأثیر تمرکز در بازار حسابرسی بر حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی وجود دارد. نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی

بین حق‌الزحمه و تجربه‌ی حسابر با کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند که نتایج آن حاکی از این است که تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابر با کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش انجام شده از نظر ماهیت و محتوایی همبستگی می‌باشد. انجام پژوهش در چارچوب استدلال‌های استقرایی صورت گرفته است و پژوهش حاضر بر اساس ماهیت در زمره‌ی پژوهش‌های توصیفی (غیرآزمایشی) و همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون چند متغیره قرار دارد. در این رابطه تعداد ۳۱ شرکت به عنوان جامعه‌ی هدف و همه‌ی آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. از این رو مشاهده‌ها طی بازه‌ی زمانی ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۸ به ۱۵۵ سال شرکت (۵ سال × ۳۱ شرکت) می‌رسد. با توجه به تعداد نمونه که بیش از سی شرکت می‌باشد و انجام آزمون نرمال بودن جامعه‌ی آماری، در این پژوهش از روش‌های آماری پارامتریک استفاده شده است. پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های پس رویدادی است. در این روش، داده‌ها از محیطی به طور طبیعی که حاصل نتیجه و وقایع گذشته هستند، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود. در پژوهش پیش‌رو نیز اطلاعات گذشته مربوط به جامعه‌ی مورد پژوهش از صورت‌های مالی هر یک از شرکت‌های بیمه‌ای در ایران جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای خلاصه کردن داده‌ها و اطلاعات و برای محاسبه متغیرهای پژوهش، از نرم‌افزار Excel و برای آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار Spss و Eviews استفاده شده است.

۱-۳- جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، کلیه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای بوده است. بدین منظور، اطلاعات مالی استخراج شده از گزارش‌های مالی ۳۱ شرکت بیمه‌ای واقع در ایران برای سال‌های ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۸ شامل: ایران، آسیا، البرز، دانا، معلم، اتکایی امین، آسماری، تجارت نو، پارسیان، کارآفرین، رازی، سینا، ملت، امید، متقابل اطمینان متحد قشم، حکمت صبا، دی، سامان، نوین، پاسارگاد، میهن، حافظ، اتکایی ایرانیان، زندگی خاورمیانه، کوثر، ما، آرمان، تعاون، سرمد، ایران معین و متقابل کیش می‌باشد.

۲-۳- فرضیه‌ها، مدل‌های آماری و متغیرها

در این پژوهش از روش توصیفی برای طبقه‌بندی و گردآوری داده‌ها و اطلاعات استفاده شده است و از تحلیل همبستگی برای بررسی تغییرات یک متغیر بر سایر متغیرها استفاده می‌شود و از ضریب همبستگی پیرسون برای وجود همبستگی بین متغیرها استفاده شده است که با توجه به ادبیات نظری و اهداف پژوهش، فرضیه‌ها و مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: **فرضیه‌ی اصلی** و مدل آماری پژوهش: «بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابر و حق‌الزحمه‌ی حسابر با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد». در این پژوهش جهت تبیین وجود رابطه بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابر و حق‌الزحمه‌ی حسابر با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای (بررسی ارزشی بین هریک از متغیرهای پژوهش) از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود.

رابطه‌ی (۱)

$$FRQ_{it} = \alpha_0 + \beta_1 A\,QUA_{it} + \beta_2 A\,IND_{it} + \beta_3 LNA\,FEE_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

فرضیه‌ی فرعی اول و مدل آماری: «بین کیفیت حسابرسی، با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد».

رابطه‌ی (۲)

$$FRQ1_{it} = \alpha_0 + \beta_1 A\,QUA_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

فرضیه‌ی فرعی دوم و مدل آماری: «بین استقلال حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معناداری وجود دارد».

رابطه‌ی (۳)

$$FRQ2_{it} = \alpha_0 + \beta_1 A\,IND_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

فرضیه‌ی فرعی سوم و مدل آماری: «بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معناداری وجود دارد».

رابطه‌ی (۴)

$$FRQ3_{it} = \alpha_0 + \beta_1 LNA\,FEE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

اجزای مدل فرضیه‌ی اصلی عبارتند از:

FRQ_{it} : متغیر وابسته، کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد که در این پژوهش برای ارزیابی آن از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است.

رابطه‌ی (۵)

$$TAC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 CFO_{it-1} + \beta_2 CFO_{it} + \beta_3 CFO_{it+1} + \beta_4 \Delta REV_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \xi_{it}$$

$$FRQ_{it} = \xi_{it}$$

TAC_{it} : اقلام تعهدی تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره می‌باشد که از فرمول زیر محاسبه می‌گردد.

$$TAC_{it} = (\Delta CA_{it} - \Delta CASH_{it}) - (\Delta CL_{it} - \Delta STD_{it}) - DEP_{it} \quad \text{رابطه‌ی (۶)}$$

ΔCA_{it} : نشان دهنده‌ی تغییرات در دارایی جاری نسبت به دوره قبل.

$\Delta CASH_{it}$: نشان دهنده‌ی تغییرات در موجودی نقد دوره جاری نسبت به دوره‌ی قبل.

ΔCL_{it} : نشان دهنده‌ی تغییرات در بدهی جاری نسبت به دوره قبل.

ΔSTD_{it} : نشان دهنده‌ی تغییرات در تسهیلات کوتاه مدت مالی دریافتی نسبت به دوره‌ی قبل.

DEP_{it} : هزینه‌ی استهلاك دارایی‌های ثابت می‌باشد.

CFO_{it} : جریان نقد عملیاتی تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره.

ΔREV_{it} : تغییرات درآمد تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره.

PPE_{it} : دارایی‌های ثابت مشهود تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره.

$FRQ_{it} = \xi_{it}$: مدل فوق برای هر سال شرکت برآورد و عکس انحراف استاندارد سه ساله جز خطا

به عنوان متغیر کیفیت اطلاعات حسابداری یا گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود. $AQUA_{it}$: متغیر مستقل، کیفیت حسابداری می‌باشد. به این صورت که اگر حسابرس شرکت سازمان حسابداری و یا در زمره‌ی مؤسسه‌های حسابداری با درجه‌ی کیفیت «الف» که توسط جامعه‌ی رسمی حسابداری ایران اسامی آن بیان شده است باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته شده است.

$AIND_{it}$: متغیر مستقل، استقلال حسابرس می‌باشد. براساس بند ۱۱-۱۶ بخش ب احکام قابل اجرا توسط حسابداران رسمی شاغل، در آیین رفتار حرفه‌ای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران (۱۳۸۲)، در رابطه با میزان حق الزحمه و استقلال حسابرس، این‌گونه بیان شده است که «حسابدار رسمی شاغل باید توجه کند در صورتی که بخش عمده‌ای از درآمدهای سالانه وی به طور مستمر از طریق یک صاحبکار یا گروهی از صاحبکاران مرتبط تأمین می‌شود، چنین وضعیتی می‌تواند موجب بروز شک و ابهام نسبت به استقلال وی گردد. اگرچه رعایت ملاحظات استقلال از مسئولیت‌های حسابدار رسمی است اما در هر صورت تحصیل بیش از ۲۵ درصد درآمدهای مستمر سالانه یک حسابدار رسمی یا مؤسسه‌ی حسابداری از یک صاحبکار یا گروه صاحبکار خاص، برای مدتی بیش از ۲ سال مجاز نیست». پس، بر این اساس در پژوهش فوق از نسبت درآمد حق الزحمه‌ی دریافتی سالانه هر مؤسسه‌ی حسابداری نسبت به کل درآمد ابرازی در آن سال و از رابطه‌ی زیر استفاده شده است. در این خصوص هرچه میزان درآمد سالیانه‌ی یک مؤسسه‌ی حسابداری از یک صاحبکار یا گروه صاحبکار کمتر از ۲۵ درصد درآمد سال باشد (و با کسر آن در مدل آماری زیر از عدد یک) در صورتی که عدد به‌دست آمده از رابطه‌ی فوق ۷۵ درصد و بیش از آن و نزدیک‌تر به عدد یک یا ۱۰۰٪ باشد، یعنی الزامات درجه شده در بند ۱۱-۱۶ آیین رفتار حرفه‌ای رعایت شده و مؤسسه‌ی حسابداری دارای استقلال نسبی مناسب نسبت به آن شرکت در آن دوره می‌باشد، و از طرفی به دلیل مجازی بودن متغیر فوق عدد یک لحاظ می‌شود و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته شده است که در این زمینه می‌توان از رابطه‌ی زیر استفاده نمود.

$$RIND_{it} = 1 - \frac{A INC_{it}}{A TC_{it}} \times 100\% \quad (\text{رابطه ۷})$$

$RIND_{it}$: درصد استقلال نسبی از نظر درآمد مؤسسه‌ی حسابداری نسبت به آن صاحبکار در سال مورد نظر،

$A INC_{it}$: درآمد حسابداری آن مؤسسه‌ی حسابداری از آن صاحبکار در سال مورد نظر،
 $A TC_{it}$: درآمد کل حسابداری آن مؤسسه‌ی حسابداری از تمامی صاحبکاران در سال مورد نظر،
 $LNA FEE_{it}$: متغیر مستقل، حق الزحمه‌ی حسابداری است. حق الزحمه‌ی حسابداری شامل هرگونه وجهی است که بابت ارائه‌ی خدمات حسابداری و طبق توافق یا قرارداد به حسابرس یا مؤسسه‌ی حسابداری پرداخت می‌شود. مبلغ حق الزحمه‌ی حسابداری از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و از بخش هزینه‌های اداری و عمومی استخراج شده است، و از لگاریتم طبیعی میزان حق الزحمه‌ی حسابداری استفاده شده است (آگوستین، ۲۰۱۴؛ ووتن، ۲۰۰۳ و کراسول و همکاران، ۲۰۰۲).

SIZE_{it}: متغیر کنترلی، اندازه‌ی مؤسسه مورد رسیدگی می‌باشد. که از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها استفاده کرده است. از آن جایی که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی تابع میزان زمان صرف شده جهت انجام حسابرسی می‌باشد. در شرکت‌های بزرگ با وجود کنترل‌های داخلی قوی حسابرسان به دلیل حجم معاملات و دارایی‌های زیاد این شرکت‌ها و پیچیدگی عملیات حسابرسی مورد نیازشان، زمان بیش‌تری صرف عملیات حسابرسی کرده و در نتیجه حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بالاتری طلب می‌کنند. اما شرکت‌های کوچک به دلیل سادگی کارشان حق‌الزحمه حسابرسی کم‌تری پرداخت می‌کنند. بنابراین انتظار می‌رود که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با اندازه‌ی شرکت در ارتباط باشد (مهرانی، اوانکی، ۱۳۹۰).

ROA_{it}: متغیر کنترلی، بازده دارایی که از طریق تقسیم سود عملیاتی سالیانه به کل دارایی شرکت محاسبه و به صورت درصد بیان می‌شود. سودآوری شرکت اغلب به عنوان معیاری جهت ریسک حسابرسی مطرح می‌شود. زیرا این امر در اظهارنظر حسابرِس در مورد تداوم فعالیت بخش‌هایی از شرکت که با زیان مواجه بوده‌اند، بازتاب پیدا می‌کند. پس، انتظار می‌رود ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی و بازده دارایی‌ها معکوس باشد (طالب تبار، ۱۳۹۰).

LEV_{it}: متغیر کنترلی از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها به‌دست می‌آید. شرکت‌های با اهرم مالی بالا احتمال ورشکستگی بالایی دارند که وظیفه‌ی حسابرِس در این مورد افشای هزینه‌های حقوقی بالقوه و از این قبیل می‌باشد. پس انتظار می‌رود که اهرم مالی بیش‌تر، رابطه‌ی مثبتی با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی داشته باشد (همان).

ε_{it}: خطای معادله‌ی رگرسیون می‌باشد.

۳-۳- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، جهت تحلیل داده‌ها ابتدا با محاسبه‌ی آمار توصیفی به بررسی و تحلیل شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین، میانه، شاخص‌های پراکندگی، انحراف معیار چولگی و کشیدگی پرداخته و در ادامه نیز، جهت سنجش نرمال بودن جامعه آماری مورد بررسی، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از روش تحلیل پانلی استفاده شده است. در این مدل وجود یا عدم وجود اثرات و ثابت یا تصادفی بودن اثرات در مدل‌ها بررسی و در نهایت مناسب‌ترین مدل انتخاب و برآورد شده است. در ادامه آزمون‌های پیش فرض جهت برازش رگرسیون، مانند آزمون نرمال بودن جزء اخلال باقی مانده‌های رگرسیون، مانا بودن متغیرها، نداشتن خود همبستگی، عدم وجود ناهمسانی واریانس و نداشتن هم‌خطی بین متغیرهای مستقل با انجام آزمون‌های مناسب بررسی شده است. در صورت نقض هر کدام از پیش فرض‌ها راهکار مناسبی جهت رفع مشکل لحاظ شده است. مبنای استنباط در این پژوهش از روی سطح معناداری یا مقدار احتمال به‌دست آمده از نتایج تحلیل آماری پژوهش می‌باشد. بدین گونه که هرگاه مقدار احتمال یا سطح معناداری آزمون کم‌تر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر در سطح ۹۵٪ اطمینان رد شده و فرض یک مورد قبول واقع می‌شود.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی

هدف از این بخش محاسبه پارامترهای جامعه‌ی آماری است. همان‌گونه که از جدول ۱ مشاهده می‌شود کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابداری، استقلال حسابرسان، حق‌الزحمه‌ی حسابرسان و بازده کل دارایی‌های شرکت دارای چولگی مثبت و به سمت راست و متغیرهای مستقل اندازه‌ی شرکت و اهرم مالی دارای چولگی منفی و به سمت چپ هستند. از سوی دیگر از مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیرها به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است که با توجه به این که هیچ یک از متغیرها دارای انحراف معیار صفر نمی‌باشد. پس نشان‌دهنده‌ی این مطلب است، که متغیرهای پژوهش دارای شرایط مطلوب برای وارد کردن به مدل رگرسیونی پژوهش می‌باشند. تحلیل صورت پذیرفته نشان می‌دهد که اندازه‌ی شرکت دارای بیش‌ترین انحراف معیار و بازده کل دارایی‌ها دارای کم‌ترین انحراف معیار می‌باشد. همچنین حق‌الزحمه‌ی حسابرسان دارای کم‌ترین پراکندگی بوده و استقلال حسابرسان دارای بیش‌ترین میزان پراکندگی می‌باشد.

جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام و تعداد متغیرها			شاخص‌های مرکزی			شاخص‌های کشیدگی		
نام متغیر	نماد متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	کمینه	بیشینه
کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	۱۵۵	۱/۵۶۸۵	۱/۰۹۳۵۰	۰/۷۱۷	۰/۱۴۵	۰/۶۵	۰/۳۴
کیفیت حسابداری	A QUA	۱۵۵	۰/۱۹۳۵	۰/۳۹۶۳۶	۱/۵۶۷	۰/۴۶۰	۰	۱
استقلال حسابرسان	A IND	۱۵۵	۰/۹۰۳۲	۰/۲۹۶۶۱	۲/۷۵۴	۵/۶۶۰	۰	۱
حق‌الزحمه‌ی حسابرسان	LNA FEE	۱۵۵	۷/۰۵۶۷	۰/۶۸۲۶۲	۰/۳۱۷	-۰/۰۸۲	۵/۳۰	۸/۶۱
اندازه‌ی شرکت	SIZE	۱۵۵	۶/۵۵۲۲	۱/۴۴۴۵۶	-۲/۵۸۸	۱۴/۱۹۸	۰	۸/۳۴
بازده کل دارایی‌ها	ROA	۱۵۵	۰/۰۴۹۳	۰/۰۵۱۰۴	۲/۱۹۵	۷/۱۴۰	۰	۰/۳۳
اهرم مالی	LEV	۱۵۵	۰/۶۹۰۹	۰/۲۷۲۲۸	-۱/۱۳۴	۰/۳۱۷	۰	۱/۰۸

۴-۲- تحلیل همبستگی پیرسون

به منظور بررسی جهت و شدت همبستگی خطی بین متغیرهای پژوهش به ویژه متغیر وابسته با هر یک از متغیرهای مستقل و کنترلی مورد استفاده در آزمون‌های پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده و نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است. چراکه ضریب همبستگی ابزاری آماری برای تعیین نوع، درجه و جهت رابطه‌ی بین یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است. لذا برای تعیین شدت همبستگی خطی بین متغیرهای پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج به‌دست آمده از جدول ۲، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کیفیت گزارشگری مالی نسبت به متغیرهای مستقل کیفیت حسابداری، استقلال حسابرسان و حق‌الزحمه‌ی حسابرسان به ترتیب با احتمال (۰/۰۰۷)، (۰/۰۳۱) و (۰/۰۱۰) و ضریب آن به ترتیب (۰/۹۳۶)، (۰/۷۰۲) و

(۰/۱۰۸) کوچک‌تر از احتمال ۰/۰۵ و دارای رابطه‌ی معنادار مستقیم (مثبت) می‌باشد. همچنین کیفیت در گزارشگری مالی با متغیرهای کنترلی اندازه‌ی شرکت و بازده کل دارایی‌ها با احتمال (۰/۰۰۰) و (۰/۰۴۷) و ضرایب آن به ترتیب (۰/۲۸۰) و (۰/۵۵۸) کوچک‌تر از احتمال ۰/۰۵ و دارای رابطه‌ی معنادار مستقیم (مثبت) می‌باشد و متغیر کنترلی اهرم مالی با احتمال (۰/۰۷۰) بزرگ‌تر از احتمال ۰/۰۵ و دارای رابطه بی معنی با کیفیت در گزارشگری مالی می‌باشد.

جدول (۲) تحلیل همبستگی متغیرهای پژوهش

شرح	نماد متغیر	FRQ	A QUA	A IND	LNA FEE	SIZE	ROA	LEV
کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	۱ -						
کیفیت حسابرسی	A QUA	۰/۹۳۶ ۰/۰۰۷	۱ -					
استقلال حسابرِس	A IND	۰/۷۰۲ ۰/۰۳۱	۰/۱۶۰ ۰/۰۴۶	۱ -				
حق‌الزحمه‌ی حسابرسی	LNA FEE	۰/۱۰۸ ۰/۰۱۰	۰/۳۰۳ ۰/۰۰۰	۰/۲۲۳ ۰/۰۰۵	۱ -			
اندازه‌ی شرکت	SIZE	۰/۲۸۰ ۰/۰۰۰	۰/۲۵۸ ۰/۰۰۱	۰/۱۲۳ ۰/۰۰۱	۰/۴۳۶ ۰/۰۰۰	۱ -		
بازده کل دارایی‌ها	ROA	۰/۵۵۸ ۰/۰۴۷	۰/۰۳۷ ۰/۰۰۳	۰/۰۲۵ ۰/۰۵۱	۰/۰۷۶ ۰/۳۴۸	۰/۰۴۷ ۰/۰۵۶	۱ -	
اهرم مالی	LEV	۰/۱۷۳ ۰/۰۷۰	۰/۰۷۸ ۰/۳۳۵	۰/۲۱۳ ۰/۰۰۸	۰/۴۴۳ ۰/۰۰۰	۰/۶۵۷ ۰/۰۰۰	۰/۲۹۶ ۰/۰۰۰	۱ -

۱-۲-۴- تحلیل یافته‌ها و بررسی نکوبی برازش مدل فرضیه‌ی اول

فرضیه‌ی فرعی اول پژوهش؛ «بین کیفیت حسابرسی، با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معناداری وجود دارد»، مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج به‌دست آمده از برازش مدل رگرسیون پژوهش در جدول ۳ ارائه شده‌است:

جدول (۳) نتایج برازش مدل رگرسیون فرضیه فرعی اول پژوهش

عنوان متغیر	متغیر	مقدار ضریب	ضریب استاندارد شده	آماره محاسبه شده t	احتمال	نتیجه	VIF
کیفیت حسابرسی	A QUA	۰/۱۹۹	۰/۰۷۲	۰/۸۸۵	۰/۰۳۷۸	مثبت و معنادار	۱/۰۸۹
اندازه‌ی شرکت	SIZE	۰/۲۳۱	۰/۳۰۵	۲/۶۶۸	۰/۰۰۸	مثبت و معنادار	۲/۱۳۸
بازده کل دارایی‌ها	ROA	۰/۶۸۹	۰/۰۳۲	۰/۳۷۰	۰/۰۴۱	مثبت و معنادار	۱/۲۳۵
اهرم مالی	LEV	۰/۰۴۹	۰/۰۱۲	۰/۱۰۴	۰/۹۱۷	بی معنی	۲/۲۰۳
دوربین واتسون	۱/۶۱۵	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۰۶۰	۰/۰۸۴	ضریب تعیین	
R ^۲	۰/۲۹۰	مقدار احتمال F		۰/۰۱۰	۳/۴۴۹	مقدار F	
$FRQ_{it} = ۰.۰۹۵ + ۰.۱۹۹ AQUA_{it} + ۰.۲۳۱ SIZE_{it} + ۰.۶۸۹ ROA_{it} + ۰.۰۴۹ LEV_{it} + \xi$							

معناداری مدل فرضیه‌ی فرعی اول

H: بین کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

H_۱: بین کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

در جدول فوق مدل با اثرات ثابت برآورد شده است که مقدار احتمال معناداری F در نکویی برازش کل مدل، برابر با ۰/۰۱ است که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ بوده، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی با سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل فرضیه معنادار می‌باشد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کیفیت حسابرسی با احتمال (۰/۰۳۷۸) و آماره‌ی محاسبه شده‌ی T با مقدار (۰/۸۸۵) دارای رابطه‌ی معنادار و مستقیم (مثبت) با کیفیت در گزارشگری مالی می‌باشد و با توجه به این مهم که عامل تورم واریانس (VIF) کمتر از ۵ و بیش‌تر نزدیک به یک است می‌توان نتیجه گرفت بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد.

۲-۴- تحلیل یافته‌ها و بررسی نکویی برازش مدل فرضیه‌ی فرعی دوم

فرضیه‌ی فرعی دوم «بین استقلال حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معناداری وجود دارد»، مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج به‌دست آمده از برازش مدل رگرسیون پژوهش در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول (۴) نتایج برازش مدل رگرسیون فرضیه فرعی دوم پژوهش

عنوان متغیر	متغیر	مقدار ضریب	ضریب استاندارد شده	آماره محاسبه شده t	احتمال	نتیجه	VIF
استقلال حسابررس	A IND	۰/۰۱۰	۰/۰۰۳	۰/۰۳۲	۰/۰۰۷	مثبت و معنادار	۱/۰۵۱
اندازه شرکت	SIZE	۰/۲۱۰	۰/۲۷۷	۲/۵۱۳	۰/۰۰۹	مثبت و معنادار	۱/۹۸۵
بازده کل دارایی‌ها	ROA	۰/۷۴۶	۰/۰۳۵	۰/۳۹۹	۰/۰۰۱	مثبت و معنادار	۱/۲۳۷
اهرم مالی	LEV	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۱۴	۰/۰۰۶	مثبت و معنادار	۲/۲۴۱
دوربین واتسون	۱/۵۹۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۵۵	۰/۰۷۹	ضریب تعیین		
R ^۲	۰/۲۸۲	مقدار احتمال F	۰/۰۱۴	۳/۲۳۶	مقدار F		
$FRQ_{it} = 0.143 + 0.010 AIND_t + 0.210 SIZE_t + 0.746 ROA_t + 0.007 LEV_t + \xi_t$							

معناداری مدل فرضیه فرعی دوم

H: بین استقلال حسابررس با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

H_۱: بین استقلال حسابررس با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

در جدول فوق مدل با اثرات ثابت برآورد شده است که مقدار احتمال معناداری F در نکویی برازش کل مدل، برابر با ۰/۰۱۴ است که این مقدار کم‌تر از ۰/۰۵ بوده. بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. یعنی با سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل فرضیه معنادار می‌باشد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کیفیت حسابرسی با احتمال (۰/۰۰۷) و آماره‌ی محاسبه شده‌ی T با مقدار (۰/۰۳۲) دارای رابطه‌ی معنادار و مستقیم (مثبت) با کیفیت در گزارشگری مالی می‌باشد و با توجه به این مهم که عامل تورم واریانس (VIF) کم‌تر از ۵ و بیش‌تر نزدیک به یک است می‌توان نتیجه گرفت بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد.

۳-۲-۴- تحلیل یافته‌ها و بررسی نکویی برازش مدل فرضیه‌ی سوم

فرضیه‌ی فرعی سوم «بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه، رابطه‌ی معناداری وجود دارد». مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به‌دست آمده از برازش مدل رگرسیون پژوهش در جدول ۵ ارائه شده است:

جدول (۵) نتایج برازش مدل رگرسیون فرضیه فرعی سوم پژوهش

عنوان متغیر	متغیر	مقدار ضریب	ضریب استاندارد شده	آماره محاسبه شده t	احتمال	نتیجه	VIF
حق‌الزحمه‌ی حسابرسی	LNA FEE	۰/۰۲۳	۰/۰۱۴	۰/۱۶۲	۰/۰۰۸	مثبت و معنادار	۱/۳۰۵
اندازه‌ی شرکت	SIZE	۰/۲۱۳	۰/۲۸۱	۲/۴۹۶	۰/۰۰۱	مثبت و معنادار	۲/۰۷۰
بازده کل دارایی‌ها	ROA	۰/۷۴۰	۰/۰۳۵	۰/۳۹۷	۰/۰۰۶	مثبت و معنادار	۱/۲۳۴
اهرم مالی	LEV	۰/۰۱۹	۰/۰۰۵	۰/۰۴۱	۰/۰۰۶	بی معنی	۲/۲۶۳
دوربین واتسون	۱/۶۰۲	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۵۵	۰/۰۸۰	ضریب تعیین		
R ^۲	۰/۲۸۲	مقدار احتمال F	۰/۰۱۴	۳/۲۴۳	مقدار F		
FRQ _{۱۱} = ۰.۲۸۷ + ۰.۰۲۳ AFEE _۱ + ۰.۲۱۳ SIZE _۱ + ۰.۷۴۰ ROA _۱ + ۰.۰۱۹ LEV _۱ + ε _۱							

معناداری مدل فرضیه‌ی فرعی سوم

H_۱: بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

H_۱: بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

در جدول فوق مدل با اثرات ثابت برآورد شده است؛ که مقدار احتمال معناداری F در نکویی برازش کل مدل، برابر با ۰/۰۱۴ است که این مقدار کم‌تر از ۰/۰۵ بوده، بنابر این فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی با سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل فرضیه معنادار می‌باشد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کیفیت حسابرسی با احتمال (۰/۰۰۸) و آماره‌ی محاسبه شده‌ی T با مقدار (۰/۱۶۲) دارای رابطه‌ی معنادار و مستقیم (مثبت) با کیفیت در

گزارشگری مالی می‌باشد و با توجه به این مهم که عامل تورم واریانس (VIF) کم‌تر از ۵ و بیش‌تر نزدیک به یک است می‌توان نتیجه گرفت بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد.

۳-۴- خلاصه و اهم نتایج مدل و آزمون فرضیه‌ها

هدف اصلی این پژوهش بررسی وجود رابطه بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد. فرضیه‌های پژوهش براساس اطلاعات گردآوری شده از صورت‌های مالی شرکت‌های بیمه مربوط به ۳۱ شرکت در ۵ سال متوالی از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ که در جدول ۶ خلاصه شده‌اند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول (۶) خلاصه نتایج نکویی برازش مدل‌های فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش	شرح فرضیه‌های پژوهش	قبول یا رد	جهت
فرضیه‌ی فرعی اول	بین کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد	قبول	مستقیم (مثبت)
فرضیه‌ی فرعی دوم	بین استقلال حسابرس با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد	قبول	مستقیم (مثبت)
فرضیه‌ی فرعی سوم	بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معناداری وجود دارد	قبول	مستقیم (مثبت)
فرضیه‌ی اصلی	بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه رابطه‌ی معناداری وجود دارد	قبول	—

در این پژوهش متغیر وابسته، کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد که برای ارزیابی آن از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است و کیفیت حسابرسی نیز متغیر مستقل اول بوده که یک متغیر مجازی می‌باشد. استقلال حسابرس نیز متغیر مستقل دوم بوده که بر اساس بند ۱۱-۱۶ بخش ب احکام قابل اجرا توسط حسابداران رسمی شافل، در آیین رفتار حرفه‌ای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران (۱۳۸۲)، مبنای محاسبه قرار گرفته است و در نهایت متغیر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی به عنوان متغیر مستقل سوم با استفاده از لگاریتم طبیعی میزان حق‌الزحمه حسابرسی می‌باشد. برای ارزیابی آن از مدل آگوستین (۲۰۱۴) وتن (۲۰۰۳) و کراسول و همکاران (۲۰۰۲) استفاده و مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای کنترلی استفاده شده در این پژوهش نیز به ترتیب متغیر اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی شرکت می‌باشد. بدین منظور سه فرضیه فرعی تبیین و هر سه مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرضیه‌ی اصلی هم مورد تأیید قرار گرفته است.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همان‌گونه که در طی پژوهش بیان شد، با توجه به وجود تضاد منافع بین مدیریت بنگاه‌های

تجاری و استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) از گزارش‌های مالی، کیفیت گزارشگری مالی منجر به سودمندی در اتخاذ تصمیم آگاهانه توسط استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) درباره‌ی سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های تجاری شده و میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسی مناسب، حفظ استقلال حسابرِس و افزایش کیفیت حسابرسی می‌تواند در این راستا منجر به کاهش تصمیم‌های گزارشگری نامعقول مدیریت در رابطه با کیفیت سود و در نتیجه افزایش کیفیت گزارشگری مالی بنگاه تجاری شود، و از طرفی می‌تواند سبب امکان ایجاد وابستگی اقتصادی میان حسابرِس و صاحبکار و فراهم آوردن موجبات بروز تردیدی اساسی درباره‌ی استقلال حسابرِس و پایین آمدن کیفیت حسابرسی و تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شده که این امر در نهایت می‌تواند سبب کاهش اعتماد عمومی (ذی‌نفعان) نسبت به نقش اعتباردهی حسابرسان و کاهش کیفیت گزارشگری مالی شود. لذا هدف از پژوهش حاضر، تبیین وجود رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرِس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای در ایران بوده که به منظور دستیابی به هدف پژوهش، دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. بنابراین نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیات پژوهش انجام شده حاکی از آن می‌باشد که بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران، رابطه‌ای معنادار و مستقیم (مثبت) وجود دارد. فرضیه‌ی اول فرعی مورد تأیید قرار گرفت که نتایج به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی قبلی انجام شده توسط سلیم و الزوبی (۲۰۱۸) که بیان می‌نماید کیفیت حسابرسی و صلاحیت حسابرسی کیفیت گزارشگری را افزایش می‌دهد؛ آجی منساه (۲۰۱۸) که عنوان می‌نماید کیفیت حسابرسی بالاتر و کمیته‌ی حسابرسی اثر بخش در افزایش کیفیت افشای گزارشگری مالی اثر مکملی دارد، گاینور و همکاران (۲۰۱۶)، راسمین و همکاران، (۲۰۱۴) که بیان نمود حسابرسان برای حفظ شهرت و اعتبار خود بر آن هستند که رسیدگی دقیق‌تری انجام داده و کیفیت گزارشگری مالی افزایش دهند، چمبرز و پابن (۲۰۰۸) که بیان کردند کیفیت حسابرسی با اقلام تعهدی رابطه‌ی منفی دارند و افزایش کیفیت حسابرسی باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود، میرز و همکاران (۲۰۰۳) که عنوان نمودند کیفیت بالای حسابرسی را در محدود کردن تصمیم‌های گزارشگری غیر متعارف مدیریت است، بهبهانی نیا و همکاران (۱۳۹۹) که بیان کردند بین طبقه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی (کیفیت حسابرسی) و امتیاز افشا و اطلاع رسانی صاحبکار رابطه معناداری وجود دارد، همخوانی دارد. همچنین بین استقلال حسابرِس و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران، رابطه‌ای معنادار و مستقیم (مثبت) وجود دارد و فرضیه‌ی فرعی دوم نیز مورد تأیید قرار گرفت که نتایج به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی قبلی انجام شده توسط نیوتن و همکاران (۲۰۱۳) که بیان نمودند افزایش تمرکز در بازار فعالیت حرفه‌ی حسابرسی باعث کاهش ریسک حسابرسان می‌شود و به حسابرسان این اطمینان را می‌دهد که فعالیت حسابرسی را باکیفیت بیش‌تری انجام داده و افزایش استقلال حسابرِس و کیفیت حسابرسی را در پی دارد و همچنین سلیم و الزوبی (۲۰۱۸) که بیان کردند استقلال حسابرِس و تأمین مالی بدهی پتانسیل مدیریت درآمد را

کاهش می‌دهد و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد و راسمین و همکاران (۲۰۱۴)، که طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که وجود مؤسسه‌های کوچک به حساب‌رسان انگیزه می‌دهد که برای رقابت، به صاحبکاران تخفیف‌های بیش‌تری در حق‌الزحمه‌ی حسابرسی باید پیشنهاد شود که کاهش کیفیت حسابرسی را در بر دارد، و فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) که طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تنها چند مؤسسه‌ی بزرگ توانایی حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ را دارند و این موضوع به افزایش حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرس) منتهی می‌شود و فتحي (۱۳۹۷) که بیان نمود بین مؤلفه استقلال حسابرس بر کیفیت حسابرسی همبستگی وجود دارد، همخوانی دارد. در نهایت بین حق‌الزحمه‌ی حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران، رابطه‌ای معنادار و مستقیم (مثبت) وجود دارد و فرضیه‌ی فرعی سوم نیز مورد تأیید قرار گرفت که البته یکی از عوامل مهم آن را می‌توان، الزامات اجباری حاکم بر شرکت‌های بیمه‌ای از طرف بیمه مرکزی و استقرار نظام حاکمیت شرکتی مناسب در شرکت‌های بیمه‌ای از جمله استقرار کمیته‌ی حسابرسی و حسابرس داخلی مناسب و انتخاب سازمان حسابرسی و مؤسسه‌های حسابرسی با درجه‌ی کیفیتی بالا و مسلط به پیچیدگی‌های خاص صنعت بیمه و پرداخت حق‌الزحمه‌ی مناسب با مخاطرات و خدمات ارائه شده می‌توان بیان نمود. نتایج به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی قبلی انجام شده لاراسیتی و همکاران (۲۰۱۹) که بیان نمودند بین کاهش ریسک کمیته‌ی حسابرسی و هزینه‌ی حسابرسی رابطه‌ی معنادار وجود دارد، مترا، جگی و الحیال (۲۰۱۹) که دریافتند که وجود هیأت مدیره اثربخش سبب تقاضای بیش‌تر برای حسابرسی با کیفیت شده و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در این شرکت‌ها افزایش می‌یابد، سوسانتی سوسنو (۲۰۱۳) که نشان داد استقلال حسابرس و هزینه‌ی حسابرسی تأثیر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی دارند، فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) که طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تنها چند مؤسسه‌ی بزرگ توانایی حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ را دارند و این موضوع به افزایش حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرس) منتهی می‌شود، هتفیلد و همکاران (۲۰۰۷) که بر این عقیده بودند که حساب‌رسان برای جذب و حفظ مشتری، حق‌الزحمه‌ی کمی را دریافت می‌کنند و انتظار دارند تا در سال‌های بعد از طریق افزایش این حق‌الزحمه، زبان‌های سال‌های اول حسابرسی را جبران کنند، هویتاش و همکاران (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که طبق دیدگاهی حق‌الزحمه‌های بالا می‌تواند از طریق افزایش تلاش‌های حساب‌رسان منجر به افزایش کیفیت حسابرسی شود، گرجی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) که نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی پژوهش حاکی از این است که اندازه مؤسسه‌ی حسابرسی و تغییر حق‌الزحمه حسابرس بر کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد، حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۵) که به این نتیجه رسیدند هر قدر حسابرس از کیفیت، شهرت و نفوذ در بازار حسابرسی و قدرت چانه زنی بیش‌تری برای تعیین حق‌الزحمه برخوردار باشد، بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی او افزوده خواهد شد و نتایج پژوهش نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵) که حاکی از آن بود که تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرس با کیفیت حسابرسی رابطه‌ی معنادار وجود دارد، همخوانی دارد. پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرضیه‌ی اصلی پژوهش

هم مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین حسابرسی در طی عمر نه چندان طولانی خود با چالش‌های فراوانی رو به رو می‌باشد که یکی از مهم‌ترین چالش‌ها حفظ استقلال حسابرسی و کیفیت حسابرسی انجام شده می‌باشد. زیرا از یک طرف حسابرسی، حق‌الزحمه‌ی خود را از صاحبکار دریافت می‌کند و از طرف دیگر باید در مورد کار او اظهار نظر کند و این امر باعث شده تا همواره استقلال حسابرسی، کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی یکی از موضوعات مورد بحث در پژوهش‌های اخیر و مورد توجه پژوهشگران باشد. لذا با توجه به نتایج این پژوهش که حاکی از وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم (مثبت) کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرسی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای است، بنابراین توصیه می‌شود نهادهای نظارت‌کننده بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، با استقرار سازوکارهای مناسب از جمله تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت مبادرت نموده و نیز شرکت‌های مشابه که در خصوص حوزه‌های تخصصی و صنعت خاصی فعالیت می‌کنند و به مانند شرکت‌های بیمه‌ای نظام راهبری شرکتی که از ارکان آن کمیته‌ی حسابرسی و حسابرسی داخلی مناسب است را پیاده‌سازی نمایند و در انتخاب اعضای کمیته و نحوه‌ی سنجش حسابرسی داخلی مؤلفه‌های شایستگی مدنظر قرار گیرد تا تمهیدات لازم را برای کاهش وابستگی اقتصادی حسابرسی به صاحبکار و به تبع آن افزایش استقلال حسابرسی و کیفیت حسابرسی و در نهایت افزایش کیفیت گزارشگری مالی را فراهم آورند که در ادامه پیشنهادهایی در ارتباط با انتخاب حسابرسی مستقل و ارجاع کار به وی جهت حفظ استقلال حسابرسی و بالا بردن سطح کیفیت حسابرسی به شرح زیر بیان شده است؛ که در این رابطه پیشنهاد می‌شود: بنگاه‌های تجاری که در حوزه و صنعت خاصی مشابه صنعت بیمه فعالیت می‌نمایند جهت استفاده از خدمات اعتباردهی سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی می‌تواند با تعیین مکانیزم‌ها و راهکارهای جامع و مناسبی در رابطه با ارجاع کار حسابرسی سبب ارتقاء کیفیت انجام کار حسابرسی و حفظ استقلال حسابرسی گردند. همچنین از الگوی موفق ارجاع کار به سازمان حسابرسی و مؤسسه‌های درجه یک در امر حسابرسی که در آن صنعت خاص و مورد نظر دارای تخصص و صلاحیت لازم می‌باشند، استفاده نموده و حق‌الزحمه‌ی آنان را بر اساس الزامات خاص حاکم بر نوع انجام کار و پیچیدگی صنعت مورد نظر مشخص نمایند که در این صورت نخست، نگرانی از میزان تعیین حق‌الزحمه و از دست دادن صاحبکار که از عوامل مهم و تأثیرگذار در کاهش استقلال حسابرسی می‌باشد، تا حدود قابل توجه‌ای بلاثر شده و همچنین مطابق با اندازه و نسبت به نوع و پیچیدگی کار و توان و ظرفیت بلا استفاده هر مؤسسه‌ی حسابرسی، انجام کار تعیین و به ایشان ارجاع می‌گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود: سازمان بورس دستورالعملی با هم فکری سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی در نحوه‌ی انتخاب حسابرسی مستقل معتمد بورس، نحوه‌ی تعیین میزان حق‌الزحمه‌ی عملیات حسابرسی که باید توسط شرکت‌ها، بر اساس اندازه‌ی شرکت‌ها و نحوه‌ی انجام عملیات آن‌ها و همچنین نوع صنعت به حسابرسی پرداخت شود، تعیین و ابلاغ نماید تا امکان کاهش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و نرخ شکنی برخی از مؤسسه‌های حسابرسی که امکان دارد سبب کاهش کیفیت و استقلال حسابرسی به منظور مساعد نمودن زمینه جهت سوء استفاده‌ی

مدیریت در نحوه‌ی تهیه‌ی صورت‌های مالی می‌شود میسر نگردد. در راستای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود: پژوهشگران مبادرت به بررسی بیش‌تر تأثیر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، استقلال حسابر و کیفیت حسابرسی و تخصص حسابر در صنعت‌های مشابه بیمه بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی با در نظر گرفتن نقش ارتقای جایگاه شرکت در زمینه‌ی کیفیت افشا، پایداری سود، و حاکمیت شرکتی اقدام نمایند و همچنین تبیین مدلی مفهومی ارتقا یافته در رابطه با تعیین کمی استقلال حسابر، کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در این خصوص مبادرت نمایند تا در این حوزه مورد استفاده قرار گرفته و سودمند واقع شود.

منابع

بزرگ اصل، موسی (۱۳۸۰)، «برداشت حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان از محتوای پیام‌های ارسال شده به وسیله گزارش‌های حسابداری»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۹.

بنی مهدی، مرادزاده فرد، مهدی، زینالی، مهدی (۱۳۹۱)، «اثر حق‌الزحمه حسابرسی بر اظهارنظر حسابر»، فصل‌نامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره یازدهم، صص ۴۱-۵۴.

بهبهانی نیا، پریسا سادات؛ ولی زاده لاریجانی، اعظم (۱۳۹۹)، «تأثیر طبقه مؤسسات حسابرسی معتمد بر گزارشگری مالی صاحبکاران»، پژوهش‌های تجربی حسابداری: پاییز، شماره ۳۷، ۱۸۷-۲۱۱.

تحریری، آر؛ پیری سقرلو، مهدی (۱۳۹۹)، «استقلال حسابر؛ تحلیلی مقایسه‌ای از نگرش حسابرسان و مدیران مالی ایرانی»، پژوهش‌های تجربی حسابداری، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۳۶، صص ۱۹۲-۱۳۹.

جامعه حسابداران رسمی ایران (۱۳۸۲)، کتاب آیین رفتار حرفه‌ای، تالیف مرکز آموزش و تحقیقات حسابداری و حسابرسی حرفه‌ای، ناشر جامعه حسابداران رسمی ایران، چاپ انتشارات نقش ایران، ص ۲۱ و ۲۲.

حساس یگانه، یحیی (۱۳۹۱)، کتاب فلسفه حسابرسی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ پنجم سال ۱۳۹۱.

حساس یگانه، یحیی، برزیده، فرخ، تقوی فرد، محمدتقی و محمد فرهمند سیدآبادی (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر گردش اجباری مؤسسه‌های حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی و رقابت در بازار حسابرسی»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال بیست و سوم، شماره ۳، صص ۳۵۲-۳۳۳.

رحمانی، علی و زهرا امینی (۱۳۹۰)، «استانداردهای حسابداری و کیفیت اطلاعات حسابداری»، نهمین همایش سراسری حسابداری ایران، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ماه، صص ۹۶-۱۰۸.

سجادی، سیدحسین، محمدی، کامران (۱۳۸۹)، «مفهوم کیفیت سود و روش‌های ارزیابی آن»، www.jit.blogfa.com

طالب تبارم میثم (۱۳۹۰)، «رابطه‌ی بین ویژگی‌های هیأت مدیره و دستمزد حسابرسی» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

طرخورانی، علی؛ محمدی، سید موسی؛ عسکری، میثم (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت‌گذاری اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، رویکردهای

پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری: تابستان، شماره ۳۸ (جلد هشتم)، ۶۵-۷۹.

فتحی، میثم (۱۳۹۷)، «بررسی اثر استقلال حسابرس بر کیفیت حسابرسی»، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، بهار ۱۳۹۷، دوره جدید شماره ۱، ص ۹۴-۸۵.

گرچی‌زاده، داود؛ خانمحمدی، محمدحامد؛ بزرگی، زهرا (۱۳۹۶)، «تأثیر اندازه مؤسسه‌ی حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی»، مجله مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، دوره سوم- شماره ۱۲، ص ۲۰۸-۱۹۷.

مرفوع، محمد (۱۳۹۰)، «ریسک نقدشوندگی سهام و کیفیت اطلاعات حسابداری»، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری.

ملایمنی، وحید و مرفوع، محمد (۱۳۹۴)، «رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی»، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۷۵-۵۱.

مهرانی ساسان، جمشیدی اوانکی کورش (۱۳۹۰)، «عوام مؤثر بر تعیین دستمزد حسابرسی»، حسابدار رسمی ۱۳، صص ۷۸-۶۰.

نیکبخت، محمدرضا، شعبان زاده، مهدی، کنارکار، امین (۱۳۹۵)، «رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی»، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، شماره ۱، صص ۲۰۸-۱۹۰.

Agyei-Mensah, B. K. (2018). The effect of audit committee effectiveness and audit quality on corporate voluntary disclosure quality. *African Journal of Economic and Management Studies*, 10 (1): 17- 31.

Augustine O. Okolie. (2014). "Auditor tenure, Auditor independence and accrual-Based earnings management of quoted companies in Nigeria". *European Journal of Accounting Auditing and Finance Research* Vol.2.No2, pp.6390.

Animahd, M., Moradzadehfard, M. & Zeinali, M. (2012). Effect of Audit Fee on Auditor's Opinion. *Journal of Management Accounting*, 5(11): 41-54. (In Persian)

Behbahaninia, P. & Valizadeh Larjani, A. (2020). The effect of the category of trusted auditing firms on the financial reporting of employees. *Journal of Empirical Accounting Research: Autumn*, 37:121-187. (In Persian)

Bozorg Asl, M. (2001). Independent auditors and users' perceptions of the content of messages sent by accounting reports. Doctoral dissertation, Allameh Tabatabai University, p. 9. (In Persian)

Chambers, Payne (2008), Audit Quality and Accrual Reliability: Evidence from the pre and post Sarbanes-Oxley Periods, Available at www.ssrn.com.

Craswel, A., Stokes, D. J. and Laughton, J. (2002). "Auditor independence and fee independence, *Journal of Accounting and Economics*", 33, 253 – 275.

Fathi, M. (2018). Investigating the effect of auditor independence on audit quality. *Journal of New Research in Management and Accounting*, Spring, 1: 85-94. (In Persian)

Francis, J. R., Michas, P. N. & S. E. Seavey. (2013). "Does audit market concentration harm the quality of audited earnings? Evidence from audit markets in 42 countries". *Contemporary Accounting Research*, Vol. 30, No. 1, Pp. 325– 355.

Francis, R. Lafond, P. Olsson and K. Schopper (2004), costs of equity and earnings attributes.

The Accounting Review, 79: 967-1010.

Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., Schipper, K. (2005) «The market pricing of accruals quality» Journal of Accounting and Economics 39, 295-327. 21-Gosh;

Gaynor, L. M., Kelton, A. S., Mercer, M., & Yohn, T. L. (2016). Understanding the relation between financial reporting quality and audit quality. Auditing: A Journal of Practice & Theory, 35 (4), 1-22.

Gorjizadeh, D., Khanmohammadi, M. H. & Bozorgi, Z. (2017). The effect of audit firm size and audit fee on audit quality. Journal of Economic Studies, Financial Management and Accounting, 3(12): 197-208. (In Persian)

Hasas Yeganeh, Y. (2012). Auditing Philosophy. Scientific and Cultural Publications, Tehran, fifth edition. (In Persian)

Hasas Yeganeh, Y., Barzideh, F., Taghavifard, M. T. & Farahmand Seyed Abadi, M. (2016). Investigating the effect of mandatory turnover of auditing firms on auditing fees and competition in the auditing market. Journal of Accounting and Auditing Reviews, 3 (23): 333-352. (In Persian)

Hatfield, R. C., Jackson, S. B., & Vandervelde, S. D. (2007). The effects of auditor rotation and client pressure on proposed audit adjustments. Working paper. University of Alabama.

Hoitash, R., Markelevich, & Barragato, C. A. (2007). Auditor fees and audit quality. Managerial Auditing Journal, 22, 761-786.

Iranian Society of Certified Public Accountants. (2003). Professional behavior conduct. Authored by the Center for Training and Research in Professional Accounting and Auditing, Publisher of the Iranian Society of Certified Public Accountants, published by Naghsh Iran Publications, 21-22. (In Persian)

Larasati et al., Cogent Business & Management (2019), 6: 1707042, <https://doi.org/10.1080/23311975.2019.1707042>.

Li, Y. S., Taylor, S. & Wong, L. (2007). "Audit Quality, Earning Quality and the Cost of Equity Capital", Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=1481823>.

Marfu, M. (2011). Stock liquidity risk and quality of accounting information. PhD Thesis in Accounting, Allameh Tabatabai University, Faculty of Management and Accounting. (In Persian)

Mehrani, S. & Jamshidi Avanaki, K. (2011). Factors affecting the determination of audit fees. Journal of Certified Public Accountant, 13:60-78. (In Persian)

Mitra, S., Jaggi, B., & Al-Hayale, T. (2019). "Managerial overconfidence, ability, firm governance & audit fees", Review of Quantitative Finance & Accounting, 52(3), 841-870.

Molaimeni, V. & Marfu, M. (2015). The relationship between the quality of information disclosure and the delay in issuing an audit report. Journal of Experimental Studies in Financial Accounting, 12(45): 51-75. (In Persian)

Myers, J., Myers, L., & Omer, T. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? The Accounting Review, 78(3), 779-799.

Newton, N. J., Wang, D. & M. S. Wilkins. (2013). "Does a lack of choice lead to lower quality? Evidence from auditor competition and client restatements". Auditing: A Journal of Practice and Theory, Vol. 32, No. 3, Pp. 31- 67.

Nikbakht, M. R., Shabanzadeh, M. & Kenarkar, A. (2016). The relationship between audit fees and the auditor's experience with audit quality. Quarterly Journal of Management and Accounting Studies, 1: 190-208. (In Persian)

Rahman Khan, A., Hossain, D. M., & Siddiqui, J. (2011). Corporate ownership concentration

and audit fees: The case of an emerging economy. *Advances in Accounting*, 27 (1), 125-131.

Rahmani, A. & Amini, Z. (2011). Accounting standards and quality of accounting information. 9th National Accounting Conference of Iran, Zahedan, Sistan and Baluchestan University, 21 and 22, May, 96-108. (In Persian)

Rusmin R, Aštami E.W, Hartadi B, (2014), “*The impact of surplus free cash flow and audit quality on earnings management*”, *Asian Review of Accounting*, Vol. 22 Iss 3 pp. 217 – 232.

Sajjadi, H. & Mohammadi, K. (2010). The concept of profit quality and its evaluation methods. www.jitblogfa.com (In Persian)

Saleem Ebraheem Alzoubi Salem. (2018). “*Audit quality, debt financing, and earnings management: Evidence from Jordan*”, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Volume 30, March 2018, Pages 69-84.

Susanti Suseno, N. (2013). “*An empirical analysis of auditor independence and audit fees on audit quality*”. *International Journal of Management and Business Studies* ISSN: 2167(3), 3, 0439-87-81.

Tahriri, A. & Piri Sakerloo, M. (2020). Auditor independence: a comparative analysis of the attitudes of Iranian auditors and financial managers. *Journal of Empirical Accounting Research*, Summer, 36:139-192. (In Persian)

Taleb Tabarom, M. (2011). The relationship between the characteristics of the board and the audit salary. Master Thesis, University of Mazandaran. (In Persian)

Tarkhorani, A., Mohammadi, M. & Askari, M. (2020). Assessing the effect of financial reporting quality on pricing of accruals in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of new research approaches in management and accounting*: Summer, 38 (8): 65-79. (In Persian)

Vanstraelen, A. (2000). Impact of renewable long-term audit mandates on audit quality. *The European Accounting Review*, 9 (3), 419-443.

Walker, M (2003) ‘Principal/agency theory when some agents are trustworthy’, *Accounting and Finance*, Working Paper, Manchester: Manchester Business School, Manchester University.

Wooten, T. C. (2003). “Research about audit quality, *The CPA Journal* (January), 2003, <http://www.nysscpa.org>. Retrieved: April 21, 2012.



COPYRIGHTS

This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.



The Role of Downward Pressure on Audit in Financial Reporting Misstatement Based on audit fee pressure theory, auditor theory and government auditor theory

Vahid Bekhradi Nasab¹

Received: 2021/05/17

Approved: 2021/07/06

Research Paper

Abstract

Audit fee pressure theory states that private auditing firms, members of the community of certified accountants, do not spend sufficient time to detect significant misstatements in the financial statements of an accountant due to low fees. This theory predicts that the quality of an organization's audit that does not face low audit fees will be higher than that of private members of the CAA. However, the state auditor and auditor theory holds that there is substantial doubt about the auditor's independence when the auditor and auditor are both public. This theory calls into question the independence of the audit organization. Therefore, the present study proposes, based on two contradictory theories, the formulation of an unbiased hypothesis regarding the difference in audit quality and The purpose of this study was to examine the role of downward pressure on audit in Financial Reporting Misstatement. The statistical population of this research is all companies Listed in Tehran Stock Exchange from 2012 to 2019. The sample is based on the systematic elimination method of 92 companies. The research method is based on multivariate regression and Data panel. Also, the research data was collected using the Proceedings of the Journal. Evidence of research suggests that with lower pressures on audit fees, the lower quality of audit services will also increase. Another finding of the research is the confirmation of the audit fee theory. Consistent with the audit firm's theory of downward pressure on the auditor with deviations in financial reporting, the theory confirms the audit fee pressure with a positive effect of downward pressure on the auditor with deviations in financial reporting.

Key Words: audit pressure, misstatement, audit fee pressure theory, auditor theory and government auditor theory, Logistics.

JEL Classification: M40, M42



10.22034/ARJ.2021.245323

1. Ph.D in Accounting, Department of Accounting, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Corresponding Author) vahid.bekhradinassab@gmail.com

<http://article.iacpa.ir>

نقش فشارهای نزولی بر حسابرسی در انحرافات موجود در گزارشگری مالی مبتنی بر نظریه فشار حق الزحمه‌ی حسابرسی و نظریه‌ی حسابرسی شونده و حسابرسی کننده‌ی دولتی

وحید بخردی نسب^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

نظریه‌ی فشار حق الزحمه حسابرسی بیان می‌کند که مؤسسات حسابرسی خصوصی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی به دلیل حق الزحمه‌ی پایین تحت فشار حق الزحمه، زمان کافی جهت کشف انحرافات با اهمیت در صورت‌های مالی صاحبکار صرف نمی‌کنند. این نظریه پیش‌بینی می‌کند که کیفیت حسابرسی سازمان که با مشکل حق الزحمه‌ی پائین حسابرسی مواجه نیست، بیش‌تر از مؤسسات خصوصی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی باشد. نظریه‌ی حسابرسی شونده و حسابرسی کننده‌ی دولتی مدعی است که تردید اساسی نسبت به استقلال حسابرسان وجود دارد زمانی که حسابرسی شونده و حسابرسی کننده هر دو دولتی باشند. این نظریه استقلال سازمان حسابرسی را زیر سؤال می‌برد. پژوهش حاضر براساس دو نظریه‌ی متناقض مشروح، تدوین یک فرضیه‌ی غیر جهت‌دار در ارتباط با تفاوت کیفیت حسابرسی را پیشنهاد می‌کند. هدف از مطالعه‌ی حاضر بررسی نقش فشارهای نزولی بر حسابرسان در انحرافات موجود در گزارشگری مالی می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ می‌باشد. حجم نمونه بر اساس روش حذف سیستماتیک بالغ بر ۹۲ شرکت می‌باشد. روش اجرای پژوهش مبتنی بر رگرسیون چند متغیره و داده‌های ترکیبی می‌باشد. همچنین داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار ره‌آوردنوین گردآوری شده است. شواهد پژوهش حاکی از آن است که با افزایش فشارهای نزولی بر حسابرسان، انحرافات موجود در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. از دیگر یافته‌های پژوهش تأیید نظریه‌ی فشار حق الزحمه‌ی حسابرسی است. منطبق بر نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی فشار نزولی بر حسابرسان با انحرافات موجود در گزارشگری مالی، نظریه‌ی فشار حق الزحمه‌ی حسابرسی را با تأثیر مثبت فشار نزولی بر حسابرسان با انحرافات موجود در گزارشگری مالی تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: فشار بر حسابرسان، انحرافات گزارشگری مالی، نظریه فشار حق الزحمه حسابرسی، نظریه حسابرسی شونده و حسابرسی کننده دولتی، رگرسیون لجستیک

۱- مقدمه

در دنیای اقتصادی امروز حسابرسی به‌عنوان یک فعالیت حرفه‌ای، یک تخصص و یک رشته‌ی دانشگاهی (علمی) عمر به نسبت کوتاهی دارد که به زحمت به بیش از یکصد سال می‌رسد ولی پیدایش حسابرسی به لحاظ زمانی با ظهور و معرفی حسابداری همراه بوده است. در واقع از زمانی که پیشرفت و تحول در تمدن بشر این ضرورت را به وجود آورد که مسئولیت اداره‌ی اموال یک شخص به شخص دیگری تفویض شود، اعمال نوعی نظارت بر پایبندی و وفاداری نسبت به تعهدات قراردادی نیز ضرورت یافته است. هم‌زمان و همراه با تحولات شتاب آمیز یک صد سال گذشته، حرفه‌ی حسابرسی به سرعت خود را با اوضاع و احوال زمان تطبیق داده و به عنوان یک حرفه و دانش تخصصی مطرح شده است. حسابرسی از جمله فعالیت‌های حرفه‌ای است که تقاضا برای دریافت خدمات آن با گسترش بخش خصوصی و افزایش مشارکت عمومی در سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی افزایش می‌یابد. استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی (که بیش‌تر سرمایه‌گذاران هستند) به اطلاعاتی نیاز دارند که افراد حرفه‌ای تأیید کرده باشند. همچنین مدیران واحدهای تجاری برای گرفتن مفاسد حساب و پاداش نیاز به تأیید عملکرد خود در مجمع عادی صاحبان سهام دارند و از ارکان مهم در مجمع گزارش حسابرسی صورت‌های مالی است. در واقع، واحدهای تجاری با حسابرسی صورت‌های مالی آن‌ها را بیمه می‌کنند. با توجه به این موارد حسابرسان بایستی به صورت کامل مستقل و بی‌طرفانه به حسابرسی صورت‌های مالی بپردازند و در همه حال آیین رفتار حرفه‌ای خود را رعایت کنند. یکی از مواردی که بین صاحب‌کار (واحد مورد رسیدگی) و مؤسسه‌ی حسابرسی ایجاد تضاد می‌کند حق‌الزحمه‌ی حسابرسی است؛ از طرفی مدیریت واحد تجاری درصدد دریافت خدمات حسابرسی با حداقل هزینه است (بدین معنی که مدیریت محافظه کار در همه حال سعی در کاهش هزینه دارد) و از طرف دیگر مؤسسه‌ی حسابرسی با حفظ رعایت استقلال، کیفیت کار حسابرسی و آیین رفتار حرفه‌ای خود سعی در تعیین قیمتی مناسب دارد تا سود خود را از کار حسابرسی به حداکثر برساند. از این رو آشنایی با عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه‌های حسابرسی هم برای حسابرسان، هم صاحبکاران و هم اشخاصی اهمیت دارد که سیاستگذاری و قانونمندی در حرفه حسابرسی را دنبال می‌کنند (نیکبخت، تنانی، ۱۳۸۹). حسابرسان با دانستن این عوامل می‌توانند خدمات خود را به شکل مناسبی قیمت گذاری کنند (گیست، ۱۹۹۲). به همین منظور، آگاهی از عوامل تأثیرگذار بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی می‌تواند بسیار مفید باشد. از سوی دیگر در زمینه‌ی قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی در بسیاری از کشورهای پیشرفته حتی در حال توسعه از جمله آمریکا، انگلستان، استرالیا، فرانسه، نیوزلند، فنلاند، کانادا، ژاپن، هند، بنگلادش، تایوان، سنگاپور، امارات و کویت پژوهش‌های زیادی انجام شده است ولی تاکنون تعداد معدودی پژوهش، عوامل مؤثر بر فشارهای نزولی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی را در ایران جست‌وجو کرده‌اند. به عبارت دیگر، اکثر این تحقیقات در کشورهای پیشرفته و بازارهای بزرگ انجام شده و کشوری در حال توسعه مثل ایران، سهم بسیار کوچکی در این میان دارد. بنابراین، یکی دیگر از اهداف این تحقیق، سهمی شدن در ادبیات بین‌المللی حسابرسی از طریق بررسی عوامل مؤثر بر میزان فشارهای نزولی ناشی از حق‌الزحمه بر خدمات حسابرسی مالی در ایران است؛ ضمن اینکه،

آشفته‌گی‌های خاصی در بازار کار حسابرسی ایران دیده می‌شود که هیچ مبنای مشخصی برای تعیین حق الزحمه‌ی حسابرس وجود ندارد و بعضاً قضاوت‌های حسابرسان منجر به پیشنهادهای ضد و نقیضی می‌گردد که تناسبی با یکدیگر ندارد. با توجه به موضوعات بالا این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که فشارهای نزولی بر حق الزحمه‌ی حسابرسی چه نقشی در افشای نادرست صورت‌های مالی و انحرافات موجود در گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران دارد. اهمیت این موضوع به خصوص در سال‌های اخیر و پس از تشکیل جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران بیش‌تر دیده می‌شود. زیرا پس از تشکیل جامعه، انحصار بازار کار حسابرسی شکسته شده و رقابت شدیدی بین حسابرسان شکل گرفته است (رجبی، محمدی خشویی، ۱۳۸۷). در چنین شرایطی، حسابرسی موفق است که بتواند با توجه به ویژگی‌های واحد مورد رسیدگی، بهترین برآورد را از حق الزحمه‌ی خود داشته باشد تا ضمن حفظ کیفیت کار، آن را با حداقل هزینه انجام دهد (نیکبخت، تنانی، ۱۳۸۹). در واقع، حسابرسان با اطلاع از این عوامل خواهند توانست معیارهای قابل اتکا و یکنواختی را به‌دست آورند که با تعهد به استفاده همگی حسابرسان از آن‌ها انسجام و نظم خاصی در حرفه از بابت حق الزحمه‌ها ایجاد خواهد شد. در این صورت، از لطمات وارده به حرفه‌ی حسابرسی به‌دلیل نگاه بازاری به آن کاسته می‌شود (موسوی، داروغه حضرتی، ۱۳۹۰). با رشد رقابت در حرفه، مؤسسات حسابرسی ضرورت ارائه‌ی خدمات با کیفیت هر چه بهتر و بهای کم‌تر به بازار را بیش‌تر دریافته‌اند. برای رقابت بر پایه‌ای به غیر از کیفیت و متفاوت کردن خدمات، مؤسسات حسابرسی به دنبال بهینه نمودن حق الزحمه خود و بهترین پیشنهادها برای آن هستند. بدین ترتیب که هم درآمد خود را حداکثر سازند و هم کار را در شرایط رقابتی از دست ندهند. به همین منظور آگاهی از عوامل مؤثر بر حق الزحمه‌ی حسابرسی می‌تواند بسیار مفید باشد (چوی و همکاران، ۲۰۰۸).

۲- مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱- فشار بر حسابرسی

قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی یکی از موضوعات مورد علاقه‌ی بسیاری از محققان حسابرسی است و تاکنون مطالعات زیادی در این زمینه انجام شده است. آگاهی از نحوه‌ی تعیین حق الزحمه‌ی حسابرسی هم برای صاحبکار و هم برای حسابرس مهم است. چرا که تعیین عوامل مؤثر بر هزینه‌ی حسابرسی به صاحبکار نیز کمک می‌کند منافع این خدمت را بهتر درک کند و بداند این هزینه را به خاطر چه چیزی متحمل می‌شود. بدیهی است آگاهی از این مسأله، موجب تسریع و تسهیل کار حسابرسی شده و به دلیل مشارکت صاحبکار، حسابرسی با کیفیت بالاتری انجام خواهد گرفت (گیست، ۱۹۹۲). اما در عمل محاسبه حق الزحمه‌ی حسابرسی در کشورهای فاقد اقتصاد رقابتی، کارایی نداشته و قیمت را با انحصارات یا حداقل معیشتی تعیین می‌کنند (خدادادی، حاجی زاده، ۱۳۹۰). به عبارتی در حال حاضر، از مناقشات اصلی حرفه‌ی حسابرسی، تعیین حداقل نرخ حق الزحمه‌ی حسابرسی و نرخ شکنی برخی مؤسسات حسابرسی است. با شناسایی عوامل مؤثر بر حق الزحمه‌ی دریافتی حسابرسی، می‌توان از فشارهای نزولی

ناشی از حق الزحمه حسابرسی کاست و سیاست‌های مناسبی برای برخی از مسائل پیش روی این حرفه تدوین کرد (رجبی، محمدی خشویی، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد نقطه نهایی کار، ایجاد مدلی مانند مدل سایمونیک (۱۹۸۰) است که فشارهای نزولی بر حق الزحمه‌ی حسابرسی را کم کرده و حق الزحمه‌ی حسابرسی را به شکل مناسبی در ایران تعیین کند به طوری که در آن حق الزحمه، تابعی از هزینه‌ی حسابرسی، ساعات کارکرد ضرب در نرخ بهای خدمات و صرف ریسکی است که حسابرس به خاطر ریسک طرح‌های دعوای دادگاهی و زیان‌های آتی احتمالی صاحبکار در نظر می‌گیرد (نیکبخت، تنانی، ۱۳۸۹).

۲-۲- انحرافات موجود در گزارشگری مالی

انحرافات موجود در گزارشگری مالی به کیفیت حسابرسی وابسته می‌باشد. ساختار کیفیت حسابرسی از سازه‌های گوناگون کمی نظیر اندازه‌ی مؤسسه، حق الزحمه و همچنین ویژگی‌های کیفی از قبیل توانایی‌های حسابرس شامل دانش، تجربه، قدرت تطبیق و کارایی فنی و اجرای ضوابط حرفه‌ای شامل استقلال، عینیت، مراقبت حرفه‌ای، تضاد منافع و قضاوت تشکیل شده و به همین دلیل اندازه‌گیری آن دشوار است. از آنجایی که حسابرسی اغلب در کنار حسابداری به منظور محدود کردن مدیران از سوء استفاده از منابع تحت اختیار آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، می‌توان گفت هدف حسابرس، ایجاد اطمینان نسبت به صورت‌های مالی است. بنابراین، کیفیت حسابرسی به معنی عاری بودن صورت‌های مالی حسابرسی شده از تحریفات با اهمیت در گزارشگری مالی است. پالمروس (۱۹۸۸) کیفیت حسابرسی را بر حسب میزان اعتباردهی حسابرس تعریف می‌کند. دی آنجلو (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را این گونه تعریف کرده است: «ارزیابی (استنباط) بازار» از احتمال این که حسابرس، نخست موارد تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی یا سیستم حسابداری صاحبکار را کشف کند و دیگر اینکه تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش دهد. دیویدسون و نیو (۱۹۹۳) تعریف کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرس در کشف و گزارش تحریفات با اهمیت و نیز کشف دستکاری انجام شده در سود خالص می‌دانند. این تعاریف، بر نتایج حسابرسی تأکید می‌ورزد. یعنی قابل اعتماد بودن صورت‌های مالی حسابرسی شده، کیفیت بالای حسابرسی را منعکس می‌کند. این تعاریف به طرح این پرسش منتهی می‌شود که چگونه استفاده‌کنندگان میزان قابل اعتماد بودن صورت‌های مالی حسابرسی شده را ارزیابی می‌کنند. تعریف پالمروس (۱۹۸۸) از کیفیت حسابرسی مبتنی بر حسابرسی‌های انجام شده است. زیرا سطح اطمینان صورت‌های مالی حسابرسی شده را نمی‌توان قبل از انجام حسابرسی تعیین کرد. در نتیجه تعریف پالمروس (۱۹۸۸) بر کیفیت واقعی حسابرسی در افشای نادرست از صورت‌های مالی و انحرافات موجود در گزارشگری مالی تأکید دارد. احتمال اینکه حسابرس موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند به شایستگی حسابرس و احتمال اینکه حسابرس موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به استقلال حسابرس بستگی دارد.

۳-۲- نظریه‌ی فشار حق الزحمه‌ی حسابرسی و نظریه‌ی حسابرسی‌شونده و

حسابرسی‌کننده‌ی دولتی

براساس نقد نظری می‌توان گفت که نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی قابل کاربرد در فضای حسابرسی ایران نمی‌باشد. چرا که سازمان حسابرسی اکثر ویژگی‌های حسابرس بزرگ طبق نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی را ندارد. این نقد نشان می‌دهد که از چهار ویژگی بحث شده در مورد حسابرس بزرگ، سازمان حسابرسی فقط در یک خصیصه (آموزش مستمر با کیفیت پرسنل خود و تخصصی کردن تیم‌های حسابرسی خود) می‌تواند مشابه مؤسسات حسابرسی بزرگ باشد. این پژوهش، برای بررسی تفاوت کیفیت حسابرسی بین سازمان حسابرسی و مؤسسات عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی دو نظریه‌ی متناقض تحت عنوان نظریه‌ی فشار حق الزحمه حسابرسی و نظریه‌ی حسابرسی‌شونده و حسابرسی‌کننده‌ی دولتی را مطرح می‌کند. علت مطرح شدن این دو نظریه‌ی متناقض به طور هم‌زمان این است که کیفیت حسابرسی بر اساس تعریف دی آنجلو (۱۹۸۱) دو وجهی است و سازمان حسابرسی به نظر می‌رسد که فقط در یک وجه قوی باشد. به عبارت دیگر، نظریه‌ی فشار حق الزحمه‌ی حسابرسی پیش‌بینی می‌کند که حق الزحمه‌ی پائین مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی باعث می‌شود که آن‌ها نتوانند زمان کافی برای کشف تحریفات با اهمیت در صورتهای مالی صاحبکار صرف کنند. در حالی که سازمان حسابرسی به علت حق الزحمه‌ی مناسب با چنین مشکلی روبرو نیست. اما، براساس نظریه‌ی حسابرسی‌شونده و حسابرسی‌کننده‌ی دولتی انتظار می‌رود که سازمان حسابرسی نتواند استقلال خود را جهت افشای کامل تحریفات کشف شده حفظ کند. بنابراین، پژوهش حاضر تدوین یک فرضیه بدون جهت را براساس دو نظریه مذکور به منظور بررسی تفاوت کیفیت حسابرسی سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران مطرح می‌کند. هر چند پژوهشگران از سایر نظریه‌ها مانند نظریه‌ی «قدرت چانه زنی» و غیره نیز می‌توانند استفاده کنند.

از بعد روش‌شناختی، بررسی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مشکل انتخاب درون‌زای حسابرس توسط هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور در این حوزه مورد توجه و کنترل قرار نگرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر دو پیشنهاد برای رفع مشکل درون‌زا بودن انتخاب حسابرس مطرح کرده است. نخست استفاده از فرآیند دو مرحله‌ای هکمن (۱۹۷۹) و دوم استفاده از مدل‌های انطباق براساس نمره‌ی تمایل روزن بوم و روبین (۱۹۸۳). لازم به ذکر است که بررسی سایر مشکلات روش‌شناختی مانند مشکلات مربوط به مدل‌سازی، آزمون فرضیه و قابلیت اتکای یافته‌ها (نبود آزمون‌های حساسیت) موجود در پژوهش‌های مرور شده خارج از حیطه‌ی این پژوهش می‌باشد.

۴-۲- ارتباط فشارهای نزولی بر حسابرس و انحرافات موجود در گزارشگری مالی

براساس نظریه‌ی «فشار حق الزحمه‌ی حسابرسی»، حق الزحمه‌ی پایین حسابرسی می‌تواند منجر به کاهش کیفیت خدمات حسابرسی ارائه شده توسط حسابرسان شود (کوک، کلی، ۱۹۸۸).

فرانسیس (۲۰۰۴) معتقد است که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بالا منجر به ارائه‌ی خدمات حسابرسی با کیفیت از طریق استفاده از حسابرسان با تجربه یا افزایش تلاش و زمان حسابرسی می‌شود. یافته‌های هستن (۱۹۹۹) و بریستیکر و رایت (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که فشار حق‌الزحمه‌ی حسابرسی (حق‌الزحمه‌ی پائین حسابرسی) منجر به کاهش بودجه حسابرسی و عدم اجرای بعضی از آزمون‌های حسابرسی می‌شود. در حالی که چنین رویه‌هایی می‌تواند ریسک حسابرسی را افزایش دهد. هم چنین نتایج پژوهشگران نشان می‌دهد که فشار حق‌الزحمه‌ی حسابرسی که منجر عدم اجرای بعضی از آزمون‌های حسابرسی (کوک، کلی، ۱۹۸۸)، قبول مستندات حسابرسی مشکوک ارائه شده توسط صاحبکار و قبول ریسک حسابرسی زیاد می‌شود تأثیر منفی بر کیفیت حسابرسی دارد (مارغیم، کلی، ۱۹۹۲). از طرفی دنیای کسب و کار و حرفه‌ای امروز، دستخوش تحولات بسیاری گردیده است. جهانی شدن نه تنها به تجارت بلکه به حرفه‌های مختلف نیز تسری یافته است. این بدان معناست که تقاضا برای دقت نظر بیش‌تر نسبت به نتیجه‌ی کارهای حرفه‌ای و میزان هزینه آن‌ها افزایش یافته است و دیگر نمی‌توان به سیستم‌ها و روش‌های سنتی اتکا نمود. در نتیجه طی سال‌های گذشته، با افزایش رقابت بین مؤسسات حسابرسی، این حرفه دستخوش تحولات زیادی گردیده است و با رشد رقابت در حرفه‌ی حسابرسی، مؤسسات حسابرسی ضرورت ارائه‌ی خدمات با کیفیت هر چه بهتر و بهای کم‌تر به بازار را بیش‌تر دریافته‌اند. مؤسسات حسابرسی برای رقابت بر پایه‌ای به غیر از کیفیت و متفاوت کردن خدمات، به دنبال بهینه نمودن حق‌الزحمه‌ی خود و بهترین پیشنهاد برای آن هستند. بدین ترتیب که هم درآمد خود را حداکثر سازند و هم کار را در شرایط رقابتی از دست ندهند. رقابت حرفه‌ای رو به افزایش و فشارهای اقتصادی، عوامل مضاعفی است که صاحبکاران را به رابطه‌ی حق‌الزحمه حسابرسی و انحرافات موجود در گزارشگری مالی حساس نموده است (حساس یگانه، علوی طبری، ۱۳۸۲).

منافع اقتصادی حسابرسان از طریق حق‌الزحمه‌ای تأمین می‌شود که از انعقاد قرارداد با صاحبکاران عاید می‌شود. حسابرسان برای قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی از عوامل گوناگونی استفاده می‌کنند و تحقیقات زیادی نیز در رابطه با شناسایی و ارزیابی این عوامل انجام شده است. میزان حق‌الزحمه‌ی پرداختی به حسابرسان از دو طریق می‌تواند بر کیفیت کار خدمات حسابرسان اثر بگذارد. هرچه حق‌الزحمه‌ی بیش‌تری برای حسابرسان در نظر گرفته شود، تلاش وی نیز بیش‌تر می‌گردد و کیفیت کار خدمات حسابرسی را بالا می‌برد و بالعکس کاهش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی منجر به کاهش کیفیت پایین خدمات حسابرسی می‌شود. در این حالت از وابستگی بین حسابرسان و صاحبکار کاسته شده ولی فشارهای نزولی به‌واسطه‌ی دریافتی‌های کم حق‌الزحمه بیش‌تر می‌شود. در نتیجه به خاطر نگرانی‌ها و فشارهای نزولی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، ممکن است روش‌های حسابرسی را به شکل مناسبی انجام ندهند که البته این کار می‌تواند بعدها عواقب مالی بدی برای آنان به همراه داشته باشد و با کاهش کیفیت پایین خدمات حسابرسی و اشتباهات در گزارشگری مالی روبرو شد (میشل و همکاران، ۲۰۱۴).

بر این اساس انتظار می‌رود که فشارهای نزولی بر حسابرسان، انحرافات و اشتباهات در گزارشگری مالی را افزایش دهد. زیرا حسابرسی فرآیندی پرتنش همراه با واکنش‌های احساسی و حالات روانی نسبت

به محیط کار، شرایط جوی، فشار زمانی، حجم کار و غیره است که انتظار می‌رود بر عملکرد حرفه‌ای حسابرسان تأثیرگذار بوده و کیفیت بررسی صورتهای مالی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. لذا فرضیه‌ی پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه‌ی اول: فشار نزولی بر حسابرسان با انحرافات موجود در گزارشگری مالی ارتباط معناداری دارد.
فرضیه‌ی دوم: منطبق بر نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسان فشار نزولی بر حسابرسان با انحرافات موجود در گزارشگری مالی نظریه‌ی فشار حق‌الزحمه‌ی حسابرسان را با تأثیر مثبت فشار نزولی بر حسابرسان با انحرافات موجود در گزارشگری مالی تأیید می‌کند.

۳- پیشینه‌ی پژوهش

ژولانژاد و بخردی نسب (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر آنفلوآنزای شغلی بر کیفیت حسابرسان (مورد مطالعه: حسابرسان دارای گرایش مذهبی کم و زیاد) پرداختند. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش مؤسسات حسابرسان می‌باشد. با توجه به حجم نامشخص جامعه‌ی آماری، نمونه با استفاده از فرمول کوکران بالغ بر ۴۱۰ نفر از حسابرسان شاغل در مؤسسات حسابرسان می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌ی استاندارد استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه‌ها از طریق متخصصین موضوعی بررسی و پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۰) محاسبه گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری Spss و Eviews در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفته است. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که استرس کاری ۰/۰۹۵ درصد، کار بیش از حد ۰/۴۱۵ درصد، فشار زمانی ۰/۸۵۳ درصد، تعارض کار با خانواده ۰/۱۶۲ درصد و فشار اثرات اجتماعی ۰/۰۰۸ درصد، کیفیت کار حسابرسان دارای گرایش مذهبی پایین را کاهش می‌دهد. از دیگر نتایج پژوهش، استرس کاری ۰/۰۴۳ درصد، کار بیش از حد ۰/۰۷۴ درصد، فشار زمانی ۰/۰۰۱ درصد، تعارض کار با خانواده ۰/۰۴۵ درصد و فشار اثرات اجتماعی ۰/۰۰۰۲ درصد، کیفیت کار حسابرسان دارای گرایش مذهبی بالا را کاهش می‌دهد.

واسعی چهارمحالی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر فشار روانی شغلی حسابرسان بر کیفیت حسابرسان با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی اولین حسابرسان برای مشتریان جدید پرداختند. این پژوهش شبه تجربی و از لحاظ هدف و نتیجه‌ی اجرا، تحلیلی کاربردی است. جامعه‌ی آماری را شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد و نمونه‌ی پژوهش با توجه به محدودیت‌های در نظر گرفته شده، شامل ۱۰۴ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ است. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش رگرسیون آزمون شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که فشار روانی حسابرسان بر کیفیت حسابرسان تأثیر منفی و معنادار دارد. همچنین، نقش تعدیل‌کنندگی متغیر اولین حسابرسان صورتهای مالی مشتری جدید موجب تقویت تأثیر فشار روانی حسابرسان بر کیفیت حسابرسان در جهت منفی می‌شود.

تلخابی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی چسبندگی حق‌الزحمه‌ی حسابرسان و تأثیر ریسک مالیاتی بر آن» به بررسی چسبندگی حق‌الزحمه‌ی حسابرسان (عدم

تقارن در هزینه حسابرسی، تعدیلات مربوط به تفاوت‌های افزایشی و کاهششی آن در بلند مدت و تأثیر ریسک مالیاتی بر انحراف حق‌الزحمه‌ی حسابرسی از مدل استاندارد حق‌الزحمه پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که چسبندگی حق‌الزحمه‌های حسابرسی از یک روند مشخص تبعیت نمی‌کند و در دوره‌های زمانی بلندمدت تغییر می‌کند. همچنین، اجتناب مالیاتی، باعث انحراف از مدل استاندارد حق‌الزحمه می‌شود و دستمزدهای حسابرسی را افزایش می‌دهد.

واعظ و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر تخصص حسابر بر رابطه‌ی بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی» به بررسی تأثیر تخصص حسابر در صنعت بر رابطه‌ی بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که معاملات با اشخاص ارتباط مثبت و معناداری با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی دارد. در واقع، نتیجه نشان دهنده‌ی این است که حسابرسان تلاش‌های حسابرسی (منعکس‌کننده‌ی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی) را برای رسیدگی به ریسک مرتبط با معاملات با اشخاص وابسته افزایش می‌دهند. همچنین، یافته‌های پژوهش بیانگر این است که تخصص حسابر در صنعت موجب تعدیل رابطه‌ی بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی می‌شود. به عبارت دیگر، رابطه‌ی مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در شرکت‌هایی که به وسیله‌ی حسابرسان متخصص صنعت حسابرسی می‌شوند نسبت به سایر شرکت‌ها، ضعیف‌تر است.

سجادی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه‌ی بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و پاداش هیأت مدیره» به بررسی رابطه‌ی بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسان مستقل و پاداش هیأت مدیره پرداختند. نتایج حاکی از آن است بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و پاداش هیأت مدیره رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. افزایش پاداش پرداختی به مدیران به علت افزایش پیچیدگی‌ها و عملیات شرکت است که نیازمند حسابرسی با کیفیت بالاتر و در نتیجه حق‌الزحمه‌ی پرداختی بالاتری نیز می‌باشد.

واعظ و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی دیگر تحت عنوان تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شرکت‌های به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی پرداختند. یافته‌ها نشان داد بین تخصص مؤسسات حسابرسی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش مبین این است که عوامل تداوم انتخاب حسابرسان و اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معناداری با حق‌الزحمه‌ی حسابرسی دارند.

خدادادی و حاجی زاده (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «نظریه‌ی نمایندگی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی مستقل: آزمون فرضیه‌ی جریان‌های نقد آزاد» به بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی ناشی از فرضیه‌ی جریان‌های نقد آزاد بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی پرداختند. شواهد نشان داد در شرکت‌های دارای جریان‌های نقدی آزاد زیاد، بین سطح بدهی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی ارتباط مثبت و معنادار و بین نسبت فرصت‌های رشد آتی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، ارتباط منفی و معنادار وجود دارد.

کراجا و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به کشف انحرافات موجود در گزارشگری مالی پرداختند. این پژوهش روشی را برای کشف انحرافات موجود در گزارشگری مالی از طریق ترکیب اطلاعات نسبت‌های مالی و نظریات مدیریت در گزارش‌های مالی سالانه شرکت پیشنهاد می‌کند.

زینگ کیانگ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی سرمایه‌ی انسانی حسابرِس و انحراف و تقلب در صورت‌های مالی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که تحصیلات به عنوان معیاری از سرمایه‌ی انسانی نیروی‌های حسابرِس بر سوء استفاده‌های مالی و انحرافات موجود در گزارشگری مالی تأثیر منفی دارد.

راچانا و خان (۲۰۱۶) به بررسی رابطه‌ی بین دانش مالی مدیرعامل و قیمت‌گذاری حسابرِس در بازار سرمایه‌ی آمریکا پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که مدیرعاملان آن‌ها دانش مالی دارند حق الزحمه‌ی حسابرِس کم‌تری پرداخت می‌کنند.

میشل و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی فشار حق‌الزحمه‌ی حسابرِس و کیفیت حسابرِس پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که میزان فشار حق‌الزحمه‌ای حسابرِس ارتباط کاهشی با کیفیت حسابرِس دارد.

عباس و القاب (۲۰۱۳) رابطه‌ی بین ویژگی‌های حسابرِس داخلی و حق‌الزحمه‌ی حسابرِس را در شرکت‌های یونانی بررسی کردند. آن‌ها برای ویژگی‌های حسابرِس داخلی از خصوصیات ذکر شده در استانداردهای حرفه‌ای حسابرِس در یونان مانند صلاحیت و مراقبت حرفه‌ای و کار مناسب حسابرسان استفاده کردند. نتایج تحلیل انجام شده با استفاده از اطلاعات پرسشنامه‌ای نشان داد که حق‌الزحمه‌ی پایین‌تر حسابرِس مستقل با حمایت مدیران ارشد از حسابرسان داخلی و کیفیت بیش‌تر عملکرد آن‌ها همراه است.

قسیم (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابرِس شرکت‌های اردنی پرداخت. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین مالکیت نهادی و مالکیت خارجی با کیفیت حسابرِس رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد بین تمرکز مالکیت نهادی و کیفیت حسابرِس رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد.

چن و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی زیر عنوان کیفیت حسابرِس و مدیریت سود برای شرکت‌های درگیر در عرضه عمومی سهام تایوان، با انتخاب چهار شرکت بزرگ حسابرِس به عنوان حسابرسان با کیفیت و مقایسه سود در شرکت‌های حسابرِس شده توسط این ۴ شرکت با سود در سایر شرکت‌هایی که توسط غیر این ۴ شرکت حسابرِس شده‌اند، به بررسی ارتباط کیفیت حسابرِس و مدیریت سود در مراحل قبل و بعد از عرضه عمومی سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اولاً، در چنین شرکت‌هایی مدیریت سود رخ می‌دهد و ثانیاً، بین مدیریت سود و کیفیت حسابرِس ارتباط معناداری وجود دارد، به این صورت که بالاتر بودن کیفیت حسابرِس موجب کاهش مدیریت سود در این شرکت‌ها می‌شود.

وناسترین (۲۰۰۱) به بررسی رابطه‌ی بین دوره‌ی ارتباط حسابرِس و صاحبکار و کیفیت حسابرِس پرداخت. در این بررسی ارتباط بلندمدت بین حسابرِس و صاحبکار مورد مطالعه قرار

گرفت. برای انجام این تحقیق اطلاعات تأیید شده از بانک ملی بلژیک در طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ اخذ شد. محقق شرکت‌ها را به دو دسته تقسیم نمود، شرکت‌های تحت فشار مالی و شرکت‌های فاقد نیازهای مالی. نتایج بررسی نشان داد حساب‌رسان تمایل بیش‌تری به انتشار گزارش‌های غیرشفاف نسبت به سال قبل دارند.

با توجه به پیشینه‌ی پژوهش، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی تاکنون موضوع بسیاری از پژوهش‌های حسابرسی بوده و در پژوهش‌های متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی پرداخته شده است ولی تاکنون پژوهشی فشارهای نزولی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و همچنین اثر آن را بر انحرافات موجود در گزارشگری مالی مورد بررسی قرار نداده‌اند. به علاوه بررسی پیشینه تحقیقات انجام شده در ایران براساس نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی نشان داد که شواهد تجربی در این بخش متناقض هستند. چنین نتایج متناقضی نشان می‌دهد که احتمالاً نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی و توضیح‌دهندگی کافی برای تمایز کیفیت حسابرسی سازمان حسابرسی به‌عنوان حساب‌رس بزرگ و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی به‌عنوان حساب‌رس کوچک را ندارد. باید توجه داشت که فضای بازار حسابرسی ایران به‌طور قابل توجهی متفاوت از سایر کشورها است. بازار حسابرسی اکثر کشورها تحت کنترل چهار مؤسسه‌ی حسابرسی بزرگ بین‌المللی است و این چهار مؤسسه بزرگ تمام ویژگی‌هایی که نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی مطرح می‌کند را دارا هستند. لذا در این قسمت به این موضوع پرداخته می‌شود که آیا سازمان حسابرسی (که به‌عنوان حساب‌رس بزرگ توسط پژوهشگران ایرانی فرض شده است) واقعاً ویژگی‌های یک حساب‌رس بزرگ طبق نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی را داراست. دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که حساب‌رسان بزرگ اگر نتوانند تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی صاحبکار را کشف و گزارش کنند منافع زیادی را از دست خواهند داد. چنین تهدیدی برای سازمان حسابرسی بخاطر قصور در انجام عملیات حسابرسی قابل تصور نمی‌باشد. این موضوع واقعیتی است که وجود دارد چرا که در اکثر موارد هم حسابرسی شونده و هم حسابرسی‌کننده دولتی یا تحت کنترل دولت هستند. بنابراین دادخواهی دولت به‌عنوان کنترل‌کننده‌ی یک شرکت (صاحبکار) دولتی علیه سازمان حسابرسی قابل تصور نمی‌باشد. بنابراین یکی از مفروضات اساسی نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی در ارتباط با از دست دادن منافع زیاد بخاطر عدم کشف و گزارش تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی صاحبکار برای سازمان حسابرسی مصداق ندارد.

براساس نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی، مؤسسات حسابرسی بزرگ می‌توانند خدمات حسابرسی با کیفیتی ارائه دهند. چون پرسنل آن‌ها در یک صنعت خاص متخصص می‌شوند و تحت آموزش مستمر و با کیفیت قرار می‌گیرند (اکیف، وسترت، ۱۹۹۲). براساس این ویژگی، می‌توان گفت که در مقایسه با مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی، سازمان حسابرسی به دلیل تنوع و تعدد کاری می‌تواند بعضی از تیم‌های حسابرسی خود را فقط در یک صنعت خاص مورد استفاده قرار دهد. هم چنین، این سازمان به دلیل داشتن دانش و تجربه کافی به احتمال بیش‌تری می‌تواند پرسنل خود را بطور مستمر تحت آموزش با کیفیت قرار دهد. هم

چنین مؤسسات حسابرسی بزرگ نسبت به حفظ شهرت خود بسیار حساس هستند (فرانسیس، ویلسون، ۱۹۸۸). موضوعی که مطرح است این است که چگونه یک مؤسسه‌ی حسابرسی در طول زمان با ارائه‌ی خدمات حسابرسی با کیفیت به مشتریان خود شهرت کسب می‌کند. پاسخ این است که در طول زمان به همراه کسب شهرت اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی نیز گسترش پیدا می‌کند. بزرگی سازمان حسابرسی به نظر نمی‌رسد که بخاطر شهرت آن در ارائه‌ی خدمات حسابرسی با کیفیت باشد بلکه عمدتاً به خاطر حمایت‌های قانونی از این سازمان می‌باشد که مانع ورود سایر حسابرسان به بازار حسابرسی انحصاری سازمان حسابرسی نسبت به شرکت‌های دولتی است. بنابراین، حفظ شهرت احتمالاً نمی‌تواند به عنوان یک عامل کارا، سازمان حسابرسی را مشتاق به ارائه‌ی خدمات حسابرسی با کیفیت بکند.

در نهایت چون مؤسسات حسابرسی بزرگ تعداد مشتریان زیادی دارند دارای قدرت چانه زنی بالایی بوده و می‌توانند مدیریت صاحبکار را تحت فشار قرار دهند (لای، واتز، ۱۹۹۴). طبق اظهارنظر مدیر عامل وقت سازمان حسابرسی، این سازمان در سال ۱۳۸۹ حدوداً ۲۰۰۰ کار حسابرسی داشته است (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۰). این نشان می‌دهد که تعداد مشتریان سازمان حسابرسی قابل مقایسه با هیچ یک از مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی نیست. بنابراین در شرایط مساوی، پیش‌بینی می‌شود که استقلال سازمان حسابرسی بیش‌تر از مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی باشد. اما زمانی که اکثر صاحبکاران سازمان حسابرسی دولتی یا نیمه دولتی هستند، نسبت به حفظ استقلال حسابرسی تردید اساسی وجود دارد (دی فوند و همکاران، ۲۰۰۰). بنابراین علی‌رغم اینکه سازمان تعداد مشتریان زیادی دارد، به دلیل اینکه هم حسابرسی شوند و هم حسابرسی کننده دولتی هستند احتمال مخدوش شدن استقلال حسابرسی وجود دارد. به عبارت دیگر، تعداد مشتریان زیاد به احتمال کم‌تری می‌تواند به عنوان یک عاملی که موجب افزایش چشمگیر استقلال حسابرسی شود در مورد سازمان حسابرسی مصداق پیدا کند.

۴- الگوی پژوهش

فرضیه‌ی پژوهش به بررسی تأثیر فشار نزولی بر حسابرس بر انحرافات موجود در گزارشگری مالی می‌پردازد. جهت تحقق فرضیه به پیروی از پژوهش میشل و همکاران (۲۰۱۴) از الگوی رابطه‌ی ۱ استفاده شده است.

رابطه‌ی (۱)

$$\begin{aligned} MISSTATE_{it} = & \alpha + \beta_1 FeePressure_{it} + \beta_2 FeePressure_{it} \times Auditor_{it} + \beta_3 GROWTH_{it} \\ & + \beta_4 ARIN_{it} + \beta_5 ACCRUAL_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 EXANTE_{it} + \beta_8 LOS- \\ & S_{it} + \beta_9 GC_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} ACOMP_{it} + \beta_{12} NAFEERATIO_{it} + \beta_{13} \\ & INDSPECIAL_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

MISSTATE: انحرافات موجود در گزارشگری مالی

FeePressure : فشار نزولی بر حسابرس

Auditor : اندازه‌ی حسابرس

GROWTH : رشد شرکت

ARIN : نسبت سرمایه‌گذاری جاری

ACCRUAL : تغییرات سرمایه در گردش

LEV : اهرم مالی

EXANTE : نیاز آتی تأمین مالی خارجی

LOSS : زیان‌دهی

GC : اظهارنظر تعدیل شده

AGE : عمر شرکت

ACOMP : رقابت شرکت

NAFEERATIO : هزینه‌های غیرحسابرسی

INDSPECIAL : تخصص حسابرس

ε: خطای مدل

۴-۱- متغیرهای پژوهش

متغیرهای مورد استفاده، در این پژوهش بر سه نوع است: متغیر وابسته، متغیر مستقل و متغیر کنترلی. در ادامه به اندازه‌گیری آن پرداخته شده است.

۴-۱-۱- متغیر وابسته

انحرافات موجود در گزارشگری مالی (MISSTATE): متغیر وابسته‌ی مطالعه‌ی حاضر انحرافات موجود در گزارشگری مالی می‌باشد. کیفیت پایین خدمات حسابرسی منعکس‌کننده‌ی انحرافات موجود در گزارشگری مالی می‌باشد. این متغیر یک متغیر موهومی می‌باشد و نحوه‌ی سنجش آن به پیروی از پژوهش خواجه‌ی و ابراهیمی (۱۳۹۶) و فرقاندوست همکاران (۱۳۹۳) بدین صورت است که اگر صورت‌های مالی شرکت در سال مورد بررسی افشای نادرست داشته باشد عدد یک اختصاص داده شده و در غیر این صورت برابر است با صفر می‌باشد. مطابق با استاندارد حسابرسی شماره‌ی ۲۴۰ باعنوان «مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه در صورت‌های مالی» از علائم نشان‌دهنده‌ی احتمال وجود تحریف‌های ناشی از تقلب در صورت‌های مالی (۱) بیش‌نمایی موجودی کالا، (۲) بیش‌نمایی حساب‌ها و اسناد دریافتنی، (۳) بیش‌نمایی دارایی‌های ثابت، (۴) بیش‌نمایی سرمایه‌گذاری‌ها، (۵) کسری ذخیره‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول، (۶) کسری استهلاک، (۷) بیش‌نمایی درآمد‌ها، (۸) بیش‌نمایی سود، (۹) بیش‌نمایی سود انباشته، (۱۰) کم‌نمایی حساب‌ها و اسناد پرداختنی، (۱۱) کسری ذخیره‌ی مالیات، (۱۲) بدهی‌های احتمالی، (۱۳) کسری ذخیره‌ی مزایای پایان خدمت کارکنان، (۱۴) کم‌نمایی هزینه‌ها، (۱۵) حساب‌ها و اسناد پرداختنی که مدت زیادی از سررسید آن‌ها گذشته است، (۱۶) موجودی راکد، (۱۷) دارایی راکد، (۱۸) مشکلات تداوم

فعالیت و ۱۹) اشتباه در به کارگیری استانداردهای حسابداری مرتبط با اندازه گیری، شناسایی، طبقه بندی، ارائه یا افشا، می باشد. چنانچه هر یک از این علائم در بندهای تعدیلی گزارش های حسابرسی سالانه شرکت ها وجود داشته باشد، به منزله افشای نادرست و انحرافات در گزارشگری مالی است و مقدار آن برابر با یک و نشان دهنده احتمال وقوع گزارشگری متقلبانه و در غیر این صورت، مقدار آن عدد صفر خواهد بود.

۲-۱-۴- متغیر مستقل

فشار نزولی بر حسابرس (FeePressure): متغیر مستقل در این پژوهش فشار نزولی بر حسابرس می باشد. فشار نزولی بر حسابرس اشاره به کاهش حق الزحمه های حسابرسی دارد. این متغیر به پیروی از پژوهش میشل و همکاران (۲۰۱۴) به شرح رابطه ی ۲ سنجیده شده که جزء اخلاص الگو نشان دهنده بخشی از فشار ناشی از حق الزحمه های نزولی است که بر حسابرسان وارد می شود. رابطه ی ۲)

$$\begin{aligned} \text{LnAUDITFEE}_{it} = & \alpha + \beta_1 \text{LnAT}_{it} + \beta_2 \text{LOSS}_{it} + \beta_3 \text{CRATIO}_{it} + \beta_4 \text{ZSCORE}_{it} + \beta_5 \\ & \text{CFO}_{it} + \beta_6 \text{ARIN}_{it} + \beta_7 \text{FOREIGN}_{it} + \beta_8 \text{SQEMPLOY}_{it} + \beta_9 \\ & \text{RLAG}_{it} + \beta_{10} \text{GC}_{it} + \beta_{11} \text{RESTATE}_{it} + \beta_{12} \text{BHRET}_{it} + \beta_{13} \text{BIG}_{it} + \beta_{14} \\ & \text{AUDCHG}_{it} + \beta_{15} \text{POWER}_{it} + \beta_{16} \text{ACOMP}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

در این رابطه:

LnAUDITFEE: حق الزحمه ی حسابرسی برابر است با لگاریتم حق الزحمه ی خدمات حسابرسی ارائه شده به شرکت بوده و برای محاسبه ی آن از هزینه های حسابرسی شرکت لگاریتم طبیعی گرفته می شود.

LnAT: اندازه ی شرکت، برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی ها.

LOSS: زیان دهی، اگر شرکت در سال t زیان گزارش کند یک و در غیر این صورت صفر.

CRATIO: نسبت جاری، که از طریق تقسیم دارایی های جاری بر بدهی های جاری به دست می آید.

ZSCORE: ورشکستگی، احتمال ورشکسته شدن در پایان سال t اندازه گیری می شود.

ورشکستگی به شرح رابطه ۳ محاسبه شده است:

رابطه ی ۳)

$$Z = 0.717X_1 + 0.847X_2 + 3.107X_3 + 0.420X_4 + 0.998X_5$$

در این رابطه :

Z: شاخص ورشکستگی

X_1 : نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی ها

X_2 : نسبت سود انباشته به کل دارایی ها

X_3 : نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی ها

X_4 : نسبت ارزش دفتری سهام شرکت به ارزش دفتری کل بدهی ها

X5: نسبت فروش به کل دارایی‌ها

در این مدل Z هرچه کمتر باشد، درجه‌ی بحران مالی شرکت بیش‌تر است به‌طوری که شرکت‌های با بالاتر از ۲,۹ سالم و کم‌تر از ۱,۲۳ ورشکسته هستند.

CFO: جریان‌ات نقدی؛ جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها در سال t.

ARIN: نسبت سرمایه‌گذاری جاری برابر با نسبت حساب‌های دریافتنی به علاوه سرمایه‌گذاری‌ها بر مجموع دارایی‌ها در سال t.

FOREIGE: صادرات، اگر شرکت معاملات خارجی انجام دهد عدد یک گرفته و در غیر این صورت برابر است با صفر.

SQEMPLO: تعداد کارکنان برابر با جذر تعداد کارمندی که شرکت در سال مورد بررسی گزارش می‌دهد.

RLAG: تأخیر گزارش حسابرس؛ لگاریتم طبیعی تعداد روزهای بین پایان سال مالی شرکت و تاریخ گزارشگری حسابرسی در سال t

GC: اظهارنظر تعدیل شده، اگر شرکت اظهارنظر تعدیل شده در مورد فرض تداوم فعالیت در سال t دریافت کند عدد یک گرفته و در غیر این صورت برابر است با صفر.

RESTATE: تجدید ارائه، اگر شرکت در سال مورد بررسی صورتهای مالی خود را تجدید ارائه نموده باشد عدد یک گرفته و در غیر این صورت برابر است با صفر.

BHRET: بازده سهام که از تقسیم مجموع سود تقسیمی، حق تقدم و تغییرات قیمت سهام بر قیمت سهام در سال قبل محاسبه می‌گردد. لازم به ذکر است که این نسبت در نرم افزار رهاورد نوین محاسبه شده و به عنوان مبنای محاسبه در این متغیر لحاظ می‌گردد. نحوه‌ی سنجش آن به شرح رابطه‌ی ۴ می‌باشد:

$$R_{i,t} = \frac{(1 + \alpha) P_{i,t} - P_{i,t-1} - \alpha (1000) + (1 + \alpha) D_{i,t}}{P_{i,t-1} + \alpha (1000)} \quad \text{رابطه‌ی (۴)}$$

در این رابطه:

$R_{i,t}$: بازده واقعی سهام شرکت i در دوره t

$P_{i,t}$: قیمت سهام شرکت i در انتهای دوره

$P_{i,t-1}$: قیمت سهام شرکت i در ابتدای دوره

$D_{i,t}$: منافع مالکیت سهم شرکت i در دوره t (سود نقدی هر سهم)

α : درصد سهام جایزه شرکت

(مبلغ اسمی هر سهم در ایران ۱۰۰۰ ریال است).

BIG: اندازه‌ی حسابرس مساوی یک اگر حسابرس شرکت معتمد بورس اوراق بهادار تهران باشد، در غیر این صورت صفر.

AUDCHG: تغییر حسابرس مساوی یک اگر شرکت در سال t حسابرس را عوض کرده باشد.

در غیر این صورت صفر.

POWER: قدرت چانه زنی مشتری که به وسیله‌ی تقسیم فروش بر مجموع فروش صنعت بر اساس پژوهش کاسترال و همکاران (۲۰۰۴) به دست می‌آید.

ACOMP: رقابت شرکت که بر اساس شاخص هرفیندال اندازه‌گیری می‌شود و برابر است با توان دوم نسبت کل فروش تقسیم بر کل فروش صنعت می‌باشد و این نحوه‌ی اندازه‌گیری برگرفته از پژوهش نیوتون و همکاران (۲۰۱۳) است.

ε: جزء اخلاص الگو که نشان‌دهنده‌ی بخشی از فشار ناشی از حق‌الزحمه‌های نزولی است که بر حساب‌رسان وارد می‌شود.

۳-۱-۴- متغیرهای کنترلی

Auditor: متغیر ساختگی مساوی یک اگر حسابرس جزء مؤسسات حسابرسی خصوصی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران باشد یک، در غیر این صورت (سازمان حسابرسی باشد) صفر.

GROWTH: رشد شرکت، درصد افزایش درآمد سال جاری نسبت به سال قبل.

ACCRUAL: تغییرات سرمایه‌ی در گردش غیرنقدی به علاوه تغییرات در دارایی‌های عملیاتی غیرجاری به علاوه تغییرات در دارایی‌های مالی تقسیم بر کل دارایی‌ها.

EXANTE: معیار نیاز آتی تأمین مالی خارجی که به پیروی از پژوهش رانی و همکاران (۲۰۰۷) از نسبت جریان وجوه نقد آزاد شرکت استفاده شده به نحوی که اگر این نسبت کم‌تر از ۰/۱ باشد عدد یک در نظر گرفته شده و در غیر این صورت صفر تعلق می‌گیرد. جریان وجه نقد آزاد از طریق تقسیم درآمد خالص منهای تعهدات بر میانگین سرمایه مصرف شده‌ی ۳ سال آخر محاسبه می‌شود.

AGE: لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های بین تاریخ تأسیس با سال مورد بررسی است.

NAFEERATIO: هزینه‌های غیرحسابرسی تقسیم بر مجموع هزینه‌ها.

INDSPECIAL: اگر حسابرس متخصص در صنعت باشد عدد یک گرفته و در غیر این صورت برابر است با صفر. برای محاسبه‌ی حسابرس متخصص در صنعت از نسبت زیر استفاده می‌شود.

$$\text{MKTSHR}_{ik} = \frac{\sum_{j=1}^{ijk} \text{sales}_{ijk}}{\sum_{i=1}^{ik} * \sum_{j=1}^{ijk} \text{sales}_{ijk}} \quad (\text{رابطه‌ی ۵})$$

MKTSHR: عبارت است از سهم بازار مؤسسه i در صنعت k . که صورت کسر نشان دهنده مجموع فروش‌های در صنعت k می‌باشد که توسط مؤسسه‌ی حسابرسی i مورد حسابرسی قرار گرفته است و مخرج کسر بیانگر تمام فروش‌های موجود در صنعت k که توسط مؤسسه‌ی حسابرسی i تا i حسابرسی شده‌اند (یعنی کل فروش‌های حسابرسی شده در صنعت توسط تمام مؤسسات حسابرسی). در صورتی که سهم بازار مؤسسه‌ی i در صنعت k بیش از $\{(1/2) * (\text{شرکت‌های موجود در یک صنعت}/1)\}$ باشد مؤسسه‌ی مذکور به عنوان متخصص صنعت، و به آن عدد یک در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص داده می‌شود (می‌هو و ویلکنیز، ۲۰۰۳).

۴-۲- جامعه‌ی آماری و حجم نمونه

جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار طی دوره‌ی زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ می‌باشند. روش نمونه برداری مبتنی بر حذف سیستماتیک بوده و کلیه‌ی شرکت‌هایی که واجد شرایط زیر می‌باشند به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب خواهند شد.

۱- قبل از پایان سال مالی ۱۳۹۱ در فهرست شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران باشند.

۲- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.

۳- کلیه‌ی داده‌های موردنیاز پژوهش برای شرکت‌های مورد بررسی موجود و در دسترس باشد.

۴- جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری و لیزینگ) نباشد.

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع ۹۲ شرکت انتخاب شده است.

۵- روش پژوهش

در اغلب موارد اقتصاددانان فرض می‌کنند که متغیر وابسته، مجموعه‌ای از مقادیر پیوسته می‌باشد. لیکن موارد متعددی وجود دارد که رفتار تصمیم‌گیرنده در قالب یک مجموعه‌ی محدود خلاصه می‌شود. مدل‌هایی که برای چنین اهدافی استفاده می‌شوند، مدل‌هایی با متغیرهای وابسته کیفی نامیده می‌شوند (جاج و همکاران، ۱۹۸۸). با توجه به پیوسته نبودن مقادیر متغیر وابسته در این مدل‌ها، به این گروه از مدل‌های اقتصادسنجی، مدل‌های رگرسیون گسسته اطلاق می‌شود (مادالا، ۱۹۹۱). ساده‌ترین این مدل‌ها مدل‌هایی هستند که در آن‌ها متغیر وابسته دوگانه (مجازی) می‌باشند. مدل رگرسیونی مرتبط با این گونه مسائل یک متغیر کیفی دوتایی است که مقادیر صفر و یک به خود می‌گیرد. از جمله این مدل‌ها می‌توان مدل احتمال خطی، مدل لاجیت و مدل پروبیت را نام برد (کهنسال و همکاران، ۱۳۸۸). آسان‌ترین و گسترده‌ترین مدل انتخاب گسسته، مدل لاجیت است. عمومیت داشتن این مدل به این دلیل است که فرمول‌های مورد استفاده برای محاسبه‌ی احتمال انتخاب هر گزینه دارای یک فرم بسته بوده و به سادگی قابل تفسیر هستند (باقرزاده، ۱۳۸۹). در این مطالعه برای بررسی تأثیر متغیرهای توضیحی مختلف و باتوجه به آزمون نرمالیتی، مدل لاجیت به کار گرفته شد. الگوی لاجیت برای بررسی تأثیر متغیرهای توضیحی بر متغیر وابسته به صورت رابطه‌ی ۶ نشان داده می‌شود:

رابطه‌ی ۶)

$$Z_i^* = \alpha + \beta X_i + u_i$$

که در آن Z_i^* متغیر وابسته و X_i برداری از خصوصیات مالی، حسابرسی و کنترلی شرکت آم است. α و β پارامترهای الگو و u_i نیز جزء خطای الگو است. اگر متغیر دیگری به نام Z_i تعریف شود که از مقادیر صفر و یک تشکیل شده باشد، چنانچه $Z_i^* > 0$ ، متغیر Z_i دارای مقدار یک و در غیر این صورت دارای مقدار صفر می‌باشد. بنابراین، در این مطالعه متغیر وابسته مدل، یک

متغیر صفر و یک تعریف می‌شود که شامل $Z_i = 0$ و $Z_i = 1$ برای متغیر وابسته مورد مطالعه است. در الگوی لاجیت مورد مطالعه، احتمال به صورت رابطه‌ی ۷ تعریف می‌شود:

$$P_i = F(Z_i) = F(\alpha + \beta X_i) = \frac{1}{1 + e^{-Z_i}} = \frac{1}{1 + e^{-(\alpha + \beta X_i)}} \quad \text{(رابطه‌ی ۷)}$$

در مدل بالا e پایه لگاریتم طبیعی و P_i به طور غیر خطی به Z_i مربوط است. درمورد تخمین این مدل باید گفت P_i نه تنها بر حسب X بلکه بر حسب β ها هم غیرخطی است و روش معمول OLS برای تخمین پارامترهای مدل مذکور مناسب نیست. بر این اساس مدل فوق با استفاده از روش حداکثر درست‌نمایی تخمین زده می‌شود (گجراتی، ۱۳۷۲). اگر P_i احتمال باشد $1 - P_i$ احتمال عدم خواهد بود. با تقسیم احتمال آامین شرکت به احتمال عدم آن به شرح رابطه‌ی ۸ خواهد بود:

$$\frac{P_i}{1 - P_i} = \frac{1 + e^{Z_i}}{1 + e^{-Z_i}} = e^{Z_i} \quad \text{(رابطه‌ی ۸)}$$

رابطه‌ی بالا نشانگر نسبت احتمال به احتمال عدم است. با گرفتن لگاریتم طبیعی از طرفین، رابطه‌ی ۹ به‌دست می‌آید:

$$L_i = \ln\left(\frac{P_i}{1 - P_i}\right) = \alpha + \beta X_i \quad \text{(رابطه‌ی ۹)}$$

که L لگاریتم آن می‌باشد و بر حسب X و پارامترها خطی است.

در این مدل‌ها هر چند ضریب برآورد شده می‌تواند رابطه‌ی بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی را نمایان سازد اما معیاری که می‌تواند راهنما بهتری برای تعیین مقدار تأثیر متغیرهای توضیحی بر متغیر وابسته باشد، معیار اثر نهایی است. اثر نهایی، احتمال انتخاب مقدار یک یا احتمال اتفاق‌گرفته مورد نظر را به ازای یک واحد تغییر در هر کدام از متغیرهای توضیحی نشان می‌دهد. اثر نهایی هر کدام از متغیرهای مستقل در مدل لاجیت از رابطه‌ی ۱۰ محاسبه می‌گردد:

$$MF_{xi} = \frac{e^{X\beta}}{(1 + e^{X\beta})^2} \beta^i \quad \text{(رابطه‌ی ۱۰)}$$

همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از آمار استنباطی استفاده گردید. برای تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش در جهت تعیین نوع برآورد از آزمون‌های نرمالیتی برای تعیین نوع آزمون اصلی و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش حسب مورد از روش لاجیت استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج پژوهش، از نرم‌افزارهای Excel و Eviews نسخه ۸ استفاده گردید.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه‌ی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش، پارامترهای توصیفی

هر متغیر به صورت مجزا محاسبه می‌شود. جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترل را برای کل مشاهدات این پژوهش نشان می‌دهد. این پارامترها شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی نظیر میانگین، میانه، کمینه و بیشینه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی همچون انحراف معیار است.

جدول (۱) آمار توصیفی

نماد متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	ضریب چولگی
فشار نزولی بر حسابرانی	FEEPRESSURE	۰.۰۰	۰.۰۰	۴.۰۴	-۲.۶۶	۰.۷۸	۰.۴۵
انحرافات موجود در گزارشگری مالی	MISSTATE	۰.۷۵	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۴۳	-۱.۱۴
اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرانی تحت فشار	FEEPRESSURE*Auditor	۱۳.۴۲	۱۳.۳۱	۱۸.۱۲	۱۰.۱۰	۱.۳۱	۰.۸۲
زیان	LOSS	۰.۱۲	۰.۰۰	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۳۲	۲.۳۵
نسبت جاری	CRATIO	۱.۶۱	۱.۲۳	۴۳.۸۱	۰.۲۲	۲.۳۸	۱.۶۴
ورشکستگی	ZSCORE	-۱.۲۸	-۱.۱۳	۸.۶۷	-۹.۱۰	۱.۸۸	۰.۱۷
جریان‌ات نقدی	CFO	۰.۱۲	۰.۱۰	۰.۶۸	-۰.۳۴	۰.۱۴	۰.۶۸
نسبت سرمایه‌ی جاری	ARIN	۰.۲۹	۰.۳۰	۰.۸۳	۰.۰۰	۰.۱۶	۰.۱۶
تأخیر گزارش حسابرانی	RLAG	۴.۲۴	۴.۳۶	۴.۹۱	۲.۸۳	۰.۴۰	-۰.۷۸
اظهارنظر تعدیل شده	GC	۰.۵۴	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۵۰	-۰.۱۷
تجدید ارائه	RESTATE	۰.۸۲	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۳۸	-۱.۶۹
بازده سهام	BHRET	۰.۵۸	۰.۱۶	۷.۳۴	-۰.۷۲	۱.۱۷	۲.۴۷
اندازه‌ی حسابرانی	BIGA	۰.۶۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۴۹	-۰.۳۹
تغییر حسابرانی	AUDCHG	۰.۲۴	۰.۰۰	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۴۳	۱.۲۳
قدرت چانه زنی مشتری	POWER	۰.۰۴	۰.۰۲	۰.۶۸	۰.۰۰	۰.۰۹	۱.۲۶
رقابت شرکت	ACOMP	۰.۰۱	۰.۰۰	۰.۴۶	۰.۰۰	۰.۰۴	۱.۸۱
رشد شرکت	GROWTH	۰.۲۲	۰.۱۶	۳.۲۲	-۰.۹۳	۰.۴۱	۲.۰۹
نسبت دارایی‌های غیر نقد	ACCRUAL	۰.۰۵	۰.۰۴	۰.۸۶	-۳.۶۳	۰.۲۲	-۱.۵۷
اهرم مالی	LEV	۰.۶۲	۰.۶۲	۲.۰۸	۰.۰۱	۰.۲۴	۰.۶۰
نیاز آتی تأمین مالی خارجی	EXANTE	۰.۳۲	۰.۰۰	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۴۷	۰.۷۵
عمر شرکت	AGE	۲.۷۷	۲.۷۷	۳.۸۷	۱.۹۵	۰.۴۵	۰.۳۱
هزینه‌های غیر حسابرانی	NAFEERATIO	۰.۹۶	۰.۹۸	۱.۰۰	-۲.۵۳	۰.۱۷	-۱.۱۳
حسابرانی متخصص در صنعت	INDSPECIAL	۰.۵۱	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۵۰	-۰.۰۵
حق الزحمه‌ی حسابرانی	LNAUDITFEE	۶.۵۰	۶.۳۷	۱۱.۲۶	۲.۸۹	۰.۹۵	۰.۹۰
صادرات	FOREIGE	۰.۵۹	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۴۹	-۰.۳۸

از بین شاخص‌های مرکزی بیان شده میانگین مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود که نشان‌دهنده‌ی

نقطه‌ی تعادل و مرکز ثقل توزیع است. میانگین شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال میانگین اندازه‌ی شرکت برابر با $۱۳/۴۲$ می‌باشد که نشان می‌دهد بیش‌تر داده‌های مربوط به این متغیر در حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانه‌ی متغیر نسبت جاری برابر با $۱/۳۲$ است که نشان می‌دهد نیمی از داده‌های این متغیر کم‌تر از این مقدار و نیمی دیگر بیش‌تر از این مقدار می‌باشد. در طی قلمرو زمانی پژوهش بیش‌ترین مقدار متغیر تأخیر گزارش حسابرس برابر با $۴/۹۱$ بوده و کم‌ترین مقدار این متغیر برابر با $۲/۸۳$ است. شاخص‌های پراکندگی به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است. همان‌طور که در جدول ۱ نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می‌باشند. در جامعه‌ی آماری مورد بررسی مقدار این پارامتر برای متغیر اندازه‌ی حسابرس برابر با $۰/۴۹$ است. پارامتر چولگی میزان عدم تقارن منحنی فراوانی متغیر را نشان می‌دهد. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه‌ی کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. به عنوان مثال ضریب چولگی متغیر فشار نزولی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی مثبت و برابر با $۰/۴۵$ می‌باشد، یعنی منحنی فراوانی این متغیر در جامعه مورد بررسی چولگی به راست داشته و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد.

۲-۶- آمار استنباطی

فرضیه‌ی پژوهش به بررسی رابطه‌ی بین فشار نزولی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کاهش انحرافات موجود در گزارشگری مالی می‌پردازد. برای رسیدن به هدف پژوهش ابتدا باید به پیش‌آزمون لازم پرداخته شود. پیش‌آزمون صورت گرفته آزمون نرمالیتی است که برای الگوی پژوهش نشان می‌دهد سطح معناداری آن برابر با $۰/۰۰۰$ است که نشان‌دهنده‌ی بررسی فرضیه‌ی پژوهش با استفاده از آزمون لاجیت می‌باشد. نتایج بررسی مدل پژوهش در جدول ۲ نشان می‌دهد که سطح معناداری نسبت درست‌نمایی (LR) برابر با $۰/۰۱۲۶$ بوده و این بدان معنا است که مدل مقید و غیرمقید، تفاوت معناداری دارند و لذا متغیرهای توضیحی، قدرت توضیح دهنده‌ی معناداری دارند. در واقع می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. همچنین مقدار ضریب مک فادن برابر با $۰/۰۶$ است که نشان می‌دهد ۶ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیونی توضیح داده می‌شود. همچنین میزان حداکثر تابع درست‌نمایی غیر مقید برابر با $۲۹۸/۰۳$ است که بدان معنی است که قید مورد نظر برقرار است و اعمال آن‌ها تأثیری بر رگرسیون ندارد.

جدول (۲) برازش الگوی لجستیک

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	آماره Z	سطح معناداری	اثر نهایی
فشار نزولی بر حسابرسی	FEEPRESSURE	۰.۳۰۸۶۵۰	۲۰.۳۵۳۵۹	۰.۰۴۱۸	۰.۰۶۰۹
اندازه مؤسسه‌ی حسابرسی تحت فشار	FEEPRESSURE* Auditor	۰.۲۵۵۰۶۴	۲۵.۸۸۰۱۰	۰.۰۰۹۷	۰.۰۵۰۳
رشد شرکت	GROWTH	۰.۴۵۱۹۵۱	۱۵.۲۹۲۲۲	۰.۱۲۶۲	۰.۰۸۹۱
نسبت سرمایه جاری	ARIN	۰.۳۹۵۹۲۵	۰.۶۲۹۱۹۴	۰.۵۲۹۲	۰.۰۷۸۱
نسبت دارایی‌های غیرنقد	ACCRUAL	-۰.۰۳۸۹۸۶	-۰.۰۸۰۶۵۵	۰.۹۳۵۷	-۰.۰۰۷۷
اهرم مالی	LEV	-۰.۰۳۲۱۲۹	-۰.۰۶۲۸۸۲	۰.۹۴۹۹	-۰.۰۰۶۳
نیاز آتی تأمین مالی خارجی	EXANTE	۰.۰۲۵۴۴۷	۰.۱۰۱۴۷۱	۰.۹۱۹۲	۰.۰۰۵۰
زیان	LOSS	-۰.۳۹۵۶۳۱	-۱.۱۸۴۹۱۳	۰.۲۳۶۱	-۰.۰۷۸۰
اظهارنظر تعدیل شده	GC	۰.۴۲۲۱۳۳	۱.۹۶۸۲۸۰	۰.۰۴۹۰	۰.۰۸۳۳
عمر شرکت	AGE	-۰.۰۰۰۳۱۵	-۰.۰۰۱۳۹۳	۰.۹۹۸۹	-۰.۰۰۰۱
رقابت شرکت	ACOMP	۱۱.۷۲۳۵۸	۱۵۱۳۰۷۵	۰.۱۳۰۳	۲.۳۱۲۴
هزینه‌های غیرحسابرسی	NAFEERATIO	۰.۷۹۰۷۲۳	۱.۴۱۶۳۳۹	۰.۱۵۶۷	۰.۱۵۶۰
حسابرس متخصص در صنعت	INDSPECIAL	-۰.۳۸۵۸۸۱	-۱.۶۷۴۲۲۷	۰.۰۹۴۱	-۰.۰۷۶۱
عرض از مبدأ	C	-۳.۲۸۹۵۶۲	-۲.۲۲۳۶۸۶	۰.۰۲۶۲	-۰.۶۴۸۹
آماره‌ی LR	۲۶/۹۴	معناداری آماره‌ی LR	۰/۰۱۲۶		
حداکثر تابع درست نمایی	-۲۹۸/۰۳	ضریب مک فادن	۰/۰۶		
آزمون نرمالیتی	آماره‌ی آزمون: ۱۱۲/۱۳۵	سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰	نتیجه: لاجیت		

۳-۶- فروض کلاسیک

پس از برازش مدل پژوهش لازم تا راستی آزمایی مدل تحت یک‌سری پس آزمون انجام شود. جهت بررسی آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی، از آزمون بروش پاگان و بروش پاگان گادفری استفاده شده است. نتایج پس آزمون مدل آماری در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول (۳) فروض کلاسیک

آزمون ناهمسانی واریانس		آزمون خودهمبستگی	
آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری
۱۷/۵۶	۰/۵۴۷۸	۵۲/۵۲	۰/۵۲۶۹

نتایج آزمون ناهمسانی و خودهمبستگی نشان داد که ناهمسانی و خودهمبستگی در بین خطای مدل وجود ندارد.

فرضیه‌ی اول به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا فشار نزولی بر حسابرسی با انحرافات موجود در گزارشگری مالی رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد یا خیر؟ برای بررسی فرضیه‌ی پژوهش هدف نبود رابطه‌ی معنادار بین فشار نزولی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و انحرافات موجود در گزارشگری مالی

در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به عنوان فرضیه‌ی صفر انتخاب و وجود آن (عکس فرضیه‌ی صفر) به عنوان فرضیه‌ی مقابل در نظر گرفته شد. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر فشار نزولی بر حسابرِس برابر با ۰/۰۴۱۸ می‌باشد که سطح خطای متغیر مورد بررسی از ۵ درصد کمتر بوده و لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان اذعان نمود که فشار نزولی بر حسابرِس با انحرافات موجود در گزارشگری مالی رابطه‌ی معناداری دارد و در نتیجه فرضیه‌ی صفر رد شد است. برای تأیید فرضیه نیاز است که این رابطه به صورت مستقیم باشد. همان گونه که در جدول یاد شده نشان داده شده است ضریب برآورد شده متغیر فشار نزولی بر حسابرِس برابر با ۰/۳۰۸۶ و اثر نهایی آن بر متغیر وابسته برابر با ۰/۰۶۰۹ است که نشان می‌دهد رابطه به صورت مستقیم بوده به گونه‌ای که هر چه فشار نزولی بر حق الزحمه‌ی حسابرِس افزایش یابد کاهش کیفیت خدمات حسابرِس نیز بیش تر شده و انحرافات موجود در گزارشگری مالی بالا می‌رود و کیفیت خدمات حسابرِس کاهش پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که فشار نزولی بر حق الزحمه‌ی حسابرِس با کاهش کیفیت خدمات حسابرِس و انحرافات موجود در گزارشگری مالی رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد و در نتیجه فرضیه‌ی پژوهش تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی دوم به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا منطبق بر نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرِس، نظریه‌ی فشار حق الزحمه‌ی حسابرِس تأیید می‌گردد یا خیر؟ سطح معناداری برای متغیر اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرِس تحت فشار برابر با ۰/۰۰۹۷ است که نشان می‌دهد برای مؤسسات حسابرِس با افزایش فشار نزولی بر حسابرِس، انحرافات موجود در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد که این نتیجه دال بر تأیید نظریه‌ی فشار حق الزحمه‌ی حسابرِس است. پس می‌توان بیان نمود که کیفیت حسابرِس سازمان حسابرِس به طور قابل ملاحظه‌ای بالاتر از سایر مؤسسات است و مؤسسات حسابرِس خصوصی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی به دلیل حق الزحمه‌ی پایین تحت فشار حق الزحمه، زمان کافی جهت کشف انحرافات با اهمیت در صورت‌های مالی صاحبکار را صرف نمی‌کنند. در نتیجه فرضیه‌ی دوم تأیید می‌گردد.

علاوه بر این نتایج رابطه‌ی متغیرهای کنترلی با انحرافات موجود در گزارشگری مالی حاکی از آن است که متغیرهای اندازه شرکت، رشد شرکت، نسبت سرمایه جاری، نیاز آتی تأمین مالی خارجی و اظهارنظر تعدیل شده در سطح اطمینان ۹۰ درصد دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری با کیفیت کمتر خدمات حسابرِس هستند به گونه‌ای که افزایش در این عوامل، منجر به افزایش کیفیت حسابرِس پایین شده و به نوعی منجر به کاهش کیفیت حسابرِس می‌گردند. به عنوان مثال این نتایج بیانگر آن است که شرکت‌های دارای اظهارنظر تعدیل شده از خدمات حسابرِس با کیفیت پایین استفاده نموده و یا شرکت‌هایی که نیاز آتی تأمین مالی خارجی دارند، با توجه به اینکه نیازمند گزارش حسابرِس هستند، از خدمات حسابرسانی استفاده می‌نمایند که دارای تخصص کمتر بوده و در نتیجه تاحدودی از نارسایی‌های شرکت مطلع نمی‌شود و در نتیجه در گزارش خود ارائه نمی‌نماید. از طرف دیگر نتایج بیانگر آن است که متغیرهای نسبت دارایی‌های غیرنقد، اهرم مالی، زیان دهی، عمر شرکت و حسابرِس متخصص در صنعت دارای رابطه‌ی منفی

و معنادار در سطح اطمینان ۹۰ درصد با کیفیت کم‌تر خدمات حسابرسی بوده به گونه‌ای که افزایش در این عوامل منجر به کاهش کیفیت کم‌تر خدمات حسابرسی بوده و به نوعی سبب افزایش کیفیت خدمات حسابرسی می‌گردند. به عنوان مثال علاوه بر اینکه حسابرسان متخصص در صنعت از کیفیت حسابرسی بالایی برخوردارند، نتایج بیانگر این نیز می‌باشد که شرکت‌های دارای عمر و سابقه بالا، از خدمات حسابرسانی استفاده می‌نمایند که خدمات ارائه شده توسط آنان دارای کیفیت بالایی باشد.

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بعد از مطرح شدن نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی توسط دی آنجلو (۱۹۸۱) به عنوان متغیر جایگزین کیفیت حسابرسی، پژوهش‌هایی در ارتباط با اثر مؤسسات حسابرسی بزرگ بین‌المللی (هشت، شش، پنج و چهار) بر کیفیت حسابرسی انجام شد. در ایران نیز علی‌رغم اینکه مؤسسات حسابرسی بزرگ بین‌المللی فعالیت نمی‌کنند، از نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی برای پژوهش در مورد تفاوت کیفیت حسابرسی سازمان به عنوان حسابر بزرگ و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی به عنوان حسابر کوچک استفاده شده است. مرور پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که نتایج به دست آمده متناقض هستند. چنین نتایج متناقضی بیانگر آن است که پژوهش‌های انجام شده در این حوزه در داخل کشور از ضعف‌های نظری و روش شناختی رنج می‌برند. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی این مهم است که نظریه‌ی اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی مبنای نظری مناسب جهت استفاده در فضای حسابرسی خاص ایران است و پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور مشکل انتخاب درون‌زای حسابر بزرگ به عنوان یک مشکل روش شناختی عمده در این حوزه از پژوهش‌ها را کنترل کرده‌اند.

این پژوهش به دنبال ارائه‌ی پیشنهادها لازم جهت مرتفع کردن مشکلات احتمالی نظری و روش شناختی پژوهش‌های داخلی در این حوزه می‌باشد. نقد نظری تئوری اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی نشان می‌دهد که نظریه اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی نظریه‌ی مناسبی برای بررسی تفاوت کیفیت حسابرسی سازمان حسابرسی و مؤسسات عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی نیست. پژوهش حاضر با توجه به دو وجهی بودن تعریف کیفیت حسابرسی توسط دی آنجلو (۱۹۸۱) دو نظریه‌ی جایگزین متناقض (نظریه‌ی فشار حق الزحمه‌ی حسابرسی و نظریه حسابرسی شونده و حسابرسی کننده دولتی) را مطرح می‌کند. نظریه‌ی فشار حق الزحمه حسابرسی بیان می‌کند که مؤسسات حسابرسی خصوصی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی به دلیل حق الزحمه‌ی پایین تحت فشار حق الزحمه، زمان کافی جهت کشف تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی صاحبکار را صرف نمی‌کنند. این نظریه پیش‌بینی می‌کند که کیفیت حسابرسی سازمان که با مشکل حق الزحمه‌ی پائین حسابرسی مواجه نیست بیش‌تر از مؤسسات خصوصی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی باشد اما نظریه حسابرسی شونده و حسابرسی‌کننده‌ی دولتی مدعی است که تردید اساسی نسبت به استقلال حسابر بزرگ وجود دارد زمانی که حسابرسی شونده و حسابرسی‌کننده هر دو

دولتی باشند. این نظریه استقلال سازمان حسابرسی را زیر سؤال می‌برد. بنابراین پژوهش حاضر، براساس دو نظریه متناقض مشروح، تدوین یک فرضیه‌ی غیر جهت‌دار در ارتباط با تفاوت کیفیت حسابرسی سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی را پیشنهاد می‌کند. بر این اساس آزمون فرضیه‌ی پژوهش رابطه‌ی بین فشار نزولی بر حسابرسی با انحرافات موجود در گزارشگری مالی را مورد بررسی قرار داد. بر مبنای نتایج به دست آمده از تخمین فرضیه پژوهش، این فرضیه مبنی بر اینکه فشار نزولی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با انحرافات موجود در گزارشگری مالی و کاهش کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد تأیید شده است. بنابراین می‌توان گفت که هر چه قدر بر حسابرِس فشار حق‌الزحمه ای آورده شود که مبلغ قرار داد را کاهش دهد، نتیجه‌ی کاهش کیفیت خدمات ارائه شده توسط او را در پی دارد و حسابرِس با در نظر گرفتن زمان، دقت و رفتار حرفه‌ای کم‌تر، منافع کاهش یافته‌ی خود را جبران می‌نماید و این اقدامات منجر به این می‌شود که خدمات دریافتی از حسابرِس دارای کیفیت کم‌تر و حتی در کیفیت پایینی قرار داشته باشد. بنابراین با توجه به اینکه حسابرِس در زمان قبل از انعقاد قرارداد حق‌الزحمه‌ی برآوردی خود را براساس زمان مورد نیاز (که براساس ویژگی‌های هر صاحبکار و فعالیتی که انجام می‌دهد، افزایش یا کاهش می‌یابد) برای رسیدگی به صورت‌های مالی تعیین می‌نماید، در صورتی که صاحبکار مبلغ مورد نظر حسابرِس را با تغییر بی‌اهمیت در مبلغ یا پذیرش مبلغ برآوردی قبول نماید، کیفیت خدماتی که ارائه گردیده است در حد بالایی قرار دارد اما اگر صاحبکار مبلغ پیشنهادی حسابرِس را با تغییر زیاد و کاهش آن بپذیرد، حسابرِس مجبور می‌شود که زمان برآوردی خود را کاهش داده و این اقدام او سبب می‌شود که کشف تحریف‌های احتمالی در صورت‌های مالی کاهش یابد. نتیجه‌ای که از نتایج تخمین مدل پژوهش می‌توان ارائه نمود این است که میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و در نتیجه کیفیت حسابرِس بستگی به ویژگی‌های صاحبکار دارد به گونه‌ای که شرکت‌های خواهان عدم ارائه‌ی اطلاعات با کیفیت به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی باشند، یا درصدد عدم کشف معاملات یا رویدادهایی در صورت‌های مالی بوده و یا اینکه مدیریت تمایل به دستکاری سود و در نتیجه مدیریت سود و کاهش کیفیت سود باشد، از حسابرسانی استفاده می‌نمایند که متخصص در صنعت نبوده یا دارای شهرت و اندازه‌ی پایینی باشد و در نتیجه علاوه بر اینکه توانایی تحمیل نظرات خود مبنی بر کاهش حق‌الزحمه‌ی حسابرسی را دارند، خدماتی که برای شرکت کسب می‌شود دارای کیفیت پایینی می‌باشد. از طرف دیگر شرکت‌هایی که حسابرسان انتخابی خود را از میان حسابرسان مشهور و متخصص در صنعت انتخاب می‌نمایند و حق‌الزحمه‌ی معقول آن‌ها را پذیرش نموده و تمام اطلاعات لازم را در اختیار حسابرسان قرار می‌دهند، خدمات دریافت شده توسط این نوع شرکت‌ها در حد کیفیت بالایی قرار داشته و در بیش‌تر حالات اظهارنظر حسابرِس مقبول می‌باشد. چرا که در صورت کشف تحریف با اهمیت توسط حسابرِس مدیریت تمایل به تغییر آن را داشته و محدودیتی از طرف صاحبکار در رسیدگی‌های حسابرِس ایجاد نمی‌شود، علاوه بر این به نظر می‌رسد که بیش‌تر این نوع شرکت‌ها دارای کنترل داخلی

مناسب هستند که متناسب با اندازه‌ی شرکت می‌باشد. در نتیجه در این شرکت‌ها فشار نزولی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرس به کم‌ترین حد خود رسیده و حتی ممکن است چنین موضوعی اتفاق نیفتد و حق‌الزحمه‌ی درخواستی حسابرس مورد پذیرش قرار بگیرد. لازم به ذکر است که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش میشل و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

نتایج فرضیه پژوهش نشان داد که فشار نزولی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کاهش کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد. بنابراین به استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی که خواهان اطلاعات با کیفیت برای استفاده در تصمیم‌گیری‌های خود هستند پیشنهاد می‌شود به حسابرس و ویژگی‌های آن توجه نموده و استفاده از اطلاعات شرکت‌هایی که حسابرس آن متخصص در صنعت نبوده، اندازه‌ی کم‌تری داشته و یا اقلام تعهدی اختیاری شرکت در سطح بالایی قرار دارد، نهایت دقت را به عمل آورند. همچنین براساس نتایج فرضیه‌ی پژوهش، به سهامدارانی که خواهان ارزیابی عملکرد مدیریت شرکت با استفاده از صورت‌های مالی ارائه شده توسط وی هستند، پیشنهاد می‌شود که حسابرسان متخصص در صنعت را انتخاب نمایند و حتی الامکان از حسابرسانی استفاده نمایند که معتمد بورس بوده و دارای رتبه‌ی یک کنترل کیفیت جامعه‌ی حسابداران رسمی باشد.

با توجه به فقدان اطلاعات اکثر شرکت‌ها درباره حق‌الزحمه‌ی حسابرسان و میزان وابستگی آن‌ها به شرکت، به کمیته‌ی تدوین استانداردهای حسابداری پیشنهاد می‌شود: در استانداردها بندهایی لحاظ نمایند که شرکت‌ها را ملزم به ارائه‌ی اطلاعات مفیدی درباره‌ی حسابرس منتشر نموده که علاوه بر مفید بودن در تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان از این اطلاعات، جنبه‌های دیگری از جمله میزان کیفیت و استقلال حسابرس نیز سنجیده گردد. همچنین با توجه به نتایج حاصل از فرضیه‌ی پژوهش به جامعه‌ی حسابداری رسمی و مؤسسات حسابرسی پیشنهاد می‌گردد که هر ساله حق‌الزحمه‌های حسابرسی را مورد بررسی قرار داده و چهارچوبی را برای آن تعیین نمایند. زیرا هنگامی که حق‌الزحمه‌های حسابرسی برای مؤسسات حسابرسی کوچک و بزرگ تفاوتی نمی‌کند، ممکن است کیفیت حسابرسی فدای انعقاد قراردادهای حسابرسی گردد. از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به تعداد حجم نمونه اشاره نمود. با توجه اینکه بیش‌تر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اطلاعات حسابرس و مبالغ قرارداد آن‌ها را در سایر هزینه‌های اداری و تشکیلاتی نشان داده‌اند، تعداد شرکت‌های نمونه به دلیل این نحوه‌ی ارائه شرکت‌ها به شدت کاهش یافته است و تعداد کم‌تری از شرکت‌ها به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. لذا در تعمیم نتایج حاصل از پژوهش به سایر شرکت‌ها باید احتیاط لازم به عمل آید. ناقص بودن اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی برخی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، به دلایلی نظیر مخدوش بودن فایل‌های موجود آن‌ها و در نتیجه حذف آن‌ها از جامعه‌ی آماری مورد بررسی و عدم استفاده از اطلاعات شرکت‌های غیربورسی به دلیل عدم امکان دسترسی به آن‌ها از دیگر محدودیت‌های پژوهش می‌باشد. همچنین داده‌های

استخراج شده از صورت‌های مالی شرکت‌ها، از بابت تورم تعدیل نگردیده است. در صورت تعدیل اطلاعات مذکور، ممکن است نتایج متفاوتی از نتایج فعلی حاصل شود. با توجه به اینکه قلمرو زمانی پژوهش، سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ بوده است، باید در تعمیم نتایج به دوره‌های قبل و بعد از آن، جنبه‌ی احتیاط رعایت گردد. مباحث زیر جهت پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد:

۱. بررسی تأثیر نوع اظهارنظر حسابرس و اندازه‌ی حسابرس شرکت‌ها بر کاهش کیفیت خدمات حسابرسی

۲. بررسی تأثیر فشار نزولی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرس بر تأخیر غیرعادی در گزارش حسابرس
۳. بررسی مربوط بودن سود گزارش شده بر کاهش کیفیت خدمات حسابرسی
۴. بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی بر کاهش کیفیت خدمات حسابرسی
۵. بررسی تأثیر فشار نزولی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرس بر انتخاب حسابرسان معتمد بورس و حسابرسان دارای رتبه‌ی یک کنترل کیفیت جامعه‌ی حسابداران رسمی
۶. بررسی تأثیر فشار نزولی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرس بر تغییر و چرخش حسابرس
۷. بررسی تأثیر تصدی حسابرس بر کاهش کیفیت خدمات حسابرسی.

منابع

- باقرزاده، علی (۱۳۸۹). عامل‌های مؤثر بر تقاضای تفریح در پارک‌های جنگلی، مطالعه موردی پارک جنگلی داغ‌ارباغی شهرستان خوی، مجله‌ی تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۲، شماره ۲.
- تلخابی، فاطمه؛ نیکو مرام، هاشم؛ وکیلی فرد، حمیدرضا؛ رویایی، رمضانعلی (۱۳۹۶). بررسی چسبندگی حق‌الزحمه حسابرسی و تأثیر ریسک مالیاتی بر آن، دانش حسابداری، مقاله ۷، دوره ۸، شماره ۳ - شماره پیاپی ۳۰، پاییز ۱۳۹۶، صفحه ۱۶۷-۲۰۱.
- تنانی، محسن و نیکبخت، محمدرضا (۱۳۸۹). آزمون عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی. سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۴). ص ص ۱۱۱ تا ۱۳۲.
- ثقفی، علی و معتمدی فاضل، مجید. (۱۳۹۰). رابطه میان کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با امکانات سرمایه‌گذاری بالا، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره چهارم، شماره پیاپی (۱۰)، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱-۱۴.
- حساس یگانه، یحیی و آذین‌فر، کاوه. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرس و اندازه مؤسسه‌ی حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۱۲، صص ۸۵-۹۸.
- حساس یگانه، یحیی و علوی طبری، حسین. (۱۳۸۲). رابطه بین منابع صرف شده بر روی حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی مستقل. فصلنامه مطالعات حسابداری. سال اول. شماره ۴. ص ص ۷۲ تا ۹۶
- خدادادی، ولی و حاجی زاده، سعید. (۱۳۹۰). تئوری نمایندگی و حق‌الزحمه حسابرسی مستقل: آزمون فرضیه جریان‌های نقد آزاد، پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، سال اول، شماره دوم، ص ص ۷۷ تا ۹۰.
- خواجوی، شکرالله و مهرداد ابراهیمی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر متغیرهای حسابرسی بر احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی،

سال هفدهم، شماره ۶۸، صص ۵۴-۷۴.

رجبی، روح الله و محمدی خشویی، حمزه (۱۳۸۷). هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابداری مستقل. بررسی‌های حسابداری و حسابداری، دوره ۱۵، شماره ۵۳. پاییز ۱۳۸۷، صص ۳۵ تا ۵۲.
رحیمیان، نظام الدین؛ رضاپور، نرگس واختری، حسین. (۱۳۹۰)؛ نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، شماره ۴۵، صص ۶۸-۸۱.

ژولانژاد، فاطمه؛ بخردیننسب، وحید. (۱۳۹۸). تأثیر آنفلانزای شغلی بر کیفیت حسابداری (مورد مطالعه: حسابرسان دارای گرایش مذهبی کم و زیاد). دانش حسابداری و حسابداری مدیریت، ۸(۳۰)، ۷۳-۹۴.
سجادی، سید حسین؛ رشیدی باغی، محسن؛ ابوبکری، عبدالرحمن؛ شیرعلی زاده، محسن (۱۳۹۴)، رابطه‌ی بین حق‌الزحمه‌ی حسابداری و پاداش هیأت مدیره، پژوهش‌های تجربی حسابداری، مقاله ۳، دوره ۵، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۴، صفحه ۳۹-۵۸.

کهنسال، م. ر. قربانی، م. و رفیعی، ه. (۱۳۸۸). بررسی عوامل محیطی و غیرمحیطی مؤثر بر پذیرش آبیاری بارانی، مطالعه موردی استان خراسان رضوی. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال ۱۷، شماره ۱۱۲.
گجراتی، دامودار (۱۳۷۲). مبانی اقتصاد سنجی، ترجمه ابریشمی، حمید، جدول اول و دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

مجتهدزاده، ویدا و پروین آقایی. (۱۳۸۳)؛ عوامل مؤثر بر کیفیت حسابداری مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان، بررسی‌های حسابداری و حسابداری، شماره ۳۸، ۷۶-۵۳.
موسوی، سید علیرضا و داروغه حضرتی، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین جریان نقد آزاد و حق‌الزحمه حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال سوم. شماره ۱۰. صص ۱۴۱ تا ۱۷۳.

واسعی چهارمحالی، مهدی؛ ولیان، حسن؛ عبدلی، محمدرضا؛ صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر فشار روانی شغلی حسابرسان بر کیفیت حسابداری با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی اولین حسابداری برای مشتریان جدید. حسابداری سلامت، ۷(۲)، ۸۲-۱۰۳.

واعظ، سیدعلی؛ بنافی، محمد؛ ویسی، سجاد (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر تخصص حسابرسان بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و حق‌الزحمه حسابداری، بررسی‌های حسابداری، مقاله ۷، دوره ۳، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۵، صفحه ۱۱۱-۱۳۰.

واعظ، سیدعلی، رمضان احمدی، محمد، رشیدی باغی، محسن (۱۳۹۳)، تأثیر کیفیت حسابداری بر حق‌الزحمه حسابداری شرکت‌ها، دانش حسابداری مالی، تابستان ۱۳۹۳، دوره ۱، شماره ۱، از صفحه ۸۷ تا صفحه ۱۰۷.

فرقاندوست حقیقی، کامبیز، هاشمی، سیدعباس و امین فروغی دهکردی. (۱۳۹۳). مطالعه رابطه بین مدیریت سود و امکان تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری، سال چهاردهم، شماره ۵۶، صص ۴-۶۸.

Baqerzadeh, A. (2010). Factors affecting the demand for recreation in forest parks, a case study of Daglar Baghi forest park in Khoy city. *Journal of Agricultural Economics Research*, 2(2). (In Persian)

Bierstaker, J., Wright, A. (2001), "The Effects of Fee Pressure and Partner Pressure on Audit Planning Decisions", *Advances in Accounting*, Vol.18, PP. 25-46.

Chen, K.; Lin L. K. & Zhou, J. (2005). "Audit Quality and Earnings Management for Taiwan IPO Firms.", *Managerial Accounting Journal*, Vol. 20, No. 1, 86-104.

Choi, J.-H., J.-B. Kim, X. Liu, and D. A. Simunic. (2008). Audit pricing, legal liability regimes, and Big 4 premiums: Theory and cross-country evidence. *Contemporary Accounting Research* 25 (1): 55-99.

Cook, E., Kelly, T. (1988), "Auditor Stress and Time Budgets", *CPA Journal*, PP. 83-86.

Craja, P., Kim, A., & Lessmann, S. (2020). Deep learning for detecting financial statement fraud. *Decision Support Systems*, 139, 113421.

Dalia A. Abbass , Mahmoud M. Aleqab ,(2013), "Internal Auditors' Characteristics and Audit Fees: Evidence from Egyptian Firms", *International Business Research*; Vol. 6, No. 4, PP.67-80.

Davidson, R. A. and D. Neu(1993) A note on the association between audit firm size and audit quality. *Contemporary Accounting Research* (Spring): 479-488

DeAngelo, L.E(1981). Auditor independence, " low balling" , and disclosure regulation. *Journal of Accounting and Economics* 3(2):113-127

DeFond, M.L., Wong, T.J., Li, S.H. (2000), "The Impact of Improved Auditor Independence on Audit Market Concentration in China". *Journal of Accounting and Economics*, 28, PP. 269-305.

Du, X., Yin, J., & Hou, F. (2018). Auditor human capital and financial misstatement: Evidence from China. *China journal of accounting research*, 11(4), 279-305.

Forqandoust Haghighi, K., Hashemi, A. & Foroughi Dehkordi, A. (2014). Study of the relationship between earnings management and the possibility of fraud in the financial statements of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Auditing Knowledge*, 14(56): 4-68. (In Persian)

Francis, J.R. & Wilson, E.R. (1988), "Auditor Changes: A Joint Test of Theories Relating to Agency Costs and Auditor Differentiation", *The Accounting Review*, 63(4), PP. 663-682.

Francis, J.R. (2004), "What Do We Know about Accounting Quality?", *The British Accounting Review*, 36(4), PP. 345-368.

Gajarati, D. (1993). *Fundamentals of econometrics*. Translated by Abrishami, H., first and second tables, University of Tehran Publications, second edition. (In Persian)

Gist, W. (1992). "Explaining variability in external audit fees". *Accounting & Business Research*, Vol. 23 No. 89, pp. 74-79.

Hasas Yeganeh, Y. & Alavi Tabari, H. (2003). Relationship between resources spent on internal audit and independent audit expenses. *Journal of Accounting Studies*, 1(4): 72-96. (In Persian)

Hasas Yeganeh, Y. & Azinfar, K. (2010). The relationship between the quality of the auditor and the size of the audit firm. *Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 612: 85-98. (In Persian)

Heckman, J. (1979), "The Sample Selection Bias as a Specification Error", *Econometrica*, 47 (1), PP. 153-162.

- Houston, R. (1999), "The Effect of Fee Pressure and Client Risk on Audit Seniors' Time Budget Decisions", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, PP. 70-86.
- Joolanjad, F. & Bekheradinasab, V. (2019). The effect of occupational flu on audit quality (Case study: auditors with more or less religious orientation). *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 8(30): 73-94. (In Persian)
- Judge, G., C. Hill, W. Griffiths, T. Lee, and H. Lutkepol. (1988), *Intruduction to the theory and practice of econometrics*. New York : Wiley.
- Khajavi, S. & Ebrahimi, M. (2017). Investigating the effect of audit variables on the probability of fraud in financial statements: evidence from companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Auditing Knowledge*, 7(68): 54-74. (In Persian)
- Khodadadi, V. & Hajizadeh, S. (2011). Representation Theory and Independent Audit Fee: Testing the Free Cash Flow Hypothesis. *Journal of Empirical Research in Financial Accounting*, 1(2): 77-90. (In Persian)
- Kohansal, M. R., Ghorbani, M., & Rafiei, D. (2009). Investigation of environmental and non-environmental factors affecting the acceptance of sprinkler irrigation: a case study of Khorasan Razavi province. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 17(112). (In Persian)
- Lys, T. & Watts, R. (1994), "Lawsuits against Auditors", *Journal of Accounting Research*, 32 Suppl., PP. 65-102.
- Maddala, G.S.(1991). *Introduction to econometrics*. 2nd edition, Macmillan, New York.
- Margheim, L. & Kelly, T. (1992), "The Perceived Effects of Fixed Fee Audit Billing Arrangements", *Accounting Horizons*, PP. 62-75.
- Mayhew, B., and M. Wilkins. (2003). The impact of audit firm industry specialization on fees charged to firms going public. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 22 (September): 33-52.
- Michael, Ettredge, and Fuerherm, Elizabeth Emeigh and Li, Chan.(2014), Fee Pressure and Audit Quality. *Accounting, Organizations and Society*, Forthcoming. Available at. *Accounting, Organizations and Society* .39 (2014) 247-263.
- Mojtahedzadeh, V. & Aghaei, P (2004). Factors affecting the quality of independent auditing from the perspective of independent auditors and users. *Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 38: 53-76. (In Persian)
- Mousavi, A. & Darugheh Hazrati, F. (2011). Investigating the relationship between free cash flow and auditing fees in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Quarterly*, 3(10): 141-173. (In Persian)
- Newton, N.J., Wang, D., and Wilkins, M.S., (2013) Does a Lack of Choice Lead to Lower Quality? Evidence from Auditor Competition and Client Restatements, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 32, No. 3 , pp. 31-67
- O'Keefe, T. & Westort, P. (1992), "Conformance to GAAS Reporting Standards in Municipal Audits and the Economics of Auditing: the Effect of Audit Firm Size, CPA Examination Performance and Competition", *Research in Accounting Regulation*, 6 (1), PP. 39-77.
- Palmrose Z., (1988); "An analysis of auditor litigation and audit service quality", *The Accounting Review* (January), pp. 55-73.
- Qasim, M. Z., (2011); "The Effect of Ownership Structure on Audit Quality: Evidence from Jordan", *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 2, No. 10, PP.38-46.
- Rachana, K. & Khan, S. (2016). CEO Financial Background and Audit Pricing. *Accounting Horizons*, 30(3), 325-339.

Rahimian, N., Rezapour, N. & Akhzari, H. (2011). The Role of Institutional Owners in the Audit Quality of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Auditing Knowledge*, 45: 68-81. (In Persian)

Rajabi, R. & Mohammadi Khashooyi, H. (2008). Agency fees and pricing of independent audit services. *Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 15(53): 35-52. (In Persian)

Rani Hoitash, Ariel Markelevich and Charles A. Barragato. (2007). "Auditor fees and audit quality". *Managerial Auditing Journal*, Vol. 22 No. 8, pp. 761-786

Rosenbaum, P. & Rubin, D. (1983), "The Central Role of the Propensity Score in Observational Studies for Causal Effects", *Biometrika*, 70 (1), PP. 41-55.

Saghafi, A. & Motamedi Fazel, M. (2011). The relationship between audit quality and investment efficiency in companies with high investment potential. *Journal of Financial Accounting Research*, Serial Issue (10), Winter, 3(4): 1-14. (In Persian)

Sajjadi, H., Rashidi Baghi, M., Abubakri, A. R. & Shir Alizadeh, M. (2015). Relationship between auditing fees and board remuneration. *Journal of Empirical Accounting Research*, Article 3, Fall, 1(5): 39-58. (In Persian)

Simunic, D. 1980. The pricing of audit services: theory and evidence. *Journal of Accounting*

Talkhabi, F., Nikoomaram, H., Vakilifard, H. & Royaei, R. A. (2017). Examining the stickiness of auditing fees and the impact of tax risk on it. *Journal of Accounting Knowledge*, Article 7, Consecutive Issue 30, Fall, 8(3): 167-201. (In Persian)

Tanani, M. & Nikbakht, M. R. (2010). Testing the factors affecting the financial statements audit fee. *Journal of Financial Accounting Research*, Serial Issue (4), 2(2): 111-132. (In Persian)

Vanstraelen A., (2001); "Impact of renewable Long-term audit mandates on audit quality". *The European Accounting Review*, Vol 10, Issue 2.

Vasei Charmahali, M., Valian, H., Abdoli, M. R. & Safari Garayli, M. (2018). Investigating the effect of job stress on high-quality auditors with an emphasis on the moderating role of the first audit for new clients. *Journal of Health Accounting*, 7(2): 82-103. (In Persian)

Waez, A., Benafi, M. & Weisi, S. (2016). Investigating the effect of auditor expertise on the relationship between transactions with related parties and auditing fees. *Journal of Accounting Reviews*, Article 7, Fall, 3(12): 111-130. (In Persian)

Waez, A., Ramazan Ahmadi, M. & Rashidi Baghi, M. (2014). The Impact of Audit Quality on Companies' Audit Fees. *Journal of Knowledge of Financial Accounting*, Summer, 1(1): 87-107. (In Persian)



COPYRIGHTS

This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.